

تغیر اجناس با کولات و غیره دارا اخلاف مبارکه درین هفته	سات چهار من یک هزار و ششصد دینار السه
بقرار مسطور ذیل است	پنیر شور چهار من شش هزار دینار
کندم ساجیلا یک خوراز نوزده هزار	همه وسط یک خوراز هفت هزار دینار
کندم غریب یک خوراز هفده هزار	همه خوب یک خوراز یک تومان
نان یک خوراز دو تومان و ششصد و پنجاه	ذغال یک خوراز دو تومان و دویست و پنجاه
برنج غنبرو چهار من دو هزار و یک عبا	صابون یک من یک هزار و چهارصد الالا
برنج کرده چهار من دو هزار	بل یک من بیت دو هزار
روغن چهار من نه هزار	میچک یک من دو هزار و پنجاه
گوشت یک من شش عبا	واچینی یک من نه هزار
مرغ یک قطعه ده شای	رغفران ده سیر پانزده هزار
تخم مرغ ده بیضه یک عبا	فلفل یک من سه هزار و دهی
جو یک خوراز یک تومان	زیره یک من دوربال
کاه یک خوراز چهار هزار و پنجاه	زرشک بیدانه یک من دو هزار
سنگد یک خوراز دو تومان و پنجاه	لیموی عمانی یک من دو هزار و پانصد
لوبیا یک خوراز سه تومان	زرشک تبریزی یک من سه هزار دینار
عدس یک خوراز دو تومان و پنجاه	قذارسی یک من شش هزار و صد
ماش یک خوراز دو تومان و دوربال	قدیزی یک من چهار هزار و صد
ارزن یک خوراز یک تومان	بنات یک من چهار هزار و پنجاه
سنگینک یک خوراز دوازده هزار	شکر یک من سه هزار و صد
حنا چهار من دو هزار و ششصد	سکجین یک من سه هزار
کشمش طعام چهار من یک هزار و صد	حلویات یک من چهار هزار
شیره شهد چهار من یک هزار و صد	تباکوی شیرازی اعلی یک من شانزده هزار
پیه که اخته چهار من شش هزار و صد	تباکوی وسط یک من هشت هزار
کنک چهار من یک هزار و ششصد	
شع یک من دو هزار دینار	

سایر ولایات

میرد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در ایام توقف
در دارالعباده یزد تخواهی داده بود که ضریح امامزاده و
شاهزاده فضل را فولاد نصاب سازند درین اوقات ضریح
مزبور با تمام رسیده و بجای خود استوار نموده اند پس
ضریح طولانی و با صفا و جلالت و در تغییرات بقعه مزبور
نیز اهتمام شده و صورت تعمیر گرفته و اسحال جای با صفا
و زیارت از هر جایی زیارت می آیند و بملاحظه آبادی اینجا
به عای دوام دولت جاویدت علیه اقدام نموده
دیگر نوشته بودند که داروغه قصبه اردکان سه نفر
و محاربت بازار آنجا فرستاده بود یکی از رعایا
شب از خانه یکی از خوشان خود بیرون آمده و بجای خود
میرفته است یکی از نایبهای داروغه باو برخورد و خواست
او را بنزد داروغه ببرد مشارالیه از رفتن امتناع نمود
آدم داروغه دست بکلوی او گذاشته بود فوراً آن
جان تسلیم نموده مقرب الخاقان محمد یوسف خان میر
نایب الحکومه یزد بمحض شنیدن یاسول فرستاده و داروغه
مزبور را با آن سه نفر نایب حاضر نموده و بعد از تحقیق
از آن نایبها که حسین نام زرنیت معلوم شده بود که
قاتل است و خود او نیز اقرار کرده بود باینطور که من دست
بکلوی این شخص گذاشتم و لکن منظورم هلاکت او نبود
حکم شرع بقصاص مشارالیه صادر شد و لکن در مقتول
او را بخشیده و مطالب خون بهمانیز نموده اند اما بجهت
تنبیه مقرب الخاقان مشارالیه آن سه نفر تادیب

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان نایب الحکومه
یزد نهایت دقت و اهتمام را معمول دارد در اینکه قسرت
و نقدی و خلاصه حساب بهیچوجه در اینجا اتفاق نیفتد خصوصاً
بنوکر باب ارفیقیل توپچی و سرباز و غیره قدغن کسب
شده است که اگر یکی از آنها دلو کر باب مصدر نقدی و
خلاصه حسابی بشود فی الفور تنبیه کامل از او بعمل آید و بجهت
عموم مالی اینجا دعا گو و شکر گذار این دولت قوی مکن
دیگر نوشته اند که در محله خلف خانه علی من محلات دارالعباده
یزد شخصی عروسی داشته در شب زفاف شخصی بنام
چادر زنا به سر کرده و به جمع انانیه داخل شده و بهلوی
عروس نشسته بود گفته بود که این سوهرا برای تو خوب
نیت من سوهرا بهتر ازین از برای تو پیدا می کنم و ذای
آن شب این کیفیت معلوم و مقرب الخاقان نایب الحکومه
مشارالیه را حاضر کرده و تنبیه مضبوطی از او بعمل آمده است
دیگر نوشته بودند که در نفر قزوینی از شیراز برآمده بوده اند
آقا محمد طاهر نام تاجر قزوینی آنها را در کاروانسرای که حججه داشته
منزل داده بود شبی مشارالیهها تاجر مزبور و دالان دارکار و نهرا را
بجائی خوردن سحجه خودن خواسته بودند و یکی از آنها حججه تاجر قزوینی
غلام او را گفته بود آقای تو در منزل ما ترا میخواند غلام را دستگیر کرده
مجرمی که دو بیت و چهل تومان وجه نقد و قدری اسباب تجارت داشته
بر داشته ورقه بود و رفیق او هم تاجر و دالان دارکار گفته بود که بی فتنه
میروم و بیرون آمده بود در آب راهان تاجر مزبور عرض دادیم
ما مورد نظر باد که دوازده نفری ثلث آنها را آورده و بجا برد و آنها

اخبار دول خاچه

الحکیم

از فرار که در روزنامه اینولایت نوشته
وزرا حب احکام پادشاه بهارت و نیز از که نشانی
رفته بودند که در مصلحت خلوتی اجلاس و قارجمع شدن
خوانین و وکلای رعایا را در مشورتخانه دولتی بنده
کی جمع شوند بعد از اجلاس مصلحت متفق الزامی تسم
برجع الشانی را قرار دادند که خوانین و وکلای رعایا کلاً
در لندن جمع شوند و از جانب پادشاه نیز همین
حکم صادر گردید

در روزنامه سابق نوشته بودند که لاری پارسین از
وزارت استعفا کرده بود و حب احکام پادشاه دوباره
برقرار گردید درین روزنامه نوشته اند که سبب استعفا
وزیر مزبور از شغل خودش این بوده که در بعضی مصلحتهای
دولتی رأی او با سایر وزراء موافق نبود

فرانس

در باب مصاحبه کردن اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
در روزنامه که تازه رسیده است باین منوال نوشته است
که وقتی که دوک ده موزر پسر لوی فلیپ پوتنه رسیده بود
مازنی سینک یک صاحب منصب بنزد او فرستاده
بود که قرار ملاقات فیما بین را بدو وقتی که دوک ده موزر
نزدیک بهار می که مازنی سینک در آنجا بود و رسید
کاملاً نشین خود را فرستاده دوک ده موزر سوار شده
بهارت مزبور بیاید و درین ورود و ملاقات کمال اغراض
و احترام از او بعل آورده بود و در ضمن گفتگو دوک ده موزر
مذکور داشته بود که من از جانب خود و برادرانم بخیر

۱۰۱۶

مازنی سینک بجه القای این مطلب آمده ام که با که اولاد
لوی فلیپ تسم یک سلطنت را در فرانسه قبول و تسم
که سلطنت مازنی سینک است و به بزرگی خود آید تسم
و امید داریم که بزرگ سلسله ما عقیدت باج و تحت سلطنت
مملکت فرانسه برسد اگر چه در بعضی روزنامهها نوشته است
که از صلح کردن اولاد پادشاهان قدیم این مملکت احتمال
نقص وضعی در استقرار و استقلال دولت امپراطوری
ناپلیان میرود زیرا که بعضی اشخاص در فرانسه باین سلطنت
اولاد پادشاهان قدیم آن مملکت مستحق خصوصاً خوانین
قدیم و رعایای زراعت کار و این مقدمه سبب مزید مزاج
آنها میشود و لکن در بسیاری از روزنامههای دول خاچه
که درین باب اشعار شده است نوشته اند که اغلب اگر اهل
فرانس کمال رضامندی از لوی ناپلیان دارند و دولت
او را مستقل و محکم میدانند باین دولت فرانسه و دولت
استریه درین باب گفتگوئی شده است چونکه این
کذا ریش در خاک استریه شده است دولت استریه
در جواب گفته اند که ما باین کذا ریش بخلیت مد تسم
و چیزی نبود که آشکار باشد که ما بتوانیم منع بکنیم و کذا
ملاقاتی بود ما بین اولاد پادشاهان قدیم فرانسه که با هم
خوش بودند و این ملاقات نیز مخفی بود بعد از آن مجبور
بتاریخ پنجم ربیع الاول در شهر پاریس بای تحت فرانسه
مینه و بخار گرفته و هوا چنان تاریک شده بود که تا دو ساعه
بظلمت ماند و در قرقاها چراغ روشن کرده بودند و بعد از
ظهور آفتاب روشن گردید

بروسیه

اهل شورتخانه این ولایت در برلین پای تخت مملکت
بروسیه جمع شده بودند و لکن خود پادشاه بسلام
شورتخانه نرفته بود یکی از خوانین را وکیل خود کرده بود که
فرمایش او را بابل شورتخانه ابلاغ نماید و از جمله فرمایشات
پادشاه بابل شورتخانه این بود که حال که ایامی است که پیش
برسم خوردگی صلح فرنگستان احتمال میرود باید امنای
دولت سعی و کوشش و اهتمام تمام نمایند که در هر قسم اتفاق
که روی بد میآید و آماده باشند و سعی نمایند که صلح
دوستی که مابین دولت است برسم بخورد و در هر نوعی که
اتفاق بیفتد پادشاه بغیرت و شجاعت و حمیت اهل
پروس کمال الطین خاطر جمعی دارد

سویڈ

شورتخانه این مملکت نیز در آخر ماه ربیع الاول در
پای تخت جمع شده بودند و فرمایشات پادشاه
این مملکت هم بابل شورتخانه در همین مواد بود که درین
اوقات که احتمال برسم خوردگی در فرنگستان
می شود تکلیف ما این است که بی تدارک نباشیم و با
مشورت تمام چنان اخراجات بکنیم که قشون مادر هر
نوع اتفاقی که بیفتد مهیا و آماده باشند

احوال استصفره

در مملکت بعد از آن که یکی از ممالک کوچک نیست است حکمران
آن ولایت حکم بکرفتند و از کشتیان بزرگ آنجا کردند
بود و بسبب اینکه دخل و تصرف در امورات دولتی کرده بود
بسی از اشخاص آنجا که غیرشان قبول این معنی را نمیکرد که

کشتی و بزرگ دشتان دستگیر و محبوس باشند
بماغت گرفتند کشتیان و جنگ با چاکران دیوان اجماع
و اقدام کرده بودند ولی در هر طرف چاکران دیوان
غالب آمد هم کشتیان مزبور را گرفتند و محبوس کردند
و هم اشخاصی را که بماغت اقدام کرده بودند و از سایر
ولایات آن اطراف که هواخواه کشتیان مزبور بودند و از
گرفتند آنها کشتیان نیامده بود در میان خودشان پول
جمع کرده و بجهت کشتیان فرستاده بودند

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ میشود
نوشته اند که متر مارش و زیر مقیم از جانب دولت
جمهوری نیکی دنیای شمالی در اسلامبول همراهِ جناب
سفارتخانه و صاحب منصبان کشتی جنی نیکی دنیای شمالی

که در آنجا هستند بجناب علحضرت سلطان رفته بود
که رخصت انصراف حاصل کرده بولایت نیکی دنیای شمالی
نماید و در مقام رفتن متر بران نایب اول خود را کار
بقبشارش و دفتر بجای خود باقامت در اسلامبول معین
کرده و بنا داشت که در آن روز که از اسلامبول بملکت
الطالیاب رود که رستان را در آنجا بماند و چونکه تلخی
مزبور در ایام توقف در اسلامبول هم با انسانی
و هم با عموم خلق آنجا با نهایت خوش فیتاری و
مهربانی سلوک و معاش کرده بود همه کس از رفتن
مشارالیه متأسف بودند

هم درین روزنامهها نوشته اند که فضل بانیر که
در جزایر یونان بسیار کم بارندگی شده و هوا بخیس
گشته بود و از اینجهت اهل آنجا تشویش کم آمدن حاصل

و کرانی آذوقه را داشتند اما در موسم قوس باریک
زیاد شده بود و در هر جائی مشغول کاشتن غله
بودند و از تشویش کرانی سال آینده بیرون آمدند

از حلت نوشته بودند که حاصل پنجه سال گذشته
در آنجا بسیار کم آمده بود چونکه حاصل عمر آن ویت
پنجه است ازین مرحله ضرر زیاد بر عایای آنجا وارد
بود که نوشته از آنکه بجهت کم آمدن حاصل پنجه ضرر زیاد
بر عایای آنجا رسیده و نجاتشان به در رفته بود
فایده فروش و دارند که این قاعده بیشتر مایه نجات
ضرر آنها میشود هنوز مدتی به برداشت حاصل مانده
چنانچه اموال و زراعت حاصل خود را پیش فروش کرده پول
میکیرند چون این تخواه را ششماه پیش میکیرند و
صد تومان چهل تومان بلکه بیشتر نفع پول با آنها حساب
میکنند و در چنین سالها که حاصل بعضی این سبب
سالم فروشی ضرر زیاد با آنها میرسد

از اَصْمِیَه نوشته اند که لشکر کاه روبروی شهر فرورد
پرازشتهای بخارتی بود و ششاد و چهار فرود کشتهای
بزرگ و کوچک بخارتی در آنجا بودند ازین کشتهای فرود
سجده ملک تار دینه و سایر مالک آن اطراف غله
ادویه بار کرده بودند و کشتهای دیگر نیز بودند که بنا
بود بیایند و غله باریک نمایند که آنها را نیز بپای
فرنگستان ببرند و در هر خصوص تجارت آنجا رواج کلی

در شب دوم ماه ربيع الثانی طوفان زیاد در اطراف

اصمیر شده بود و امواج بدستی پر زور بود که اغلب سوار
که در دریا ساخته بودند ضرب امواج کم و بیش شکسته و
خراب کرده بود و امواج در میان کمر کخانه آنجا ریخته
بسیاری از مال تجار تی که در آنجا بود ضایع و نابود گردید
و چند قایق و زورق بهدیکر خورد و شکسته و غرق شد و بود
دکشتیها که در میان آنها بودند غرق شد بدستی کشتی
کشتیهای جنگی دول خارج در آنجا بود یک کشتی که چهل
غاده توپ در میانش بود از دولت فرانسه و دوشی
بهان بزرگی و هفتاد توپ بایک کشتی کوچک از دولت
استرلی و یک کشتی که پنجاه توپ در میانش بود با
کشتی کوچک از دولت پروسیه

استخاصی در اسلامبول تدبیر خوبی کرده اند از برای حمل
آب شیرین بجهت کشتیها که در لنگرگاه آنجا هستند از ویلا
انگلیس یک کشتی که چک آورده اند که با چرخ بخاری
که زور و وارده آب دارد راه میرود و در میان کشتی
که هشتاد هزار آبگیر آنهاست و طول به جهت خالی کردن
و پر کردن حوضهای مزبور نیز در روی کشتی است که آن طول
نیز با چرخ بخار حرکت می کند و این کشتی را میرز بجا
که آب فراوان است و با طول به مزبور حوضهای کشتی را
از آب شیرین پر می کنند بعد می آورند نیز یک کشتی
آب آردا با طول به در میان حوضها یا چلیک و ظروفی
که بجهت آب در کشتیهاست میریزند چو که اکثر اوقات
در اسلامبول در فصل تابستان و پانیز آب کم یا میشود
و باید از جاهای دور بیاورند کشتی که چک مزبور حینی
بکار کشتیها مانده و مخورد و منفعت زیاد هم بجهت صاحب

میکند و بنا دارند که چند فروند اینطور کشتی از ولایت بکلیس
بیاورند که هم آبشیرین بجهت کشتیهایی لنگرگاه است
بیاورند و هم بجهت محلات و خانمانی که در میانزدیک
و این کشتی را که حالا آورده اند تقایم نمایند

در بعضی ممالک فرنگستان اشخاصی هستند که خوردن براب
و عرق و هر چه از مسکرات باشد حرام میدانند و این اشخاص
در ولایت انگلیس و نیکی و نیای شمالی و دینارک بعضی

از ممالک که چک نیست زیادند درین اوقات رعایای
مملکت دینارک جمعیت زیاد کرده و رفته بودند بکارخانها
که عرق می کشند صاحبان کارخانها که مشاهده این جمعیت
زیاد را کردند تشویش نمودند که مبادا خرابی بآنها برسانند

پیش رفته و با آنها پول داده بودند که نزدیک کارخانها
نمایند آنها قبول نکرده بودند و گفته بودند که ما آمده ایم که
مکذاریم ازین شوربای جهنم یعنی عرق بکشید درین اوقات

که غله و سیب زمینی که خوراک خلق است کم یابند و
وضع فتنگی عسرت میکند زانند صاحبان کارخانه عرق
هر چه غله و سیب زمینی بستان می آید میخردند که این آب

ز قوم و دوزخ را که زهر جانکزا حی خلق است از او کشیدند
جمعیت مزبور بهر جا که رفتند آتش کُل کارخانهای عرق کشی
خاموش کردند اما بغیر از خاموش کردن آتش کارخانها
بجز دیگر مطلقاً متوقف نشده و بقدر حبه ضرر و خرابی کارخانها

مزبور ترسانده بودند
ایضا در روزنامه دینارک نوشته اند که یکی از چندین
انگلیس که از برای ساختن راه آهن بجهت تردد کالسکه بخار
بمملکت نازونی آمده بود و دو سال و نیم در آن ولایت بود

درین اوقات چون که کار خود را با تمام رسانده بود
اراده مراجعت داشت در بین توقف این شخص بمملکت
مزبور جمعیت زیاده از فعله و عمل در زیر حکم او بودند چون

همیشه با کمال خوش سلوکی و محبت با آنها رفتار کرده بود
و قتی که میخواست برود اشخاص مزبور یک طرف زرک
کار اعلی از فقره بجهت احترام شارالیه و اظهار رضامندی

خودشان از او با پیشکش کرده بودند
در لندن نیز مکرر هوا چنانچه در پاریس نوشته شد
و بخاک رفته مانند شب تاریک کرده بود چونکه در شهر لندن

ذغال سنگی زیاد میسوزانند در فصل پاییز و زمستان
و قتی که نمد و بخار زیاد باشد دود ذغال مزبور باین بخار
و مه مخلوط میشود و هوای زیاد تاریک و غلیظ می کند و

در روز مزبور که هوای این طور تاریک کرده بود کشتیهایی
در رودخانه زیاده هم خورده بودند و تیرهای کشتی
و چند ذوق که چک نیز عرق شده بوده و این نیز در آنجا

قدری سرد گردیده که مانع تردد کالسکه بخار شده بود
و قتی که هوا سرد می شود و بخی می بندد و جرح آهن بر روی
بخار درست گیر نمی کند و دیر میرود
از سنت بطرز بورخ نوشته اند که تباریخ بیت و همهم

رودخانه نیوه که از پای سخت مزبور میگذرد تمام منجمد
بود و ازین اوقات که رود مزبور منجمد شده است تا
بهار سال آینده رد کشتی متوقف است

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و پنجم جمادی الاول مطابق سال اوین

مذمه صد و شصت

قیمت روزنامه

یک نسخه شاه هر یک

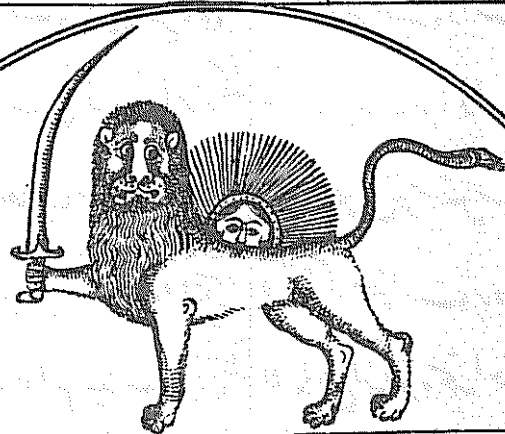
هر تان و چهار هزار

مطبوعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار سطر

بیشتر با هر سطر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چشنبه گذشته که بیستم این ماه بود
 اعلیحضرت پادشاهی غایت شکار که شکارگاه
 کوه سبزه سمت دوشان تپه فرمودند و چون
 شکار چرخه رسم سلاطین قدیم دولت علیه السلام
 و فی الحقیقه تفرج و تماشای خوبی است لهذا تادور و تادور
 و نیز کوه کبک شکارگاه مزبور جمعی از اوقاف
 نظام با طبل و بلبان و غیره و سوار بسیار از فلام و
 و سایر خدام درگاه سپه احتشام اطراف کوه مزبور
 گرفته و هر چه شکار از وحوش و طیور بود پیش کرده
 بفرزاده کوه راندند و از آنجا بطرفی که موکب هایون بود
 سرانیز کردند و اعلیحضرت پادشاهی اولاب و
 از بزرگویی و سایر شکارها و غیره به تفنگ زده شکار کردند
 و بعد از آن تفنگچیان چای یک دست از اطراف بزرگ
 شکارها و سوار بسیار از بزرگویی و سایر شکارها
 و کبک و غیره زده بعضی حضور هایون آوردند و
 مورد انعام لکوانه گردیدند و موکب هایون بعد از
 فراغت از شکار و تفرج شکارگاه مزبور وقت غروب
 افتاب بارک مبارک سلطانی و موقلطف عظمی
 مراجعت فرمودند
 درین اوقات باقتضای رای جهان آرای هایون
 شایسته ای امر خطیر حکومت مملکت خراسان
 و ما نفع مالی بنواب هزاره و الا تبار فریدون
 و ما نفع را و امر حلیل پیشکاری آن مملکت بضمیمه
 متولی باشیکری سرکار فیض آثار علیه التحیه و السلام
 بموجب فرا این هایون بعهد و مقرب اینها قان
 میر افضل الله وزیر لطف م سابق اذربایجان
 مرحمت و مفض و خلعت آفتاب طلعت نمایان
 نیز در ازای حکومت و پیشکاری هر یک از نواب
 شاهزاده و مقرب اینها قان شایسته غایت
 و اعطا کرده و این اوقات حسب الامر اقدس
 اعلیحضرت پادشاهی از دربار جهاندار بجل حکومت
 و اموریت روانه خواهند کرد

۱۰۲۰

نظر بطور محبت و التفات ملوکانه در باره مقربان خان
حین خان نظام الدوله درین اوقات یک ثوب
جبهه ترمه سفید از جانب سنی ابجانب اقدس هایلین
برسم خلعت بافتن مقربان خان مشارالیه
و عنایت کردید

نظر بخدمت مرحوم محمد رضا خان فرانسی و رعایت
اولاد و باز ماندگان او درین اوقات در حق هر یک
از قرائت تفصیل ذیل منصب خلعت محبت کردید
عالیجاه عبداللہ خان منصب سرهنکی قورخان مبارک
سرافراز و یک طاقه شال کرمانی برسم خلعت مشارالیه
کردید

عالیجاه محمد حسن خان منصب غلام پیشخدمتی سرافراز
و یک طاقه شال کرمانی نیز برسم خلعت با و عنایت
کردید

عالیجاه میرزا حسن منصب سر رشته داری و دستیار
سرافراز و یک طاقه شال کرمانی برسم با و خلعت
محبت

عالیجاه رضاقلیخان و در مدرسه دارالفنون تحصیل علم مینماید
برقرار و یک طاقه شال کرمانی برسم با و محبت کردید

عالیجاه میرزا علی بیگ سر مرحوم میرزا احمد خان برسم بلا حلقه
خدمات با عطای یک طاقه شال سرافراز کردید

عالیجاه امیر اصلاخان سر کرده سواره جسته که با هزار نفر
سواره ابو ابجعی خود را مبر خدمت خراسان بودند درین
اوقات که اخبار در بار هایلین شده بودند وارد

دار اسخلاف مبارک که گردیدند و لشکریان عظام
سان آنها را دیده و بلا حفظ خدمات و زحمات آنها
حسب الامر اقدس هایلین یک هزار تومان نقد از خزانه
عامه برسم انعام بسواره مزبوره التفات شده و خود
عالیجاه مشارالیه نیز شرفیاب حضور هر ظهور خست و آن
و مورد نوازشات ملوکانه گردید

چون کوچه های طهران بسیار تنگ و کیف مستند و احتمال
میرود که همان عفوشت کوچه های عفوشت هوای شهر و با
حصول امراض مذمنه شود لهذا اولیای دولت علیه محبت
ملاحظه این معنی قرائی درین باب داده حکم خویش فرمود

که اولاً آن کوچه های که بسیار تنگ هستند در هر جا که ممکن
باشد وسیع نمایند ثانیاً کثافات حبس کوچه ها را
کرده سنگ فرش نمایند که همیشه پاک و منقح باشد
خصوصاً فصل خزان که اگر کوچه ها سنگ فرش شده باشد

کثافت و کل کوچه ها بسیار کم خواهد شد و عبور مردم
خالی از زحمت و مشقت خواهد گشت

چند شب قبل از خانه حاجی عبدالکریم قندلری در محله
بازار از قرائت تقریر آنها که در خانه مزبور بوده اند بسیار زیاد
سرفت شده بود صبح بعالیجاه میرزا رضا که خدای محله
مزبور خبر داده بودند و مشارالیه رفته ملاحظه نموده بود
و پائی بخارج ندانسته و معلوم نموده بود که از خارج کسی

بآنجا نیامده بعد از دو روز خواسته بود آدمهای مشارالیه را
آورده حبس نماید که اموال مسروقه را پیدا بکنند حاجی عبدالکریم
برادر او ضامن نوکرهای او شده بود که یک سبب بآنها
محبت داده شود اگر سباسب مسروقه پیدا شود ان شاء الله

آنها را حبس نماید شبانه اسباب سر و قه را خلاصه
 بخانه مزبور انداخته بودند و اشیاء سر و قه پنج ساعه
 آنجا خود بکده هذا سیاه داده بودند بود که خود اهل خانه
 خبر نداشتند و کمان کرده بودند که در صند و قهای دیگر
 و نبرده اند

و هم چنین جانمخ خان قنداری مذکور نموده بود که
 آمده و دیوار اطاق را سوراخ کرده و نقد و جنتی سبقت
 برده اند عالیجاه میرزا رضای که خدایه ملاحظه نموده
 که پشت دیوار مزبور طویله خود را به مشارالیه بوده و مالها
 او در آنجا بسته بود آدم او را گرفته و بعد از تحقیق و رسیدن
 نقد و جنس سر و قه در نزد آدم خود عالیجاه جانمخ خان
 برده است تمام و کمال از او استرداد و به صاحب تسلیم

سار و لایات

استرآباد از قرائیکه در روزنامه اینولایت
 نوشته اند عالیجاه مقرب الخاقان محمد و لیجان بیکری
 استرآباد با جمعی از غایب که منصوره سبجه انتظام امور
 طایفه کوکلان و میوت در یکمتری استرآباد نزدیک ناوچه
 ترکمانان مزبور اردو زده است و راههای آنجا درین
 بسیار امن است که یک نفر و دو نفر خالی از شوش عبور
 مرور می نمایند و احدی از ترکمانان جرئت دست انداز
 ندارند و ریش سفیدان ترکمان نیز نزد مقرب الخاقان
 مشارالیه آمده و بعبایت این دولت قوی کنت پایدار
 مستظهر و امیدوار و اظهار کمال طاعت و التیقا نموده
 و بکفر نوشته بودند که در استرآباد چند وقت پیش ازین

شدید باریه و هوا بشتی سرد شده بود که اکثر درختهای
 نارنج و لیمو و غیره را چه برف گشته و چه سرما زده و خالی
 کرده است و در شب میت و ختم ربيع الثاني ساعت
 طلوع صبح مانده زلزله در آنجا اتفاق افتاد اگر چه
 مردم آنجا وحشت زیاد کرده بودند ولی یک حرکتی
 نبود و خرابی بجائی نرسید و کسی تلف نشد

خراسان

از قرائیکه در روزنامه اینولایت نوشته اند
 سرحی که از رؤسا و محترمین خراسان است اگر چه
 خودش خدمت نواب استطاب نبرده و الاعتبار
 نرسیده بود ولی هنگام عبور قشون دولتی بطرف مرو
 منتهای خدمتگذار برانست بجا که منصوره بعل آورده که
 و سیوریات زیاد از خود بقشون مأموره داده بودند
 سر کردهای عا که منصوره از طرز حرکات و حرکتکاری آنها
 بسیار اظهار رضامندی کرده بودند و نواب مغزی لیس
 نظر بر اسم خدمتگذاری مشارالیه یک قبضه شتر علف
 طلا بجهت او فرستاد و بافتات اولیای دولت علیه
 ساخته بودند

از قرائیکه نوشته بودند طایفه یول اتن که در پنج فرسخی مرو
 دارند و وقت رفتن قشون مأموره بهر و کمال خدمتگذاری
 آنها بعل آورده بودند و از خودشان کدوم وجود و بونجه از
 هر یک بقدر هزار بار و دو بیت ریس کو سفند مبر و فرستاد
 بودند و پانصد نفر سواره و پانصد نفر پیاده
 نقشه چینی رسم روانه کرده بودند که بقشون مأموره
 ملحق شوند

یک روز و یک شب برف شدید آمده است بطوریکه در شهر بقدر نیم ذرع بلکه بیشتر برف زمین آمده است و در بلوکات و سیلا قات زیاد تر با آنکه بعد ازین برف هوا صاف شده و آفتاب تافتا باز ناسه روز با وصف آفتاب بطوری هوا سرد و یخ بندان شدید بوده است که ناسه روز جمیع باران و کاکین را بسته بودند و احدی قدرت و طاقت بیرون آمدن و کار و کسب نداشت است از جمله و نفر از کرهنای بازار که در بازار خوابیده بوده اند از شدت سرما سیاه گردیده بودند و هم چنین دو نفر طفل که استادان شان آنها را بکار واداشته بودند از سرما بی طاقت شده و دوستان از کار مانده بودند بعد از آنکه آنها را اینجا آورده و گرم کرده بودند تلف شده اند و اکثر شیشهای آب لیمو و سرکه و کلاب و غیره با آنکه در جاهای محفوظ بوده اند مگر پنج بسته شیشه فروخته و آن در شیشهها بوده ترکیب همان شیشهها منجمد شده بودند حتی در خانهای تجار نوشته بودند که سه چهار آفتابین که آب داشته اند بطوری یخ بسته بودند که طرف آنها سه چهار پارچه شده بود و هم چنین از حول و حوش شهر نوشته اند که سرما در اینجا بیشتر ظهور داشته است بطوریکه آدم و اکثر غیره هر چه در راه بوده اند اغلب را سیه و تلف شده اند و در بافتی بقدر سه هزار و در آن کان بقدر یک هزار و رس کو سفد از سرما تلف شده اند و دو نفر هم در قره نیت نامک دچار کرک شده و کرک آنها را پاره کرده بود با جمله سال در آن صفحات هوا را بسته هر چه تا سرگردان بود

از قراریکه نوشته بودند چند پیش ازین قافله از بخارا وارد مرقوده بود و درین اوقات از مرقوده حرکت کرده بودند که بارض آفس بیاید سواره قره یابی خبردار شد سر راه قافله را گرفت بودند و ثت بارشتر آنها را غارت کرده بودند خبر قبضون و سواره مانوره رسیده بود فی الفور بر سر سواره مرقوده تاخته شت نفر شتر را با بارش از آنها هاست داد و بقافله رسانیده وجود مراجعت کرده بودند

و یک روز از قراریکه در روزنامه مشهد مقدس نوشته بود چند پیش ازین هوای آنجا سرد شده بود سجدیکه چند نفر از شدت سرما تلف شده بودند از جمله نوشته اند که هفت نفر از شهر بیرون رفته بودند که شاید از زیر برف قدری بهیمه بیاورند تخمیناً فرسخ از شهر که رفته بودند سرما آنها را پچال کرده مراجعت نموده بودند و سه نفر از آنها در وقت مراجعت از صدمه سرما وفات کرده و چهار نفر آنها هم که خود را بشهر رسانده بودند یک نفر شان در شهر از همان صدمه سرما تلف شده بود و هم چنین نوشته بود که قافله که از نیشابور می آمدند سه نفر آنها از شدت سرما تلف شده بودند

مرور

از قرار روزنامه این ولایت که در غره اینجا نوشته است که هوای آنجا تا چند روز بشتی سرد شده است که پنج کس از پیر مردان و معمرین چنین سرما را نجا می بینند

اجبار دول خارج

انجلس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید

و هم ربيع الاول بود و نوشته بودند که که تک ده پراست
و بعد دولت بلر که باز و جاش بدین پادشاه
انجلس آمد و مدتی در آن ولایت اقامت داشتند و در
ششم ماه ربيع الاول از لندن بیرون آمده بودند که بولنا

خود مراجعت نمایند

دیگر نوشته بودند که کانت و لوئیکی سفیر کبیر از جانب
اعلیحضرت امپراطور فرانسه مقیم لندن که چند وقت بود
بپاریس رفته بود درین اوقات بلندن مراجعت کرده

فرانسه

در فصل پانز پاریس در مملکت فرانسه بجهت کاشتن
تخم پانیزه هوا بسیار خوش و مناسب گشته و در
جائی تخم زیاد کاشته بودند و بعد از اتمام کاشتن
تخم پانیزه رعایای زیاد بسیار از ما و قصبات و بلوکات
شهرهای فرانسه می آمدند و داد و ستد غله در آن ولایت
فراوان می شد و غله هم که از خارج به بنادر
فرانسه آورده بودند بسیاران ولایت رسیده و بفروش
رسیده بود و این جمیع باعث مزید الطمان امانی آن ولایت
گردیده و در اکثر جایهای آن ولایت زرخ غله رو بتزل بود

در باب شتی کردن اولاد پادشاهان قدیم فرانسه نوشته
که والدۀ نوه لویی فلیپ که کانت ده پاریس میباشد
وقتی که درین باب با و مصلحت کرده بودند گفته بود که من
صغیر است و لکن کم مانده است که کبیر بشود من حالا یونان

جواب این مطلب را بدستم و لکن از قراریکه میدانم هر وقت
بپس من کبیر بشود و اختیارش بدست خود رسیده
سجده مت نری سینگ خواهد رفت

در کشتی ساز خانه که در بعضی شهرهای کنار دریا در مملکت
دارند درین روزها دو کشتی بزرگ تازه ساخته و آب
انداخته بودند و در شهر بزرگ نیز یک کشتی دیگر که جای
صد عراده توپ دارد با آب انداخته اند و چرخ بخار
رؤر ششصد و پنجاه اسب دارد و اسمش انی بال است
و در شهر طولان نیز کشتی که جای صد عراده توپ دارد
تمام کرده اند و اسمش فلاروس است و بچرخ بخار مجهز
و در کل اعمال کشتی ساز خانه و قورخانه ها کاریا
میکردند

سنگی و نیای شمالی

تاریخ کاغذ آخر که از شهر نیویارک سنگی دینار رسید
بیت و چهارم صفر بود و نوشته اند که آتش بشهر نیویارک
افتاده بود و در دو جا در یک جاش باب خانه سوخته
بود و در جای دیگر نه باب خانه و دولت هزار تومان
سجابه پول ایران اموال مردم در سوختن این خانه ها
تلف گردیده بود

احوال است مفرقه

از اسکندریه مصر در ماه صفر نوشته بودند که چون در کشتی
مالک سمت جنوب فرنگستان امسال غله کم آمده بود
و کشتیها از فرنگستان بمصر می آمدند و غله زیاد بار کردند
از آنجا میبردند چاکران دیوانی مصر تشویش کردند که اگر
آن ولایت غله کم یاب بشود قدغن کرده بودند که غله از آنجا

سجای نبرد تجار معین اسکندریه از جد و این حکم چون
بسیار متضرر میشدند پاشای مصر عرض کردند که قرار بند
غله که تجار خریده اند و در انبارشان موجود است اذن
بیرون فرستادن داشته باشند و درین باب این
دولت چند بار مشورت کردند آخر الامر پاشای مصر
داد که غله که در خود اسکندریه دارند بیرون بفرستند
و لکن قدغن کرده بود که من بعد غله بجهت خارج فرستادن
از مصر با اسکندریه که کناران مملکت نیارند تا مانع
صدور این حکم هر کشتی که غله بار داشت و داخل محدودیه
شده بود اذن داده شد که با اسکندریه بیاورند
بعد از آن قدغن شد که کشتیها که بارشان غله است
بهر مزبور داخل نشوند

در ساختن کشتیها در فرنگستان و در یکی دینای
درین لها زتی زیاد کرده اند در قدیم کشتیها را بکرب
مرغابی می ساختند آنوقت تند رو نبود و وقتی که دریا
موج میکرد کشتی با امواج بالا میرفت و پائین می آمد
حال کشتیها را دراز و باریک می سازند بکرب
و بزور چرخ سنجار که دارد امواج را می شکافد راه میرود
و کشتی سنجار که درین ایام می سازند مثلاً دوزخ بلکه بعضی
نود دوزخ طول دارند سابقاً کشتی سنجار که بدینا میرفت
بروی سم بیشتر از ساعتی سه فرسخ مسافت طی میکرد
اما در این اوقات چنان ساخته اند که در سفر هزاره
پانصد فرسخ در هر ساعتی پنج فرسخ مسافت طی کرده است

در بعضی راههای نزدیک بشهر پاریس میلهای آهنی
مانند این که در راه آهن بجهت تردد کالسکه بجا میکنند
و کالسکه بروی او گذاشته اند و لکن در عوض چرخ
و داس بجا که منور بسته اند چونکه چرخ که در روی
میل آهن حرکت بکند بسیار آسان میرود و داس بجا که
بزرگ را که پشت و پنج نفر در آن می نشیند راه میرود
و بسبب اینکه این کالسکه خرج دو داس و یک آدم
ندارد و این اخراجات بسیار کم است لهذا پولی که از
بجهت نشستن در کالسکه منور میگیرند مبلغ جزئی قرار داده اند
در شهر پاریس بعد نیم فرسخ ازین راه را ساخته اند
و در آن راه کار میکنند و چونکه منفعت میکند گمان دارند که در
جایهای دیگر پاریس نیز این راه را ساخته و متداول
نمایند و در نزدیکی شهر لندن نیز بنا دارند اینطور را بنمایند

اکثر کشتیهای تجار تیر و راه بالا از چو دن می سازند
اینکه چو دن نسبت بچوب خربش بسیار کمتر است
میتوانند از چو دن کشتی دراز تر سازند اما کشتی که
خیلی طول داشته باشد از چوب ساختن بسیار مشکل است
در خصوص ساختن کشتی بطرح نوهند سین کشتیهای
در شهر لندن جمع شده اند و در آنجا کشتیها
که بچوب محیط اطلنیک که محبش از همه دریایا بلندتر
و بیشتر است سفر کرده بودند موهجای بزرگ که در ربع
ارتفاع صد و چهل دوزخ طول است در آنجا دیده بودند
و معلوم شده بود که هر چه کشتی دراز تر باشد بجهت
شکافتن امواج بزرگ بهتر است
شخصی در مملکت انگلیس سبابی ساخته است که بجهت
راهها و کندن سنگستان و کوهها بسیار بکار میخورد

کال که بخار اگر راه زیاد ارتفاع داشته باشد نتواند
کار بکند و در بعضی جاها لابدند که کوه را بشکافند که بین
هوار و سطح باشد و شکافتن کوها بابل و کلنگ و
بار و ط و غیره اجزای زیاد داشت و بسیار مشکل بود
حال این شخص چرخ ساخته است که کوه و سنگ را
سختی که باشد شکافد و چهار ذرع و نیم قطر اسوارخ
می کند و در هر دو ساعت نزدیک بیک ذرع پیش
با چرخ بخار کار می کند و چنان فر آدم می خواهد که چرخ فر ببرد
راه ببرد و شبانه روز به کار می کند معطلی که دارد در آن
که باید بعضی اوقات اسباب آن که از تراشیدن
سنگ کند و شکسته می شود عوض کرد و تیر نمود و
در ولایت انگلیس خوب امتحان شده است
در جزایر قبرس و رودس و سایر جزایر یونان آن سمت
چون غلبه سبب آنکه در آنجا زیاد از آنجا بخار می آید
کم یا باشد و بود قدغن شده است که بعد از این از آن
جزایر غلبه بخار ببرد در جزیره قبرس جمع شده
و اعتشاش نیز کرده بودند و لکن چاکران دیوانی رزق
نابره اعتشاش خاموش کردند و خلق در آنجا ترسیده
بودند که غله کم یاب شود و تنگی بکشند جمع شده بودند
که کم دارند غله بخار ببرد در فصل پائیز نیز هوا خشکی گذشت
و باد تنگی درستی نشده بود و باین سبب تشویش
خلق در باب محطی زیاد بود بعضی از جزایر کوچه یونان
که غله بحد کفاف خلق در آنجا به لعل نمی آید و باید از
خارج بخزند ازین سبب بسیار تنگی کشیدند چه که نتوانستند
بودند سبب این قدغن از سایر ممالک نزدیک غله

بیاورند حال آن داده اند که بخار بر مژده غله که لازم باشد
از سایر ولایات آن اطراف که نزدیک است ببرد
یک نفر سیاح که روزنامه سیاحت خود را نوشته است
درین روزها بخار بر مژده غله که لازم باشد
دخمه بسته بود که گویا در کل دنیا دخمه باین بزرگی نبوده باشد
و از قرار یک نوشته بود ما ندانم ششم هاد و شود بود و طاق
و ستون و اطرافها و غیره داشت که همه در زیر کوه مانده
بود و از زمین که در روی دخمه فر ببرد بود معلوم می شد
که زلزله او را در زیر خاک کرده است بطوریکه در ایام
طوفان حضرت نوح که کل کره زمین را آب گرفته بود
آب بآنجا نرسیده بوده است و ما ندانم شهر بزرگی بود
که در شنائی آفتاب و ماه و ستاره و غیره در او نبود
باشد و در قوه هیچکس از اهل این زمان نیست که طاق
و ستون و بالاخانها و بیوتات بآن طو ببارد
در شهر پاریس خانها آتش گرفته بود اگر چه لفظ
آتش خاموش کن که در آنجا بسیار جایک و ما هر
هستند رزق جمع شده بودند و لکن با جمع شدن آنها
هفت خانه توبرک سوخته بود
در روزنامه سابق نوشته شده بود که در یکی از
کوچه های پاریس که بعد از این می نامند گیشان را می گرفتند
و حبس دیوان می کردند سببش را درین روزها
نوشته اند که باین کیش بزرگ آن ولایت و چاکران
دیوانی بچینی شده بود و آن کیش دولت را نفرین

کرده بود و حکم بکشتن کرده بود که در وقت نمازگاه دولت را تفرین نمایند و کیش که دولت را تفرین میکرد چاکران دیوان اورا گرفته حبس میکردند و چون بعضی جابها خلق میخواستند که از آنجا که چاکران دیوان کیش را گرفته محبوبس نمایند این مرحله باعث افتقارش خلق آنجا شده بود

در روزنامه احمیه نوشته اند که درین روزها در اسلامبول بسیار پول قلب در میان خلق رواج بود نظام صبطیه اسلامبول نامدی نتوانستند تحقیق این مطلب را نمایند که این پول قلب از کجای می آید و در کجا ساخته میشود تا آنکه معلوم شده بود که مردمی که این پول قلب را میزدند در جزیره سیریه که یکی از جزایر کوچک یونان است بودند و ایلمچی یونان که در اسلامبول بود مراتب را به پادشاه یونان عرض کرده و پادشاه حکم کرده بود که در آنجا تجسس بکنند خیلی جستجو کردند و بار اول کسی را پیدا نکردند و لکن سچا در اسلامبول این پول قلب را بخرچ می دادند و رواج میکرد دستیکه و محبوبس کردند و بار دیگر که در جزیره سیریه جستجو کردند چند نفر دست آورده حبس کردند که تحقیق شود یکی از آنها با اسلامبول رفته بود و سبب رفتن اورا نتوانستند که آشکار نمایند لکن داشتند که بجهت رواج کردن پول مزبور رفته باشد چنانکه معلوم میشود حال سال است که این پول قلب را در جزیره سیریه میزنند و این پول بسیار زده و بخارج فرستاده اند و باعث ضرر زیاد در میان خلق شده است

ایضا در روزنامه احمیه نوشته اند که شخصی بکوشش این

رفته و چند نفر بدو خود جمع کرده و بنای دزدی و چاقا گذاشته بود چاکران دیوانی آنجا بقبشار اید رفته بودند که اورا بگیرند چونکه عرصه را تنگ دیده بود بنزد چاکران دیوان پنجم فرستاده بود که از او دست بکشند و از آنجا که بناداشت که بنزد یکی احمیه برود باز چاکران دیوان اورا تعاقب کرده بودند که بگیرند شب خودش و همراهانش دو روز و یک کوچه از ماهی گیرها در دیده و از آنجا بنزد یکی احمیه رفته بودند پاشای احمیه مطلع شده و آدم عقب آنها فرستاده بود که آنها را بگیرند

گفتگوی مابین عمه جات و صاحبان کارخانهای بعضی شهرهای انگلیس باز در میان بود و ضرر کلی بهر دو طرف میرسید و لکن بر سر خوردگی و افتقارش در میان شده بود در بعضی شهرهای مملکت ایرلند خصوصاً در شهرهای کارک و لوختیش سبیل آمده و آب در کوچهها بالا گرفته از رودخانه زور آورده بود که در کوچههای شهر زورق کاه میکرد و دو ذرع آب در کوچههای شهر بالا آمده بود و اطفا محتانی وزیر مینستی خانهای آنجا همه در زیر آب مانده بود و بجهت مردمی که در بالا خانهای آنجا مکن داشتند نان و ادویه و غیره بزورق گذاشته برای آنها میبردند و لکن ازین سبیل بیشتر از یک خانه در آنجا خراب نشده بود و نصف پل رودخانه که از شهر مزبور میگذرد نیز خراب شده بود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه دهم ماه جمادی الثانی مطابق سال او دهم

نمبر صد و شصت و یک

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهه

هفت نسخه یک ساله

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط چهار خط یک روز

پنجاه خط یک ماه



اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه گذشته بوقت کت و تفریح طواف دارالخلافه مبارکه سوار شدند و چون درین اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف نهایت خوبی و اعتدال را بهم رسانده است موکب هایون تا نزدیک غروب آفتاب بتفریح و کت اطراف دارالخلافه مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب مبارک مبارکه سلطانی و مقدر سلطنت عظمی بمبارک فرمودند

در شب جمعه هفته گذشته طوفان و رعد و برق در دارالخلافه مبارکه شدت کرده و بعد از آن مکرک بایط بطوریکه درین سنوا کتر این طور مکرک بدارالخلافه مبارکه آمده بود و دانه مکرک به بزرگی فندق بلکه درشت تر بود شبها و پنجره های اطاقها که بست غریب باز می شدند بسیار پراشیده و در بعضی جاها دیوارها از شدت باد و مکرک خراب گردید ولی چون شب بود از دیدن حیوانات نرسید و شنید نشده است که کتی ایسی

رسیده باشد و نیز سمجه اینک در شب این مکرک بایط در اطراف دارالخلافه خصوصا در کوچه های شمشیر آتش مکرک پنج بست و اگر روز بود احتمال سیل و خرابی میرفت و مکرکی که در شهر بارید در بعضی جاها که آفتاب کبر نبود تا سه روز دوام کرده بود که سقایان جمع کرده بجای یخ و برف مصرف میکردند

چون نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مویده الله طهاسب میرزا حکمران مملکت فارس در اشطام ام مملکت فارس و کرمیرات و بنا در ات آنجا تمام کافی و سعی وافی بعمل آورده و مراتب استقامات نواب معزی الیه مسعود خاطر اقدس هایون پادشاهی و امنی دولت علیه گردید لهند درین اوقات نظر بطور مرحمت لمو کانه در باره نواب معزی الیه یک قطعه نشان امیر تومانی با حایل مخصوص این بره و یک ثوب حبه ترمه برسم خلعت از جانب سنی ابجانب حضرت اقدس هایون پادشاهی با عازاد افتخار نواب معزی الیه غایت گردید

امورات قشونی

افواج قاهره نظام متوقف دارا بخلاف مبارکه درین وقت
که هوا خوش گردیده است همه روزه در میدان مشق خارج
در وازه دولت مشغول مشق نظامی ستند و صاحب منصبان
افواج قاهره معین کمال مراقبت و اهتمام در مشق و انتظام امر
آنها دارند

و هم چنین سوار نظام نیز همه روزه استمرار در میدان
خارج در وازه دولت مشغول مشق میشوند

فوج دوم و فوج چهارم تبصری را درین اوقات مکرر
عظام سان دیده و موجب آنها را حب الامرهای یون
در اطاق نظام دادند

عالیجاهان مادی خان سرب فوج تربیت ویشاوری و
سربنک فوج تربیت با اتفاق نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان مأمور
و این روزها در خدمت نواب معزی الیه روانه مقصد شدند

اعلانات

اموال متروکات موسیوز طی صاحب منصب مندرک
که چند وقت پیش این فوت شد در روز سه شنبه
ایند که هفتم ماه جمادی الثانی است بقاعده هراج
در خانه که منزل خودش بود نزدیک بدر وازه فروین
فرجسته میشود و ابتدای هراج دو ساعت قبل از ظهر
روز مزبور است

سایر ولایات

از پایچان درین هفتة اخباری از آذربایجان
نرسیده است که در روزنامه نوشته

مازندران

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند
رستان امسال در آن ولایت نیز بارندگی زیاد شده
و برف بسیار آمده و هوا بشتی تا چند روز سرد
بوده است که اکثر درختهای نارنج و لیمو و سایر گیاهات
سرمای صایع کرده و راههای مازندران بست
همه جاتا مسخر حصار برف سنگین بوده و در گردنه فیروز
چند نفر مکار برابا چند رس قاطر سرما و بوران
کو لاک تلف نموده بوده است

قسم

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند
و از دهم ماه گذشته عالیجاه مظفر الدوله سردار
سلطانعلی خان که از دربارهای یون حضرت انصار
حاصل کرده از راه یزد و کرمان روانه قندهار بود و در
قسم شده و عالیجاه مقرب انخاقان ذوالفقار خان
کمال احترام از او بعل آورده و جمعیت زیادی از کسبه
اصناف و نوکر با استقبال او فرستاده بودند و بعد
وارد شدن با آنجا برای تهنیت ورود چند مجسمه شیرینی
نمزل او فرستاده و خود هم بیدین اورقه بودند و
سیورات او را نقد و جنس موافق حکم اولیای
دولت علیه بطور شایسته رسانده بود

دیگر نوشته بودند که در پانزدهم ماه گذشته حجاج
که از دارالامان قسم زیارت بیت الله الحرام
بودند یکی صحیحاً و سالماً با وطن خود برگشته

دیگر نوشته اند که عالیجاه مقرب انخاقان ذوالفقار خان

در رفاه حال رعایای آنجا نهایت اهتمام معمول
دارد و هم چنین در حسن حکومت و روانی محبت
با مأمورین دیوان که از آن ولایت میگذرند کمال
مراقبت را بعمل می آورد و مالی آنجا زیاد و شاکر و
و عاکوی این دولت قوی مکتب پادشاه و خصوصاً سبب
تحقیق که بجهت شکستگی احوال و نقص زراعت آنها از
دیوان اعلیٰ حجت شد است

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش ازین شب غایب
شده که را با دو خانه دیگر و بسیاری دزد زده و قدح
اسباب از آنها سرقت کرده بود و شخص مزبور دار و نه
خبر نموده و دار و نه متفحص اموال سر و قدح آدم با ط
فرستاده بود و در بیرون شهر آدمهای دار و نه طفلی را
ویده بودند آن طفل از آنها جو یا شده بود که عقب چه
میگردد گفته بودند که عقب دزد آمده ایم آن طفل گفته بود
که در خرابه که درین نزدیکی است شخصی بچه رختی در کار
می بند و آدمهای دار و نه رفته بودند او را بگیرند آن شخص
بچه رخت را در هانجا انداخته و خود فرار کرده بودند آنها

اسبابها را بداشته بنزد دار و نه آورده بودند و
طافه شال بوده است که در نزد شیشه که مزبور بگردد
بوده است و بعضی اسباب دیگر که مال همان شیشه
و متاسی که او بوده است همه را بصاحبان تسلیم کرده

فارس

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند که
مستطاب بنزاده و الا بتا رموید الدوله طهاب میرزا
حکمران مملکت فارس که بجهت انتظام امور که مبررات رفته

بودند درین اوقات در صفحات لایمپاشند و
عالیجاه حاجی محمد حسین خان هم که در جزیره مزبور بود
این اوقات از آنجا به بندر آمده و از آنجا سجدت
معرفی الیه آمده بار و ملحق گشت

دیگر نوشته بودند که عالیجاه مقرب انخاقان عبداللہ خان
صاوم الدوله فوج خود را با کمال نظم و انضباط راکه
که بهیچوجه از احدی از احاد سر باز در آن صفحات خلاف
قاعده ناشی و صادر نشده است ولی از فرار یک نوشته بودند
بسیار است سرماعی من ایشیر از چهار نفر از سبب رفته اند
و چند نفر هم با ایشان مجروح شده بود که در شیرانجا
میرد

از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند چند وقت قبل ازین
اموال شخص صرافی را برقت برده بودند عالیجاه میرزا کوچک خان
پیشکا حسب حکم مقرب انخاقان محمد یوسف خان سرنیا سبک
قیمت از اشتهاد بک تومان از خود داده و از دار و نه و کد خدا
التم گرفته بودند که اموال سر و قدح را پیدا نمایند و از آن
تاجیر برده بودند بیت آمدن و مال تاجر سر و قدح را تسلیم و آنها را حبس
که شاید مال صراف هم در نزد آنها بر زمین اوقات یا چه از مال صراف
و دست طفلی دیده بودند عالیجاه میرزا کوچک خان و دو نفر بزرگی که کان
آن طفل بودند گرفته با آن دو نفر رقی قزوینی که حبس بودند حاضر
قد عن نموده بود که اگر اسباب مال صراف پیدا نشود چهار نفر
سیاست خواهند شد شبانه اموال صراف را تمام و کمال
آورده در شارع عام بخت بودند صبح صراف مزبور را حاضر
کرده و مال او را بتمام تسلیم نموده بود ولی سارق اموال
مزبور هنوز معلوم نشده است کتیت

سبب بسیار فایده بخشیده است و لکن در بعضی شهرها

که جمعی ایشان زیاد است پاک نگاه داشتن هر جانی بطوری که لازم است پاکیزه نگاه بدارند بسیار مشکل است

وزیر مختار دولت انگلیس که سی و هفت سال مقیم مملکت فرانسه بود

حساب آنحضرت خودش درین روزها بولایت انگلیس مراجعت کرده است چونکه مدتی بود که در آن مملکت اقامت داشت و بحسن لوک و تدبیر مشهور بود همه

در آن ولایت از مراجعت وزیر مختار مزبور بسیار متأسف بودند و خود پادشاه دینارک ادرامبانی طلبیده بود و در وقت رفتن و بعد از آن مملکت وکل ایلیان و صاحب مضبان سفارتخانه های دول خارجه که در آن مملکت بودند تا کنون

در پادشاه راییه را مشایعت نمودند

فرمان

در بین تحقیق که در خصوص مقصرین دیوان درین ولایت کرده اند که بنیاد استند لوی ناپلیان را بکشد معلوم

بود که در میان این مفتدین خبیث از هر شتم مردمان بودند بعضی از آنها بودند که را ایشان بد و باره بر ما

دولت جمهوری بود و بعضی هم طرفداری اولاد لوی منطور داشتند و برخی هم سلطنت اولاد پادشاه

قدیم فرانسه مایل بودند اما در کشتن لوی ناپلیان هرگز از آن همه با هم اتفاق کرده بودند و در میان اینها اشخاصی نیز بودند که امپراطور فرانسه بقا تقصیر آنها را

عفو فرموده بود و درین اوقات باز دوباره قصد کشتن را با این مفتدین متفق شده بودند حال اکثر آنها را گرفته مجبور

در باب مملکت ایرلند در روزنامه های انگلیس می نویسند که اوضاع اهل این مملکت نسبت بآلهای سابق بسیار

کرده است بقا بجهت کثرت خلق و کم بودن زمین آنجا رعایا و زارعین بتسکی و عسرت میکشند زاینده حال که

از خلق ایرلند بسیاری بخارج رفته اند خصوصاً پیشکینی و شامی و معادن طلای کلی فارینا و استراليا از برای آنها که در ایرلند مانده اند وسعت و رفاهیتی حاصل شده

و آنها که بمعادن طلا رفته اند کم و بیش پول از برای اقوام خود که در ایرلند مانده اند میفرستند و اقوام آنها نیز چون

می بینند که برای آنها پول می آید خودشان نیز طالب تحصیل پول شده معادن مزبور میروند و یک سبب ترقی و خوب شدن احوال و اوضاع خلق ایرلند هم این است

که ترده در اغلب راههای دنیا در این روزها آسان شده و با اخراجات جزئی میتوانند بولایات بعید برفت

ناخوشی و باباز در مملکت انگلیس بود و در بعضی از شهرها و روزی ده نفر ازین ناخوشی میمیرند اکثر شهرهای آنجا که این ناخوشی در میان است و رسمت شمال ولایت انگلیس اند و از قرا تحقیق و تفریکل اطباء در آنجا که این ناخوشی زیاد

تأثیر می کند میان خانهای فقراست که جایان کثیف و جمعی ایشان زیاد است از جانب دیوان حکم شده است بجهت پاک کردن شهرها و کوچه ها و خانه ها و سفید کردن اطفا

و هر کس بعد از شنیدن این حکم دیوان خلاف از آن بکند دیوانیان او را جریمه می کنند و کوشش دیوانیان درین

ناخوشی و باباز در مملکت انگلیس بود و در بعضی از شهرها و روزی ده نفر ازین ناخوشی میمیرند اکثر شهرهای آنجا که این ناخوشی در میان است و رسمت شمال ولایت انگلیس اند و از قرا تحقیق و تفریکل اطباء در آنجا که این ناخوشی زیاد

تأثیر می کند میان خانهای فقراست که جایان کثیف و جمعی ایشان زیاد است از جانب دیوان حکم شده است بجهت پاک کردن شهرها و کوچه ها و خانه ها و سفید کردن اطفا

و هر کس بعد از شنیدن این حکم دیوان خلاف از آن بکند دیوانیان او را جریمه می کنند و کوشش دیوانیان درین

ناخوشی و باباز در مملکت انگلیس بود و در بعضی از شهرها و روزی ده نفر ازین ناخوشی میمیرند اکثر شهرهای آنجا که این ناخوشی در میان است و رسمت شمال ولایت انگلیس اند و از قرا تحقیق و تفریکل اطباء در آنجا که این ناخوشی زیاد

سینکی و نیامی شمالی

در بعضی شهرهای این مملکت آتش زیاد در این ایام افتاد و در یک شهر خانهای زیاد سوخته است و پانصد هزار دالار که تخمیناً دولت هزار تومان بحساب پول ایران است اموال مردم تلف گردیده است و در شهر دیگر یازده هزار بزرگ سوخته است و بعد از ششاد هزار تومان اموال مردم تلف گردیده است و در لویسویل بیت انبار سوخته و بعضی اموال تلف شده است و در شهرهای دیگر هم کم و بیش خانها آتش گرفته و سوخته است

احوال متفرقه

در روزنامه مملکت اند نوشته اند که شب روشنائی غریب و آتجا دیده اند مانند شک آتش بازی و در بعضی یک جانی هم یک سنک از آسمان افتاده است یعنی از اقطار در فکستان خیال می کنند که این روشنائی در آسمان مناسب بنا خوشی و باد دارد

شخصی مهندس که مدتی در مملکت روس سیاحت کرده بود در این اوقات بشهر پاریس که وطن او بود مراجعت نمود و بدبشهر که رسیده بود یک دزد چاکب دست سجدان او را که رخت و غیره در میانش بود سرقت نمود و چند روز بعد بنظام ضبطیه که پولیس میامند اجبار کرده و گفته بود که چندان در قید رخت و غیره که در سجدان بود بستم و لکن نقشه و کاغذها در میان سجدان بود که کم شدن آنها را حیف است زیرا که در مدت چند سال سیاحت اینها را جمع کرده ام و خیلی بکار می آید بعد از چند روز سجدان مزبور نزد یک بقر اول خانه ضبطیه پیدا کردند و نقشه ها و کاغذها

در میانش بود و لکن رخت و سایر چیزها که قیمت داشت در میانش نبود و برده بودند و دزد مزبور کاغذی نوشته بود و در میان سجدان گذاشته بود که من رخت و هر چه قیمت داشت از میان سجدان بردم که رفع احتیاج خود را نمایم و لکن کاغذها و نقشه ها را پس فرستادم بجهت اینکه بستم که ضرر زیاد بصاحب این سجدان رسانده باشم

در نزدیکی شاه جهان آباد هندوستان راههای زیادی بهم رسیده اند و بسیاری از مردم را زده اند اطباءی انگلیس که در آنجا بودند مار کردند و مار معالجه کرده اند بطوریکه جانی را که مار زده است قدری از گوشت آن عضو را بریده اند که خون خوب بیرون بیاید بعد از آن با تیزاب مکرر سوزانده اند اگر چه مارهای هندوستان به زهر داری مشهورند و لکن با اینطور که اطباء مزبور این مار کردند و مار معالجه کرده اند گمانی شده و بچکدام نمرده اند

از اسکندریه مصر نوشته اند که در فصل آخر پائیز گذشته آب رود نیل بالا آمده بود بطوریکه تا آفتاب کبی نیل طغیان آب در رود نیل در آن موسم بخاطر نداشته و طغیان آب مزبور ضرر زیاد به بعضی حاصل اتولایت رسانده بود خصوصاً بحاصل زرت که قوت غالب اهل اتولایت است

در روزنامه فرانسه نوشته اند که در فصل آخر پائیز بارندگی زیاد در جنوب آن مملکت شده بود و بعضی از رودخانهها آب را زمر خود بالا آورده و در زیر آب گرفته بود خصوصاً در رود ورون که آب خیلی بالا آمده و اولاً اطراف نیم زیر آب رفته بود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم شنبه پنجم ماه جمادی الثانیه مطابق سال وکیل ۱۲۷۰

نمره صد و شصت و دو

منطبعة دار الخلاء طهران

قیمت روزنامه

یک نسخه شاهی

در قاف و چهارمزد



قیمت اعلانات

یک خط چهارمزد

بیشتر با هر خط

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلاء طهران

در روز سه شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاه
بدین جناب سرزاعفری امام جمعه ارض مقدس
که درین اوقات بدربارهایون آمده تشریف فرما
گردیدند و اظهار کمال احترام و توقعات ملوکانه دربار
جناب معزنی الیه فرمودند

و هم چنین در روز چهارشنبه گذشته تشریف فرما
مردار الفنون گردیده معتمدین و متعلمین شرفیاب
حضور مهر ظهور وانی شدند و هر یک هر یک از
شاگردان در علم خود امتحان گردیده و خوب از
عمده جواب و سؤال برآمدند و اتهامات آنها
خاطر اعلیحضرت پادشاهی شده مورد التفات
ملوکانه گردیدند

و هم چنین در روز شنبه چهارم این ماه بمیان افواج
قاهره نظام که در میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول
مشق بودند تشریف فرما گردیده و توپچی و سرباز و سوار
نظام بقاعده نظامی مشق جنگ و شلیک توپ و تفنگ

نمودند و مشق آنها مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه گردید
صاحب مضبان و عموم احاد و افراد افواج مورد
التفات خسروانی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی
بعد از تماشای مشق و شلیک افواج قاهره بیاب
لاله زار تشریف بردند و بنهار را در آنجا صرف فرمود
و از آنجا ببارک مبارک که سلطانی و مظهر سلطنت
مراجعت فرمودند

در روز چهارشنبه ششم این ماه نواب شاهزاده قاسم
که سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی منصب جلیل امارت
نظام برقرار فرموده بودند جناب صدر اعظم نواب
شاهزاده را برداشته بمیان میدان که جمیع
صاحب مضبان و توپچیان و افواج حاضر رکاب
مبارک حاضر بودند برده بهوم مالی نظام شربت
و شیرینی و الغام رحمت فرمودند و از جانب نواب
میر جناب صدر اعظم بهبه تنیت و مبارکباد گفتند
و از آنجا با طاق نظام تشریف برده با کل میرنچکان
و سربازان و سربازان و لشکریان و اعیان

وزارگان دولت نشسته شیرینی و نهار صرف فرمودند
و تهنیت و مبارکباد گفته برخاستند

نواب مستطاب شاهزاده والاتب رنصره الدوله
فیروز میرزا که سابقا حاکم فارس بودند درین اوقات
حب الاموال قسهایون علیحضرت پادشاهی
بنیابت نواب مستطاب کامیاب و لیعهد دولت
مدت علیه مامور حکومت مملکت آذربایجان گردیدند
و از جانب سنی ابجانب ملوکانه یک ثوب جبهه ترمه
شبه مرصع برسم خلعت بنواب معزی الیه مرتبه
گردیده درین روز روانه آذربایجان میشوند

و هم چنین مقرب اخاقان میرزا صادق مستوفی
درین اوقات بلقب جلیل قائم مقامی سرافرازو
به پیشکاری کل امور آذربایجان اعم از کار نظام و
محاسبات ولایات آذربایجان مامور خلعت
مه طلعت ملوکانه منخلع و مباهی گردیده روانه آذربایجان
میشود

سایر ولایات

مازندران از قراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته اند ناخوشی و با که در شهر بار فردش بروز
داشتادی داشته است در غرضه جمادی الاول
موقوف و بالمره تمام شده است و با اینکه اسل
بواسطه ناخوشی و با که متوالی در آن ولایت بروز کرده
بود مردم زراعت درستی مانند سالهای سابق
نکرده بودند مع ذلک هر چیز بی کمال و قور ویزا
دارد

دیگر نوشته بودند که در یازدهم ماه گذشته
نواب مستطاب شاهزاده والاتب مصطفی قلی میرزا
حکمران مازندران بمبت بندر مشهد سر رفته و بامور
آنجا رسیدگی نموده و انتظام کامل داده اند و امر
که کخانه آنجا را مضبوط نموده و بمباشه کخانه آنجا نیز
خلعت داده اند

دیگر نوشته بودند که در اوقات توقف نواب شاهزاده
مصطفی قلی میرزا در مشهد سرعایای قریه ملاکلای و ابجانب
یتولی عالیجاه میرزا محمد خان قاجار بنزد نواب شاهزاده
آمده از تعذیبات علیمحمد خان نام ضابط قریه مزبور
شکی شدند که یک نفر را در زیر چوب مقتول نموده
و نهایت اجحاف و تعدی با سایر رعایا و سکنه
آنجا نیز کرده است نواب معزی الیه او را احضار
و بعد از تحقیق معلوم نمودند که عرض عارضین مقرون
بصدق است اولاً او را از ضابطی قریه مزبور معزول
و قریه مزبور را بر حسب استدعای امانی آنجا بنواب
اسدالدین میرزا و اگذار نمودند که در صد آبادی آنجا
برآمده و بحسن ملوک تفرقه آنجا را جمع آوری نموده و
شکستگی و پریشانی رعایا و سکنه آنجا را نماید و ثانیاً در باب
قتل یک نفر از امانی آنجا نیز حکم فرمودند که علیمحمد خان
با در نه مقتول بحکم حاکم شرع حاضر شده در صورت ضابط
و در نه مقتول بدیه بگذرانند و بعد ازین علیمحمد خان مقرر
خدمت نواب شاهزاده بوده بقریه مزبور و آن اطراف
مطلقاً جوعی و سرکاری نداشته باشد

دیگر نوشته اند که درین اوقات که نواب شاهزاده
میرزا

بودند حکومت بار فروش را بر حسب استعای این
بار فروش حکومت بار فروش را بجا بجا قیام
مغوض و خلعت حکومت او را داده اند

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند اسامی
رستم آنجا بسیار خوش گذشته است و در
برف کم آمده و لکن هوا پرودت زیاده بسم رسانده
و هر چیزی از زبان و فزادان است

دیگر نوشته بودند که در خاک اسفند آباد و دو نفر میکا
کردستانی و چند نفر هراتی را جمعی از طایفه مصطفی خان
چار دولی برهنه کرده و اسباب و اموال آنها را ربوده
بودند مقرب انخاقان والی کردستان بعد از اطلاع
بر غمخساری نایب اسفند آباد را که در شهر بود مرخص کرده

سارقین را با اموال مسروقه حکماً از او خواسته بود
مشارالیه نیز با اسفند آباد رفت و چند نفر سارقین را
گرفته و مالهای مکاره های کردستان را از آنها
و بصاحبان رسانده است ولی اموال و اسباب بیلتها
هنوز نداده اند و در دلا محبوس اند تا اموال هر ایتها
نیز از آنها استرداد و بعد از آن حکم آنها بشود

دیگر نوشته بودند که میرزا مراد نام پسر یوسف که بود
که از مفدین مشهور و سالها لبرقت و شرارت اقام
داشت درین اوقات مقرب انخاقان والی کردستان
او را با چند نفر از دستیاران او گرفته و چند
پرونده درین روزها مقرب انخاقان مشارالیه الترام
از او گرفته است که بعد ازین ترک سرقه و شرارت

و افت و نموده در خانه خود بنشینند و او را با همراهانش
مرخص کرده است

دیگر نوشته بودند که عایجا و میرزا عبد الرزاق که از دیوان
اعلی مامور بدیدن آن سر باز کردستان و تشخیص
سهام آنها بود در این اوقات خدمت حوز را با انجام
رسانده و روانه دربارهایون است

دیگر نوشته اند که علی نامی در بلوک اسفند آباد ساکن
بود و دی و شرارت اشتغال داشت و اهل آنجا
تهدیات او بسته آمده بودند درین اوقات نایب
اسفند آباد او را بلطایف اخیل بدست آورده نیز و متعجب
والی فرستاده و حسب احکام مشارالیه اورا سیاحت
کرده اند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از آنجا
امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکم ان یزد
و کرمان امانت و نظام کامل در بلده و بلوکات آنجا
حاصل است و کافه رعایا بجهت حصول امانت و سود
بدعا کوئی ذات اقدس بایون و دوام دولت
روز افزون اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که در فرستادن اسال هوای آنجا نیز
بشدت سرد شده بوده است بطوریکه تا یک هفته
کسی در بیرون و کوچها از شدت سرما عبور نمیکنند
بکند و در ماهان بقدر پنجاه روز که اسفند از سرما تلف شده است
حتی در بلوک حیرفت که ولایتی است که مریم و تابحال
کسی بخاطر ندانسته است که برف با آنجا آمده باشد

در او آخر جدی شبانه روز برف متصل با آنجا آمد
و در بعضی جایها که برف کمر بود است بقدر دو ذرع
برف بر زمین افتاده است و هر چه کا و کوفند و
از شدت سرما تلف گردیده اند و اغلب حیوانات
دشتی از قبیل آهو و غیره از زور سرما خود را نزدیک
به آباده ها کشیده و در آنها تنگ شده اند
و دیگر نوشته بودند که ولدسار مرید بخان و ولد
و ولد الله بلوچستانی که بجهت اطاعت و انقیاد
خدمتگذاری این دولت قوی بنیاد نیز امیر ^{العظام}
سردار آمده بودند و در ششم ماه جمادی الاول هر یک
بجملگی شایسته منجلی و بتفقدات اولیای دولت علیه
انهار امید واری کل واده روانه بودند

و دیگر نوشته اند که راهبهای آن ولایت بسبب اتهامات
امیر الامرا العظام سردار همه جا امن و در نهایت ^{ظلمت}
و قراول خانها در هر جانی ساخته شده متحفظین
سجرات زوار و قواغل مشغول اند و در دوازدهم
جمادی الاول قافله یزد وارد قافله خراسان روانه
گردیده اند

و دیگر نوشته بودند که در شهر بابک بقدر پانصد رس
که سفند در آغال بوده اند و چوپانان بجهت سرما در گوشه
آغال آتش روشن کرده بودند اند که گرم بشوند و درین
باد شت کرده و آتش بهیضم آغال انداخته و همه
آغال آتش گرفته بود چوپانان خود را بیرون انداخته
بودند و کوفند ما همه در آن شدت سرما میان
آتش تلغ شده و سوخته بودند

یزد

در روزنامه این ولایت نوشته اند که درین اوقات
که امیر الامرا العظام سردار از کرمان آدم به یزد بجهت
وصول وجه شاهی اشرفی فرستاده بود بمقرب انتخاب
محمد یوسف خان سرتیب و نایب الحکومه یزد حکم کرد
بود که وجه شاهی اشرفی را بر رعایای جزو حواله نماید
در هر بلده و بلوکی اعیان و صاحبان مکت و مسکین
استجا این وجه را از خود کار سازی نموده و بعد در
معامله مالیات سال آینده از رعایا دریافت نمایند که
علی الحساب نوع رفاهیتی از برای رعایای آنجا
شده باشد

و دو نفر سارق قزوینی را که تفصیل آنها در روزنامه
نوشته شده بود درین اوقات مقرب انتخابان
محمد یوسف خان سرتیب و نایب الحکومه یزد بعد از آنکه
اموال مسروقه بسیار از آنها استرداد و بصاحبان
اموال رد نموده بود مشارالیه را در دیوانخانه آنجا
تنبیه و سیاست نموده و حسب احکام مقرب انتخابان
انهار را در کوچه ها و بازارها و کرم محلات گردانیده و خراج
بلد کرده اند

یک نفر از سربازان فوج جدید کرمانی در یزد از رخنه آب
سبخا ل این که زیر زمین است درون رفت و میان آب
افتاده بود کارش شش هلاکت کشیده اما چون شنید
میدانسته دست و پایی رزده خود داری کرده بود
تا اینکه مردم خبردار شده آمده او را بیرون آورده
بودند و او را سی پاره کردند

اخبار دول خارجه

انکلیس تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید
 سیم ربیع الثانی بود و چونکه حکم شده بود که درین روز
 اهل مشورتخانه از خوانین و وکلای رعایا بچته راه بردن
 امورات دولتی در پای تخت جمع بشوند بعضی از آنها
 بانجا آمده بودند ولیکن چون پیش خبر کرده بودند که جمع
 اهل مشورتخانه منوبور تا دویم ماه جمادی الاول موقوف
 باشد اجزای مشورتخانه کم بانجا جمع شده بودند و چون
 پادشاه نیز مشورتخانه منوبور نیامده بود و نفر از خوا
 بزرگ از جانب پادشاه وکیل شده مشورتخانه آمدند
 و چند نفر از اهل مشورتخانه و وکلای رعایا را بحضور طلبیدند
 و بعد از آن دستخط پادشاه را خواندند که حکم کرده بود
 که جمع شدن مشورتخانه تا روز دویم جمادی الاول موقوف
 باشد و در آن روز حکم پادشاه چنین بود که کلا جمع
 بشوند بچته راه بردن امورات دولتی و از اتفاقات در آن
 روز هوا بسیار سرد و سخت بود و کفن بسیاری از خوا
 عمده از زن و مرد بانجا آمده بودند بچته شنیدن فرمانات

پادشاهی

موافق حساب جمیع و خرج مالیات دیوان که سه ماه
 به ماه درین ولایت چاپ میزنند مالیات سال گذشته
 نسبت به سالهای پیش شش کرو و سصد هزار تومان
 بحساب پول ایران ریبا داده بود و در اول سال گذشته
 در بعضی اجناس که توجیه میکردند و زیر محاسبات
 تحقیق کلی داده بود و میدانت که درین باب مالیات
 کمتر خواهد آمد ولیکن انقدر که احساب کرده بود تفاوت

بود و در جمع و خرج کل سال چنانچه نوشته شده است
 شش کرو و سصد هزار تومان مالیات ریبا داده بود
 دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که بنیاد از قدیمی
 که در مملکت ایرلند دارند کمتر نمایند بچته اینکه انقدر قشون
 و ران مملکت لازم ندارند که نگاه بدارند

فرانس

تاریخ روزنامه آخر که ازین ولایت آمده است بردهم
 ربیع الثانی است در باب ختن کشتیهای تازه و
 و تدارکات قورخانه بچته قشون بحری و زیر قشون بحری
 بچته امپراطور فرانس دستور العملی نوشته و فرستاده
 بود و چونکه دستور العمل منوبور پسند و مرضی خاطر امپراطور
 فرانس بود نشان لژان دایر با دستخط رضامندی
 منوبور منوبور داده بود و یک مضمون دستخط امپراطور
 این بود که از فرار دستور العملی که در زیر قشون بحری فرستاده
 معلوم می شود که در وقت ضرورت و لزوم میتوان
 کشتیها و قشون بحری فرانس را و مقابل بلکه مقابل
 نمود

چونکه درین اوقات تردد مابین مملکت فرانس روز بروز
 زیاد میشود جمیعی از اهل فرانس بناد دارند که کشتی بخار
 بزرگ و تیر و از شهر مرسیلز با سلابول روانه کنند که
 بوجه معین از شهر بشهر وارد شوند و بیرون بیایند و
 کشتیهای منوبور را بسیار بزرگ می سازند آنکه کوچکتر از
 همه است جای سه هزار هزار بار گیر دارد و آنکه بزرگتر
 جای چهار هزار و پانصد هزار بار گیر دارد و جای چرخی
 حرکت بکشتی میدهد و عجب کشتی است و بطوری ساخته اند

که هم جای نشین سیاح زیاده داشته باشند
جای بارهای تجارتی
در اول ماه ربیع الاول که اول سال بحجاب فرکیهاست
کل ایلیان دول خارج ساکن پاریس تجارت طویر
رفته بحضور امپراطور فرانسه شرفیاب و مبارکبادی سال
نور گفته بودند امپراطور فرانسه اول با پلیجی پای پیرو
و بعد از آن هر یک از ایلیان با کمال التفات تکلم نمود
بود در باب مبارکبادی سال نو و آنها خوشنود
حاضر امپراطوری که از حضور ایلیان بهرسانه نموده بود
در روزنامه دولتی این ملک که مانیته می نامند
که از سربازان جدید که موافق قاعده که در آن ولایت
دارند باید بگیرند صد و بیست هزار نفر قرار داده و گرفته
بودند و جنبر کرده بودند که هر یک از این سربازان جدید
آمده داخل افواج خود کرده دیده سجدات مرچو
باشند
در روزهای اول سال امپراطور فرانسه چند ضیافت
سکین با اوضاع و زینت و تجمل تمام کرده بود ایلیان
دول خارج مقیم پاریس و وزرا و خوانین همه در آن
مکانها حضور داشتند و از قرار تقریر آنها که در آن
بوده اند چنین نیست و اباب در کمتری از معانیهای
دولتی اتفاق افتاده بوده است و وقتی که امپراطور فرانسه
با امپراطریس روزه خود در بالای تخت قرار گرفته بود
وزرا و سرکردگان قشون بر تری و سجری در دو طرف تخت
ایستاده و اهل سفارتخانه های دول خارج در مقابل

تحت روبرو بودند و درین مجلس بعضی از سیاحان
متشخص که در شهر پاریس بودند یکی یکی بحضور امپراطور
شرف شدند

اسپانیول

در مدینه د پامی تحت این ملک اتفاق غریب افتاده
و تفصیل آنرا در روزنامه فرانسه باین طور نوشته اند
که ایلیجی فرانسه در آنجا معانی کرده بود و در آن معانی
اگر خوانین شهر مدینه و ایلیان دول خارج بودند از
حمله موسیو سوله وزیر مختار از جانب دولت جمهوری
امریکای شمالی و زرش و پیرش در آن معانی بود
و پیرش جو اینست بن بیت و سل در این معانی
فرانسه و یکی از خوانین آنجا که نامش دوک ده آلبه
باشد یک صحبت میداشتند و می خریدند بجهت لباس زن
وزیر مختار دولت جمهوری امریکای شمالی که تبرک غیب
بود و جوان مرزور که پسر آن زن بود شنید که مادر او را بجهت
آن لباس استهزای گشته صبح و نفر صاحب
پیش آن شخص که از خوانین اسپانیول بود فرستاده
و او را بجنک دول طلبیده دوک ده آلبه کاغذ آن
جوان را نگه داشته بود و بروی میز گذاشته و عذرخواهی
کرده و نوشته بود که هرگز منظور من این نبود که چرتی و
استهزاست بوالده ایلیجی را ده بکنم بیک روز بعد از آن که کاغذ
آن جوان را نگه داشته بود دیده بود که با کمال بی حرمتی نوشته
دوک ده آلبه جوان مرزور را بجنک طلبیده بود و بنا گذاشته
بودند که با شمشیر جنک نمایند اول بنا بود که با شمشیر سوار
نظام جنک نمایند بعد پسر وزیر مختار خواش کرده بود که

۷

باشیر که چک جنگ نمایند و جنگ کرده بودند و در آن
پسر وزیر مختار زخم جزئی برداشت بعد پدرش ازین معنی
مطلع شده بایلچی فرانسه کاغذی نوشته بود که تکلیف
جنگ با پسر من نبود و بنایت پسر من با دو کوزه که
جنگ نماید تکلیف جنگ با خودم بود که نسبت بزمن
صرف جبرمتی زده شده است و از آنجهت خواش می کنم
که ایلچی فرانسه بچنگ حاضر بشود ایلچی فرانسه نیز قبول
کرده و بیرون رفته بودند که با هم جنگ بکنند و
قرار شده بود که با هم جنگ طپا بزنند و چنگ
کرده بودند ایلچی فرانسه کلوله پاشی حوزده بود و دیگر
از رانوی پانین ترامنای دولت اسپانیول خواسته
بودند که توسطی نمایند که این جنگ نشود و با صلاح
و لکن مشاوران با بلوری که نوشته اند مخفی فیت
با هم جنگ کردند جنگ سیم هم بنا بود بشود و لکن
از آن نوشته اند و این جنگ سیم مابین ستر پری
نایب اول وزیر مختار دولت جمهوری سیکلی و نیای سیکلی
و قونسول فرانسه میقم شهر سنت اندر بنا بود بشود
امنای دولت اسپانیول حب احکم پادشاه آنجا
سبار کوشش کرده بودند که جنگ مابین ایلچیان
و لکن آنها صبح رفو بیرون رفته و جنگ کرده بودند
بطوری که کسی خبردار نشده بود

۱۰۴۰

سیکلی و نیای شمالی

کاخ آخر که از شهر بیوریاک این ولایت رسید
هشتم ربیع الاول بود و از جمله اخباری که در روزنامه
آنجا نوشته بودند این بود که میخواستند قشون را قهر
ریا و بکنند قشون که داشتند تحمید ده هزار نفر بودند
و اینها اکثرشان بجهت محافظت حصارها و قلعه جات
هستند و بنا گذاشته بودند که کشتیهای جنگی را ریا
بکنند و دو کرو و حجاب پول ایران درین خصوص
کرده بودند و موافق حساب وزیر قشون سحری اگر لازم
باشد بیشتر از نهل فرو گذشتی نمی توانند براه بیاورند
از اینها تا مدت سه ماه میتوانند فراهم بیاورند
از آنجهت صلاح درین دانسته بود که شش فرو گذشتی جنگی
دیگر باز نماند که با چرخ بخار حرکت بکنند و کشتیها که میخواهند
باز نمانند هر یک پنجاه عراده توپ در میان آن گذاشته

پیامت

درین ملک جزئی اعتشاشی شده بود و در سر سیکلی و نیای
میخواستند توجیه تازه بگذارند نظام در آورده اند که
رفع اعتشاش را نمایند و کمان گذاشته اند که این

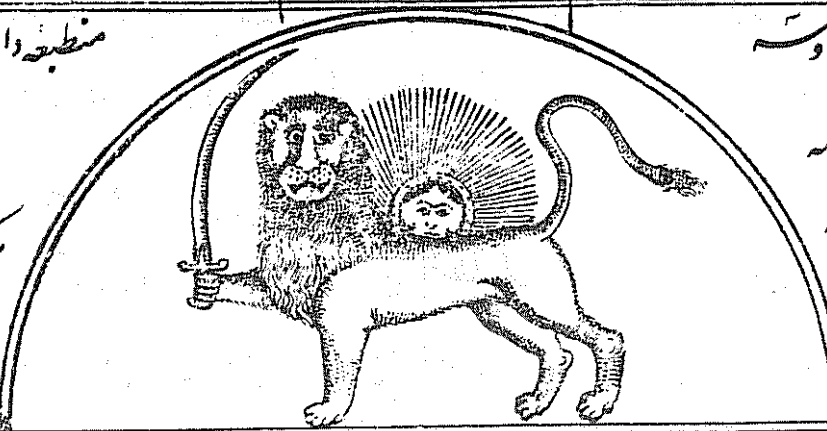
میشود و در خصوص گرفتن کمرگ از اجناسی که از دول خارج
 باین ولایت می آورند در بعضی چیزها تخفیف میجوایند
 از جمله چایی و قهوه را میجوایند از آن بینه که بدون
 کمرگ داخل آن ولایت بشود و در بعضی چیزهای دیگر هم
 قرار گذاشته بودند که کمرگ را کمتر نمایند و با وجود این
 حساب کرده اند که مایات کمرگ سالی سی و شش گز
 بحساب پول ایران می شود و حساب جمع و خرج سالها
 گذشته را که مشورتخانه آورده و در آنجا خوانده اند باین
 تفصیل نوشته اند که جمع مایات سال گذشته چهل
 گز و حساب پول ایران بود و خرج آن چهل و سه گز
 و از قرار این حساب شش گز و راز مایات اضافه شد
 احوالات متفرقه

در شهرت شش که یکی از شهرهای بزرگ مملکت فرانسه است
 بنا بر پنج نوزدهم ربیع الاول نوشته بودند که زلزله
 شده است و صدای زلزله مانند صدای عراب سکنین بود که
 در روی سنگ حرکت نماید و لکن خرابی بجائی نرسیده
 در یکی از کارخانهای فرانسه که تجار ذغال سنگی بجهت
 مصرف روستائی میکشیدند اتفاقی افتاده است که باعث
 اتلاف چند نفر از اهل کارخانه مذکور گردیده است در کار
 حوض آب داشتند که لوله در میانش بود و بخار میان
 آن لوله میرفت حوض خالی بود و یکی از عمده جات میخواست
 مردمان در آنجا بگذارد و مردمان به لوله حوزده و بخار برین
 آمد چونکه این شخص ترسید که از او بازخواست نمایند
 مطلب را بکسی نداده در میان حوض رفت از بخار مذکور

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج و نیم شنبه روز دهم ماه جمادی الثانیه مطابق سال اول ۱۲۷۰

مزه صد و شصت و سه

قیمت روزنامه
یک نسخه و پنج کپاله
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
بک سطر الی چهار سطر یکصد و پنجاه
بسیار با هر هزار

احباب داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی چنانچه هر ساله نزد یک بعید
قرار است که بقصر قاجار تشریف برده چند روز توقف
میفرمایند در روز جمعه گذشته از دارالخلافه مبارکه
حکمت و تشریف فرمای قصر قاجار گردیدند امنا
دولت علیه و معارف چاکران در بار شوکت
نیز ملزم رکاب هایون و در اطراف قصر قاجار
چادر رده متوقف می باشند و اعلیحضرت پادشاهی
چند روز در آنجا توقف خواهند فرمود

در روز نیکشنبه گذشته حسب الامر اقدس هایون
پادشاهی توپچیان چند عراده توپ سپرون برده
و مشغول تیراندازی گردیدند و کمال چابکدستی در
تیراندازی بعمل آوردند

در این اوقات که چند روز بعد مانده است هوای
دارالخلافه طهران بنوعی سرد شده است که کمتر سیاح
در این موسم هوا باینطور برودت جسم میسراند
بشبهات پنج می بندد و روزنامه نیز هر جا سیاحت

اسب پنج می بندد بلکه استخوان نیز که افتاب کیر است پنج
اسب نمی شود و لکن برف و بارندگی درین چند روز
نشسته است

در روز سه شنبه چهارم ایماه افواج قاهره
نظام حب الامر اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی
در میدان پانین قصر قاجار جمع گردید و هفت فج
از افواج قاهره و میجد و عراده توپ با توپچی و
سوار نظام مشق جنگ مغلوبه نمودند و میرنچکان
و سرتیپان و سرتسکان و صاحب مضربان
در جای خود حاضر بودند و فوج قهرمانیه ابو اجمع
علینقی خان سرتیپ که از کرمان وارد در رکاب هایون
شده اند در کنار راه گنارستان صف
کشیده بودند

در شب چهارشنبه گذشته که چهارشنبه آخر سال
چنانچه معمول و متداول این دولت علیه است که درین
شب عموم خلق جشن می نمایند حسب الامر اقدس پادشاهی
حاضر کرده و آتش را در حضور آتش بازی و چراغان نمودند

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در قصر قاجار توقف داشته
در عصر روز چهارشنبه پانزدهم این ماه از آنجا حرکت کرد
مبارک که سلطانی و مصلحت غلطی تلافی فرما کردید

چون نواب طباطبائی هزاره و الا بتار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران
در انتظام امور ولایت و انجام خدمات دیوانی مرتباً اهتمامات
خود را مشغول در ایمنای دولت علیه داشته و خاطر اتمس جاپون
از حسن اهتمامات خود خشنود داشته بودند لهذا بلاخطه کفایت
و کفالت حسن متذکری و صداقت نواب معزی الیه در
این اوقات از جانبی انجانب طوکانه یک قطعه نشان
از مرتبه اول با حایل مخصوص این مرتبه حمت و فرمان
مبارک ممبسی بر التفات به افزاری نواب معزی الیه شرف
یافته ارسال کردید

در روز جمعه گذشته که اعلیحضرت پادشاهی تشریف با
قصر قاجار کردید حاجی سید بهاء الدین چاوشی باشی حجه
برون حجاج زیارت مکه معظمه زاد الله شرفاً و تقیماً بقانونی
که معمول و متداول این دولت علیه است محل سینه و جاشیده
از جانب امنای دولت علیه حب الامر جاپون اذن حاصل کرد
که حجاج هر کس طالب باشد بطواف بیت الله الحرام روانه
مقصود شوند و اینر حجه اخبار و اعلام با مالی ممالک
محمود در روزنامه نوشته شد

سایر ولایات

مازندران از فرار که در روزنامه این ولایت
نواب شاهزاده و الا بتار مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران
در اوقاتی که بسبب مشغول سر آمده بودند از آنجا معادن
کلوه ریزی نایب رفقه و امر کلوه ریزی معادن مازندران

انتظام کامل داده اند که کارخانهای کلوه ریزی همیشه
در کار باشند و معطلی در کار آنها روی نهد و خود
نواب معزی الیه بهر کارخانها رفقه و رسیدگی در کار
آنها نموده کلوه ریزها در حضور نواب شاهزاده کلوه و ساجه
نواب ریخته بودند و بسیار صاف و خوب و بی عیب
ریخته شده بود بهر یک از آنها انعام و خلعت حمت نمود

دیگر نوشته اند که در ایام شدت و با چند نفر دزد
رسیده در آمل دوسه خانه را بریده بودند و درین وقت
که نواب شاهزاده بابل آمده اند سه نفر از دزدان
بست آمده حبس محکم نواب معزی الیه آنها را بجز
نموده باری فرستاده اند که بعد از استرداد اموال
مردود حکم بیست آنها بشود

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده کمال استقامت و سبکی
بخشنی و کلی امور ولایت دارند از جمله قاپوچی را از
در ب دیوانخانه برده داشته و قدغن کرده اند که هر
عرضی داشته باشد از اعالی وادانی بدون مجازت
و تراحت حاجب و دربان آمده بخود نواب معزی
عرض نماید که در کار عارض از روی حقیقت و غوررسی
نموده باقتضای عدالت و احقاق حق حکم از آنها نمایند
از صبح تا دو ساعت بجز بوقت بانه اوقات خود را
صرف رسیدگی بخواهش مردم و انتظام امور ولایتی مینمایند

از فرار روزنامه که از نوکران و سمت سرحد استرآباد آمده بود که فرخا
همه جا امن و بجا پادشاهی خان با نوکران مشغول است آن مان پنا
شدند

یزد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند مقرب انخافان
محمد یوسف خان سرتیپ و نایب الحکومه آنجا در رسیدگی
بعضی مدوم و رفاه حال عیت و حصول ایت الولا
سعی و استقام تمام دارد و عموم مالی و سکنه آنجا خصوصاً
عجزه و ضعیفا از احقاق حق و داد رسی مقرب انخافان
شکر گذار و دعاگوی دولت قوی ملت باید باشند

در ضمن روزنامه اینولایت نوشته بودند که زوجیه
تاجر دختری را بجهت خدمتکاری نگذاشته بود است
و بسبب تقصیر جزئی دختر مزبوره را داغ نموده ان
آن دختر مراتب را بدو آنجا عرض و حسب الحکم مقرب انخافان
نایب الحکومه رجوع بحکم شرع مطاع گردیده چون آنجا
این عمل از زوج مزبوره بی سببی که مستوجب سبکونه
تغذیب باشد در محضر حاکم شرع آنجا تحقیق پیوسته
و ثابت گردید از قرار حکم شرع مطاع مقرر گردید که
نفر شتر دایه دختر از زوج آن شخص تاجر بد

دیگر در باب سرباز متوقف دارالعباده یزد نوشته اند
که همه روزه مشغول شوم میباشند و صاحب منصبان
انها حسب الحکم مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیپ و
نایب الحکوم یزد کمال استقام در مشق و انتظام امور
انها دارند و احدی از اهل نظام و عموم نوکر باب
قدرت خلاف حساب ندارد و با نهایت حسن سلوک
با مالی آنجا رفتار مینمایند

در بیست و هفتم ماه گذشته از قراریکه نوشته بودند امیر
سردار حکم ان یزد و کرمان چراغ علی بیک نایب

کا که خانه را بجهت وصول و شجاعتی اشرافی عیدی یزد
فرستاده و حسب الحکم مشغول انجام و مدارک تحویل
کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
یک نفر از سربازان جمعی عالیه میزاکو چک خان
سربنک متوفی شده بود امیر الامراء العظام سردار
حکم کرده بود که عوض او گرفته شود و حسب الحکم حواله
کرده بودند شخصی بنزد مشرف فوج مزبور آمده و گفته بود
که ده تومان بتموید هم این سرباز را از قلم بیدار
و موقوف بکن مشرف مزبور این حمله را قبول نکرده
و مراتب را بعضی سردار رسانده بود حسب الحکم مقرر
شد که ده تومان را از آن شخص گرفت مشرف مزبور
بدینند و خود آن شخص را بجای متوفای مزبور سرباز
نوشته هر روزه داخل فوج در مشق حاضر نمایند

دیگر نوشته اند که وزدی مشهور در یزد بود که سالها
بزدی و شرارت اشتغال داشت و بسبب هتویر
و بی باکی او نمیتوانستند او را بدست بیاورند درین اوقاف
مقرب انخافان محمد یوسف خان سرتیپ و نایب الحکومه
یزد او را دستگیر کرده و بنزد امیر الامراء العظام
بکرمان فرستاده بود چون همه مالی یزد از تعذیبات
و شرارت او بکسوت آمده و بکرات شرارت او مسموع
سردار گردید و بدین حکم بیاست او نموده و کل اهل یزد از زیست
شدن او شفق و خورندگی تمام داشتند

شال بانی در کرمان نسبت بقتل کرده و چندی بختی و فایده و در طرح و محال
نیمین و در یزد قایم امیر الامراء العظام در شش تفرجه ضد قیام مبارکه فرستاده

از قرار یک نوشته بودند امیر الامراء العظام محمد خان
سردار حکمران یزد و کرمان اوضاع قورخانه کرمان
مضبوط نموده و قورخانه آتجا همه روزه در کار
مشغول ساختن اسباب هستند و اغلب روزها خود
رفته رسیدگی بکار قورخانه نموده و انعام بآنها
نمودند و سارق فرور نیز در همان میدان مورد

دیگر نوشته اند که ملا علی نام اصفهانی که در
نیزیر فارس کنی داشته است از آتجا مدار العباد
یرز آمده و چندی در آتجا بر دضه خوانی مشغول بود
و از آتجا بکرمان آمده متعاقب او نوشتجات محمد
وسایر علمای یزد بنزد امیر الامراء العظام سردار
رسیده بود که مشارالیه از مشاییر بایه و در
میان آن طایفه مشهور بحضرت ذکر است امیر الامراء
سردار فرستاده او را حاضر کرده اند و در حضور
علمای کرمان تحقیق عقاید او شده معلوم گردیده
که بابی است و دو جلد کتاب عقاید مختصره بابیهانیر
از منزل او پیدا شده لهذا حسب احکام سردار او را
در میدان سیاست کرده اند

دیگر نوشته اند که دو نفر دزد در کرمان مدتها مشغول
سرقت بودند یک دفعه سرقت کرده و بدست آمده
بودند و امیر الامراء العظام سردار آنها را توبیه کرده
و مرخص نموده بود مشارالیه در ثانی مرکب فرود
شده بودند قدغن اکید باروغه و کدخدایان در
باب گرفتن آنها شده آنها را بدست آورده و بعد
از اسرار اموال و شبیه سر و قه که از مردم

برده بودند آنها را در میدان کنجلی خان سیاست
نمودند

و هم چنین شخصی در بلوک را بر دو سر مادیان
بود مراتب بعضی سردار رسیده فرستاد و در فرود
گرفته و مادیانها را از او دریافت و حبش
نمودند و سارق فرور نیز در همان میدان مورد
سیاست گردید

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین نواب ستطاب
شاهزاده والا سباز رموز الدوله طحاسب میرزا
حکمران فارس عالیجاه فریدون خان یوزباشی را محافظ
سردار فارس که نسبت کرمان است نموده بودند که در ذوق
آن سامان را ملافت و آن راهها را امن داشته باشد
تقویت این کار امیر الامراء العظام سردار نیز عالیجاه محمد علی
خانزاده را بجهت محافظت سردار کرمان که نسبت فارس
ما نور و قرار داده اند که در قطع و قلع و زرع و قطع
و حصول امنیت آن راهها با عالیجاه فریدون خان طر
مواظقت و مراقبت مسلوک دارد و از طرفین کمال حفظ
و حراست آن راهها را بکنند که قوافل و عابرین و غیره
بدون تشویش و مخافت آمد و رفت نمایند و هم چنین
بضبط شهر بابک و سیرجان نیز که متضمن نجاک فارس است
این خصوص تأکیدات اکیده شده است

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین ضعیف در کرمان
بوده وضع حمل نموده است و سه دختر یک شکم زاییده
امیر الامراء العظام سردار مخارجی بجهت آن ضعیف
شهرش قرار داده اند که بآنها

اجتبار دول خارج

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که این ولایت
هفتم رجب الثانی بود و در آن تاریخ اهل مشورتخانه
از خوانین و وکلای رعایا مقرر گشته بودند و لکن
در همان روز بنا بود که جمیع بشوند و علیاحضرت
پادشاه نیز مشورتخانه تشریف فرما شود

چونکه قشون خاصه را که در مملکت ایرلند و از نزدیک
اوقات بخارج میفرستند قشون رویف را که در آنجا
بودند خبر کرده اند که آید بجای قشون خاصه که بخارج
میفرستند مشغول خدمت باشند و این قشون
که خبر کرده اند سی هزار نفرند و سواي اینها ده هزار نفر
قشون رویف نیز در آنجا تدارک امور خدمت اند و قشون
سجری را نیز زیاد میگردند و بسیاری از جوانان معتم
سدهای کنارد ریاد او طلب شده بودند که داخل
قشون سجری پادشاه شده مشغول خدمت باشند

فرانس

دیگر یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند که برادرزاده
امپراطور این ولایت که پرنس ناپلیان مینامند
بنا داشت بملکت بلژیک بدین پادشاه آنولایت
و در خصوص رفتن پرنس مرنو بملکت بلژیک درین روز
نوشته اند که معلوم است منظور از رفتن پرنس ناپلیان
ولایت این است که دوستی مابین دولت فرانسه
و بلژیک را استحکام بدهد بملکت بلژیک هم سرحد مملکت فرانسه
و قانون و قاعده این ولایت مناسبت بقانون فرانسه
مملکت فرانسه دارد و خیر هر دو مملکت این است که دوستی

و اتحاد کامل در میان شان باشد

دیگر در روزنامه این ولایت می نویسند در باب
استی کردن اولاد پادشاهان سابق فرانسه که
که شش داریان و والد نوه لوی فلیپ راضی باین
استی کردن بنود زیر است که داعیه سلطنت این مملکت را
برای پسر خود دارد اگر چه آشکارا اعطای این استی
بمی کرده ولی با اینکه برادرانش باین عمل راضی بودند و خود
اورضامندی نداشت

عثمانیه

در روزنامه اسلامبول تاریخ چهارم رجب الثانی
نوشته اند که رضا پاشا وزیر قشون سجری بمنصب
منسوب گردید و محمد پاشا حاکم ادرنه وزیر قشون
سجری شد و چون محمد پاشا در اوقات حکومت
در ادرنه با کمال سلوک و خوش رفتاری با اهل
آنجا راه رفته بود و نظم تمام در آن ولایت داشت
اللی آنجا از نامور پاشا را الیه بجای دیگر بسیار
متأسف بودند و موافق خبر آخر در آن روزنامه که
میدید که باسلامبول باید

دیگر نوشته اند که ستر پرنس وزیر مختار از آنجا
دولت یونانی دنیای شمالی باسلامبول وارد
شده و بحضور علیحضرت سلطان شرفیاب گردید
و کمال اظهاراتفات از جانب سلطان نسبت باین
شده بود

دیگر نوشته اند که چون بعضی از تجار و مکتان
ساکن بلاد رات ممالک عثمانیه بارعایا و در این

و صاحبان املاک آنجا را در خصوص غله معامله میکردند و حاصل آنرا در سهم پیش میگرداند و این مرحله ضرر رعایا و باعث گفتگو مابین آنها و امالی دول خارج میشد لهذا پاشای سلاطین اعلام کرده بود که اگر بعد از این گفتگو مابین تجار دول خارج و رعایای مزبور بشود و یوانیان درین کار مداخله خواهند کرد و رجوعی نخواهند داشت مگر اینکه مکات آنها منبسط و قریحانه حاکم باشد

اسپانیول

بعضی از خوانین این مملکت را که عداوت بوزار داشتند و کار و زار را معشوش میکردند بطوریکه امورات دولتی خوب پیش نمیرفت در این اوقات حبس محکم باده اسپانیول اخراج بلد کرده اند بعضی از اینها را بخانه کتاری فرستاده اند و بعضی را بجزیره کوچکی که مجا مینامند و در دریای آق دکنیز واقع است و بعضی نیز بجای دیگر فرستاده اند

چین

ازین مملکت نوشته اند که در شهرامانی جنگ میان یاعیان و قشون خاقان چین در میان بود و مردم در دور خانهای خود لنگه پنبه میکشاشتند که سپر کلوله باشد و کلوله از آن رد نشود و در نزدیکی شنگائی که آنهم شهری بزرگ است در کنار آن مملکت جنگ در میان بود پسکن پای تخت چین هنوز بدست یاعیان نیفتاده بود و لکن کمان داشتند که بگیرند در کانتان و فوج قشون دولتی زیاد بودند و اکثرشان

از اهل تاتارستان بودند و بی جنگ سخت مشکل بود که این دو شهر بدست یاعیان بیفتد در شهرکاتان که تشرین اکثر فرنگیها که بچین میروند آنجاست ایست بود و لکن در اطراف مردم از دولت خود ناراضی بودند و اگر یاعیان نزد یکب با آنها میرفتند و ورنه بود که آنها نیز همه سته یاعیان گردیده و با آنها متفق بشوند چنانی از دست مملکت چین فراوان آمده بود و بعضی در سائر ممالک روی زمین فرستاده شد و

بجهت جنگ دور میدهند که راه آنجا بریده بشود و مملکت میگرداند که چنانی که هال از چین بخارج رفته است باید کفایت دو ساله را بگذراند سال آینده یقین است که چنانی در کانتان کم یاب خواهد شد مگر جنگ تمام گردیده و ولایت امن و آرام بشود در خصوص جنگ یاعیان با قشون دولت در نزدیکی آمانی شخصی نوشته است که قشون خاقان که این شهر را محاصره کرده بودند که شاید از دست یاعیان بگیرند کم کم محاصره را رخت میگردند و از طرفین ادم ریا دگشته شده بود و بسیار بی پول بودند و ضرر زیاد بر رعایا و اهل آنجا خورده است چونکه هر دو طرف مالیات از رعایا میگرداشتند و قشون خاقان دولت تومان بیکی از صاحب مضیان در وازها فرستاده بود که در وازها را بکشد و قشون خاقان داخل بشوند بعد ترسیده بودند که او را فریب داده پول بگیرند و در وازها را بکشند باین ملاحظه قشون خود را با آنجا نیاورد و از هر سبب با اهل آنجا بسیار بد میکند

احوال متفرقه

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسه چاپ
میزند نوشته اند که متارنج چهارم حامی الای
در شب جمعه آتش در محله خاص کوئی افتاده بود
چونکه باد شدید میوزید تشویش داشتند که این آتش
زیاد خرابی بکند اما نظام آتش خاموش کن رز
خبردار شدند و با کمال چابکی آتش را زود خاموش
کردند و اتفاقاً بعد از بروز کردن آتش با دهم
شد و یک باب خانه و پنج باب دکان بیشتر سوخته
و هم در آن روز طوفان زیاد در قرا دگیر شد
برف و باد دم زیاد آمده بود اما چندان طولی نکشید
کشتی فرانسه که در قرا دگیر بود ضرب این طوفان
دیده و صاحب کشتی یکی از کشتیهان را بالای تیر
کشتی فرستاده بود که باد بانهارا به بند دیدن
کشتیان بپایین طول کشید و چسبیده است بالای
تیر کشتی صدا کرد که پائین بیاید جواب نداد کشتیان
دیگر بالا رفت دید که کشتیان اول از شدت سیر
زبان بند آمده است و بطوری بر تیر کشتی چسبیده
ماند اینک پنج بسته باشد طناب بایسته
اورا پائین داد و کم کم بحال آوردند تا باسلامبول
رسیده اورا به بیمارخانه فرستادند که اطبای آنجا
معالجه نمایند و لکن دست و باروی او چنان ریخ
سسته و سیاه شده بود که نمیگفتند مشکل است خوب
بسر و خواهد افتاد

۱۰۴۸

ایضا در همین روزنامهها نوشته اند که درین اوقات
چند نفر قلابی که پول قلب سکه میزدند بدست نظام صلیبی
افتادند در محله ییکی شهر پنج نفر ازین اشخاص گرفتند
که اسبابی که پول قلب بان سکه میزدند در نزد آنها
بود و پولی که سکه میزدند یکی پول عثمانی بود که هر یک
بیت پاره داد و ستمی شد و یکی هم پول استری
بود که هر یک بیت فروتر بود و پولهای قلب و اسباب
سکه زدن پول قلب که در نزد آنها بود بدوش خود
گذاشته و در تمامی محله یک اوغلی گردانده بعد از آن
برویمس انداختند اهل کسبه و فقره از گرفتار شدن
این اشخاص بسیار خوشحالی میکردند زیرا که این پول قلب
که اینها سکه میزدند چون کم قیمت و پول خورده بود
در میان کسبه و فقره ادا دست شده و ضرر زیاد
بانها رسیده بود
در باب اعتقائش در مملکت پیانت نوشته اند
که باز معین در کوهستان آن مملکت بودند معلوم
شده بود که کشتیان آنجا خلق را تحریک کرده بودند
شش نفر از کشتیان آنجا را گرفته محبوس کرده بودند
و بعضی از اعیان قصبات و کدخدایان دهات
نیز گرفته بودند و در کوهستان آن مملکت هم در
نزدیکی شیطان جنگ حزنی مابین یاعیان و قشون
دولت شده بود از یاعیان سه نفر زخمی شدند
و بدست چاکران دیوان افتاده بودند که آنها را به
بیمارخانه بردند
دیگر نوشته اند که متارنج پنجم رجب الآخر

امل شورخانه و کلای رعایا و خوانین مملکت بترسیده اند
امور دولتی در پای تخت آنجا جمع شده

در کنار مملکت مانند مردابی است که هر کس میماند در

این روزها بندها ساخته و آب این مرداب را بر او
کشیده اند حال بدست ده سال است که دولت مانند

مشغول خشک کردن این مرداب هستند و تا بحال

بقدر پنجاه شصت هزار خردار بذر افکن از آنجا خشک

کرده اند که زراعت می کنند درین روزها مرافعه

در خصوص این زمین اتفاق افتاده است اعیان

شهر لیدن ادعا از دیوانیان دارند که زمین این مرداب

موافق فرمان پادشاهان سابق مال می باشد

نه مال دیوان و تارنخ فرمان آنها دولت هو شده

یک سال پیش ازین ایام است دیوان قبول ندارند

و میگویند جانی بود در زیر آب دریا و لم یزرع ما

در آورده ایم و مرافعه آنها بهین پنج سوز در میان

و خصوص خرج و اسبابی که سخته سوراخ کردن کوهها

ساخته اند که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته

درین روزها خوب امتحان کرده اند و از قرائیکه نوشته

بجته چنین کارها بسیار خوب است و خیلی بجای می آید

چهار نفر آدم او را راه میبرند و شب و روز هم کار می

در سنگ تراشیدن و اشکال از سنگ در آوردن

در ایام قدیم استادان قابل و ماهر بوده اند و بهتر

ازین ایام سنگ تراشی میکرده اند خصوصاً در ایام

قدیم یونان بعضی از تنهای قدیم که در تنجا نهادند

با اشکال مردوزن و بجه بطوری حجاری کرده اند که در قوه

حجارت این ایام نیست که با نظیر تصویرات از سنگ در

بیاورند و بعضی از آن تنها را از مرمر سرخ و مرمر سبز

تراشیده بودند مدتی بود که معادن این مرمر الوان را

نمی دانستند که در کجاست چند وقت پیش ازین شخصی

سنگ تراشی شده بمملکت یونان رفته بود که شایسته

معادن مرمر بود را پیدا نماید درین اوقات هر دو معین را

پیدا کرده است مرمر سرخ را در خود کوههای مملکت یونان

حسب است و مرمر سبز را در جزیره طینسوس که یکی از جزایر

یونان است

در میان بعضی از رعایای کوهستان مجار قاعده غریبیست که رزنج

بجوراک کم میخورد بدو سبب یکی اینکه نشان سرخ بشود و فربه بشوند

سبب دیگر اینکه در بالای کوهها رخنه که نفس آدم تنگ می شود

نرم میکند نفس تنگ نمی شود بعضی از دخترهای این مملکت رزنج میخورند

که سرخ و فربه و خوش کل بشوند طبیعی که با آنجا رفته بود نوشته است که دیدم

که دختری خوش کل بود و نامزد پسری از اهل آنجا بود اما لاغر بود و نکشتم

حوب بود خواست خودش را خوش کل نماید هفته چند خوراک رزنج خورده و در

حوب سرخ و فربه گردید اما بعد خوراک رزنج را زیاد کرد و تلفش و کسائی

میخوابید بالای کوه بردند کمی رزنج بدش می اندازند با سانی بالای کوهها

سخت میروند و مردمی که بخوردن رزنج عادت دارند ظاهر اضری را او

نمی بینند مگر وقتی که ترک بکنند آنوقت سمیت آن با آنها اثر می کند

کلویشان گرفته می شود و شکشان سوزش بهم میرساند و علا

سم خوراک مانند کئی از سمیوت خورده باشد در آنها ظاهر میشود

و علائش این است که دوباره رزنج بخورند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم جمادی الثانیه سال ۱۲۷۰

روزه صد و شصت و چهار

قیمت روزنامه

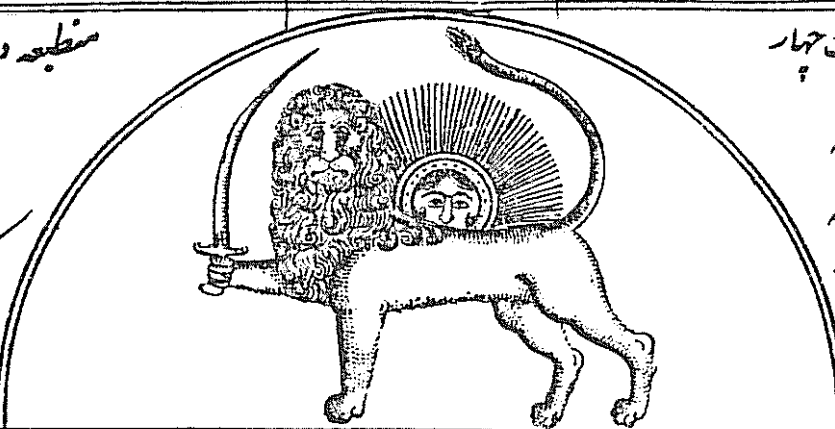
یک نسخه در هر یک

هفتاد و چهار هزار

مطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط یکبار
بیشتر هر خط



اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در شب شنبه پست و یکم این ماه هفت ساعت و هفده دقیقه از غروب گذشته آفتاب از برج حوت برج محل تحویل نمود انسانی دولت علیه و مقربان حضرت گردون بطلت سینه و علای اعلام در حضور اعلیحضرت پادشاهی بودند و در وقت تحویل مبارکباد عید نوروز را گفته شاهی اشرفی عیدی بهر یک بدست مبارک مرحمت فرمودند و صرف شیرینی و شربت نمودند و سال تحویل در هفت ساعت اتفاق افتاد و اعلیحضرت پادشاهی و انسانی دولت علیه اشتیاق از شب رفته پدید آمدند و فدای آن بسلام عید را موقوف چاکران دربار بایون را معاف نمودند و در روز چهارشنبه بیت و دویم این ماه چنانچه معمول است اول این دولت علیه است تحت مراد و پادشاه بزرگ بوجو بایون زیب و وثیق یافته باسلام عام دادند و سایر اداکاران عظام و انسانی دولت علیه و امرا و خواجین و میرنجهکان و سپه صاحب منصبان نظام هر یک در رتبه مقام خود مجلس تجلیع حاضر گردیدند و سپین از نوکر و افواج حاضر را بقدری که در دوستان

مبارک که دست و کنجایش است از غلام شیخستان و غلامان محل حضور از نسبی و جارجی و غیره کلمه هر یک در مقام خود آمدند و جلوس بایون تحت مرشد لیک توپ و زنبورک در میدان ارک گردیده و بعد از آن عالیجاه خطیب شاهی در حضور مبارک ادا خطبه طبع تجریت عید نوروز فیروز سلطانی نموده بعد از آن عالیجاه میرزا سروش شمس الشرافیه غرآدره ح اعلیحضرت پادشاهی گفته بود معروض پیشگاه بایون دشت که نخه آن در روزنامه این هفته در صفحه علیحده مرقوم میگردد اگر چه سایر شعائر قصاید غزلی خوب مکرر کرده بودند ولی چون قصیده عالیجاه شایسته در سلام عید معروض افتاد لهذا در روزنامه بت شریف ملوکین حضور مبارک باعطای شاهی اشرفی عیدی سرافراز و صرف شربت نموده بعد از انقضای سلام دیوانخانه اعلیحضرت پادشاهی ببارت سردرب دیوانخانه که مشرف میدان ارک است تشریف فرما گردید و عزم مالی دارالخلافه مبارک که از وضع و ثمر و صغیر و کبیر بجهت زیارت وجود فائض الباقی بایون رسید ان هزرجی شدند و افواج قاهره نظام از پوچی و صرباز سر تا رسید ان صف می کشید و ساجد در حضور مبارک بر پا نمودند و ساجد بتمیز نور نظام ملوکانه گردیدند

سایر ولایات

عالیجا علیستغنی خان سرتیپ فوج قهرمانیه که با فوج
از کرمان بدر بارهایون احضار شده بودند در روز
چهارشنبه گذشته که موکب هایون در قصر قاجاریه
داشتند با فوج خود شرفیاب حضور مبارک گردیده و
در جلوسه در ب قصر قاجاریه بنظر اعلیحضرت پادشاه
رسیدند چون در کمال آراستگی و شکوه بودند
خاطر اقدس هایون گردیده عالیجا پشایر الیه با صاحب
و عموم آحاد و افراد فوج مزبور مورد تحسین و تواضع
شدند و انعام با آنها مرحمت گردید

فوج اصفهان ابو اجمعی عالیجا میرزا عبد الوهاب خان
که بنک که احضار بدر بارهایون شده بودند در روز
پنجشنبه نهم این ماه در میدان ارک حاضر شده
صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت پادشاهی بمیان
فوج مزبور تشریف فرما گردیده و فوج مزبور در حضور
مشق کردند و حرکات آنها در آراستگی و انتظامشان
بسیار مقبول و سخن خاطر ملوکانه افتاده و خوب
کرده مورد تحسین اعلیحضرت پادشاهی گردید

در روز شنبه بیستم این ماه فوج قهرمانیه که در قصر قاجاریه
شرفیاب حضور مبارک شده بودند در میدان ارک
حاضر شده و صف نظامی کشیدند جناب جلالت
صدر اعظم بمیان فوج مزبور آمدند و رسیدگی با آنها
نمودند چون کمال آراستگی داشتند مورد تحسین
جناب معظم الیه گردیدند

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالیجا
چو اغلی خان نایب الحکومه در انتظام امر آنجا کمال اهتمام
را دارد و در نظم امر شهر و انتظام قراولخانهها و
جبه خانه نهایت سعی و مراقبت را دارد و اکثر اوقات
خودش بجه خانه رفتن استادان و صاحبان
صنایع را در کار خودشان تشویق مینماید و چنین
مبتق سر بازان آنجا هم رسیدگی کرده لازمه اهتمام را

اخراج بلد کرده است
اصفهان

بعل می آورد

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دزدی از خانه شخصی شیشه کر و متایگان او قدری شال و اسباب سرقت کرده و در خرابیهای بیرون شهر میخواست پنهان نماید آدمهای داروغه بسرقت او رسیده بودند اسبابها را بجا گذاشتند خود فرار کرده بودند و اشیاء مسروقه را آورده بجان آنها تسلیم نموده بودند و دزد مزبور صفائی بوده است از آنجا که فرار کرده بود و بفرار او در رفت و در آنجا دوری الاغ از شخص فرودی در دیده بود صاحب الاغها بتعاقب او رفته و او را گرفته الاغهای خود را تصاحب نموده و دزد را بفرار آورده بدست داروغه سپردند

و الآن مجبوس است
اجبار دول خارجه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تحت فرانسه رسید بیستم شهر ربیع الثانی بود و در روزنامه این ولایت نوشته اند که رشتان در آنجا بسیار سرد سخت شده بود و در و در خانه سین که از پای تحت میگذرد چنان یخ بسته بود که مردم از روی یخ عبور میکردند و بجهت کرانی مان بعضی از فقره در شهر پاریس و سایر شهرهای فرانسه قدری تنگی می کشیدند

در شهر بورخ که شهریت در کن رودریای تنک با بین فرانسه و انگلیس واقع است سکونی در میان دریا ساخته و درین روزها با تمام رسانده اند بجهت محافظت کشتیها در سنگام طوفان هفتاد یک

سال پیش ازین ایام بنای ساختن سکوی مزبور را گذاشتند چونکه میدانستند که کشتیهای جنگی و غیره که در ساحل صفیات کشت می کنند پناه گاهی که از ضرب امواج محفوظ باشند در آنجا لازم دارند بعد از آن در ملکات فرانسه اعتناش شد و بجهت اعتناش آن ولایت این کار عمده معوق ماند و طریش را شخصی و بان نام که مهندس مشهور آن ایام بود کشیده بود بعد از آن باز در ایامی که امپراطور ناپلیان بزرگ در فرانسه سلطنت میکرد مشغول ساختن سکوی مزبور میگرددند تا اینکه پادشاهان قدیم فرانسه که سلطنت اولیا برقرار کردند بدین سبب اخراجات زیاد ساختن سکوی مزبور را موقوف کردند تا در این اوقات که ایام لوی ناپلیان امپراطور فرانسه است سکوی مزبور با تمام رسیده است و هشت و هفت ملیان و سیصد هزار فرانک پول فرانسه که تخمینا سیزده کتوز و سی هزار تومان بحساب پول ایران باشد از آن ایام هفتاد یک سال پیش ازین تا بحال خرج این سکوهاست و در کل روی زمین در سیچ ایامی چنین سکویی ساخته نشده است کشتیها که سابقا قشایش غرق شدن داشتند حال در طرف سکوی مزبور لنگری اندازند و هر چه طوفان در دریا باشد بانها تاثیر نمی کند که در سیصد هزار فرانک در محاسبه فرانسه خرج تمام سکوی مزبور را بر آورد کردند بودند و هند سین قابل آن ولایت مشغول این کار بودند و بطوری تمام کرده اند که صد و پنجاه هزار تومان کمتر از آنچه بر آورد کرده بودند خرج شده است و تمام کردن این

عمل بیا دکاری سلطنت لوی ناپلیان اینطور فرست
 اعیان مملکت استراليا چارصد پوند که تخمیناً
 هشتاد تومان بحساب پول ایران باشد بصاحب
 یک کشتی انعام داده اند بسبب اینکه از ولایت انگلیس تا
 استراليا در شصت روز آمده بود و در میان خود
 سخاوت جمع کرده و قرار گذاشته اند از آن روز تا دیوان
 دیگر هر کس کشتی در شصت و هفت روز از انگلیس
 بیاورد و کشتی او حامل کتوبات باشد این انعام را با او بد

اگر بنا بر آن شهرادر کناردیای بالتیک را
 ریج الاول پنج بسته اند و با بنجه تا اول این بهار
 تردد کشتی بنجه محل و نقل غله و غیره موقوف گردیده
 و در شهر استین چهل و شش کشتی که غله بارشان
 بود در میان پنج مانده بودند

در وچ که فورخانه دولت انگلیس است توپها را بطرح
 دیگر اختراع کرده اند که از ته پرمی شود پنجاه یا باکلوله
 بجهت امتحان انداخته اند و خوب از امتحان بیرون
 آمده است و میگویند که باینطور و نفر میستوانند توپها
 سکین را که در روی کشتی هستند در هر دقیقه پنج یا
 پر کنند و خالی نمایند و توپهای جلورادر هر دقیقه شش
 و توپ هم چندان کمر نمی شود

در یکی از روزنامه ها سن پادشاهان فرنگستان با
 باین تفصیل نوشته اند پادشاه انگلیس سی و چهار
 و اتریش و پروس و روسیه و عثمانیه و سلسله
 پنجاه و هفت سال امپراطور روس پنجاه و شش سال

پادشاه نازوی پنجاه و سه سال و تیمارک چهل و چهار
 سال امپراطور فرانسه چهل و چهار سال پادشاه
 ناپولی چهل سال بواریه چهل سال هونو ورتسی و سه سال
 سلطان عثمانیه سی و یک سال امپراطور استرلیه سی و یک سال

در روزنامه منته نوشته اند که چهار نفر از اهل مصر که
 سال است در مدرسه مونیخ پای تحت بواریه درس
 میخوانند منصب معلم الاطباء گرفته اند و غیر از درس در
 علم طب زبان کرک و لاطین و منه را نیز یاد گرفته اند
 و در علم موزیکان و علم نقاشی هم کار کرده اند
 از آنکه از ولایت زدشان بیرون بیایند زبانت
 فراوان و انگلیس میدانستند بسیار قابل و صاحب
 ذکاوت هستند و بنده از پنج سال در شهر

اعلامات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاج
 عبدالمحمد با سمسره چپ در محله نزدیک دروازه دوازده
 الطباع شده از اینقرار و جمعه می شود
 حتمه لطایف که تازه رده شده است بخط خوش
 قطع و زیری و بسیار خوب و صحیح الطباع شد یک جلد و قیمت

سرار	دو تومان	—
زبدۃ المعارف	دو تومان	—
معراج السعاده	یک تومان	—
صدیقه الشبه	هشت هزار	—

قد سید است که عا لجا ه میرزا سر د ش شمس الشرا د
سلام عید نور و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

ایاز است و در حد و ا طویضه ن پادشاهی عرض نمود

عید تو فرخنده باد و ملک تو پایدار
ایکه دامت برکات و برکت

از جمله اخباراتی که در وزید سجد در وقت لایم بعضی خاکپای مبارک
رسید حکایت بند عباس است که همیشه در جزو ابواب جمعیت مملکت
فارس حکومت آن بجانب دولت علیه بعد شیخ سیف خان محول
مفوض بود در سینه ماضیه که شیخ سیف خان مرحوم شیخ عبدالرحمن
و بعضی از شاخ بندر زبور بخیا خود سری افتاده صید توپنی پسر امام
به بندر آورده با او عهد و میثاقی در میان نهادند بعد از آنکه توپ
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس نسبت کریمت برای نظم آن صحابه
رفته بود ندانای بندر و در قلعه را خندق خف نموده آذوقه و توپ و فوج
و جمعیت و استعداد از امام مسقط و صید توپنی برای خود آورده است
عاده توپ بزرگ در بروج و بدنه داشتند سوای توپهایی که در جای
مسقطه از امام مسقط در روی دریا بود و بکنکشتون دولت علیه
می انداختند نواب مؤید الدوله اسم امیر زاده ابوالقاسم خان
باتوچخانه و فوج کلپایگانی ابوالجمع غایب از نهر انجان و فوج قحطانی
ابوالجمع غایب از لطفعلی خان با مصطفی قلینان بوزاشی تفنگچی لاری مأمور
بمحاصره بندر نمودند چند روز ایام محاصره طول کشید و قشون دولت
سنگرها و خانهای بیرون شهر را تصرف آوردند از انظار مسموم صید
برادر زاده امام مسقط با چند جهاز و جمعیت و زیاده از پنجاه عاده توپ
با نداد آنها آمد تا در روز ششم هجری ماه جمادی الثانی روز روشن انوار
قاهره و قشون پوشش برده بقعه و غلبه شهر را تصرف آوردند و قشون
با دوا اهل بندر آمده بودند بطوری سرسپه شدند که اغلب از بیم جان
نخواستند خود را به نخله و جهاز برسانند بدریا انداخته غرق شدند
و هم چنین در روز ششم اینها حال اجماعان رضا قلینان با فوج عرب
و امامعلی خان با فوج کرمانی که از طرف کرمان حسب الامر اولیای
دولت علیه امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
مأمور نموده بود قلعه کبیر را که از قلعه های بسیار سخت کریمت بود و

هوای بند عباس آنها هم بنای خود سری گذاشته بودند
بیورش و قهر و غلبه تخریب نمودند که این دو فتح نمایان درین روز
عید سجد خبر رسید و بنجا کپای جا بون معروض افتاد
از جمله عطایای معطره که درین عید از جانب نسیان
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بنجاب جلالت مآب
اجل اکرم صدر عظمیٰ مخمسمرحمت شد یک قطعه
نشان امیرنویانی اعظم است با یک رشته حایل بزرگ
که اول نشان این دولت علیه است و مختص شخص اول
دولت قوی است اما حال مسم در حق و زراعت
باقی بکسی مرحمت نشده بود مگر اینکه حال در حق جناب
معتز الیه مرحمت شد و یک قطعه شراب بند کاغذ مکتوب
الماس و مروارید که ریش آن مرواریدهای بسیار
درشت ممتاز و قبه های آن مکتوب بالماس بر لیان است

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه غره ماه حجب المرجب بنی سال بر سن

نزد صد و شصت و پنج

قیمت روزنامه

یک نسخه در هر یک

صفهان و چهار هزار

منطبعة دار الخلفه طهران

عمیت اعلانات

یک سطر الاجرا بطریقه روز
بیشتر به سطر بخار



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

اعلیحضرت پادشاهی در روز یکشنبه گذشته
بغیر تفرج و کشت اطراف دار الخلفه مبارکه سوار گردید
و تا حوالی عصر بکشت و تفرج آنجا مشغول بودند و نزدیک
بغروب آفتاب بار که مبارکه سلطانی و مقرب
سلطنت عظمی محبت فرمودند

در این اوقات که ایام گردش عبدالعزیز است
حسب القانین این دولت علیه امنای دولت و چاکران
در بارهایون بجهت دید و بازدید یکدیگر از الترام حاکمان
در خانه معاف و مرض میباشند و هم چنین افواج
قاهره نظام نیز درین چند روزه از مشق کردن معاف
و مرض هستند که یکدیگر را دید و بازدید نمایند و همچنین
کسب بازار نیز اغلب دکانین خود را بسته و مشغول
دید و بازدید یکدیگر میباشند

در روز یکشنبه عیت و ششم ماه گذشته نواب
ستادش هزاره و الا بتاریخ الدوله فیروز میرزا
که بنیابت نواب مستطاب کامیاب و لعیله دوله

ابد مدت علیه بکومت مملکت آذربایجان سرفراز
شده است باتفاق مقرب الخاقان میرزا صادق
قائم مقام که به پیشکاری کل امور آذربایجان سرفراز است
از شهر دار الخلفه سبباغ نیکارستان نقل مکان کردند
چهار روزه اند و درین روزها حسب الامرهایون روانه
آذربایجان خواهند شد

چون فوج سه دهمی البواججی مقرب الخاقان محمد ابراهیم
سربت نوری بعد از ورود به دار الخلفه مبارکه که از
نظر انوار اعلیحضرت پادشاهی در میدان ارک چنانچه
در روزنامه مفتیش نوشته شده است بودند و چنانچه
جلالت آداب صدر اعظم فوج مزبور را ندیده بودند
لهذا در روز دوشنبه بیت و هفتم ماه گذشته در میدان
مشق خارج دروازه دولت صف نظامی کشیدند و
جناب معظم الیه میان فوج مزبور فرستاده رسید که
بانهانمودند و در کمال راستی و شکره با لباس سیاه و
دستکش سفید و دستمال سیاه کردن بنظر رسید
مقبول و تحسین مورد و نوازشات جناب معظم الیه گردیدند

و بسیار خوب پیش کردند و جناب معظم الیه انعام هم
بآنها دادند

در روز سه شنبه بیست و هشتم ماه گذشته علیحضرت
پادشاهی بیاع سردار تشریف برده و تا حوالی عصر
بقصر آنجا مشغول بودند و نزدیک عروب آفتاب
بارک مبارک که سلطانی تشریف فرما گردیدند

در روز دوشنبه گذشته جناب جلالت آفتاب
صدر اعظم بیاع مختارستان برای دیدن نواب نصیر
و دستور العمل کارهای آذربایجان که نواب معری
و مقرب الخاقان قائم مقام میدادند تشریف بردند و
تا چند ساعت از شب گذشته در آنجا تشریف
داشتند و بعد معاودت نمودند

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته
بودند از حسن مراقبت اولیای دولت علیه و تمام
عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان کمال نیست
و انتظام در آنجا حاصل است و ابداً اسی از ذری
و هرزگی نیست و کمال نظم را دارد

کمر و کس

از قراریکه ازین ولایت نوشته اند کمال ایت در
حاصل است و عالیجاه زمین العابدین خان حاکم
کروس در انجام خدمات دیوانی و حسن لوک بالاه
آنجا مراقبت تمام بعمل می آورد و درین ولایت نهایت
فراوانی و ارزانی و وفور نعمت حاصل است و چهره
از آفته در آنجا از ان و خادان است بطوری که کنیم

در آنجا خرداری سه هزار دینار خریدارند و سایر
اجناس با کولات نیز از همین قرار در نهایت وفور
ارزانت

اجبار و ول خارج

انگلستان تاریخ کاغذ آخر که از لندن پانزده
این ولایت رسید بیستم ماه جمادی الثانی بود و در روز
سه شنبه دویم ماه منور مشورتخانه خوانین و کلای
رعایا حسب احکام در پای تخت جمع شده بودند و خود
علیاحضرت پادشاه مشورتخانه منور تشریف آوردند
و بروی تخت قرار گرفت و در خصوص بعضی امورات دولتی
بابل مشورتخانه فرمایش نمود و بعد از آن اهل و مشورتخانه
هر یک در جای خود نشسته مشغول گذراندن امور دولتی
شدند و از جمله گفتگوئی که در مشورتخانه و کلای رعایا
بود این بود که ملت یهود نیز مثل سایر رعایای انگلیس
اذن داشته باشند که از آنها نیز و کیلی و مشورتخانه
دولتی بنشینند و لکن این قرار و اوسنور مخبری نشده است

در دریاهای اطراف مملکت انگلیس طوفان زیاده بود
و کشتی زیاده غرق گردیده بود از جمله نوشته بودند که
از اول ربیع الثانی تا چهارم ماه منور دولت و چنانچه
کشتی تجارت چه از تجار انگلیس و چه از تجار سایر
دول در آنجا غرق شده بود سوای کشتیهائی که نجات
امواج بکنار دریای انداخته و شکسته و میوه نبوده است
و از اول تا آخر ماه منور هوا چنان سرد شده بود که موا
درجه هوا که دارند شتا و پنجال بود که در مملکت انگلیس هوا

باین طور سرد شده بود و راهها بطوری برف و یخ
گرفته بود که تردد سیاح بسیار مشکل بود

در بعضی ملوکات انجلسین بجهه کرانی نان افشاشین
شده بود و مردم جمع شده سنگ بجا نهاد و کابین
خبازان انداخته بودند و در پنجه آنها را گشته بودند
اما چاکران دیوان رفو داغشاشین موقوف کرده
و مقصرین را که مصدر افشاشین شده بودند گرفته
محبوس کردند

تجارت تجار و شغل کارخانها در ولایت انجلسین
خوب راه میرفت و معلوم بود که کار خلق بجهه رواج
کارخانها و تجارت رو بترقی بود و مالیات دیوان
زیادتر از سالهای گذشته عاید شده بود بطوریکه
نسبت به سینه ماضیه داخل عایدی دیوان زیادتر
از مخارج آمده بود

در ششم ماه جمادی الاول وزیر مختار دولت روس
مقیم لندن از انجا بایرون رفته بود که بولایت خود
مراجعت نماید

فرات

تا رنج کاغذ آخر که این ولایت رسیده است و آنجا
ماه جمادی الاول بود و قرار بوده است که در چهارم
ماه جمادی الثانی مشورتخانه دولتی در پای تخت جمع شود
وزیر محاسبات آن ولایت محاسب سال گذشته
و دستور العمل سال نو را بحضور امپراطور آورده بود
و جمع و خرج ولایت را بطوری نوشته بود که مالیات
تمام مخارج را می کرده و جمع امسال از جمع سال گذشته

زیادتر آمده بود

پرس ناپلیان که بر وسیله پای تخت مملکت بفرشته
بود و در پنجم ماه زبور از انجا مراجعت پای تخت فرست
نموده است

درین نستان سردار مملکت فرانسه شدت نام
داشته است و در بعضی جاها رو و خانهائی که هرگز
کسی بخاطر ندیده است که پنج بسته باشند درین
نستان پنج بسته بودند آفتی در میان تاک انکور افتاده
بود بطوریکه در بعضی جاها تاک انکور بآلوده ضایع شده
بود که دیگر جمیع فمید هستند و بجهه بیمه در می آورده
و در هر کجا که ضایع شده بود رنگ چوبش سیاه
گردیده بود اما بعد از سرمای شدیدی نستان دیدند که
در بعضی جاها که تاک انکور سیاه و ضایع شده بود
دوباره برنگ اصلی خود برگشته است و چنان دانستند
که شدت برودت رفع آفت از میان تاک انکور کرده باشد
لذا تاکهائی که برنگ اول برگشته بود دیگر نکند چون
حاصل زیاد در دست جنوب مملکت فرانسه از انکور است
بکان داشته که این شدت سرما رفع آفت از تاک
انکور کرده و بجان گیاههای آنجا نفع نموده باشد

وزیر مختار روس مقیم پاریس نیز در ششم ماه جمادی
از پاریس پردن رفته است که بولایت خود برود
ما بین دولسین انجلسین و فرانسه دوستی و دوست
نام بود و در هر سبب و هر جهت مصلحت و مشورتشان
یکی بود و هر دو دولت قشون خود را اعم از قشون بزرگ
یا بجزی زیاد میکردند

بلر

از فرآریکه در روزنامه پای تخت این مملکت نوشته اند
پرنس ناپلیان در آنجا بود و همان پادشاه بزرگ بود
و بجهت حرم پرنس مزبور کمال اوضاع و اساس و بنیت
در محالها فراهم آورده بودند و وزیر مختار فرانسه هم
بروئیلر ابلجیان دول خارجه را که در نزد پادشاه بزرگ
بودند یکی یکی بجهت پرنس مزبور آورده و معرفی آنها را کرد
بود و در هنگام مراجعت که از آنجا بولایت فرانسه میخواست
برود و لدک ده برآبیت و لیعهد مملکت بلر همسر پرنس
مزبور بشالیت رفته بود تا بجائی که سوار کالسکه گشته بود
و بخت خیره روانه گردید بود

در روزنامه لندن نوشته اند که ولیعهد پادشاه بلر
در فصل بهار امسال بنیاد دارد که بولایت انگلیس برود و
و چند ماه در آنجا همان پادشاه انگلیس را

پنجاهم

از فرآر روزنامه این مملکت قشون آنجا را زیاد میکرد
و بسیار سی و کوشش میکردند که قشون و قورخانه و سایر
لوازمات جنگ را حاضر و جمیعاً

اسپانیول

درین مملکت چونکه دیدند قاعده مذکره دادن بجهت خلق که از
شهر تا سهر در میان ولایت عبور میکردند باعث اذیت
مردم بود و حسب احکام دیوان درین روزنامه خوف کرده اند

ایضا از دروپای تخت اسپانیول نوشته اند که بعضی
مردم در آنجا میخواستند با دو پرسم زدکی در دولت

نمایند چهارده نفر از آنها را گرفته اخراج بلد کردند

ایلمچی فرانسه که در جنگی که همسرا وزیر مختار دولت
بینی دنیای شمالی کرده بودند کلوله پایش خورده بود
و تفصیل آن در روزنامه سابق ترجمه و نوشته شده است
کلوله را از پای او در آورده اند و خنجرش رو بخوبی بود

از سایر ممالک فرنگستان روزنامه درین مملکت آمده است
و از فرآریکه می نویسند زمستان در آن صفحات بسیار
سخت شده بود و طوفان زیاده و در روی دریاست
بود و بسبب طوفان مزبور کشتیهای بسیار غرق و تکت
شدند مال التجاره زیاده تلف شده و مردم زیاده
آب غرق شده بودند و هم چنین در خشکی بسبب
برف زدکا که در راه آهن بسیار مشکل شده بود و در سبب

بعضی ممالک غربی فرنگستان بجهت کم شدن اذیت و خصوصاً
غله تنگی و عسرت می کشیدند از مصر که جای غله خیر بجهت
بعضی ممالک فرنگستان است قدغن شده بود که غله بیرون
نبرند و چونکه بعضی ممالک فرنگستان در سالهای که حاصل
ولایت خودشان کفایت خوراک خلق نمی کنند و درین غله
از مملکت مبعوث ترقی جنس در بعضی ولایات آن سمت بود
و سبب دیگر کران شدن غله این بود که دریای بلتیک
یخ بسته بود چنانکه در هرستان یخ نمی بندد و تا فصل بهار
یخ آنجا بازمی شود که غله بار کرده در کشتیهای آنی که لازم است
نبرند و لکن چونکه دریای دینکی شمالی یخ نمی بندد و دائم
کشتی در آنجا کار می کند غله از آنجا می آید و دریای بلتیک

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ یوم شنبه ششم ماه حجب المرجب سال یازدهم سنه ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و شش

قیمت روزنامه

یک نسخه به پیر کلاه

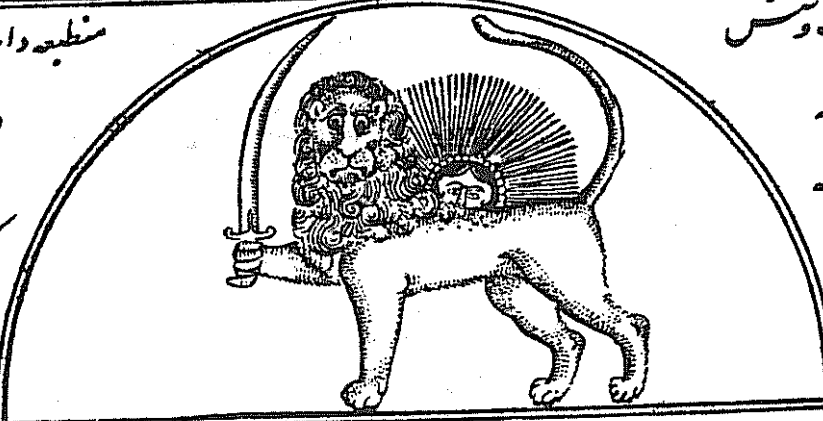
چون د چهار هزار

منطقه دارا خلفه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط یک هزار

بیشتر به هر خطی هر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارا خلفه طهران

در روز شنبه هفتم گذشته که علیحضرت پادشاه
بیاض امیر الامراء العظام سیدار تشریف بردند عالیجاه
همینکه امیر الامراء العظام مشارالیه از جانب
او تقدیم پیشکش و پای انداز و قربانی و ضیافت نمودند
و لوازم خدمتگذار بر معمول داشت و خدمات او
مستحق مقبول خاطر ملوکانه افتاده اظهار عنایت و التفات
خسروانی نسبت ببردادر فرمودند و بعد از صرف چای
و عصرانه نزد یک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی
معاودت نمودند

چون نیت پاک و فطرت تابناک جادون اعلیحضرت
پادشاهی پیوسته طالب سایش و ارتش کا و عبادت
لهذا بجای سیوریات گرفتن در منازل عرض راه و ملازمین
موقوف فرمودند خواه صد نفر یا پنجاه نفر یا پنج فرج یا زیادتر
هر قدر قشون مامور می شود او لای دولت قاهره حکم
فرمودند که از هر ولایتی بولایتی میرود حاکم آن ولایت
منازل عرض راه را حساب کرده قیمت سیوریات
قشون ماموره را بسجده و وجه نقد از بابت مالیات
آن ولایت بدی که دیگر در منازل عرض راه در هیچ جا
سیوریات مطالبه نمایند

چون روز نهم شهر حجب المرجب موافق احببت
مولود جناب ولایت آتاب مولی المتقین امیر المومنین علی علیه السلام
و تاجال احترام این روز سعید ظاهر امری و منظور شده بود
و لوازم عید را در این روز بعل بنی آوردند و در بواکین
و مومنین دستور دگتوم مانده بود لهذا اعلیحضرت پادشاه
نظر باقتضای نیت پاک ملوکانه چنین امر و مقرر فرمودند که
سیزدهم ماه نورانی سال در جمیع ممالک محروسه پادشاهی

در روز یکشنبه چهارم این ماه که روز نهم عید بود
چون قانون این دولت علیه است که عموم خلق نیت
و تفریح باغات و بساتین ببردند لهذا اعلیحضرت پادشاه
بیاض دولت آباد که درست هزاره عید العظیم است
تشریف فرما گردیده تا حوالی عصر در باغ مرزوبعیش تفریح
ببر بردند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی
مراجعت فرمودند

عید بزرگ قرار داده مثل سایر اعیان و تهنیه جشن و شلیک پرت
شد و بجمع حکام ولایات مالک محروسه حب الامر و این
قضا این شرف صد و یافه ارسال شد

چون نواب مستطاب میراده والا تبار مؤید الدوله طاهر
حکمران مملکت فارس در انتظام و انضباط امور آن صفا
و نظم کمرسیرات و منع و اخراج متمرین بندر عباس
و قلعه کبیر خصوصاً لازمه مراقبت و اتمام را بعمل آورده بود
و مراتب خدمات نواب معزی الیه ریاده از انداز
و مقبول خاطر خطیر اعلی حضرت پادشاهی افتاد لهذا
محض رحمت یک قطعه نشان تمثال هائون مکتل با لباس
که بالاترین نشانها و اجل عطایاست بافتخار نواب معزی
مرحمت و عنایت فرمودند و از این قرار نیز در باره سیاح
در خدمت بندر عباس و آسپای بر آنجا و قلعه کبیر
و جلالت ظاهر کرده بودند منصب خلعت نشان
کردید

عالیجاه لطفعلی خان سرتیپ فوج قفقازی که در تخییر بندر
عباس با فوج بود نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو
مرحمت شد

امیرآده ابوالقاسم خان پیر نواب مؤید الدوله که در
قشون ببرداری مامور بود و بسیار اتمام نمود منصب
برقرار و نشان و حایل از مرتبه اول سرتیپی باو مرحمت

عالیجاه نصر الله خان سرنک فوج کلپایگان که در بندر عباس
خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز شده یکثوب جبهه
برسم خلعت مبارک ایه مرحمت گردید

عالیجاه رضا قلیخان سرنک فوج عرب سرتیپی چون
در تصرف قلعه کبیر خدمت کرده بود منصب سرتیپی سرافراز
گردیده یکثوب جبهه رزمه برسم خلعت بافتخار او شد

عالیجاه عباس خان غلام میخدا مت چون در بندر
عباس و نظم آن صفحات خدمت کرده بود یک قطعه
نشان از مرتبه دوم سرتیپی بافتخار او شد

عالیجاه امامعلی خان سرنک فوج کرمانی که در خدمت
قلعه کبیر اتمام نموده بود نشان و حایل از مرتبه اول
سرتیپی باو مرحمت شد

مصطفی خان تسکی که در بندر عباس خدمت کرده بود
یک قطعه نشان از مرتبه یک ثوب قیای رزی باو مرحمت شد

مصطفی قلیخان یوزباشی نیز که در بندر بزمور مصدر خدمات
شده بود با عطای یک قطعه نشان از مرتبه و یک ثوب قیای
رزی سرافراز گردید

مصطفی خان بیک نایب اول توپخانه که در بندر عباس
بود منصب سلطان توپخانه سرافراز شد

عالیجاه میرزا نعیم شکر نویس چون در قلعه و قلعه طایفه
ضالیه بابیه نیز اتمام نموده و با اینکه ازار باطل است
کمال رشادت و جلالت بعمل آورده آنها را بجای قلعه
واقع نمود لهذا یک قطعه نشان و یک رشته حایل
از مرتبه اول سرتیپی در حق او مرحمت شده و بموجب
اورا هم موافق مواجب سرتیپان مرحمت فرمودند

چون نواب مستطاب عماد الدوله امامعلی میرزا حکمران
کرمان در انتظام و انضباط امور آن ولایت که

۱۰۶۱

باب

عراق عجب است مسواره کمال اهتمام را بعلو
محاسن خدمات نواب معزی الیه سخن و مقبول
پیکاه حضور با هر الموزهایون افتاده اند سخن
مرحمت یک قطعه نشان از مرتبه اول میرنجه کی
با یک رشته حایل سرخ و سفید که مخصوص این مرتبه است
بافتن نواب معزی الیه حمت و عنایت نمود

در روز سیزدهم عید که عموم خلق بجهت تفریح بیرون
سنة و باغات و بساتین رفته از دحام داشتند
از انعام و احتساب انسانی دولت علیه از احدی
خلافی شنیده نشده در از منته سابقه و چنین روزی
بی آن نمی شد که در میان جبال و اود بایش احداث
زراع و شرارتی نشود لکن در این ایام فیروزی ارتش
قدرت حرکت خلاف ندارد بطوریکه با آن به محبت
و کثرت مردم در بیرون در واز و باغات و سبزی
از احدی صدائی که مبنی بر زراع و شرارت باشد
بلند نشده بود

افواج قاهره نظام ارتوپچی و سرباز و سوار نظام
هر روز در میدان ارک و میدان مشق خارج در واز
دولت مشغول مشق نظامی می باشند و معلمین و صاحبان
نهایت اهتمام در مشق و انظام امر آنها دارند و بعد از
غذاغت از مشق افواج قاهره طرف عصر نیز هر روز
صاحب منصبان افواج در میدان مشق خارج و روز
دولت مشغول مشق و تسلیم قواعد نظامی میباشند
در روز سه شنبه گذشته و نفر دزد که یکی از آنهاست

در خانه نواب فرمان فرما در دزدی کرده و گرفتار شده
یک دست او قطع شده بود و درین روز با قصد
سرفت کرده بود و یکی دیگر نیز با بقادر قریه کن قصد
سرفت شده و الاغی در آنجا در دیده بود و دست آمده
و یک دست او نیز قطع گردیده بود و درین روز با باز در آنجا
دزدی کرده و دست آمده بود و در روز فروردین
بعضی سیاست در آمده حب الاشارة العلیه حکم نواب
ستاب شاهزاده و الایثار و شیر میرزا حکمران
دار انجلا فطهران و توابع دستهای دیگر آنها را نیز قطع
نموده و چهارشان نموده در کوچهها و بازارها گرداند و در
اخراج طلب نموند

سایر ولایات

آذربایجان از فرار یک در روزنامه این ولایت
نوشته اند امیرالامراء العظام مقرب الخاقان سردار کل
در انظام امور آن ولایت در غیاب نواب نصره الدوله
نایب الایاله آذربایجان کمال اهتمام دارد و مقرب الخاقان
جعفر قلیخان میرنجه هم که حسب الامر تصدی امور نظام آنجا
ما مورثه است در لوازم خدمت محوله قلمای متهم
دارد و همه روز در اطاق نظام نشسته مشغول امورات
نظام است و خلقی هم که سابقا با و مرحمت شده بود
رسیده لازم توفیر و احترام را بعلی آورده است و برای
تثبیت و احترام خلعت هر طلعت پادشاهی جمیع اعیان
صاحب منصبان در روز خلعت پوشان مشار به
حاضر شده اند و تثبیت و تبارکبا و خلعت هایون
گفته اند

همدان

از قراریکه در روزنامه هیران نوشته بودند امر آنجناب
 بحال نظم وارد و عموم مالی آنولایت از مجتهدین و علی بعد
 وصول فرمان مهملعان که در خصوص قوفی جرایم غاصد
 یافته بود بحال شکر گذار بابل آورده و بدعا کونی ذات
 اقدس مایون و دعای دوام دولت روز افزون قیام
 و اقدام نموده اند

دیگر نوشته بودند که زنج اجناس و ماکولات آنجناب
 و مردم در بحال رفاه و آسودگی گذران مینمایند و
 اسد الله خان معتمد الملک در نظم امر ولایت و رسیدگی
 بکار رعیت منتهای اهتمام را دارد و در رفع هر یکی و
 بحال وقت راجع می آورد و اگر کسی مصدر شرارت و
 حسابی شده باشد فوراً در مقام عقوبت و تادیب آن

برمی آید
گیلان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند بعد
 موقوفی جرمیه و ترجمان بانجام رسید است و
 جامع خوانده و مضامین آن را که مشعر بحال رافت و
 طوکانه در باره عموم رعایا و برای مالک محروست
 که شش زده خاص و عام کرده اند و بحال امیدواری برای
 مالی آنجا حاصل شده و این حکم معدلت این نهایت
 شکر گذاری و دعا کونی راجع آورده اند

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان عیسی خان دای
 در نظم امر ولایت و انجام خدمات دیوانی و تحصیل
 آسودگی رعیت نهایت اهتمام را دارد و بفرایض مردم

و رسیدگی تمام مینماید و کمر اتقاق می افتد که از کسی
 حساب و شرارتی ناشی و صادر نشود و مردم در بحال
 آسودگی و ذاعت مشغول زراعت و عیسی خود و دعا کونی
 این دولت علیه مینماید
 کرمان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند امیرالامرا
 محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان بعد از وصول
 فرمان مهملعان مبارک که در باب موقوفی جرمیه و
 شرف صدور یافته بود در زود رس منابر و صدور مساجد
 فرمان مبارک را داده است خوانده اند و عموم مالی
 و بلوکات کرمان از صدور این حکم مایون نهایت شکر گذار
 و دعا کونی راجع آورده اند و زیاده مشغوف و امیدوار
 بفرایض این دولت پایدار گردیده اند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در کرمان باد سختی
 وزیدن گرفته است سجدی که بقدر زرع از بدنه شهر
 که در وازه سلطانی باشد خراب کرده است و رکنها
 در او آخر مبدل بقرنری بوده است
 یزد

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند چنانچه در روز
 سابق نیز نوشته شد سه روز در دارالعباده یزد چنان
 سرمای سخت شده است که آنچه سردرختی بوده است همه
 سرما زده است و درین سه روزه سجدی سرد بوده است
 که مردم قوه بیرون آمدن از خانه ها مشغولیت بکار و کشت
 و مردمان مغمور آن بلد میگفتند که تا بحال این شد سرما
 اینولایت نمیده و بخاطرنداریم

اخبار دول خارجه

فرانسه در زمستان گذشته چنان برف و دین ولایت آمده بود که در راه آهن مابین سترزبورگ و پاریس تا مدتی تردد نمی شد و در بعضی جایها نظام درآورده بودند و برف را بهار پاک می کردند که کالک تر و نماید و نزد بلژن وین یکدفع و نیم برف داشت مابین شهرهای روتر و یوزم تردد مشکل بود اما این بیشتر از همه روزه کم شد

ایتالیا

در بعضی روزنامه های این ولایت نوشته بودند که چند پیش ازین مکان بود که قشون فرانسه را که در رومستند با کمر نماند با یکی از آنجا بردارند بعد معلوم شد که این گفتگوها بی اصل بوده است و قشون فرانسه را در روم کم نگذاشته اند بعضی افواج آنجا را عوض کرده اند و همان قشون که در آنجا داشتند باز دارند و در زمستان گذشته معلوم شده بود که بعضی از اهل آنجا باز بنای برسم زدن دولت پایار داشتند بعضی شان خیال داشتند که پادشاه بجهت ایتالیا برقرار شود که کل ممالک ایتالیا در زیر حکومت یک پادشاه باشد و بعضی هم خیال این را داشتند که در آنجا دولت جمهوری برپا شود و آرای مختلفین مخالف یکدیگر بود بسیاری ازین مردم را گرفت و حبس کرده اند و اکثرشان از چاکران دیوان و اعیان عمده آن ولایت اند و محکوم شده است که در هر حال دولت فرانسه قشونی که در آنجا دارند کمتر نخواهند کرد

اسپانیول

از مدتی پای تخت اسپانیول نوشته اند که درین زمستان گذشته هوای آنجا بشتی سرد و سخت شده بود که آبها یخ بسته بودند بطوریکه مردم بروی یخ عبور میکردند و یخ و این طور یخ بندان در آن ولایت بسیار جای تعجب است اکثر ولایات اسپانیول کمرسیر و جای بعل آمدن مرکبات خوب و میوه جات کمرسیریت و اما لی آنجا اینگونه سرما در آن ولایت هیچ سالی نجات نداشتند

سینکی دنیای شمالی

ملکت کلی فارینا دوست است یکی کلی فارینای علیا و یکی کلی فارینای سفلی و کلی فارینای علیا حالا بر حسب عهد مامند که دارند در دست دولت سینکی دنیای شمالی است باقی هر دو در دست دولت میکسکو بود حالا همان کلی فارینای سفلی در دست دولت میکسکو ماند است در این اوقات چند نفر از اهل سینکی دنیای شمالی خود سر و بدون اینکه دولت از اراده آنها با خبر شده رفته اند یک قصبه از کلی فارینای سفلی را گرفته و تصرف کرده اند و بناد دارند که این ولایت را از تصرف دولت میکسکو بیرون بیاورند که یاد دولت جمهوری جداگانه بشود و یا جزو سایر ممالک سینکی دنیای شمالی باشد خود امنای دولت سینکی دنیای شمالی ازین عمل حمایت کرده اند و لکن دور نیست که اهل آنجا بی اذن دولت انقدر با آنجا بروند که شکست باطل میکسکو داده آن ولایت را دولت جداگانه بکنند و از اینهم تشویش دارند که اهل میکسکو بان چند نفر که با آنجا رفته اند غالب آمده آنها را بپاک نمایند آنوقت اهل سینکی از روی غیرت بطوری با آن ولایت هجوم آور شوند که دولت

سنگی دنیای شالی تواند جلوانهار بگیرد

از هر سبب کار اهل سنگی دینار و تهرتی بود مردم و لایا
و نکتان که نسبت بوسعت ولایتان آبادی و جمیع زبا
درند بسیار با نولات رفته کنی میگرد و جایحانی را که
آبادی نداشت آباد و دایر میکنند و آوردن طلسم از
کلی قارینا سبب داد و ستد زیاد و رواج تجارت و آبادی
این مملکت شده است اگر چه اکثر این طلا و رانجامانند
و روانه مملکت انگلیس شود

احوال متفرقه

شخصی در شهر نیویارک شیر و بئر تربیت کرده بود و با
آنها بازی میکرد و یکر و زی اینها را بیرون آورده بود و بئر
آن شخص را بر زمین زده و سینه او را به دندان گرفته بود
شیر که در آنجا بود بروی بئر پرید که نلزار و پنجه بهمت بئر
از دانت عوض اینکه پنجه او به بئر بکشد بان شخص گرفت
شیر بانان دیگر او را از نفس بیرون کشیده و حلال کرد
و این شخص مجروح بسیار تعجب میکرد از بئر که این حرکت را
نموده بود و چونکه خیلی خوب تربیت شده بود اما چون دانا
بود که او را بیرون نیاورده بود و کمان میکرد که از دیدن جمعیت
زیاد و روشنائی چراغ متوحش شده و با قضا طبعیت
سباعی این حرکت را کرده باشد

حساب کرده اند که کل آدمهای سرخ رنگ که اهل قدیم سنگی
شالی مستند بیشتر از چهار صد هزار کس نمیشد و از اینها
هیچکس نیز از فردوست شرقی رود نیل پیوسته در جایی
که حالا اولاد فرنگها آنجا را آباد و معمور کرده اند و چنانچه
در آن صفحات اولاد فرنگها سال ببال زیاد می شوند

اولاد اهل قدیم آنجا سال ببال کم میشوند

از جمله حیوانات غریب که در مملکت استرالیایا پیدا میشود
از قسم طيور مرغهای بسیار غریب یافت میشوند از آنجمله
الوان طوطی زیاد است و کوشان نیز بسیار ماکول و لایند
و بطوری زیادند که یک صیاد با تفنگ در دو ساعت
میتواند بیست سی طوطی بزند و قسی نیز از طوطی بسیار خوش
زیادند که رنگشان زرد است و کامل دارند و اینها بقایه
زیادند که ضرر کلی بچاصل آنجا می رسانند و بسیار هم چو
و مترصد شکارچی و شکارچیان آنها را با شکار میتوانستند

نماینده

شخصی در مملکت فرانسه یک پول سیاه که دوشامبی قیمت
او بود برده بود و در دکانی که چیز جزئی بگیرد شخصی دیگر که در آنجا
بود از آنکه و ترکیب این پول خوش آمده بود و دیده بود
که سکه قدیم است و دوشامبی داده و خریده بود و بعد برده
رسیدی کرده بود و فهمیده بود که بطور قلابه ساخته اند و چیزی
و دیگر در میان او تعبیه است و قتی که کسوده بود دیده بود
که در میانش اشرفی هست که از ایام لوی پانزدهم
پادشاه مملکت فرانسه تاریخ دارد و چنان اشرفی را
در میان پول سیاه تعبیه کرده بودند که فهمیدنش مشکل بود
بسیار فکر کردند که ابا این عمل کیت بعضی چنان کمان کردند
که در وقتی که پادشاه فرانسه مجوس یا عیان بود کسانی که
طرف گیری پادشاه را میکردند باینطور اشرفی در میان پول
سیاه کرده و برای او میفرستاده اند و بعضی دیگر چنان
میدانستند که در ایام سلطنت ناپلیان اول که اولاد پادشاهان
قدیم فرانسه ادعای سلطنت آن مملکت را می کردند باین

اولی میفرستاد بجه آنها که طرفداری اولاد پادشاهان
قدیمه امی کردند و با قشون ناپلیان جنگ می نمودند
که در زمین چاه می کنند از صیف ذرع تا بیت و پنج ذرع
و بعد از آن خاک اوراک در آورده اند و میسوزند و طلا را از
مان آن خاک در می آورند

سختی در نیویارک یکی دنیا در اطاق خوابیده بود ناگاه صد
افتادن ظرف چینی از طاقچه بلند اطاق بکوشش حوز و چراغ
روشن کرد و دید که ماری با لاف اطاق رفته و گردنش در میان
حلقه کوزه که در آنجا بود بطور غریب گیر کرده است بالای
سختی مرغ بود یکی از این تخمها را مار خورده بود بعد گردنش را
از حلقه کوزه گذرانده و تخم دیگر را خورده بود چون سخت
بزرگ بود از حلقه کوزه رد نمی شد در همانجا بنده شده
و نتوانست بود که دن خود را از حلقه بیرون بیاورد
در بعضی جایها در مملکت انگلیس وقتیکه ماهی صید می کنند
اورا وزن نموده و حلقه با دمی اندازند و نشان کرده باز
بیاورند آب را می کنند و تا پنج گریز ماهی را با نشان
یاده است می کنند یکی از این ماهیها از قسم قزل آلا که
کرده بودند بگیر آمد بود که سه هفته پیش از آن گرفته بودند
و قتی که کشیدند و زنش میت و مفت سیر بود و سه هفته
پیش از آن که کشیده بودند و زنش باز زده سیر بود و دو
شده بود که در مدت سه هفته باز زده سیر زیاد شده

مردمی که درین روزها از استرالیا بمملکت انگلیس آمده اند
میگویند که کان است معدن طلای استرالیا تا چند سال
دیگر بهین طور مفت ناپذیری از این اشخاص نزدیک است
طلای داشت و سایر مردم نیز که در آن کشتی بودند همه یک
طلای داشتند و در میان شان کسی که از دو هزار تومان کمتر
طلا آورده باشد نبود و قسم طلا در آوردن آنجا است
در مملکت مصر درین فصل نستان آب رود نیل چنان
بالا آمده بود که قدیمی از راه آهن را که در آنجا ساخته اند
آب فرو گرفته بود حال راه مزبور را بلند تر می سازند و میل
و پاره دوران راه میگردانند و کان بود که تا اول فصل بهار
که این اوقات است بجه تردد و خلق متوجع باشد

از اسکندریه مصر تاریخ سیم ربیع الثانی نوشته اند
که چون بنا داشتند که نهر محمودیه را تعمیر نمایند تا چهل
کشتی از آنجا عبور نمیکرد و بایست از سمت نهر دیگر برو
کشتی بخار فرانسه نزدیک شهر اسکندریه بنک خورد
و غرق شد و کشتی مزبور از غلکشات با اسکندریه می آمد
هوای بسیار طایم بود و باد و امواج بود و لی بخار و میوه هوارا
چنان تار یک کرده بود که راه پیدا نبود و قتی که کشتی بنک
خورد و سیاحان بار خود را از کشتی بیرون آوردند اما با تجارت

که در میان کشتی بودند نتوانستند بیرون بزنند بسبب آنکه درین بین طوفان شد و کشتی بار بار پارچه پارچه گردید

بجته زیاد شدن حجت هر یک به تومان بهر کس میروید و از آن جهت کمان است که بیشتر کوفت را در این ولایت بجته خوراک می فروشند و کمتر آنها را بجته شمشیر نگاه میدارند

جامعت اطباء و مملکت انجلیس در خصوص مردم آنجا که جنگها یا از ناخوشیها میمیرند باینطور نوشته اند که در سبت و یک سال نوزده هزار و هفتصد و نود و شش نفر در جنگ کشته شدند و هفتاد و نه هزار و هفتصد و نه نفر زخمی که از قوا رسالی مستصد نوزده نفر کشته و سه هزار و ششصد و بیست و سه نفر زخمی میشوند و در وبای چهار و سال پیش ازین در مملکت انجلیس در دو سال هفتاد و دو هزار و یکصد و شصت و نه نفر کشته و یکصد و چهل و چهار هزار و سیصد و شصت نفر ازین ناخوشی گرفته اند از اطباء که در میان ناخوشها که و با گرفته بودند کار می کردند از هر صد نفر و از ده نفر طلب میبردند و در بعضی جایها از هر صد نفر طلب بیت نفر میبردند ازین جایها معلوم میشود که ناخوشی و باخیشی بیشتر از جنگهای عظیم مردم را تلف میکند

در شهر قری بروج که شهر است در یکی از ممالک کوچک است چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است گفتگویی بود مابین ایشان آنجا و دولت چند نفر از کیشان را گرفته و مجبورس کرده اند و این گفتگو هنوز در میان است بعضی مردم در سایر ولایات که هوا خواه و طرفدار کیشان هستند پول جمع می کنند و بجته آنها میفرستند و لکن چاکران دولت در عمل خود سخت بیاداده و نظم سخت داده اند و هر کشتی که خلاف حکم دیوان می کند او را فورا گرفته و مجبور مینمایند

اعتناش جزئی که در بعضی جایهای مملکت پیدا نمائند در خصوص کرانی نان شده بود و از قرار روزنامه آخر که از این ولایت آمد تمام گردیده بود و مشورتخانه آن ولایت جمع شده بودند و در هر روز نظم تمام داشتند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کاخ حاجی عبدالحمید باچقی محله نزدیک دروازه دولابان عاید شده از این قرار فروخته میشود

خمده نظامی	بیت و چهار	۵۰
سرایر	دو تومان	۵۰
زبدۃ المعارف	دو تومان	۵۰
معراج السعاده	یک تومان	۵۰
حدیقه السیعه	هشت هزار	۵۰

از جمله حاصل زیاد و تجارت عمده مابین مملکت استرالیا و انجلیس ششم کوفت است و در دو سال پیش ازین در یکسال هجده هزار پوند بوزن انجلیس ششم از استرالیا بآنجلیس آورده اند و در سال گذشته بیت و یک هزار پوند و هشت انجلیس شش سیر بوزن ایران است اگر چه درین سالها ترقی کرده است اما همچنان دارند که بعد ازین انقدر ششم ولایت انجلیس نفرستند بسبب آنکه قیمت کوفت در این ولایت درین سالها خیلی زیاد شده است اول کوفت در این خیزه را در آنجا یک تومان و در دوازده هزار میفرستند حال

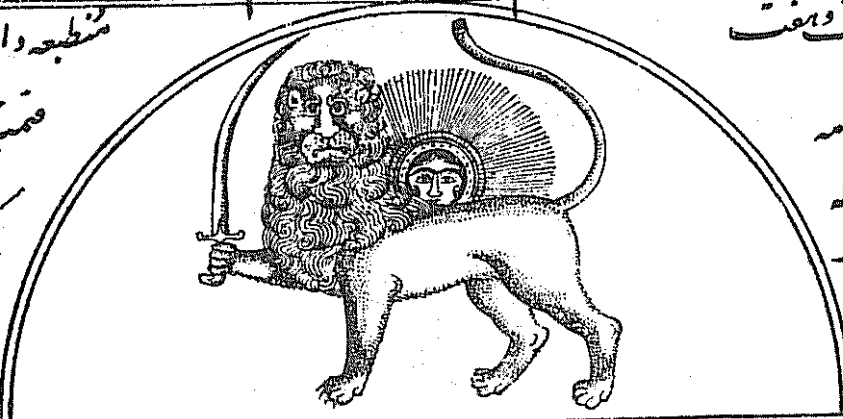
روزنامه وقایع اتفاقیه بنا بر یوم پنجشنبه دهم جمادی الثانی سال ۱۳۷۰

نمره صد و شصت و هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه دوازده ریال

حقان و چهار هزار



منشور دارالخلافه طهران

مفت اعلانات

یکسره اخبار مطبوعه

بیت پرستی

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

امالی دولت علیه ایران است در ضایع مسکن و مومنین

مختی و کمندوم بود اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی

باقضای کمال ارادت بنجاب ولایت مآب این

عید را مانند سایر اعیاد بزرگ و تالی عید مولود جناب

خاتم الانبیاء قرار دادند و شب آنروز را اسکن جشن

دو چراغان و آتش بازی در حضور مبارک فراموش آوردند

و آنروز را اعلیحضرت پادشاهی در دیوانخانه بزرگ

بار سلام عام داده و تحت مرامر با وجود همایون ریب

وزیت بنجودند و امنای دولت علیه و چاکران حضرت

کرد و نبط سینه و میرنچکان و صاحب منصبان نظام

و سایر اهل سلام با نقاد سلام عام هر یک در مرتبه

و مقام خود ایستاده و خطیب ادای خطبه بلیغ و تهنید

کفته و در میدان ارک افواج قاهره نظام از تو سنجی و تبرک

سر تا سر میدان صف نظامی کشیده و اجرای شلیلک

توپ و زنبورک بقراریکه در سایر اعیاد متداول است

کر دیده و اهل سلام به تنیت عید و ظهور مراسم طوکا

شاد کام شدند و بعد از انقضای سلام عام اعلیحضرت

در روز پنجشنبه ششم اعلیحضرت پادشاهی بسبب ظهور

و وز غایت ملوکانه در باره جناب جلالت مآب

صدراعظم بنحانه ایشان تشریف فرما گردیده جناب

معظم الیه و جناب نظام الملک نایب صدارت

عظمی و شخص دو تیم دولت علیه ایران تقدیم پای انداخته

و قربانینا و پیشکش مقدم همایون را بطور شایسته نمودند

و آنروز اعلیحضرت پادشاهی بنهار در درخانه جناب

معظم الیه صرف فرموده جمیع اعیان و مقربان دربار

همایون و میران پنجه و سایر صاحب منصبان نظام در

ضیافت جناب معظم الیه بودند و نهایت تکلف و اوضاع

بعل آمده بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت و بعد از

صرف چای عصرانه بآرک مبارک که سلطانی معاودت فرمود

در روز سه شنبه سیزدهم اینماه که روز عید مولود جناب

ولایت مآب امیر المومنین علی علیه السلام بود چنانچه در

گذشته اشعاری با منیطلب در روزنامه شده بود که این

عید عزیز که روز خورسندی و شادمانی عموم اسلام خصوصاً

پادشاهی بشارت سردرب در استخانه مبارکه که
شرف میدان ارک است شریف فرما کردند و عمو
خلق و اراخلافه اصغیر کبیر بجهت زیارت وجود هاید
در میدان ایک و بالا خانها و باهای میدان جمع
کریده آنروز را بهر و دمانی بسر برد

در روز یکشنبه که شته علیحضرت پادشاهی
غزیت کشت و قریح اطراف و اراخلافه مبارکه را که در
ایام بهار صفادارد فرموده سوار شدند و تا حوالی عصر
مشغول بودند و نزدیک غروب آفتاب بهر سلطنت عظمی
مراجعت فرمودند

نظر بطور حرم ملوکانه و باره مقرب الخاقان حاجی علیخان
حاجب الدوله و اعلای درج او درین اوقات که حسن
ایتمامات و صدقت مقرب الخاقان شارایه و خدای
محول بخود مشهور رای قدس هایدون گردیده و مستحق قبول
افتاد لهذا یک قطعه نشان از مرتبه تیرسی با حایل مخصوص
این مرتبه بافتخار او محبت فرمودند و فرمان مهر لعلان
مبارک حرم درین باب شرف صدور یافت

در روز چهارشنبه که شته نواب مستطاب شاهزاده
نصرت الدوله فیروز میرزا نایب الایاله اذربایجان با اتفاق
مقرب الخاقان میرزا صادق قائم مقام از دربار هایدون
روانه اذربایجان گردیدند

در روز دوشنبه دوازدهم انیامه نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار حشمت الدوله حمزه میرزا که از اذربایجان احضار
بدربار هایدون شده بود و در اراخلافه اعلان کرد

درین ایام ازین اقبال و توجه علیحضرت پادشاهی و اتمامات

اولیای دولت قاهره طرق و شوارع ممالک محروسه
همه جا امن و نظم و قوایل خانها مضبوط و مستحفظ
بمحافظت راهها مشغول و قوافل و مترددین با کمال اطمینان
و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند خصوصاً از راههای
خراسان که درازمنه سابقه خیره سری طایفه ضاله گران

سجری بود که از ولایات نزدیک حتی قم و کاشان آمد
تاخت و تار میگردند و سایر پیردند درین اوان فیروزی
افران دست تقدی این فرقه ضاله کوتاه و پای جلاد
تا حدود مرور بریده و اگر احیاناً بعضی از آنها باقتضای
شرارت فطری بسر راههای خراسان بیایند مستحق عقوبت
و اولان طرق و شوارع که پیوسته مترصد اند فوراً بمقام
دفع آنها برمی آیند از جمله نوشته بودند که درین اوقات
جمعیت این طایفه بسر راه قافله و زوار خراسان بغرم تاخت
و دست اندازی آمده بودند علیجا بمطلب خان لشکر اراخلافه
که حب الامراهیون بسر کردگی سواره و پیاده کو داری و نظای
و عرب و عجم منسوب و بمحافظت آن راهها مامور است خبر
شده بانو کر عرب و عجم بمقابل شتافته و سکت بانهاد
ده نفر از ترکگانان را که در حین کشته شده اند سر نموده
و چهار نفر نیز زنده دستگیر کرده اند باقی سرخویش و راه
پیش گرفته فرار برقرار اختیار نموده اند علیجا بمطلب خان
و ده نیزه روس منجوس مقتولین را بدربار هایدون فرستاده
بود و درازا این خدمت یک قطعه نشان هنر کی بجهت
شارایه و چهارده قطعه نشان نقره برای چهارده نفر از
نوکرم نور که در حین ترکگانان شادت و جلادت بعمل آورده
بودند با انعام ملوکانه الثقات و انعام گردید

۱۰۶۹

سایر ولایات

نظر بطور مرحمت لمو کانه در باره مقرب انخاقان
ایشیک آقاسی باشی و اہتمامات و در خدمات محولہ
بجود حضور و نظم و ترتیب انعقاد سلامهای
کہ خدمات او مستحق مقبول خاطر ہا یون افتادہ لہذا
درین اوقات یکملا و شال زر کشمیری بر خلعت
باقیقا ر مقرب انخاقان شار الیہ مرحمت و عنایت
فرمودند

چون مہدیخان کہ صاحب جمع وجوہ صرف جیب مبارک
درین اوقات مرحوم شد و عالیجا ہ مقرب انخاقان
درخ خان از جملہ قدیمی خدمتگذاران این دولت بود و ہمراہ
لباقت و شایستگی عالیجا ہ شار الیہ سوارہ
پیشکامہ حضور ہا یون و نزد اولیای دولت علیہ مشہود
مکشوف افتادہ لہذا نظر بلا خطہ شایستگی و کار آگاہی عالیجا
شار الیہ مضرب فرمودہ و محمول و مغفوض فرمودہ
در خور این خدمت خلعتی ہم از جانب اعلیحضرت
پادشاهی باقیقا ر عالیجا ہ شار الیہ مرحمت و عنایت
کردید

از وجہ جناب پرنس دو الفارو کی وزیر مختار دولت
روستہ کہ چند ماہ قبل ازین بچہ تعمیر آب و هوا و حاجت
ضعف و نقاہت خود از دار الخلافہ طہران روانہ گشت
این روز ما در آنجا وفات نمودہ است ہر کس از دور و
نزدیک بر معقولیت حسن خلاق او معرفی و انت
وفات او بسیار افسوس خورد چرا کہ او در مدت
سال توقف در این ملک سحر تعریف و توصیف
یاد کاری نگذاشت

از فرمایان از فرار یکہ در روزنامہ آذربایجان
نوشته بودند روز عید سعید سلطانی امیرالامرا بہ نظام
اجودان باشی سردار کل در اطاق نظام نشستہ و لازم عیاد
از قبیل صرف شہینہ و شیلک توپ معمول داشتہ است
و در کمال اغزاز و احترام خطبہ بنام نامی ہا یون اعلیحضرت
پادشاهی خواندہ شدہ است و بسج صاحب مضبان
نظام و غیر نظام در روز عید فرورد در اطاق نظام حاضر شدہ

دیکر نوشته بودند کہ عالیجا ہ مقرب انخاقان میرزا محمد خان
ہمام دول خارجہ و امورات متعلقہ بدول متحابہ سوارہ
کمال اہتمام دارد و مسعہ روزہ در نہایت دقت و خوبی
با مورر عایای دول متحابہ رسیدگی نمودہ و فیصل میدہد

عالیجا ہ قسبر علیخان در ۲۸ ماہ جمادی الاخری داروبریز
شده و بخدمت محولہ بخود قیام و اقدام دارد

از فرار یکہ نوشته بودند سر بازان جدید خلعتی ہمہ روزہ در
بیرون سہر ہر مشغول مشق میباشند

از فرار یکہ از آذربایجان نوشته بودند دیک صاحب مضرب
از دول خارجہ تقریر می نمود توپچیان متوقف بریز روزهای
پنجشنبہ را در ہر ہفتہ بیرون شہر رفتہ شق تیر اندازی می کنند و بسیار
خوب مشق مینمایند بطوریکہ صاحب مضربان دول خارجہ کہ در آنجا بود
چاکدستی آنها را در تیر اندازی بسیار پسندید و تعریف مینماید
کہ کمتری از توپچیان سیر دول باین جلدی و چاکدستی و خوبی
تیر اندازی می کنند

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند امیرزاده
عبدالباقی میرزا در غیاب نواب مستطاب شاهزاده والا
مؤیدالدوله طهاب میرزا حکم ان مملکت فارس کمال
مراقبت و اهتمام در نظم امور شهر و سایر مهمات دیوان
دارد و خلعتی که سابقا از جانب سنی احوال بجا یون
بافتخار امیرزاده مغزی الیه محبت شده بود این اوقات
رسیده بمبایات کلی حاصل نموده است و تا یک فرسخ
خارج شهر باستقبال خلعت بجا یون رفته بعد از آن
باغ نوح خلعت مبارک را زین ووش اعتبار خود ساخته
و لوازم توقیر و احترام را در استقبال خلعت بجا یون بجا
آورده است و هم چنین در روز عید سعید نوروز سلطان
نیز مراسم و ملزومات عید را از شیلک و غیره بجا
خلعت بنام نامی مبارک اعلی حضرت پادشاهی خوانده است
در صفحات بنا در و سحر العجم فارس قرار آن است که کار
نخله و کشتی در دریا غرق بشود بار آن کشتی در هر جا که
بر یار نیخته باشد اهل آن بندر و جزیره که در حوالی آن
میروند از دریا بیرون می آورند و خودشان نصاحب
نیامین از نخله این اوقات از قراریکه نوشته بودند نخله
از شیخ عبدالحلیم نام که از بندر ممبئی بارگیری نموده بودند
که به بندر ابو شهر بیاورند و قریب سی هزار تومان مال تجارت
از حضرات تجارت در آن بوده است در محازی محال کشتی
نخله مزبوره باصطلاح نخله کیان لاهم می شود یعنی بکل فرو میرود
الامالی دشتی بنحیال و طبع اینکه این نخله غرق شده است
رفته و نخله را از محل بیرون آورده و شکسته اند و تجاره آنرا

بنا بر رسم معمول بغیر حق غارت کرده اند و حضرات تجارت
مراتب را خدمت نواب شاهزاده مؤیدالدوله نوشته بودند
که در مقام رفع این امر خلاف برآیند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امیرالامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در روز عید سعید
لوازم عید را از شیلک توپ و غیره بجا آورده و در بار
هر یک از اعیان و اشراف و صاحب منصبان در خور کرام
جبه و شال ترمه داده است و عالیا به منظره الدوله
سلطان لغنی خان هم که از رکاب سمایون اذن انصراف حاصل
نموده روانه قندهار گردید در ایام عید در کرمان بوده است و امیر
سردار لازمه لوازش و مهمانی را در روز و روز اول بجا آورده و روز
عید چند طاقه شال برای تنهت بجا بجا پاشا را الیه فرستاده و دیگر
هم بیازدید آورفته بود

دیگر نوشته بودند که این اوقات احکام حبلی بهر آقا سید و جمعه بار شده بود و امیر
سردار بمقام تحقیق برآورد معلوم بود که ملا حسین نام طلبه که از اهل بلوک نام بود و این
حبلی راخته است را الیه در محلی که جناب آقا سید جواد حضور داشته حاضر کرده بودند
خود او بالاخره خطا و بیستانت علل خود اعتراف کرده بود که این احکام را من ساخته ام
چون کلام توبه را بهر آقا علیه ضایع نامی ساخته بود و لهذا خود طلبه را پس گرفته و
آقا علیه ضار را هم آورده بودند چون شب عید بود و مواخذه نکرده و او را هم حبس کرده بودند
در شب پست و هضم تا به جادی الاخری هر دو می نماند و یار سوراخ کرده و در محبس در آن
به یوار و برج قلعه می انداختند و فرادان خبر داشتند از بالای برج آنها را گرفته بودند
نوشته هم بهر امیرالامرا سردار از آنها باز شده بود که کاندی که مراد داشته است
خلش را پاک کرده و نخواهد خود حکم نوشته بودند و لهذا طلبه را بر سر دایمیدان بازداشتند
بسیاری که نثری علی بودند و آقا علیه ضار چون ناخوش بود و هنوز حاضر نشده است

اخبار دول خارجه

انگلیس در مشورتخانه وکلای رعایا در این ولایت گفتگونی شده است در خصوص قرار و قانون تعیین وکلای از شهر قصبه بلوکات مملکت مزبور نوزده قصبه که جمیع هر یک بیشتر از پنجاه کس نبود وکیل فرستادن آنها موقوف کردند و سی و سه قصبه دیگر که جمیع هر یک کمتر از ده هزار بود وکیل فرستادن آنها هم بپایخت موقوف نمودند و در عوض آنها از شهرهای که جمیع آنها از صد هزار کس بیشتر است قرار داده اند که از هر یک یک کس زیاد تر بپای تخت بیاید از هر چه شش نفر از قصبه های مزبور وکلای رعایا که در مشورتخانه پای تخت می نشستند کم می شوند و شصت و سه نفر از شهرهای بزرگ که جمیع و آبادی زیاد دارند و همچنین آنها برقرار خواهند شد

از جمله سفر غریب که کشتیها در روی دریا کرده اند در اوقات یک کشتی بادبانی از شهر لورن پول که در مملکت انگلیس میباشد تا ملبورن که در مملکت آلمان است در پنجاه و هشت روز رفته و درین پنجاه و هشت روز نصف راه را طی کرده است

ایضا در روزنامه انگلیس نوشته اند که شخصی در مملکت بلژیک از کلوله بجهت تفنگ اختراع کرده است که نصف باروط که در کلوله های دیگر کجا میرود درین قسم کلوله کفایت و تفاوت کلی در انداختن تفنگ می کند بطوریکه هر قدر تفاوت که تفنگ نسبت بآتش میزبان دارد آنقدر تفاوت در تفنگهای که ازین کلوله انداخته میشود با تفنگهای سابق دارد

۱۷۲

و در خصوص این کلوله ها چند نفر صاحب منصب از دیوان ما مور شده بودند که امتحان نمایند و در مملکت انگلیس نیز در این روزها این کلوله را امتحان می کنند صاحبان که جبه امتحان این کلوله ها در ولایت انگلیس معین شده اند هنوز تصدیق در خصوص کلوله های مزبور نکرده اند و لکن در روزهای می نویسد که چنانکه اختراع باروط در خصوص قاعده و ابواب جنگ در دنیا فرق کلی کرده است اختراع کلوله های مزبور چنین فرق خواهد کرد

هندوستان

ازین ولایت خبر از راه مصر مملکت انگلیس رسیده است تاریخ کاغذ آخر که از کلکته آمده بود چهارم ربیع الثانی بود و از شهر آمانی چین بیت و ددیم ربیع الاول و از خبریه سینکپور چهارم ربیع الثانی از امورات چین نوشته اند که در شهرهای کانتان و نینگ پو میت و آرامی بوده و در آمانی که سابقا جنگ بود این اوقات نظم گرفته و تجارت باز داد و ستد میکردند بسیاری از شهر جنگ های در جنگ مابین یاعیان و قشون دشا سوخته شده بود و دسته از یاعیان بسپیکر بای چین فرستاده و دشمن فرسخی آنجا بودند پادشاه مملکت بیان که یکی از ولایات تابع چین است نوشته بود و کشتیهای ییکی دنیای شمالی در آن اطراف بودند و میخواهند عهد نامه ببندند که قرار بشود تجارت و ستاج و غیره اذن تجارت و آمد و رفت در آن ولایت داشته باشند و کمان داشتند که در بین اعتشاش بجهت فوت پادشاه آنجا ایسیکی دنیا مجال یافته خواست

خود را پیش ببرند

فرانس

کارخانهای بزرگ تفنگ سازی مملکت فرانسه در شهر
اینین است و در روزنامه فرانسه نوشته اند که درین روز
عملیات آنجا پرکار شده اند و کان دارند که هر چه تفنگ
بمکت فرانسه لازم باشد بتواند بآنها در اکثر سالها
سالی بیت هزار یا بیت پنجاه تفنگ از آنجا بیرون
آید و هنگام ضرورت و احتیاج سالی صد و پنجاه
هزار قبضه تفنگ از آنجا بیرون آورده اند و پیشتر از آن
هم اگر بخواهند میتوانند بآنها

چون شهر پاریس پای تحت فرانسه شهرت بسیار
خوب و جای عیش اکثر اوقات از خارج مردمان بآنها
و دولت مند بآنها رفته توقف می نمایند خصوصاً در فصل
اما سال از طوری که در روزنامه بلژیک نوشته بودند که کثیری
از دولت مند از خارج در شهر پاریس توقف داشتند
و در فصل چله که یک رستوران بسیاری از شهر پاریس
بیرون می رفتند هم از اهل خود فرانسه که بجا نمانی که در
بلوگات داشتند می رفتند و هم از اهل خارج که در
پاریس توقف داشتند

استریه

میشل رودنکی که سردار کل قشون استریه در مملکت ایتالیا
و حاکم ولایت مزبور بآبلی آنجا اعلام کرده است که بعضی
از منفه بین این ولایت جناب دروغ در میان خلق منتشر
کرده اند که سبب اغتشاش در میان خلق بشود و این
اجبار کا به ضرر کلی نسبت بکسب و تجارت میرسد از آنجهت

میشود که بعد ازین هر کس اخبار دروغ منتشر نماید تنبیه
خواهد شد

اولی

از ویته پای تحت این مملکت تاریخ چهار دهم ماه جمادی
نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه بناد است
که بشهر موئنچ بیدین نامه خود که یکی از اقوام پادشاه
نویاریه است برود و در بعضی از روزنامه های این ولایت
می نویسند که عروسی اعلیحضرت امپراطور یک ماه از غیبه
گذشته در فصل بهار امسال میشود و بعد از عروسی مدتی خود
و عرویش در عمارت لکسبورخ خواهند ماند و بعد از آن
بلامبار دنی که جزو ممالک ایتالیا است میرود و مدتی هم
در شهر وینر توقف خواهند کرد اگر امورات دولتی
اتفاق نیفتد که مانع این سفر بشود

در مملکت لامبار دنی کان داشتند که اغتشاش
بشد و از آنجهت نظام قشون استریه را که در آن ولایت
بودند بسیار سخت میکردند

چون پاریس تاریخ ۱۱ ماه فوریه تاریخ فرنگیهار در
بود که شخصی قصد کشتن امپراطور استریه را کرده بود اما
بناد داشتند که بیا دکاری و شکرانه آن روز که پادشاه
بسلامت مانده و آسیبی بوجوش ز نسید عبد بکینده
مشغول کاری نشد و دفتر خانه و غیره را ببندند اما در کان
روزنامه ها نوشته اند که خود امپراطور راضی باین مرحله

و اذن نداد

سایر ممالک

در دینارک حب احکام پادشاه مشورتیافته شده بود
حکم شده بود که قشون بحری را ریا و بکنند که هر کونه

اتفاقی که روی بدید ملک بی تدارک نباشد و در بعضی
حصارهای که قشون ساخلو در میان آن بود قشون را
زیاد میکردند

از ملک سویس نوشته اند که در آن ولایت نیز قشون
خود را زیاد میکردند و حاضر و همیامی نمودند و فشک

جنگی نیز در آن ولایت زیاد می ساختند ساختن اجزا
این فشک جنگی در اکثر محالک مخفی است و بروز نمی کند

حال شخصی از اهل مجار مدعی این است که این اجزا را بهتر از
همه میازد و پول زیاد از اهل سویس گرفته است که

این فشک جنگی را سازد و شخصی دیگر هم سبابی خرم
کرده است بجهت خراب کردن برج و باستیان که در

جنگ نفوذ بر برج و باستیان میزند و بار و طر و آنجا
کذاشته آتش میزند و بار و طر را در میان ظرفی که

از صمغ ساخته است میگذارد که رطوبت نکشد و این
صمغ را در زبان فرنگیها کوزه پر که میماند و بعد هر وقت

که میخواهند آتش بزنند با چرخ آتشی و سیم آتش میزنند
و بجهت امتحان این ظرف را که از صمغ ساخته است و هفته

پراز بار و طر در میان آب انداختند بعد که آتش زدند
دیدند که بار و طر آن هیچ رطوبت نکشید بود و طر

ساختن این ظرف صمغ که بار و طر در میان آن رطوبت
نمی کشد مخفی است و این شخص بروز نمی دهد

در تاریخ نهم جمادی الاول مشورتخانه ملک سویس منعقد شد
و در خصوص تدارک و محافظت ولایت خودشان و جنگی

که باد دولت استریت دارند گفتگو میکردند
از شهر برن تاریخ دهم جمادی الاول نوشته اند که

که یکی از ژنرالهای قابل مملکت فرانسه بملکت سویس می آمد
که سر کرده قشون آن ولایت باشد و میگفتند که دوستی
و یگانگی ما بین دولت فرانسه و دولت سویس

این روزها بر حد کمال است

ناپولی

تاریخ ۸ ربیع الثانی پادشاه ناپولی بشهر پای تخت
آن مملکت که بهین اسم موسوم است داخل شده بود

شش سال پیش ازین در آن ولایت کمال افتشاش روی
داده بود و از آن وقت تا بحال پادشاه در شهر پای تخت

توقف نیکرد و در عمارتی با صفا که چند فرسخ از شهر دور است
توقف داشت اما در زیستان گذشته وارد شهر نور

شده و در عمارت خود اعیان آنجا و ایلمپیان دول حاضر
مهمانی نموده و کمال پاس و زیت در آن صیافت

برپا نموده بود و مردم از آمدن پادشاه مزبور بسیار
شادمانی میکردند و بیالای باهما و بالا خانها رفقه بودند

که در وقت عبور پادشاه را تماشا نمایند و در هر جا
شده که گشت میکرد مردم صدای عا کوئی پادشاه بلند

و در مملکت ناپولی امتیاز نام بود

روم

تجهه نظم و محافظت این مملکت کو حکم سوای قشون فرانسه
که در آنجا هستند پایا نباشد که چند هزار نفر قشون دیگر

از قسم صنعت کاران و اصناف بگیرد و بزرگ آنها
باید یکی از خود این عهد آن ولایت باشد

یشکی و بنای شالی

این دولت باد دولت جمهوری مکنکو که هم سرحدند عهد نام

تأذیه بسته اند و موافق این عهد نامه بسیاری از خاک
ملکوت به دولت جمهوری یمنکی دنیای شمالی واگذار شده است
و در عوض این ملکیت میان دالار که تخمیناً شازده بود
حجاب پول ایران باشد دولت یمنکی دنیای شمالی
به دولت ملکوت بدهد و این ملکیت است مابین ممالک امریکا که
نزدیک جغرافیک است و سمت مغرب آن ولایت که در
محیط معتدل است و راهی است بجهت خلق که از سمت شرق
تا مغرب آن ولایت بروند و یک سبب خریدن این ملکیت
این بود که اهل آن ملکیت راهی داشته باشند که از
سراسر ولایت مابین بحرین بروند و بنا دارند در آنجا
راهی با زند بجهت تردد عابیه بارکش و آب و کاسه
و غیره و در سراسر این عهد نامه گفتگوی زیاد در مشورتخانه
آن ولایت شده است و اهل مشورتخانه میخواندند
که در آنجا دالار حجاب پول آن ولایت باشد بجهت
بروز بخت سبب اینکه اگر چه ملکیتی وسیع است لکن تا
بحال زانوقت آبادی ندارد
در باب اشخاصی که از یمنکی دنیای شمالی بکلی فارسیای
خود سر رفته بودند نوشته اند که اشخاص مزبور میشوند
در آنجا دوامی کرده باشند و دولت اعلام کرده است که
چنین رخصت خلاف قانون دول بود هم مورد موافقت
از دولت خودشان می شوند و هم اگر بدست اهل
بیفتند بایشان اذیت کلی خواهد رسید
در تاریخ بیت و یکم ربیع الثانی آنس باز در شهر نیویارک
افتاده بود و عمارتی که اعیان شهر در آنجا می نشینند که
نظام ضبط در دست ایشان است سوخته بود و یکی

عمار ت عدالت خانه بود و چند عمارات دیگر هم
سوخته بود
وزیر مختار روس مقیم و اشین تن بای تحت دولت یمنکی
شمالی فوت شده بود و هفتاد سال داشت و شازده سال
بود که وزیر مختار بود و یکی دنیای شمالی
در بعضی روزنامه های یمنکی دنیای شمالی نوشته اند که
سنت آنا بزرگ دولت جمهوری این ملکیت ادعای پادشاهی
در آنجا میکند و بعضی از خلق راضی باین بودند که
پادشاهی در آنجا برقرار شود و اگر این قرار در آنجا
داده بشود لقب پادشاه آنجا امپراطور میگوشود
اعلانات
کتابهای چاپی دار الخلافه طهران که در کارخانه حاجی
عبدالمجید باسجی در محل نزدیک دروازه دولاب
الطباع شده از انبیا فروخته میشود
تخت نظامی بیت و پنج هزار
سرایر دو تومان
زبدۃ المعارف دو تومان
معراج العباد یک تومان
حدیقه ایشیه هشت هزار
کتاب شرح کبیر و جلد شش تومان
شرح لمعه یک جلد سه تومان
شرح الزبارة یک جلد دو تومان
تقریج پانزده هزار
فردوسی چهار تومان و نیم

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم تحشینه پست دوم شهر جرب مطابق سال ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و شصت

بیت روزنامه

یک نسخه ده شاهی کیل

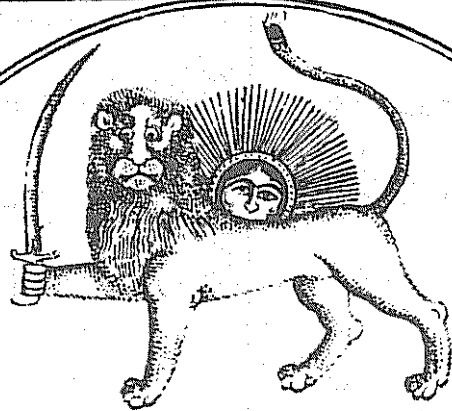
دو تومان چهار هزار

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات یک سطر

الی چهار سطر یک هزار

پشت باشد سطر پنج



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی میدان آب دوانی تشریف فرما
گردیده در حضور مبارک آب دوانی می شود درین
سال نیز از اسبهای اعلیحضرت پادشاهی چندین
اسب که بجهت آب دوانی معین شده بسوفان گذاشته
و سایر انامی دولت علیه و خواجهن عظام نیز هر یک یک
اسب و دو اسب بسوفان گذاشته بودند در روز شنبه
بیتم اینها اسبهای مزبور را در میدان آب دوانی حاضر
کرده و موکب هایون به بیرون شهر تشریف بردند و
معمول شیلیک زنبورک در اول حرکت و میان راه
و ورود به عمارت میدان آب دوانی گردیده و با کمال
زیفت و ساس اهل سلام و صاحب مضبان نظام در
حضور مبارک حاضر شدند و سواره نظام و افواج قاهره
صف نظامی کشیده و عموم خلق دارالخلافه مبارک را خضر
و کبیر هم بجهت زیارت وجود هایون و قسم تجبه تا
اسب دوانی دور تا دور میدان مزبور که قریب پنجاه
ساعت جمع گردیدند و حب الامر هایون میرف

در روز چهارشنبه گذشته افواج قاهره نظام
متوقف دارالخلافه مبارک که حب الامر هایون در
خارج شهر نزد یک میدان آب دوانی نسبت اکبر
ترتیب مشق حک مخلوبه نموده توپچی و سواره نظام و
سرباز فوج فوج و دسته دسته میای مشق کردند
اعلیحضرت پادشاهی میان افواج قاهره نظام
و توپچی و سرباز و سواره آغاز شیلیک و پورش
و ساز جنگ مفت نکرد نموده کمال جلدی و چابکی
در حرکت و شیلیک بعل آوردند و مشق آنها با
مستحسن و مقبول خاطر طوکانه افتاده از انتظام و ارشاد
و حرکات آنها تعریف و توصیف فرمودند و بعد از
تمام شدن مشق افواج قاهره و بذل انعام طوکانه دربار
آنها موکب هایون مبارک که سلطانی و مقر
سلطه عظمی محبت نمودند
چنانچه هر سال رسم و قانون این دولت علیه است
که چند روز از عید سلطانی گذشته که اوایل بهار است

و پول انعام کیسہ کیسہ ہر کسی کہ پیش بیاید کشت
و بہان قاعدہ کہ پیشہ معمول و متداول بود اسبہا
پیش آمدند انعام و مرسومی کہ مقرر بود در حق آنها
کردید

نواب مستطاب شاہزادہ والا تبار حشمت الدولہ کہ از
آذربایجان آمدہ بودند در روز خوشہ کہ خبک ہفت
بود شرفیاب حضور ہمایون کردیدہ مورد نوازش
و مرحمت ملوکانہ شدند و مبلغ دولت تومان ہستم
انعام سربازان پیشکش حضور مبارک علیحضرت ہاشم
نمودند در نظر انور ہمایون موقع قبول و تحنان یا
چون حاجی یحیی خان کہ از قدیمی خدمتگذاران این
علیہ بود درین روز ہفتہ نظر سجدا تشریف فرما
بازماندگان اوجہ از پرچین مجلس فاستحہ او عالیجاہ
فریدون آقا سپہاوار کہ در دربار ہمایون بود اخصار
مبارک و مورد نوازش و عنایت ملوکانہ ساجدہ
پیشہ متنی سراقہ و خلعت آفتاب طلعت بادشاہی
نمودند کہ بامید واری مشغول منگداری باشند

عالیجاہ علیستغنی خان سرتیپ فوج قہرمانیہ کہ با فوج خود
برکاب ہمایون آمدہ بود بجهت اہتمامات مشارالہ در
فوج و خدمات صفیات کرمان درین روز ہفتہ
ملوکانہ کردیدہ بک قطعہ شان از مرتبہ اول سیرپی
حمایں سرخ در حق او مرحمت کردید

سایر ولایات

آذربایجان از فرار یکہ در روزنامہ این ولایت
نوشته اند در شب سیزدہم شہر رجب المرجب کہ روز

مولود جناب ولایت مائب بود امیر الامراء العظام
سردار کل رجب حکم ہمایون عید بزرگ قرار داد ہستہ
لوازم جشن و شادی و اسباب چراغان پر دست
روز بروز را بطور خوب عید گرفتہ اند و لازمہ شیلک و

شادمانی را بجا آورده اند

بروجرد و عربستان

از فرار یکہ در روزنامہ این ولایت نوشته اند در ایام
برد البحرز کہ چند روز قبل از عید سلطانی بود بخلاف اقصای
فضل بر نشانیہ آمدہ و سہری سخت کردہ بودہ است بطوریکہ
قدری از زراعت دہات سیلاخور را سوزدہ بود

دیگر نوشته بودند کہ از اول میزان تا این اوقات بعضی
ناخوشیہای مزمنہ از قبیل باد سرخ و قویج و حاکا
عش و مطبقہ و سحرہ حر میان خلق بود و این امراض
بعضی از شاہسیر یا سراسر تلف شدہ بودند و لکن بعد
از آنکہ در آن چند روز نزدیک عید ہوا را سرد کردہ و
باریدہ بود از فرات تحصیل طببا تخفیف کلی دین امراض

ماندگان

در روزنامہ این ولایت نوشته اند کہ فرمان ہمایون کہ
بجهت عید مولود جناب ولایت مائب با فقہار نواب شاہزادہ
تبار مصطفی قلی سرزادگان مانندہ ان شرف صد و پانف
فرمان مبارک رازیارت و پنجاب حاجی ملا محمد تقی
در بالای منبر مضمون از اکوش زو خاص و عام الی
ولایت کردہ کمال شکر گذار بجا آورده اند و در سیزدہم
کل المانی آنجا عید گرفتہ و اظہار مسرت و شادمانی بسیار نمودند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند عاچا علی الله خان که در حدود زمان بنشیند مشغول خط و حراست آن حد است و در خدمت محوله کمال اهتمام دارد و نواب عمادالدوله حکمران کرمانشاه قرار داده اند که هر وقت قافله از آنحد و عبور میکند عاچا علی الله خان سوار و سرباز همراه آنها کرده آنها را بدون اسب بکنند که در عرض راه از قطاع الطريق دست بردی بکنند و سواران نوشته بودند این اوقات شخصی از رعایای دولت علیه عثماني چند بار تباکوه همراه خود داشته بخانقین میرفته است در قیام قصر شیرین و خانقین که مشهور بقبله بنبری می باشد و همیشه مقام اشرا و سارفتن است یک بسته اسباب تجارتمی که خرماتمی داشته می افتد قراولان سرباز ابو الجحی عاچا علی الله خان می پسندد و در میان بقاعده نظام قراول میشوند که شاید صاحب پیدا شود و کسی را قدرت آن نبوده است که مال از جای خود حرکت بدید شخص صاحب مال در نزدیکی خانقین خبر میشود که بسته تجارتمی او مفقود شده مراجعت بقبله بنبری میکند و در آن افتاده و در اطراف او قراول ایستاده محافظت مینماید بسته خود برداشته با کمال خرمی واد میشود

قدما شده اند

از قراریکه نوشته بودند فوج غبران قراکوزلوا ابو الجحی عاچا علی الله سرمنگ با نهایت سلوک رفتار مینماید و هر روز در میدان حاضر مشق میشوند و تا دوسه ساعت از روز که بنشیند مشق می نمایند

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند در ایام برد العجز و سواران و سواران سرود شده بود که در اغلب جا می آید که کرمیر بوده و هرگز برف ندیده بود و رستل حنیض و شهر با کب بطوری هوا سرد شد و برف آمده است که جمع درختهای میوه اینجا را خشک کرده است و امیرالاعظم محمد حسن خان سوار محض ملاحظه این آفتی که بانجا میرسد تخفیفی با مالی اینجا واده آنها را ننماید و راسخه بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند طرق و شوارع هر یک از ولایات متعلقه با آنجا کمال نظم دارد خصوصاً این اوقات که نواب مستطاب شاهزاده والا تبار فرس مانفرما و مقربان خاقان فرس نظام با آنحد و در قه انداز ما موریت ایشان هر یک از منازل نظم گرفته و مردم بحال آسایش مقرون بوده اند از قراریکه نوشته بودند خاندان بنواب مغری الیه عرض کرده بود که دیروز از ظافیه ضاله ترکمانیه چند نفر آمده یک نفر سار با زبا جند شتر برده اند و نوار سفری الیه بخراسان

بر این کیفیت عاچا مطلب خان سر کرده سوار بمطام را خواسته حکم کرده بودند شته و ساربان را از تو میخواستیم باید هر جا هست شتر کر قه پیوری مشار الیه هم سوار شده با چند نفر از سواران خود و ترکمانان قه بود و در نزدیکی محال جبهه با آنها رسیده و دعای خوبی با آنها کرده بود چهار نفر ترکان را با چهار اسب کر قه بود و ترکان از آنها پس گرفته آورده بصاحبش دهنده بود و موروثان بنوبری

کرمان

عاچا علی الله در سوار سلطان علی خان نیز این اوقات از کرمان

اجنار دول خارج

انگلیس در روزنامه لندن بتاریخ اول جمادی الثانی نوشته اند که عیسا حضرت پادشاه بنیاد شد در نهم ماه فروردین از لندن بعمارت خود که در کنار دریاست و از بوزن مینا برود و چند وقت در آنجا توقف نمایند و چون که بنیاد دارند قشون بحری انگلیس و فرانسه را در آن نیروی کمی جمع نمایند که دارند که رستن پادشاه بعمارت کنار دریاست بجهت آنست که قشون بحری و لیتن انگلیس و فرانسه را ملاحظه و تماشا نمایند

فرانس

در روزنامه پاریس پای تخت این مملکت نوشته اند پادشاه پورتو قال که فوت شد دست شوهرش در این روزهای نخست بمملکت فرانسه سپاید و پیشش نیز که پادشاه مملکت فرورست همراه دست و میکشد که بجهت پیشش و خرد پادشاه و پسران و فرزندان کرد چونکه پسر پادشاه پورتو قال صغیرست و هنوز که پسر نشده است موافق قاعده آنولایت پدرش بمملکت داری حکم افی آنولایت برقرارست تا پیشش بخدر شد برسد

سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول اغتشاش بود بسبب آنکه بعضی از اهل آنجا رضامندی از وزیرای آن مملکت نداشتند و بنای مانی کرمی خود سری میکردند و بعضی بلوکات بم برهم خوردی تا این قشون پادشاه و یاعیان شده بود و لکن رهبرجانی قشون پادشاه غالب آمد و از یاعیان بسیاری گرفته و مجبوس کرده بودند تا مدتی پای تخت برهم خوردی نشده بود

بخلاف اگر ممالک فرنگستان دولت مانند قشون خود را که در ممالک و در بعضی حصارها که قشون داشتند قشون را از آنجا بامر میزدند دولت بلژو دولت پرویس که هم سرحد دولت مانند میباشند درین خصوص بدولت مانند کشید و بازخواست دارند پادشاه پیدانت بجهت کشودن راه آهن بمملکت ژنوه رفته بود و چونکه مدتی بود که پادشاه فرور با آنجا نیامده بود اهل آن اطراف از آمدن پادشاه کمال مسرح و شادمانی داشتند و کوجای شادمانی که از آنجا عبور میکرد با و بخین مغل و پارچهای کراهنها را ایش تمام داده بودند و شبها نیز شهر را چراغان کرده بودند

در بندرات مملکت انگلیس غله رو به تنزل بود بسبب این که غله زیاد از خارج با آنجا آورده بودند و در لندن بعضی شهرهای دیگر هم خبازان قیمت نان را کمتر کرده بودند از سایر شهرها است عربی فرنگستان که درین روزها غله در آنجا با ترقی داشت بسبب زیاد آوردن غله تنزل کرده بود و تجارتکاران نداشتند که دوباره ترقی نمایند بسبب اینکه خبر داشتند که از ممالک بعید غله زیاد بشهرهای غربی فرنگستان می آورند عیاسی پادشاه حکمران مملکت مصر تا چند وقت پروین فرستاد و غله را غله کرده بود بعد خودش بمصر عیار رفته و حساب کل غله مملکت مصر نموده بود و دیده بود که غله از مصر بدون این که ضرر بآن لایت بخورد و میتوان پروین فرستاد از آنجهت عرض تجارت را قبول کرد بود و قدغن که بحک خارج برودن غله کرده بود شکسته و از آن که مانند سابق غله بخیج بفرستند و این هم بسبب تنزل قیمت غله در شهرهای فرنگستان است

در شهرهایی که در مملکت انگلیس ناخوشی بامر روز کرده بود در این وقت بسیار کمتر شده بود و امید داشتند که بالمره رفع بشود

تعیین اجناس دارالخلافه طران

۱۷۰۰	حما چارمن دو هزار و شصیدار	۱۷۰۰	برنج غنبرو چارمن دو هزار و شصیدار
۱۷۰۰	قداری یکی من پنجاه و پانصد	۱۷۰۰	برنج رسی چارمن یک هزار و نهصد و شصیدار
۱۷۰۰	قد بزدی یکی من چهار هزار و چهارصد	۱۷۰۰	برنج اکوله چارمن سه هزار و شصیدار
۱۷۰۰	بنات یکی من سه هزار و چهارصد	۱۷۰۰	گوشت یکی من شش عباسی
۱۷۰۰	شکر یکی من سه هزار	۱۷۰۰	نان یکی من هفت پول
۱۷۰۰	آب لیمو چارمن هشت هزار	۱۷۰۰	کندم ورامینی یک خرد هفت هزار
۱۷۰۰	آب نارنج یکی من سه هزار	۱۷۰۰	کندم غریب یک خرد بیت و یکد
۱۷۰۰	کشک چارمن یک هزار و شصیدار	۱۷۰۰	کندم دورشدر یک خرد نوزده هزار
۱۷۰۰	ماست چارمن شش عباسی	۱۷۰۰	یک خرد ده پال
۱۷۰۰	پیرمشور چارمن پنجاه	۱۷۰۰	یک خرد چهار هزار و ده پال
۱۷۰۰	تنباکوی شیرازی چارمن چهار ده هزار	۱۷۰۰	یک خرد هشت هزار
۱۷۰۰	تنباکوی وسط چارمن هشت هزار	۱۷۰۰	یک خرد پنجاه
۱۷۰۰	کرچک یک خرد سه تومان و پنجاه	۱۷۰۰	یک خرد دو تومان و ده پال
۱۷۰۰	روغن خراغ چارمن چهار هزار	۱۷۰۰	سجود و زینی چارمن دو هزار و سیصد
۱۷۰۰	چهارمن هشت هزار	۱۷۰۰	سجود رسی چارمن شش عباسی
۱۷۰۰	شع یکی من دو هزار و چهارصد	۱۷۰۰	سجود زینی چارمن هشت عباسی
۱۷۰۰	روغن منداب چارمن هشت هزار	۱۷۰۰	سجود رسی چارمن چهار عباسی
۱۷۰۰	یک من شانزده هزار	۱۷۰۰	ماش چارمن شش عباسی
۱۷۰۰	سیحک یکی من دوازده هزار	۱۷۰۰	لوبیا چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۰۰	داجینی یکی من هشت هزار	۱۷۰۰	شیره شهد چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۰۰	طفل یکی من سه هزار	۱۷۰۰	شیره سفید چارمن دو هزار
۱۷۰۰	زعفران ده سیر دو تومان و چهار هزار	۱۷۰۰	شش سبز چارمن سه هزار
۱۷۰۰	حلویات یکی من چهار هزار	۱۷۰۰	شش قرمز چارمن شش عباسی
۱۷۰۰	پسته خرد چارمن شش هزار	۱۷۰۰	کشمش طعام چارمن یک هزار و سیصد
۱۷۰۰	پسته وسط چارمن چهار هزار		

۱۰۰	ضمه نظامی بیت و پنجاه	۱۰۰	چهار من هفت هزار	مقریبه
۱۰۰	سرایر دو تومان	۱۰۰	چهار من یازده هزار و ده	مقر بادام
۱۰۰	زبدۃ المعارف دو تومان	۱۰۰	چهار من پنجاه	فندق
۱۰۰	معراج السعاده یک تومان	۱۰۰	یک قطعه ده شاهی	مرغ
۱۰۰	حدیقه الشیعه هشت هزار	۱۰۰	یک قطعه پنج شاهی	جوجه
۱۰۰	شرح کبیر دو جلد شش تومان	۱۰۰	دوازده بیضه یک عباسی	تخم مرغ
۱۰۰	شرح لمعه یک جلد سه تومان	۱۰۰	یک س سه هزار و ده شاهی	بره
۱۰۰	شرح الزیاره یک جلد دو تومان	۱۰۰	یک عدد سصد دینار	ماهی
۱۰۰	تصحیح پانزده هزار	۱۰۰	صد عدد سه هزار	نارنج
۱۰۰	شاهنامه چهار تومان و نیم	۱۰۰	چهار من یک هزار و ده	سکه
		۱۰۰	چهار من هشت عباسی	آب غوره
		۱۰۰	یک من یک هزار و دینار	ترشی آلات
		۱۰۰	یک خوار شش هزار	یونجه خشک
		۱۰۰	یک خوار پانزده هزار	خلر
		۱۰۰	یک خوار دو تومان و شش	آرد کندم
		۱۰۰	یک خوار شانزده هزار	آرد جو
		۱۰۰	یک و آنکه دوریال	چائی
		۱۰۰	یک من سه هزار	سرکنکین
		۱۰۰	چهار من هشت هزار	خرمای غارک
		۱۰۰	چهار من هشت هزار	تخم کدو
		۱۰۰	چهار من نه هزار و ده شاهی	روغن

اعلانات

کتابهای چاپی دار اسخلاف طهران که در کارخانه چاپ
عبدالمجید باسمه چی در محله نزدیک دروازه و بالا
الطباع شده از این قرار فروخته میشود

روزنامه و قلیع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه بیستم ماه جمادی الثانی سال ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و نه

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهی

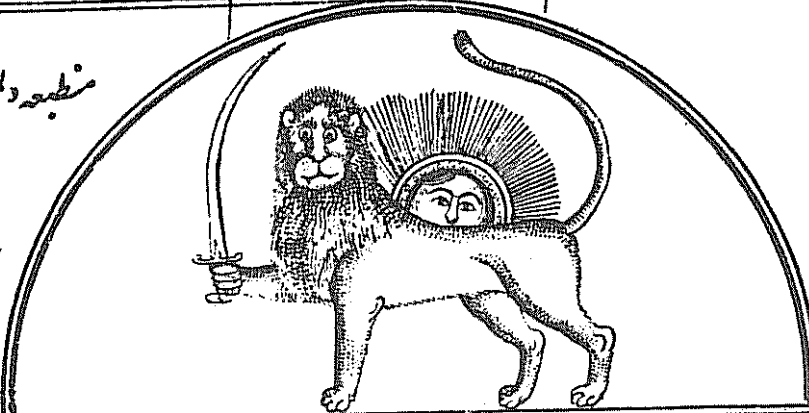
هفتاد و چهار هزار

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر چهار خطی هر روز

بیست و پنج خطی هر روز



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بفرم
و تفرج شمسیرانات که در این اوقات فصل صفا و خیزی
آنجاست سوار شده و تا در بند و آن صفحات تشریف
فرما کردند و تا حوالی عصر در آن اطراف تفرج مشغول
بودند و نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک که سلطان
معاودت فرمودند

چون توقیر و اعزاز و احترام علمای اعلام سواره اوقات
منظور خاطر اقدس همایون اعلیحضرت پادشاهی است
لذا در روز شنبه گذشته بیدین جناب میرزا ابوالقاسم
امام جمعه و جماعت دارالخلافه طهران تشریف فرما کردند
و جناب معتمدی الیه را مورد تفقدات ملوکانه فرمودند
و از آنجا بیدین جناب شیخ رضا و جناب شیخ عبدالحسین
تشریف فرما کردند و آنرا نیز مشمول عطا طوفان فرمودند

در روز دوشنبه گذشته نیز ملوک همایون بفرم تفرج و
کشت اطراف دارالخلافه بیرون شهر تشریف فرما کردند
و حوالی عصر بارک مبارک معاودت فرمودند

عالیجاه نیجه اخوانین العظام حسنعلی خان افشار پیشینست
خاصه اعلیحضرت پادشاهی حب الاشاده العظمی
بالبلاغ خلع عبدی نواب مستطاب هزاره و الالباب
و ما فرمای ملک خراسان و مقرب اسخاقان میرزا فضل
وزیر نظام و پیشکار خراسان و سایر حکام و صاحبان
مستوفین آنجاست و چند روز دیگر عازم محال اموریت خواهند

چون مراتب قابلیت عالیجاه محمدحسین خان پسر مقرب اسخاقان
علیخان سرتیپ قراقرز لو مشهود نظر ملاحظه فرمایند و آنی که دیده
این اوقات مشارالیه را منصب سرمنکی فوج قراقرز و اسرار
و یطافه شال کرمانی برسم خلعت با ارحمت فرمودند

عالیجاه عمده اخوانین محمد رحیم خان نقی باشی را این اوقات
امسای دولت علیه حب الامر همایون بحکومت نهادند و سر
نمودند و این روز با بجل اموریت خود روانه می شود

دستم چنین عالیجاه میرزا شمس خان را که سابقا بحکومت نهاد
سراوان بود در این اوقات بحکومت سراب و کرمان و دامغان فرمودند

فقط کلا خط مراتب یافت و شایسته حسن یک را در آنجا
میرزا علی اکبر خان سرنگ قورخانه که سابقا منصب
داشت و ظهور خدمات عایجا هشارالیه این اوقات
حسب الامه منصب یاور قورخانه مبارکه سرافراز گردید

سایر ولایات

آذربایجان ازین ولایت در این هفته اخباری
مازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب
شاهزاده والاتباصطفی قلی میرزا حکمران مازندران
در انظام امر نوکرو رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام
تمام دارند و از حسن مراقبت نواب معزی الیه کمال
در ان ولایت حاصل است و عموم کینه آنجا در نهایت
آسودگی و امیدواری بعواطف این دولت علیه
رعیتی و کار و کسب خود میباشند و نواب معزی الیه
در جزئی و کلی امور ان ولایت سیدی کی کامل دارد

و یک نوشته بودند که ثانی که از جانب سیاحان
بنواب معزی الیه حجت شده بود و یکروز بعد نوروز مانند شان
مرحمتی بانجا رسیده و نواب معزی الیه لوازم استقبال و توقیر و احترام
بعل آوردن و نوروز را زیب بیکر افتخار خود نموده اند

عراق

از قراریکه از ساوه نوشته بودند سن درین اوقات در آنجا
بروز کرده بود و لکن نوشته بودند از تقضای حساب باری تعالی
در آنجا پیداشده است بقدر چهار پنجره قطعه که از یکوزیر کرات و کش
سفید پامای بلند دارد و در زیر کلوش چیزی مانند خرطوم ظاهراست چون
وقتیکه زراعت را آمیخته سن بر روی آب میریزد در آنوقت این مرغها

میان آب میرنجاند و اینها که در روی آب بودند فرو برده و در خرطوم
جمع کرده میبردند و جای دو خارج از زراعت و بر زمین تخته میسوزیدند
هر که ام نکرده بوده اند می کشته اند و بر می کشته اند باینطور جمیع سن ساوه
تلف تمام کرده از آنجا بقیم فته اند لکن از قراریکه در ثانی نوشته بودند بعد از
رفتن این مرغها بقیم دوباره در آنجا برشته و امید دارند که آنجا
مرغها اگر مر اجبت و بایند این دفعه کلی بلیه سن را از آنجا مرفوع

فارس

بعد از آنکه اعرابان امام سقط که بندر عباس را میخواستند
عصب تصرف کنند تا بمقاومت باقشون این دولت نیادند
وزیر برقرار اختیار نمودند و قشون دولت بقهر و غلبه بندر عباس
تصرف آورده با فتح و تسیر و زنی در بندر عباس نشستند
بکشتیها و قایقها نشسته و آنچه هم از رعیت و تجار بندر عباس
بود جبراً آفریدند و کوچانیدند و سجزیره قشم و هرمز که در میان دریاست
رفتند اگر چه آن جزایر هم خاک این دولت و متعلق باین دولت است
لکن باطمینان اینکه این دولت آنان عجله اسباب حربیه سجزیره
در آنجا ندارد و باغواهی شیخ عبدالرحمن قشینی آن دو جزیره را
برای خود مأمون قرار داده اند کشتیها که با تجارتی تجار این دولت
از قشینی بندر بوشهر و بندر عباس می آورند چون باید از
مابین آن دو جزیره بگذرند در آنجا جلوی کیری کرده میزنند
از آن دو جزیره قشم خالی کرده سفاین و بخله را نگاه
میدارند و اموال تجار را محبوس و منجر میازند و در روی
دریا بنای اعتشاش و بی نظمی گذاشته اند اولای این
دولت البته متحمل این حرکات ناهنجار نخواهند شد
و قراری خواهند نمود

کرمان

از قراریکه در روزنامه این لایت نوشته اند از تخم بلخ که پارسا
در آن ولایت افتاده بود امسال بلخ فراوان درآمده و حاصل
ضرر کلی میرساند امیرالامراء العظام محمد حسن خان سردار حکمران
نیز دو کرمان قدغن کرده است که در هر جا مشغول کشتن این
که هنوز به پرواز نیامده اند باشد و در اغلب بلوکات اینجا
نوشته اند که روزی سیصد من چارصد من بلخ کشته شود
و دو نفر توپچی هم برای آوردن آب سار فرستاده اند و تقصیل
این آب سار بطور است که از چشمه مشهور که در بلوکات فارس است
آب بر میدارند و بجهر ولایتی که بلخ افتاده باشد می برند و سار فراوان
در عقب آن آب پروازی آیند تا آن ولایت میرسند و هر چه بلخ در آنجا
باشد می کشند و دعوی این سار با بلخ تیر تاش می خورند

و دیگر از قراریکه نوشته بودند عاچا موسی خان قاجار درین اوقات
قلعه دژک و دوسه قلعه دیگر از بلوچستان را که خاک این دولت است
چندی بود که اطاعت نمیکردند بلکه آن صفات را بجهت تاخت و تاز
از جماعت بلوچیه ظاهر میشد مشغولش کرده بودند تصرف آورده
از جمله در قلعه سرابستان خبک خوبی نمود و قشون با موره کمال
رشاد و تراجیل آورده اند و درین یورش پنج نفر از قشون با موره
کشته شده و بقدری نفرات تشکیک آن که در قلعه بودند بقتل رسیده
و قلعه مزبور بهر وجه و قهر تصرف قشون پادشاهی درآمده جایکه
خان دوسه نفر دیگر دست گیر کرده اند و عاچا میر علم خان از جانب
اولیای دولت قاهره بجهت قلعه جات و نظم امورات آنجا مأمور
گردیده است

از قراریکه نوشته اند در این اوقات امیرالامراء العظام
کرمان پارسا
کرده است و امیرالامراء العظام سردار در تشویق شال با فدا در خوبی

استقام تمام دارد و اغلبی که شالهای سنگین و خوب باقیه اند اعظام
و خلعت داده و آلان شالهای خوب را این لایت باقیه میشود که در
به دولت تومان شالهای سنگین آنرا قیت مینمایند و بطوری خوب
مپا فند که کمتری از شالهای کیشیری فرق میتوان نمود و در آن
بجبت خوب باقی شال کرمانی خرید و فروش شال کیشیری را فروخته

پیر و

از قراریکه در روزنامه این لایت نوشته اند شالهای ساتی و ساتی
بوده است که حکام بجبت تدارک عید نوروز و جوی از جماعت این
و کسبه بازار میکشند امسال مترب انخاقان محمد یوسف خان پسر
و نایب الحکومه نیز و حسب الحکم امیرالامراء العظام سردار قدغن کرده است
که دنیاری از صنایع مطالبه نشود و این مرحله سبب مزید عاقل
اصناف و کسبه اینجا گردیده است

اصفهان

در روزنامه این لایت نوشته بودند که در ایام بره العجور و آنجا
سرمای سخت کرده هوا پارسا سروده و در بعضی جاها در خجتهای میوه
خشانیده است و بجبت همین آفت جمعی از مالی آنجا بدر بارها
آمده اظهار پشیمانی خود میکردند

خراسان

از قراریکه در روزنامه این لایت نوشته اند نواب مستطاب
والا تبار سرسیده و میرزا فرمانفای مملکت خراسان سبزو
که وارسته بوده و دسده روز در آنجا توقف کرده اند و روز حرکت
از سبزو و ارتقا با آنجا خان زیر نظام سفارش کرده بودند که
از راه بالا رفته معدن مینر و زج را سرکشی نمایند و خود از راه
دیگر تشریف برده بودند مترب انخاقان مشارالیه هم رفته معدن
سرکشی کرده نظم و رستی را بر آنجا داده بودند

اخبار دول خارجه

انگلیس در روزنامه های این ولایت نوشته اند که بهر قشون ردیف پنجمه ملکت ایرلند و ده هزار قشون ردیف ششمه ملکت اسکاتلند خبر کرده اند که فوج آمده جمع شوند و مشین های ماشول هر خدمتی که با آنها جوع شود باشند و هم در آن روزنامه ها نوشته اند که بنا دارند سی هزار قشون ردیف ششمه در نزدیکی شهر لندن اردو زده جمع آوری نمایند که شش کلیه بکنند

از جمله کشتیهای بزرگ که درین روزها در ملکت انگلیس ساخته اند یک کشتی تجاری است که دوازده هزار چرخه بار در او حمل میشود طول این کشتی نود و نه ذراع است عرض چهارده ذراع و ارتفاعش نه ذراع و اگر لازم باشد در وقت ضرورت سه فوج سرباز در آن کشتی میتواند کشت و این کشتی را بنجه ترده مابین انگلیس و اسکندریه مصر ساخته و کل این کشتی را از آهن ساخته اند چرخ بخارش روزی آب دارد و بسیار هم تند روست و در اطرافها و سایر جاهای کشتی زینت و آرایش تمام داده اند و درین روزها کشتی مزبور روانه مصر شده است که سیاحان و بازرگان تجارتی بجهت بندوستان ببرد در راه طوفان زیاد شده بود و لکن کشتی هم تند رفته بود و هم در طوفان غیبی و نام این کشتی را حملایا موسوم کرده اند که اسم کوپها بلند مابین تبت و هند است

فرانس

در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که شخصی از قصبه ای آنجا فایده بود و تا سه روز هر چه جستجو

کردند پیدا شد تا یکی از نظام ضابطه آن اطراف که مثل او گرفتار مقصرین بود کسی داشت که بهوش و تعلیم مشهور بود و در میان جنگل برده و با حکم کرده که جستجو نماید اندک مدتی سک سجانی رسیده بود که زمین او را تازه شکافته بودند و آنجا را به بنجه شروع بکندن نموده بودند و کلک آورده زمین مزبور را کندن و نقش شخص مفقود را در آنجا یافتند که اول او را مقتول و بعد در زیر خاک مدفون ساخته اند که عمل قتل او بر وزن کند و این سک چند بار دیگر نیز از قبیل کارها کرده است چند وقتش ازین یک مقصر از قراولخانه گرفته بود و او اهل آنجا نمیدانست که بکدام طرف رفته است او را در دو سک رد پای او را گرفته و برابر او روانه شده تا بمقصر مزبور رسیده از جنت او چسبیده و خود او را گرفته بودند که زخم نمیداد و این غریب است که این سک بکسی دست نمیداد مگر بصاحب خودش و نظام ضابطه که در قراولخانه هستند قاتل این شخص را کشته و در میان جنگل دفن کرده بودند هنوز بدست نیآورده اند

از قرار روزنامه این ولایت در ایام سلطنت لویی ناپلئون امپراطور فرانسه تا بحال بقدر شصت و پنج فرسخ راه آن بجهت زد و کال که بخار و عبور و مرور سیاح و حمل و نقل بارهای تجارتی و غیره ساخته اند و باز در کارند و روز بروز این راهها را زیاده تر نمایند

دیگر نوشته اند که قشون فرانسه را که چند سال است با خلور و ممت میباشند درین اوقات بناداشتن زیاد تر نمایند و می گفتند که دولت فرانسه تا بهر قشون با خلوی روم برقرار خواهند کرد

و بچه مرتبه آسانتر و زودتر و خسته می شود

سویس

در مملکت برن که یکی از بلوکات سویس است بتاریخ نوزدهم ربيع الاول نوشته اند که زلزله سخت شده بود چنانچه بعضی مردم که در سه پائین بوده بودند بر زمین افتادند و در ولایت اندلس مملکت اسپانیول نیز زلزله شده بود و چند خانه افتاد بود و در تاریخ سیزدهم ماه منور و یک عمارت قدیم که بسیار محکم و کار آن ایام بود که مسلمانان از طایفه عرب در این ولایت سلطنت میکردند از زلزله افتاده و خراب گردید و در بعضی کوچه های تیره زمین شکافت شد هشتاد و چهار نفر در زیر خاک و در زیر خرابی خانه ها مانده بودند و تکیه ایها از زیر خاک در آورده و همه مرده بودند مگر یک دختری که چند بار حرکت کرد با صدای ضعیف مانند رعد حاکم آن سمت خواش کرده است که تنهایی بجهه فقر که درین زلزله متضرر شده منظور داشته باشند

پلر

شخصی از اهل این مملکت درین روز فوت شده است و میگویند مدتی بود از همه اهل ولایت و ولتمند تر و از او که حساب کرده اند بعد از وفاتش چهل طیان یا پنجاه طیان فرانک پول آن ولایت که تخمیناً هشت کرو و یا ده کرو و پول ایران باشد و وجه نقد و املاک داشت و بابل شهر است طوری و آتیه و لوز پولهای زیاد وصیت کرده است که در راه احسان بفقرا و مساکین و ارباب احتیاجی مصرف نمایند یا در ساختن بیمارخانه ها یا بر اعمال خیر خرج نمایند

استریت

دولت استریت درین اوقات قون خود را در سرحدات جنوب آن ولایت زیاده می کنند و تا بحال چهل هزار نفر در آنجا با تدارکات لازمه جمع کرده اند و روز بروز قون آن اطراف را زیاده می کنند

اسپانیول

در باب جنگی که مابین یاعیان آن ولایت و قون پادشاه انجام شده است در روزنامه مدرو باین طور نوشته اند که در جنگی که نزدیک شهر سمرقند نوشته شده بود صد و پنجاه نفر از یاعیان کشته و زخمی شده بودند اما اهل شهر بکار یاعیان مدخلیت نداشتند یاعیان بعد از جنگ تاب مقاومت نیاوردند و گریخته و متفرق شدند و پادشاه اسپانیول بغیر عقب آنها رفته اند و مکانی که اکثر یاعیان را دستگیر نمایند و چون این اقلتش نزدیک سرحد فرانسه اتفاق افتاده است بسیار سعی و کوشش می کنند که نگذارند از آن سرحد عبور نمایند

سنگی دنیای شمالی

شخصی که درینکی چرخ بجهت دوختن ریخت و غیره اختراع کرده است بکسانی که بتماشای چرخ منور رفته بودند مذکور داشته بود که بادبان یک کشتی بزرگ که میت و چهار هزار کرباس داشت با این سباب چرخ در شش روز دوخته شد که بحساب برآورده کار هزار و دویست نفر خطا بود اگر میخواهند بدست بوزند و ازین حساب معلوم می شود که دوختن ریخت و غیره با چرخ منور چند تفاوت می کند

حسن

از قرا که در روزنامه با کمان حسن نوشته اند شهر نیکانی مدتی
در دست یاعیان بود و قشون پادشاه او را محاصره کرده بودند
خراب شده است تبارخ ما اربع الاول قشون پادشاه که در
این شهر بودند هم رستم دریا و سم از خشکی حمله بشهر آورد و کمن
قشون یاعیان شکست خورد و مذو کشتی جنگی که در آنجا داشتند جزا
شد قشون پادشاه چونکه دیدند که شهر فرور رستمی توان گرفت خود
عقب کشید و لیکن پساری از خانه ها که در پیرون قلعه بودند
آتش زدند و خرابی زیاد بجهت این خک در آن شهر شده است
و تجارت رو کسبه بسیار متضرر گردیده اند ایچي فرانسه که در سرحد چین
بشهر ننگین رفته بود بدین بزرگ یاعیان که یک سبب رفت
ایچي فرانسه بشهر ننگین امنیت که بزرگ یاعیان را به پند و بهمان
عهدنامه که دولت فرانسه با پادشاه چین از انداز او خواش نماید
که او هم همان طور تسلیم بدو یک فقره ازین عهدنامه این بود
که بسبب دین به یکس ازیت نمکنند از قشون شمالی یاعیان خبر دهند
که در پانزده فرسخی پای تحت بود و شهری گرفته بودند که جامی عو
غله بجهت پای تحت بود و اگر توبه است آنجا را نگاه بدارند شهر پای
تحت بی آذوقه میماند خود خاقان چین در سر قشون آمده بود و چون
نفر هسره داشت که بجنگ یاعیان می آورد سمت کانتان
بعضی از سمتهای جنوب مملکت چین نظم شش پشتر از سابق
بود بجهت اینکه اکثر قشون که در آنجا بود بجهت شمال که پای تحت
باشد رفته بودند کشتیهای خیلی روس نزدیک بشهر شکانی بود
ولیکن نباد داشتند که بجهت پان برون کشتی خیلی نیکو نیای
شمالی که پارسال از آنولایت بجهت سیان روانه شده بود
در آن کمان بود و معطل جواب کاغذ بودند که دولت جمهوری

نیکی دنیای شمالی حکمران مملکت یان نوشته بود
احوالات مشرق

در روزنامه مملکت بلر نوشته اند که در ساختن دغال ازغال
سنکی درین وزنا بسیار بی اختراع کرده اند که بسیار بهتر و
از سابق تمام میشود ساختن دغال ازغال سنکی این طور است
که دغال سنکی را در میان یک بزرگ آهن تبرکپ اینقی میزنند
و زیر یک آتش میخند دغال سنکی بعد از آنکه گرم شد آب بشو
د و دوازده سپردن میرود بعد از آنکه دود او پیرون رفت او را
مینانید و باره بسته میشود و آنکه میماند پسار بک و رشت
و خوب میسوزد و بخار و دود ندارد بجهت کار خانه ها که چرخ بخارند
در میان شهر و کشتی بخار که در رودخانه ها که از شهرهای بزرگ
میگذرد مانند پاریس و لندن غیره قدغن است که این قسم دغال
مصرف کنند که از دود و بخار دغال سنکی بخلق ازیت نرسد
هوای شهر را را بد نمایند ازین جهت این طور دغال سنکی در بعضی
شهرهای فرانستان پسار مصرف میشود

در مملکت بلر سابقا قدغن بود که دغال سنکی بی کمرک داخل
آن ولایت نشود و این قدغن بجهت این بود که کار معدن چیان
در بلر خوب پیش برود حال این قدغن را برداشته اند و دغال
سنکی از ولایت انگلیس با نیامی آرند
تجهه اینکه در مملکت انگلیس از آن تر و فرود آید

در برتر و سیر پای تحت بلر شهرت داشت که پادشاه بلر منجو است
بدین امپراطور استریر برود و کمان شدند که سفر پادشاه فرور
بجهت این باشد که قرار اصلاحی را مورات فرانستان بد
در مملکت ریوتر نیونیکو نیای جنوبی یک غلام سیاه یک لباس
جسته است که دویت و پنجاه قیراط وزن دارد و این لباس را

بجای داده اند و ببلندن فرستاده اند و پسار صافست و بی
رویت و هشتاد هزار پوند که بحساب پول ایران تخمینا یک کر
صد و چهل هزار تومان میشود قیمت کرده اند و غلامی که الماس
پیدا کرده است او را آزاد کردند

وزیر و یکی شهر پران در معدنی معدنچیان معدن تازه می کنند
بجبت در آوردن غل سنگی سنگ سخت رسیده اند و او را
سوراخ کرده رو شدند بالای غل سنگی یک رک از کهر با
جستند و کهر بای زرد بود و خوب و پاره چای او را آوردند
که بعضی نزدیک به نیم من زن داشت چونکه در آن سمت ملک
منه معدن کهر با نیت کمان دارند که معدن مزبور در
انجا زیاد منفعت بخند

در ملک کرانه که یکی از بلوکات ملک است اسپانیول میباشد
در قصبها و محشرهای اطراف دریا ناخوشی بروز کرده مانند
و با که دولت از کسانیکه این ناخوشی را میگزیند میسرند لیکن
مردم آنجا میگویند که این ناخوشی از خوردن ماهی صدف
بهم میرسد که در آن اطراف بجبت است که کنار دریاست و
ازین ماهی صدف زیاد میخورند

مشهورست میان عوام در فرنگستان که موشها از خانه که
نیخواهد که خراب بشود و سفتد یا از کشتی که میخواهد غرق نشود و
بخود میروند در این روزها این مرحله بطور غریب امتحان شده
بود کشتی بود در لنگرگاه که بار می گرفت یک روز مانده که
بریا میندازند اهل کشتی دیدند که موشها بلبه کشتی بریده
شده است با اینکه پیش از آن هر روز موش بسیار در کشتی
مشاهده میکردند تا آن وقت که کشتی براه افتاد بی عیب و بی
نقص بود و سه روز دیگر در میان یازغی گذشت

در هندوستان تخته ها از چوب صندل بریده اند و ازین تخته ها
چهار تخته بلند آورده اند که طول هر یک شش ذرع و یک نعل
و عرض هر یک یک ذرع و نیم چسری با گوشتش چهار کر
نیم از درختی بریده اند که در کوهستان هندستان

اعلانات

در تبریز فروخته میشود در کار و انشای مرحوم میرزا تقی خان در حجره
جعفر خان پیک

و خرج بجبت بالا کشیدن آب از رودخانه یا از چاهها که در
پن بالا کشیدن آب از چاه یا رودخانه برنج یا کدو می کوبد و خوش
زور است اسب دارد

چند دکان آهن بجبت زراعت

خرج بجبت کاشتن تخم

تخم پنبه نیکی و نیاسیاه و سرخ و چرخه و سفید

هر کس خریدار این اسباب باشد از جعفر خان پیک مزبور اقبال

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با سیمه
در محل نزدیک دروازه دولا ب انطباع شده ازین قرار فرستاده

- ۱. حقه نظامی پست و پنجرار
- ۲. سیر دو تومان
- ۳. زبده المعارف دو تومان
- ۴. معراج السعاده یک تومان
- ۵. حقیقه اشعه هشت هزار
- ۶. شرح کسره دو جلدشش تومان
- ۷. شرح لعه یک جلد سه تومان
- ۸. شرح الزیاره یک جلد دو تومان

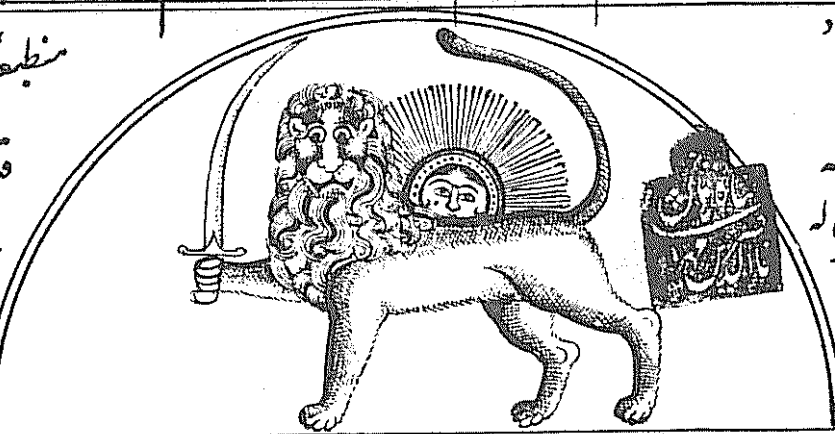
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه شعبان المعظم این سال با پس میل ۱۳۷۰

مهره صد و هفتاد

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر ایچهارمیزدینا
پنجاه سطر یکمیزدینا



قیمت روزنامه

یک نسخه دوازده ماهه

هفتاد و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دوم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
بغیر نکست و تفرج شمیرانات سوار شدند و تا نزدیک
عصر تفرج آن ساحات مشغول بودند و حوالی غروب
آفتاب مبارک مبارکه سلطانی موجب فرموده
در روز چهارشنبه گذشته نیز نظریه توقیر و احترام علیاً
اعلام اعلیحضرت پادشاهی بیدین آنحضرت تشریف فرما کرد
اول بیدین جناب آقا محمد لیسر مرحوم آقا محمود و از انجاء
سجانه جناب شیخ عبدالرحیم و از انجاء سجانه جناب حاج میرزا
رفیع کیلانی تشریف فرما گردیده و لوازم توقیر و احترام با
از آنها بعلل او رد مسمول عواطف و تعقدات ملوکات
کردیدند

۱۰۹۰

و اسلحه آنها رسیدگی نموده بهی در کمال شکوه و نیت
و آراستگی سان دادند

نظر بانیکه محاسن خدمات و اهتمامات لوایستطاب
شاهزاده والا تبار احتشام الدوله خانلر میرزا در انتظام
امور عربستان و لرستان و بروجرد و ختیار و آن
صفحات در حضور آقدس هالیون اعلیحضرت پادشاهی
معلوم و مشهود گشته لهذا موازی یک قطعه نشان تمثال
هالیون مکلل بالماس در حق او حرمت فرمودند و فرمان
مبارک درین خصوص شرف صدور یافت

چون درین اوقات در دروازه و بعضی جایهای بدنه شهر
قدری خرابی و رخنه بهم رسیده و راه رفتن و بود و نبود
سقطاب شاهزاده والا تبار در شیر میرزا حکمران دارالخلافه
طهران و توابع قدغن اکید درین باب نمودند که راه و خرابیها

شهر را گرفته و خرابیهای هر جای بدنه و دروازه را که لازم
باشد تعمیر نموده و بدست دروازه بانان و مستحقین رسانند

چون عالیجاه میرزا حسین مباشر چایا رخانه در انجاء

در روز دوشنبه سیم این ماه جناب جلالت بابت
بجته ملاحظه و سان غلامان حاضر کا بسالیون بیرون
شهر رفتند و مقربو انخافان کشیکچی باشی و شکرلو
و شکرلوین عظام حاضر بوده در حضور جناب معظمت
بدقت غلامان حاضر رکاب هالیون را دیده بودند

خدمات دیوانی مراتب امتحانات خود را مشهور رای اولیای دولت
کرده و بعد از این اوقات مبلغ بیت تومان بر موجب بنیاد افروخته
فرمان مهر لسان مبارک در باب اصل و اضافات موجب افتخار شایسته
صد دریافت

سایر ولایات

آذربایجان از قرائکه دیگر و اجبار تیر نوشته شده بود
اوتهای منفی پاره شهرها و ادب که منافعی دوستی و دوستی
دوست است اولیای دولت این خبر را با کمالات خاطر خود
مخالف دیدن این ارجیف اعطای ناسناید اعتمادی نمایند
دوستی و دوستی و کمال استحکام است البته بیکار و بی اثر
بنا بر رضی و محفل باین اجبار ارجیف جعلی شوند

اصفهان

از قرائکه در روزنامه اصفهان نوشته اند علیجا چرخ اعلی خان
اصفهان به بلوکات آدم شمشیر کرده و فرستاده است که در
صیفی کوتاهی نشود و مردم آنجا آمده اند که در شرف صیفی
کم کاشتن کند آنها که بسبب واهمه آئین خواری بود بشود از
قرائکه نوشته بودند احمد مدثری آئین نیست و وعده بیرون
آمدن آئین گذشته است و مردم پشیمان شده اند که چرا نکردند
زیاد نگاشته اند

چندی قبل ازین درسته ده و مجلس تفریح جناب خامس آل عباس
اموالی از حاجی حسین باجر بمرقت برده بوده اند این اوقات
چرخ اعلی خان و زور اوسته که نه و بعد از تحقیق معلوم کرده بود که
سرو قرائکشان برده و بعد از زور بهرامی یک فقره غلام روانه
کاشان نموده کاغذی بکالم کاشان نوشته بود اسباب
آورده بصاحبش در کرده

فارس

از قرائکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرزاده عبدالیه
در غیاب نواب مؤید الدوله حکمران فارس کمال مراقبت و اهتمام
در خدمات دیوانی دارد و مسواریه با مقرب الخاقان حاجی قوام
مراقب نظم امور ولایت است

دیگر نوشته بودند که در بندر آبشهر اسال هیچ بارندگی نشده است چون
حاصل آنجا از آب باران آب منجر و بسبب نیاید باران اغلب حاصل
آنجا خشک است و از قرائکه نوشته بودند بیکر کمیرت فارس نیز
چنین حالت را دارد و مردم از این جهت کمال اضطراب دارند

کاشان

از قرائکه در روزنامه کاشان نوشته بودند که چپاری بجهت
برگرداندن مال چپارخانه را بجهت کاشان میفرستد و نیم فرسخی
دیده بود نشی در میان صحرا افتاده و خم بیاری بر او زده اند و
کرده و لباسش لکری و بر دارد علیجا محمد ابراهیم خان حاکم کاشان
بعد از اطلاع بر این کیفیت و سه نفر فرستاده آن لغش را بکاشان
آورده اند و سچین چند نفر از ریش سفیدان قهر و در آنچه تحقیق
خواسته از آنها تفحص و از اهل کار و انرا اما و عله جات چپار
استفسار کرده بود بعلت تغییر رنگ و آماس اهدی اور
شاخته است چون قدری از آن قهر و در جیب او بوده
و بعضی قرائین دیگر الله معلوم شد است که از شهر ازیا
اصفهان مراجعت کرده است و کویا چند نفر از هم
داشته است بعلت داشتن پول یا عداوت او را کشته
و لکن معلوم نیست که مقتول کسیت و قاتل کدام مگر اینکه
از ولایات در روزنامهها اعلامی کنند تا بعد ازین معلوم
بشود

خراسان

از قراریکه در روزنامه این لایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا تبار فرما نفرموده
والا تبار فرمایدون میرزا فرما نفرمای ملکوت خراسان در نیم ماه
رجب وارد ارض قدس گردیده و جوه معارف با عیان چاکر
دیوان لوازم استقبال از نواب معری لیه بعد از آن مقرب الخا
وزیر نظام که بقدر هزار قدم متعاقب نواب معری لیه می آمدند
آورده و مورد نوازشات و تشکلات نواب شاهزاده و مقرب الخا
وزیر نظام گردیده اند و بعد از زیارت روضه متبرکه حضرت رضا
نواب شاهزاده بهمارتارک بسلام نشسته و بجهت تنهت شلیک
نموده اند و اما لایت را بعد از اویامی دولت قاهره امید
واری کامل داده اند

نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حسام سلطه والی سابق خراسان
روز چهارم ماه رجب از ارض قدس بمصلای پیرون شغل
مکان کرده و در روز هفتم ماه فروردین از آنجا روانه دربار هسایون
پادشاهی گردیده اند

در روزنامه این لایت نوشته بودند که شخصی مشهدی قه از دکان
شخصی پنج قبضه تفنگ سرقت کرده بود و در ولان قرا و خانه خیابان
بالا جلو آورد و گفته اند که این تفنگها را کجا میری جواب داده اس که کن
قذاق سازم و این تفنگها را پریم قذاق نمایم اگر باور نمیکند تفنگها را
نزد شما باشد تا من قه شاید پا ورم تفنگها را بفرماید و خود از
میان باین بجهان بدر رفته است

دیگر نوشته اند که در این اوقات از تفصلات الهی باریکی زیاده در ارض
اقدس اکثر جایهای خراسان شد است تا جند شب و روز سجده که
بعضی از خانهای ارض اقدس از شدت بارندگی خراب گردیده
و صاحبان املاک و زراعت کاران از آمدن این باران یاد بسیار

مشغوف و خورسند گردیده اند

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب شاهزاده والا تبار فرما نفرموده
قرار در ب خانه و محاسبات انولایت اشطامی کامل داده و عاچاه
میرزا مصطفی قلی را قرار داده اند که هر روز صبح تا شام در وقت
نشسته و اما لایت تحریر و محاسبات حاضر شد و مشغول انجام خدمات
دیوانی میباشند

دیگر نوشته بودند مقرب الخا قان وزیر نظام قرار مقرر می مستمریات
خدام و فحارج روضه متبرکه را بطوریکه در زمان تولیت مرحوم حاج
میرزا موسی خان معمول بود برقرار نموده و امر آن سرکار را نظام
کامل داده اند و حق التولیه خود را قرار داده اند که دو باب حمام ساخته
و وقف روضه مطهره رضویه نمایند و بر اجارات املاک و قفیه سرکار
فیض آثار تاجال بقدر پنجاه تومان افزوده و مطبخ و دارالاشهاد
قهوه خانه سرکار فیض آثار را فحارج مقرر به بستر از سابق میرسد
و عموم خدام شاکر و دعاگوی این دولت قوی گشت می آیند

دیگر نوشته بودند عاچاه محمد رحیم خان برادر مقرب الخا قان خجیر قلی
ایلخانی به قفسه اشرا طایفه میوت رفته بود طایفه مزبوره بکسند
قابوس رفته و مشارایه متعاقب آنها تا آنجا ایلغار کرده بود و آنجا
چون خبر داشتند از آنجا تیر فرار کرده بودند عاچاه مشارایه در
مرحمت به بیت نفر سوار ترکان بر خورده بود که بسمت عباس آبا
و میان شت تباخت و تا ز آمده بودند با آنها خجک در پیوسته
آنها مقتول باقی بیند زنده و تیکر شده در منزل شیا بور مشایه
سر بار با آنها که زنده دستگیر کرده بود خدمت نواب فرما نفرموده
آورده مورد بخشین و نوازشش گردیده یک ثوب جبهه ترمه لاک
با خلعت مرحمت فرمودند

ازین ولایت اخبار دیگر که چون روزنامه این لایت میباشند و غیره اینگونه

بسطام

در روزنامه این لایت نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت مآب امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام که حسب اقدیس بمایون رهمه ولایات چراغانی کرده بودند از جمله شخصی چکه دوز در بسطام که بصفت امانت و دیانت موصوف بود در شب مزبور بعلت ناخوشی زوجه اش نتوانسته بود بدکان قفه چراغ روشن نماید صبح پسرش رفته در دکان را کاشوده دیده بود چراغی در دکان فرو بر روشن است و روشنایی او زیادتر از همه چراغها و مشعلهاست بطوریکه معلوم میشود که این وشنائی بنبت بروشنایهای دیگر ندارد پدر خود را اجبار نمود و چراغ را بمهرخانه و دکانیکه برده بودند خاموش شد بود و هرگاه که کرده بودند روشن شده بود تا باز بجهان دکان که آورده بودند خود بخود مشتعل شده بود صاحب دکان بشکرانه این سعادت نقد و حبس از اموال خود بمهر او شیرینی و شربت بمردم داده است

دیگر نوشته بودند که چون در رستان نزدیک عید نوروز و ایام تکوین دوسه بار سرمای سخت در بسطام شده بود دکان میگردند که سرورختی را کلا سران زده باشد ولی این اوقات که اشجار به برگ و بار نشسته اند معلوم شده است که چندان آذینی از سرما بسرورختی آنجا نرسیده است مگر بعضی از درختها را فی الجمله سرما زده است و همچنین حاصل غله آنجا چون در سال گذشته کم آمده بود تشویش شد که امسال در آن ولایت کزانی غله باشد اما در این اوقات که بمنور حاصل تازه بدست نیامده است و باقصای فصل باید غله متعیر داشته باشد در آن ولایت

کمال فراوانی و ارزهت

دیگر نوشته بودند و قاتی که نواب مستطاب شاهزاده والا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان بسطام رسیده بودند

عالیجاه مطلب خان سرکرده سواره کورداری بسطامی حسب الحکم تعمیر قلعه جات منازل عرض راه را برآورده نموده صورت آنرا باستصواب نواب مغزی لیه خدمت و بیای دولت فرستادند و جناب جلالت اجل اکرم صدر اعظم هم این وزیر آذنی بخصوصه با وجه تقدیر وانه خوانند فرمود که آن قلعه جات عرض راه را تعمیر کرده قناتشرا شقیه نمایند که باعث سهولت امر ترودین شود

مرد و چرد

در روزنامه این لایت نوشته اند که بعد از عید بارانیکه بایست پاید نیامده و مردم زراعت کار و اخصامی قدری تشویش خشک شد داشتند اما کان بود که در آن وزیر باقصای فصل بارندگی زیاد شود که مردم از تشویش بیرون آیند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عبداللہ خان نخبه ساری که نواب جلال الدین میرزا ناپ الحکومه بر و چرد خواسته و در جزو امینی محبت تحقیق مقام او بار عایا فرستاده بودند چون معلوم نمودند که مشارالیه نسبت بر عایا مطلقا اجحاف و زیاده و قتی نکرده و با کمال سلوک و رفتار با آنها راه رفته است لهذا او را مجددا خلعت داده به نیابت محال نخبه ساری روانه نمودند

دیگر نوشته بودند که فرمان موقوفی جرمیه و ترجمان که از مصدر خلافت شرف صدور یافته بود بانجا رسیده اگر چه در آن ولایت جرمیه و ترجمان معمول نبود ولی صدور این حکم هایون سبب فزید دعا کوئی مالی آنجا شده بشکر گذاری دعای ذات اقدس عالیون اقدام نموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب جلال الدین میرزا ناپ الحکومه بر و چرد در انشطار امر ولایت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام را معمول داشت و اگر ببردت زودی خلاف حسابی واقع شود فوراً در مقام رفع آن بر می آید

لرستان و عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب میرزا در آن کجایان اردو دارد و چون حکام حرکت ایلد رماقت و موافقت را دارند که از ایلات بت بیکدیگر تعین و خلاف حسابی واقع نشده هر یک بامان و سیلاقات خود حرکت نمایند و بعد از وصول ایلات مزبور به سیلاقات خود نواب معنی الیه بنادارند بجزم اباد بروند

دیگر نوشته بودند که امسال ناخوشی در میان کوسفندان صفحات افتاده و اغلب کوسفند کمریات آن است و بر وجه و بختیاری ازین ناخوشی تلف گردیده و ضرر کوسفند داران رسیده است

دیگر نوشته بودند که نواب سطات برادره و الیبار امیر خاں میرزا چهارم ماه جیب از شوشتر بزرگوار شده و امورات آنجا را انتظامی کامل داده اند و در هجده ماه مزبور اراده داشته اند که از آنجا روانه بروجند

فوج سیلاخوری ابو اجمعی مقرب انخاقان و لیجان میر که ساخلو محرم بودند در واسط ماه جیب وارد شوشتر شدند و در عوض آنها فوج امرانی لرستانی ابو اجمعی عالیجاه بخوار مامور ساخلوی انجا هستند

فوج زرندی ابو اجمعی مقرب انخاقان محمد مراد خان میر درین اوقات حب احکام نواب سطات چشم الدوله مامور خدمت عربستان اند که در نزد نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه در شوشتر و دزفول و حویزه و غیره هر جا که لازم باشد ساخلو بشوند

دیگر نوشته بودند که امسال بجه نیایدن باران غله در آن

ولایت تعبیر هم رسانده است چنانچه در شوشتر و حویزه جو خرواری بدو تومان و پنجاه روکندم خرواری به تومان رسیده است

اخبار دول خارج

انگلیمس از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند بناداشتند یکی از خوانین عمده و معتبر ولایت انگلیس را به مملکت استریت نمایند بلقب سفیر که از جانب علیاحضرت پادشاه انگلیس در عروسی اعلیحضرت امپراطور استریت که از دخترهای خویش پادشاه بواریت را میگرد حاضرا

فرانسه

در یکی از روزنامه های این ولایت نوشته اند که حب احکام امپراطور فرانسه بعضی از امنای دولت معین شده بود که اجلاس نمایند در خصوص کمک مال التجاره که از خارج می آید گفتگو و مشورت نمایند که بلکه در تحقیق در کمک آنها بدون اینکه ضرری بدیوان برسد بکنند

از جمله احکامی که درین روزها در پاریس پای تخت این مملکت شده است یکی این بود که در باب قضایان سابقا قاضی داشتند که هر سنجو اید قضایی نماید باید اذن از دیوان داشته باشد و مبلغی معین در دست دیوانیان انجا بگذارد

برحسب امانت که اگر خلاف حسابی بکند دیوانیان جریمه و از همان پول امانت بردارند حال این قرار سابق را مؤید داشته و نخواه امانت قضایان را پس میدهند و اذن که هر سنجو اید گوشت بفروشد و چون که قرار قدیم سبب گران شدن گوشت بود حکم تازه باعث ارزانی گوشت و رفاه خلق میشود

امپراطور فرانسه بابل شهر و سیلزمینتی که بسیار با صفا و مشحون باشمار بود بجهت تفریح گاه اهل واکذا کرده اند و آن شهر نیز بنا دارند که در آنجا حوض و غیره سازند و از دیاد صفا و زینت و خرمی آنجا پرداخته تفریح گاهی بجهت خود قرار دهند

شخصی در نزدیکی شهر پاریس بازمی غریب در آورده است و تفصیل آن این است که پانصد شصت و نه کوسفند را از آنجا برگرفته است که بسیار سبک است مانند نجاشتی هوا که بلون میسازند و این مشاهرا به بدن خود می بندد و بسیار سبک میشود بطوریکه چهار وزع و پنج وزع در زمین می کند اطراف شهر پاریس را با این طو حجت و خیر طی کرده و بمنزل خود رفته بود

در روزنامه این ولایت نوشته اند که در این اوقات ما بین دولتین انگلیس و فرانسه در هرباب و بر مواد و اتحاد تام بود

از فراتر تصدیق اطبا ناخوشی و یا که جزئی در شهر پاریس تا اوقات بود درین اوقات از آنجا رفع گردیده است و ناخوشیهای دیگر در آن شهر بسیار بود خصوصاً ناخوشیهای مسری از قبیل تب حبه و محرقه و مطبقه و آبله نیز در آنجا بسیار بود

بسیار بود سختی زمستان گذشته در پاریس ضرر زیاد به بعضی از عمارات آنجا رسانده است که بعد از آنکه بخی شکسته آب شده بود و دیوارها و غیره بجهت شدت برودت و رطوبت عیب کرده و افتاده بودند و بعضی بلوکات و راهها و عمارات و غیره نیز ازین سختی زمستان ضرر

و خرابی رسیده بود و پلی که در رودخانه رون که باین مملکت فرانسه و سوای میگذرد ساخته بودند خراب شده بود و سبب خرابی پل مزبور این بود که سنگی که در روی آن ساخته بودند فرو رفت فقرات نیز در پای تخت و بعضی شهرها بزرگ بسیار سختی می کشید اما حال که هوا طایم شده بود و عله و غیره کار می کنند اوضاعشان قدری بهتر شده بود

مجلسی که در خصوص آرایش شهر پاریس مامورند بنا داشتند پانزده کوچه از کوچه های تنگ و کهنه شهر مزبور را خراب نمایند و در جای شان میدان وسیع سازند بجهت بازارها بسیاری از بناهای قدیم پاریس را خراب خواهند کرد و لکن شهر وسیعتر و پاکیزه تر خواهد شد

درین مملکت قانونی است که هر کس بخواهد کشتیان باشد باید چهار سال بدیوان خدمت نماید حال چونکه دولت بجهت قشون بحری کشتیان میخواهند کشتیانها را بخرند که هر کس که چهار سال بدیوان خدمت نموده است از سن بیست و یک سالگی تا چهل و پنج سالگی باید بیاید و بدیوان خدمت نماید بعضی از کشتیانها که در رودخانه ها و ورق کوچه ها و صاحب عبال بودند از صدور این حکم رضامندی ننهادند بجهت اینکه ازین معامله ضرری کردند

پورتو قال

درین ولایت بجهت کشتیها که از مالک دیگر می آیدند گرا کذاشته بودند درین اوقات این گراختن را بر داشته اند مشروط باینکه سیاح خواه از راه دریایا از راه خشکی بآید بگراختن بیاید و بنظر اطبا ی آنجا رسید معلوم بشود که

ناخوشی ندارد بعد از آن بدون محطی که شسته بقصد عام
می شود

پادشاه مملکت پورتو قال که نور طفل و در صحن می
و پدرش بنیابت او مستحل امور سلطنت مملکت داری
است در این اوقات بنادر که یکی از بنات اعلا خود
نام ذکرده عروس سی نماید

کشتی جنگی دولت انگلیس در رودخانه طاکوئس روبرو
شهر لوزون پای تخت مملکت پورتو قال لنگر انداخته بود
اسپانیول

در روزنامه این ولایت نوشته اند که دختر پادشاه
اسپانیول بسیار ناخوش بود و چون که بهین یک دلا
از او مانده بود اگر بمیرد خواهرش باز وارث تاج تخت
آن مملکت میشود و خواهرش زن و وک ده نورسپر لوی
فلیپ پادشاه سابق فرانسه است

فرینمارک
پادشاه این مملکت حکم کرده است که نه فروند کشتی جنگی
باد بانی حاضر نمایند و این نه فروند کشتی آن هر یک

پنج عاده توپ دارد و سه کشتی دیگر هر یک پت عاده
و سه کشتی دیگر هر یک شت عاده توپ دارند و
پنج فروند کشتی بخار نیز که هر یک دو عاده یا چهار عاده توپ
دارند و پانزده هزار قشون نیز بنا دارند جمع آوری نمایند

سوید و ناروی
در مشورتخانه این مملکت گفتگونی شده بود در خصوص اینکه
پادشاه حکم کرده است که قشون این مملکت را از بری
و بحری زیاد بکنند و مشورتشان در سر این بود که آیا لازم

باشد که این اخراجات را بکنند یا نه و خود پادشاه
حکم کرده بود که مشورتخانه جمع بشوند و درین خصوص بنیابی
بگذارند بعد از تکالیم زیاد قرار دادند که حصارها و
لنگرگاههای کنار مملکت و سایر جاها را تعمیر نمایند و قشون
برقی و بحری را هم حاضر و مهیا کنند

سنگی دنیای شمالی
در روزنامه نیویارک سنگی دنیای شمالی نوشته اند
که در آنجا بعضی مردم جمع می شوند که با سلاهیول می
و در قشون دولت عثمانیه خدمت میکنند

در مملکت اویتوی سنگی دنیای شمالی در رستوران کشته
طوفان غریبی شده بود بارعد و برق و تگرگ و یک
باله خراب کرده بود و چون که آب رودخانه بالا آمده
بودند سیلاب هم ضرر زیاد رسانده بود و از آنجا که
این طوفان میگذشت بیشتر از بقصد دزدان عرض بدشت
اما هر چه پیش می آمد خواب میکرد و درختهای قوی را اینچ
می کند و خانه های محکم را از بنیان می افکند و چرا
میکرد

بعضی از اهل این مملکت عداوت تمام بعیسو بها که از مذنب
کتولیک پیاشند دارند و چون که یک کیش بزرگ از
جانب پاپا که پیشوای مذنب کتولیک پیاشد بالولا
آمده بود مردم جمع شده چهرتی نسبت با دیگر دارند
در یک قصبه که کیش مزبور با بخارفت بود مردم آنجا
جمع شده بودند با موزو کا پنچ بمنزل کیش می رفتند چونکه
اعیان آنجا کان داشتند که اشخاص مزبور اراده بچرتی
نسبت بان کیش داشتند باشند از نظام ضبط و قراولان

رو بروی منزل کیشش فرجی را مامور نموده بودند و در هنگامی که
این مردم با آنجا رسیدند قراولان بیرون آمدند و بسیار
این اشخاص را گرفتند و بقراولخانه بردند و بعد از آن
میکردند و از طرفین تیر تفک خالی می شد و بعضی مردم هم
زخمه زده و دیدند و یک سبب عداوت اهل یکی دنیای
شمالی با پاپای رومه این است که پاپا را نسبت بر جای
خودش ظالم میدانند ازین جهت نایب پاپا که یکی دنیای
بهر جا میرود اهل آن ولایت نسبت باو بخلاف احترام رفتار میکنند
و مشکل است که دولت یکی دنیای شمالی اهل آن ولایت را
از این معنی محافظت کیشش فرجی را مامور نموده باشند
احوال مشرق

سابقا در اکثر ممالک فرنگستان بازی لاتاری که قسمی از
قمار است متداول بود و چون ده یک آن عاید دیوان می شد
دیوانیان این وجه را بجزایه می بخشیدند و محافظت میکردند
در این اوقات چون دیده اند که قاعده قمار بازی در هر
ممنوع و غیر ممدوح است در اکثر جایهای فرنگستان این قاعده
موقوف کرده اند از جمله در مملکت پادشاه حبس حکم دیوان
درین روز موقوف نموده اند

در روزنامه روس نوشته اند که شخصی درین اوقات در
سنگ نوشته است که از جمله سادات بود و صد و بیست و
سال و یکجا و بیست و پنج روز عمر کرده بود

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است در
که نوشته در بعضی ممالک غربی فرنگستان بسیار هواخت
و سرد شده بود و خصوصاً در مملکت انگلیس و در آخر ماه رجب
که آبهای سیل در بعضی جایها سیل ریزا آمده بود و از جمله
در روزنامه انگلیس نوشته اند که در قصبه داکستریل آید بود
بطوریکه آب رودخانه که از آنجا میگذرد در کوچه های بیشتر از
دو دوزخ بالا آمده بود اما کسی درین سیل و طغیان آب تلف
نمده بود

یکی از روزنامه نویسان شهر طبرستان که پای تخت مملکت پادشاه
حجرتی نسبت با پاپا را فرانس نوشته بود و او را بعد از
شدید و چون که تقصیرش ثابت گردید و در حبس و جرمه نموده
چونکه در مملکت از آذوقه ترقی کرده بود از تاریخ اول رجب
قدغن شده بود که هیچ قسم آذوقه از آنجا بیرون نبرند

اعلامات

کتاب شرح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولا
معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است
در مدرسه دارالفنون فروخته میشود هر جلدی شهر ری

در مملکت استرالیا سوای معدن طلا که درین ایالتها میباشند
معدن مس هم در این اوقات تازه پیدا کرده اند و در او نیز کار
میکنند و خوب منفعت بر میدارند در این روزها یک پاچه
مس از معدن آنجا در آورده اند که سه خروار وزن او بوده است
معدن چنان که در آن معدن مس کار می کنند هر یک نفر در
ده تومان و یازده تومان اجرت میگیرند

روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه سیرده ششمان مطابقت با سن ۱۲۷۰

نزد صد و هفتاد و یک

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

یک نسخه شش ماهه

هفتاد و چهار هزار



قیمت اعلانات
یک خط چهار خط یک خط
بیشتر باشد هر خط

اخبار هند مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه ششم این ماه اعلیحضرت پادشاهی سوار شد بقصر قاجار تشریف فرما گردیدند و در آنجا سان غلامان سرکاری را دیده یکی با اسب خوب و اسلحه و اسباب کامل شکوه دار استکی بنظر اقدس همایون رسیدند و از آنجا موکب همایون به کشت و تفریح مست عباس آباد و آن ضحی تشریف برده و تا احوالی اطراف را کشت و تفریح فرمود نزد یک غروب آفتاب باز که مبارکه سلطانی و ممبر عظمی اجبت فرمودند

چون عالیجاه میرزا محمد حسین احکام نویسن نظام در انجام خدمت فحوله مراتب صداقت و کفایت خود را مشهور رای اقدس همایون و ملحوظ نظر و لبای دولت قاهره ساخته و خدمات او در ارسال خاصه و تقدیم فرمایشات علیه تحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاده و یوماً قیوماً طرک کار دانی خود را بیشتر در پیشگاه همایون ظاهر نموده نظر با اعتدای مدایج او درین اوقات بجلال و منصب محکمانی نظام بقبیل دبیر الملکی از فرمان مرهلعان مبارک سرافراز و یک ثوب چپه ترمه برسم خلعت در حق او حمت و عیادت کردید

در روز چهارشنبه پنجم این ماه جناب جلالت ابالمجیدی دولت علیه عثمانیه بحضور اقدس همایون اعلیحضرت پادشاهی شرفیاب شده مورد اشفاق و مرحمت ملوکانه گردید

درین روز مادر و والده عالیجاه علی خان سینانی برکات مبارک آمده بود و از سرکار اقدس همایون محض التفات ملوکانه حقیقت در حق عالیجاهان علیخان و ابراهیمخان و دو سه تنه خان سینانی مرحمت فرمودند و فرمان همایون شرف صد و ریافته فراموش

درین سال بعد از عید لوز و زتا بحال نسبت به الهامی سابق و پنجگی گذشته و بارندگی بسیار کم شده است و هوا نیز نسبت به الهامی گذشته قدری گرم گردیده و لکن زراعت کاران امیدوارند که درین روزها با قضای فصل بارندگی بشود

هم در حق آنها داده شد و بخودش را الیهان نیز خلعت و انعام التفات گردید و مرضی گردید بعضی از اشراج و حوش قایمات تباخت و باز قایمات آمده بودند در دفعه اول غفله آمده مال و کوفت بسیار برده بودند

در دفعه ثانی میر علم خان پسر امیر سید الله خان امیر قزاقین مجرب شد
با اینکه آنها بحسب جمعیت زیاد بودند و اینها کم دعوی مردان
کرده و شکست بخانه داده بیت و دویزه سر و چند نفر
واسب از آنها گرفته سربازانجا کهای مبارک شانشاهی
بودند و در از این خدمت رالیه یک قبضه شیر کل مرصع
و نان مهر لجان منی بر اظهار رحمت ملوکانه شرف صد یافته
بهرای فرستادگان رالیه نفاد داشتند

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عالیجاه آقا اسمعیل شمش
سلام که مسواره اوقات خاصه در سلامهای عام مرتب
حسن زندگاری او مشهود و ملحوظ پیشگاه حضورهایون گردید
درین اوقات یک قبضه خنجر دستیرهای غبت و سرتی
مرصع بعالیجاه شالیه حمت نمودند
چون عالیجاه داود خان تبرجم اول دولت علیه ایران از
ابتدای نوکری این دولت الی الان خدمات مهمه مامور شد
و آثار صداقت ان خود اظهار داشته بود در مامویت سفر
بطرز بزرگم که باقتضای ارادت خدمت کرد و علایم
استعداد و قابلیت خود را بدرجه بروز و ظهور رسانید و سیر
دولت علیه را از رفتار و سلوک خود قرین رضامندی داشت
لذا باقتضای رای انورهایون بمنصب سرتیپی و از دیار
موجب و اعتلاء بمنصب مترجمی اول مفتخر و سرفراز گردید و فرمان
هایون درین باب شرف صد یافت

عالیجاه مقرب انخاقان شفیع خان که از جانب دولت علیه ایران
سفیر مقیم لندن بود و درین اوقات بدربارهایون معاودت
نموده در روز یکشنبه ۹ اینماه که وارد دارالخلافه مبارکه میشد
حب الامانای دولت علیه عالیجاهان میرزا عبدالغفار خان
نایب وزارت دول خارجه و چند نفر از نمایان اجدان باشی
و صاحب منصبان نظام و غیر نظام از غلام غنیمه باستقبال شش
رفته و لوازم اعزاز و احترام را معمول داشته و او را وارد دار
نمودند
درین روز ما جعفر نامی که بکرات و در دارالخلافه دزدی کرده و دود
که در سرق گرفته شد بود حسب حکم نواب مستطاب هزاره و الا
ار و شیر میرزا حکمران دارالخلافه طارن و توابع در هر دو وجه
رسیده بود درین روز ما باز مجدداً مرکب سرق شده بود
مستخفین او را گرفته خدمت نواب معزئی الیه آوردند اگر چه این
مستوجب سیاست کلی بود و لکن نواب معزئی الیه حب الامرهایون
مقرر داشتند که یک دست دیگر او را هم قطع کرده و او را بعد از
اخراج بلد گردند

سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در ضمن روزنامه این ولایت
نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و الا بتا نصرت الدوله
نایب الایاله آذربایجان که باتفاق مقرب انخاقان میرزا صدق
قائم مقام از دربارهایون روانه آذربایجان شده بودند در
عرض راه مقرب انخاقان قائم مقام شیش افتاده و در روز
بیت و نهم ماه حجب وارد خلعت پوشان گردیده و در روز
سلح ماه مزبور امیرالامرا اعظم ام سردار کل را ملاقات
نموده و از طرفین لوازم اعزاز و احترام را و حق یکدیگر
آورده اند و مقرب انخاقان قائم مقام عازم تبریز و
امیرالامرا اعظم ام سردار کل بدربارهایون شانشاهی
روان شده است

کرمانشاهان

فوج کوران قلعه بخیری و سوار سنجابی ابوالجهمی عالیجاه ^{خان} الله
 و فوج کردی ابوالجهمی عالیجاه حیاتقلی خان در مدت چهار ماه
 که در سرحد راب مشغول مشق بوده اند و رکال نظم حرکت کرده
 و هیچ وجه از احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نشده است
 پس صاحب که معلم افواج و ارالد و لاست در نهایت
 و اهتمام در تکمیل مشق آنها سعی نموده و درین اوقات مشق آنها
 بنهایت کمال رسیده است و جمیع حرکات و آداب نظام را
 بطوری فرا گرفته اند که عالیجاه پشن صاحب زیاده از حد
 مشق و نظم آنها را رضی بوده است و مفعله یکده روز ناما جرنی
 و کلی مشق افواج و نظم را در دوران بنوای برادره عماد الدوله
 سرحد دار عرافین عرض میموده و احکامی که لازم بوده است
 بایشان صادر میکرده اند و عالیجاهان اسد الله خان و
 ملک نیاز خان پسر حیاتقلی خان بسیار سعی در مشق و نظم
 بوده اند و از حسن سلوک و قاعده دانی عالیجاه پشن صاحب
 و مراقبت او از مشق افواج زیاده از حد عموم افواج و دیگرگان
 راضی بوده اند و باین جهت از اولیای دولت علیه احکام التفات
 نسبت باین صادر شد

طریق و شوارع و ارالد و اگر مانشان که همیشه از شهرات
 اشرا محل تشویش بود و خصوصاً منازل قصر شیرین و قلعه سیر
 که نا امنی آنها در ازمنه سابق مشهور بود درین اوقات از حرم
 اولیای دولت قاهره حسن مراقبت و استقامات بواب
 مستطاب شاهزاده و الاتباع عماد الدوله سرحد دار عرافین
 بطوری نظم شده است که درین دو ساله دیناری از قوافل
 مترودین تلف نشده است و در کمال اطمینان یک نفر دود و نفر

از آن منازل عبور و مرور نمایند و چندین دفعه اشتراری که از
 طوایف جاف و احمدوند در خاک دولت علیه عثمانی هستند و
 کار آنها قطع الطریق بوده است بر سر راه قوافل آمده اند و
 بواسطه جلالت و رشادت و مراقبت ساخو و مستحفظ انجا
 از فوج قلعه بخیری ابوالجهمی عالیجاه اسد الله خان پیشانی
 خند و لا و مشکو بابر گشته اند و عالیجاه اسد الله خان در نظم
 و حفظ مترودین کمال اهتمام ورزیده و از جمیع مترودین نوشته
 رضانا که گرفته در برهماهی دوبار بنزد نواب شاهزاده عماد الدوله
 میفرستد

طوایف و شایر کرمانشاهان که همیشه از او اسطعرب تا او
 محل سجالی بغداد و مندرج بطف خواگی میروند امسال در کمال
 نظم و مراقبت خود رفته و مراقبت کرده اند و هیچ وجه خلافی از آنها
 نیست بوجه خارج واقع نشده است و باینکه اکثر آن طوایف
 با هم عداوت دارند و در کر میر که محل اجتماع آنهاست اکثر
 اوقات مفاسد کلی واقع می شد از استقامات نواب پسر
 عماد الدوله بطوری حرکت نموده اند که از احدی با احدی عداوت
 قاعده صادر نشده است و لکن بواسطه کمی علف و سردی
 هوا که سفد و حیوانات زیاد دارا آنها بعضی تلف در آمده است

دیگر نوشته اند که از استقامات نواب پسر عماد الدوله مالی
 در امر زراعت و آبادی و بعل آوردن درخت ابریشم که تازه
 در انولایت متداول شده سعی پیشانی و از قراریکه پارسال ابریشم انجارا
 تجربه کرده اند انقدر که بعل آمده بود خوب مانند ابریشم شیت و بهتر از
 یزد و کاشان بوده است چون غلات در آن صفحات پارسان است و چون
 نفع می کنند امیدوارند که نفع کلی بجان اهلک انجا عاید شود

کرمان

از قرار یک در ضمن تحریرات کرمان نوشته بوده که قافله یزدی از کوه سیر آمده جمعی از طایفه زرگری ساکن فارس بر سر آنجا اموال آنها را برده بودند میرزا اسد الله واقف شده سوار شده چهار نفر آنها را دستگیر نموده تمام اموال آنها را که سرقت کرده بودند گرفته آورده بصاحبش رسانده بودند و قبض الواصل آنها امیر الامام نظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان تر و اولیای دولت قاهره فرستاده بودند و اولیای دولت حکم کردند که سارقین را بداد بیاورند

خراسان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته بودند که مستجاب شاهزاده و الیای فریدهون میرزا فرما فرمای مملکت خراسان برای رونق ساختن قشون بهر در روز و شب یکم ماه را از ارض اطراف آن در بند حرکت نموده اند و یک فوج از افواج قشار را با عایجا عسکر خان میرتب برای فراد شده نزد مقرب الخاقان وزیر نظام در شهر گذاشته و مقرب الخاقان علی خان میرنجه و سامخان ایلخانی را با فوج نصرت و یک فوج افشار و توپخانه و سواره برداشته و باقی در بند نشریف بردند افواج فرامانی هم از همان وقت مراقب در بند میباشند منظور نواب فرما فرمای این است که در آن وقت و در بند اجتماع قشون بشود که از آنجا قشون معتد بهی با کوه معتبری با توپخانه و قورخانه و هزار خوار و غله روانه مرو نمایند که از رفتن این قشون معاندین مرو قلع و قمع و مضمحل شوند

امیر حسین خان برادر مقرب الخاقان سامخان ایلخانی را نواب

حاکم السلطنه بادولیت نفر سواره و وجه نقد برای سیاحت قشون مرو فرستاده بودند در یک منزلی مرو سواره قیام فرمودند و دو نفر سوار آمده آنها را محاصره کرده بودند چهار روز محصور و بی آب و آذوقه مانده بودند اندر روز چهارم حاکم دولت سوار یک مرتبه یورش بسنگهای آنها کرده سنگها را از تصرف آنها گرفته و شکست فاحشی بآنها داد و پانزده نفره سوار آنها گرفتند که سر را بار خراش فرستاده بودند بجهاد خان دره جری هم با قشون مرو است بعد از آنکه محصور شدن امیر حسین خان شنیده شد با یک فوج و توپ بآمد و آنها حرکت کرده وقتی رسیدند که دولت نفر سوار با کمال تهور و جلالت جمعیت قریبی را شکست داده بودند مشارالیه نیز با جمعیت و استعداد خود آنها را تعاقب و بعد رسید نفر سوار قریبی را مقتول و بقیه پانصد نفر نیز زخمی شده و بقیه اسیر شدند و لا و منکوبان قرار کرده اند و از سواره امیر حسین همشت نفر مقتول و هفت نفر مجروح شده اند از قرار یک نوشته اند عایجا میر حسین خان و سواره ابو الجحیی او درین جنگ نهایت رشادت و جلالت بعمل آورده اند

فارس

از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند در ماه جمادی یک فروند جهاز که شکر بار داشت از بطاویه با سه فروند کشتی دیگر که احسان تجارتی باشند از بمبئی وارد بندر ابوشهر گردیدند بارهای خود را در بندر مزبور خالی نموده و بجای آنها اجناس باب بطاویه از آنجا با کبری کرده روانه بمبئی شده اند که از آنجا بطاویه میروند

اخبار دول خارجه

فرانسه سیاحی که درین روزها بشهر تولان رفته بود در خصوص قورخانه کشتی سازخانه دولت فرانسه در آن شهر بسیار تعریف نوشته خصوصاً در نظم و پاکیزگی قورخانه مذکور در هزار نفر عمده درین وقت در آنجا دارند که شب و روز نگار می کنند که کشتیهای جنگی و ادویه و سایر مروتات و مذاکات جنگ و سفر را حاضر نمایند این ده هزار نفر عمده نصفشان مقصودیوان اند که بجهت سرق یا تقصیرت دیگر حکم مجوسی دارند و دعوض اینکه حسن باشند آنها را بعلی و کار و امید دارند بسیاری ازین مقصرین حکم حبس میدی دارند و بعضی نیز دوباره مقصر گردیده و بعضی اقرار کرده اند مقصرین لباس سرخ دارند و لکن آنها که دوباره مقصر شده و حکم حبس دارند یک سنین قبای آنها زرد است کشتیها که در آنجا حاضر میگرددند باین تفصیل بود یک کشتی صد و بیست و پنج کشتی هر یک نو و توپ و کشتی هر یک ششاد و چهار توپ و یک ششاد و دو توپ که بهر جهت مقصود سی عراده توپ درین کشتیها و زیر سبجات این ولایت از امپراطور فرانسه خواسته شده است که اذن بدهد و بیست و پنجاه میان فرانک پول آنجا که تخمیناً پنجاه کروپول ایران بشود قرض نمایند امپراطور هم قبول کرده و اذن داده است و این پول را از تجارت پاریس و لندن و بعضی از شهرهای بزرگ نیست غرض خواهند کرد از قرار سال صد تومان چنانچه توان منفعت

درین سالها پنج و در بعضی کرمیرات ملکت فرانسه کاشته اند خصوصاً نزدیک شهر برود و بسیار خوب بعلی آمده است و سال ببال زیاد بطوریکه بکمان دارند که چند سال دیگر ملکت فرانسه بجهت برنج متعجب بملک خارجه نشود و چونکه این برنج را در جانی می کارند که گندم در آنجا کاشته نمی شود و زراعت دیگر نمیکردند کاشتن برنج در آنجا منفعت

کلی بجهت اهل فرانسه خواهد کرد

در روزنامه فرانسه که مانتیر می نامند نوشته اند که موسیه و لاکوراز جانب امپراطور فرانسه مامور شده است که با بلجی کربلی بملکت ناپولی برود

بلقب ایلچی کبیر

حکمران ملکت سانس کوئورنخ که یکی از ملاک کوچک است بسیار پای تحت فرانسه بدین امپراطور فرانسه آمده بود و یکی از عمارات دیوانی پاریس را بجهت منزل او متین کرده بودند و شیکه بمنزل فرود آمدند امپراطور فرانسه بدین او رفته بود

استریه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که اعلیحضرت امپراطور استریه بتاریخ ششم جمادی الآخر از پای تحت وینه بیرون رفته بود که بشهر مونیخ پای تحت بواریه برود

هم درین روزها ممانوشته اند که دولت استریه بنا دارند که میان فلارن که تخمیناً بیست کروپول ایران میباشد بجهت اخراج زیاد که درین روزها دارند قرض بکنند و منفعتی که میدهند از قرض صد تومان چهار تومان است و بنا دارند که این پول را در ملکت خودشان قرض بکنند و تدارک قشون زیاد میدهند بجهت سرحد میفرستادند و بنا بود در ششم جمادی الآخر اردوی آنها تمام آمهتیا و آماده باشد

اسپانیول

در افتشاشی که درین ملکت است بعضی از قشون پادشاه بشهر علی یا عیان بودند و معلوم شده است که درین اوقات بنا بود که دولت اسپانیول را برهم بزنند و دولت اسپانیول و پورتو قال هر دو در زیر حکومت یک پادشاه باشد بسیاری از خانیان این ولایت را با محسوس با اخراج بل کرده اند از یا عیان خیلی

بملکت فرانسه که رسم سرحد انولایت است که بخت اند و حاکم نور که یکی از بوکات سپانیول است صاحب منصب نجاک فرانسه فرستاده است که بجاگم آنطرف سرحد گفتگو نمایند در خصوص یاغیان که با آنجا کرجخته اند

حرب بجهت خراج بخرد و بخراج نفرستد و در مملکت بلرغیر خنجر حکمی جاری کرده اند و اگر ممالک نیست نیز این حکم را داده اند

از قراریکه در روزنامه پورتو فال نوشته اند پادشاه انولایت که هنوز جوان و در صحن سن است و موافق قانون آن مملکت تا بحد رسیدن آنوقت مملکت را نمی تواند بکند درین اوقات بنا دارد بمالک خراج سفر و سیاحت نماید و همه کس تعریف و توصیف از فهم و وفاداری و دکاوت پادشاه مزبور بنماید

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از دشمن کاغذی رسیده بود که تاریخ اوسیزدهم جمادی الآخر بود و نوشته بودند که در آنجا نسبت بانولایت مرستان بسیار سخت شده بود باران زیاد و برف بسیار باریده بود و بجهت شدت بارندگی آن فصل امید داشتند که امسال حاصل از هر قسم در آنجا فراوان بیاید

سینکی دنیای شمالی

در یکی از روزنامه های نیویارک سینکی دنیای شمالی نوشته اند که مردم کل شهرهای انولایت رفته و هر چه تفنگ سربازی در آنجا می بستند میخیزند و تعمیر میگردند و بشهر نیویارک میفرستادند و کسی نمیدانست که این تفنگها را بجهت چه میخیزند و با آنجا میفرستند بعضی مردم مکان داشتند که خلق باز میخوانند بجزیره کوبه بروند و لکن نداشتند که تفنگهای مزبور را برای چه میخیزند و تعمیر نمایند چندان پیش ازین یک بار و ط خانه در انولایت تشریف گرفت بعد شربت کرد که عمده آن بار و ط خانه مشغول ساختن دو کروزشک جنگی بودند و سبب ساختن فشنگ جنگی نیز مخفی بود و معلوم نبود که برای چه میساختند

قافله بزرگ که از بغداد بایت بیاید هنوز نرسیده بود بجهت اینکه از راه پیر رفقه بود صاحب منصبی که از دولت فرانسه عیانتان شده بود که اسبهای عربی اصیل و خوش ذات بجهت الحاقی دولت فرانسه بخرد و بپیدا آوریده بود و نوشته بود که اسب از مملکت نجد خریدم و سواران خود آورده بود و از آنجا که بود که بموصل برود

احوال متفرقه

حکمران مملکت پاره کی از ممالک کوچک ایتالیا می باشد تا بیاخت بیت و مقیم جمادی الآخر گشته است و قاتلش هنوز بیست چاکران دیوان نیفتاده و نتوانسته اند بکیند و تا بحال معلوم نشده است که او را از چه بکشته اند

متممی میشود که اهل انجلس و اهل سینکی دنیای شمالی بنا دارند نهی سازند مابین سحر محیط اطلنیک و سحر محیط معتدل که کشتی که باید از سمت شرقی سینکی دنیاست بسمت غربی انولایت برود لازم بنا کرد که کل انولایت را دور بزنند که دو ماه بلکه سه ماه راه است چونکه خشکی مابین بحرین مزبور بیشتر از شش فرسنگ نیست امید دارند که بتوانند نهی بزرگ سازند که کشتی از آنجا عبور نماید و این روزها از دولت انجلس و از دولت سینکی دنیای شمالی هندسین فرستاده اند که راه مزبور را ملاحظه نمایند جانی مابین بحرین و این که بیشتر از پنج فرسنگ نیست و از تعاش از سحر محیط بیت و هفت فرسنگ است چونکه اشکالی که در ساختن نهی مزبور ملاحظه می شد این بود که از کوه

بایست بگذرد حال چونکه این راه چندان ارتعاعی ندارد
امید دارند که ساختن راه مزبور چندان مشکل نباشد بنا
گذاشته اند که هر کس که میسر باشد تخواه در ساختن این
نهر بگذارد و شریک منفعت او باشد و چونکه بسبب معدن
طلای کلی فارس که این نهر یکی از راههای عمده آنجا میشود ترو
بسیار ازین نهر خواهد شد چنان کلی دارند که نفع زیاد برآ
آنها که تخواه در ساختن نهر مزبور میگذرانند عاید بشود

از قراریکه در روزنامه لندن نوشته بودند خلیل یک
پسر نامق پاشا وزیر تجارت که در آن ولایت سیاحت
میکرد درین اوقات در لندن مرحوم گردیده است

از قراریکه در روزنامه های فرنگستان نوشته اند باز مردم
زیاد از مملکت انگلیس و بعضی ممالک آسیای میمنه و آسیای
در زمستان گذشته بسبب طوفان و تشویش دریا کمتر
میرفتند و چنان داشتند که در فصل بهار مردم زیاد ازین
ممالک بولایت یمنی دنیا بروند و از همه جا در کار رفتن بودند
بطوریکه در بعضی بلوکات مملکت ایرلند زراعت کاران کم بآ
شده بودند که اغلب بولایت یمنی دنیا رفته اند بخلاف آن
که ولایت ایرلند چنان جمیع افراد داشت که کدزان مردم
بصورت می شد

ولی پاشا ایچی مخصوص و وزیر مختار از جانب دولت عثمانیه تتر
پادشاهان فرانسه و بلژیک مامور شده است و در پاریس
جمادی الاخر از پاریس پای تحت فرانسه وارد بروکسل
پای تحت بلژیک شده و محصور پادشاه بلژیک را اعتماد نامه خود را

از جانب اعلیحضرت سلطان پادشاه بلژیک داده بود
و هم در روزنامه بلژیک نوشته اند که مشاریه بشهر بلژیک
رفت بود که کارخانه های آن شهر را سیاحت و تماشا

نماید

در بین نوشتن روزنامه از فرنگستان روزنامه مجدد رسید
و تاریخ آنها از پاریس پای تحت فرانسه است و جمادی
بود و از لندن بیت و دویم ماه مزبور و از سایر پای تحت فرانسه
فرنگستان نیز روزنامه رسید و در باب اغتشاش مملکت اسپانیا
درین روزنامه ها نوشته اند که از هر طرف که یاغیان باغتشاش
برخواستند بودند چاکران دیوان با آنها غالب آمده و نظم تمام
در آن ولایت گذاشته بودند تا پاره اغتشاش را فرو نشاندند
و قدری قشون نیز بر سر حد فرانسه فرستاده بودند که کدزانه
یاغیان از آن سرحد بولایت فرانسه بگریزند اکثر یاغیان
بگوستان آن ولایت فرار کرده اند و بعضی شان بولایت فرانس
رسیده اند و در خصوص آنها که رفته اند گفتگوهایی مابین دولتی
شده بود و چونکه دوستی و اتحاد مابین دولتی فرانسه و اسپانیا
ریا د است درین بابی قیاری خواهند داد

و یک در روزنامه ها نوشته بودند که بتاریخ دهم حب
در اسلامبول چهار ساعت از شب رفته طوفان ببار
شده بود اول هوا قدری ابر داشت و بعد از آن در شدت
باد صاف شده بود و مادامیکه باد باین شدت میبویید
هوای خیلی صاف بود و دو ساعت این شدت باد طول
کشید بسیاری از دودکش بخاریها و پنجره و غیره از شدت
باد شکسته بود و ضربت تها نیز که در لنگرگاه اسلامبول
لنگر انداخته بودند ازین باد رسیده بود

گذران اهل تولایت از مرکبات است که هم در ولایت خودشان بمصرف
میرود و هم زیاد بخرید میفرستند گمان آنرا که خلق ازین سبب ضرر
زیاد بکشند بد رخت زیتون نیز ازین سرماضر رسیده است

در روزمه مردم سپاسی بختی کرانی آذوقه میکشند و مفیدین ازخیال
افساد داشتند از جمله یک نفر که گمان میکردند که جاسوس بود و در روز
روشن در کوچه کشتند و قاتل آن هنوز بدست نیامده است مردم
دیدند که دو نفر جوان هر دو کار دبینه اوزده و چند زخم باورده که کشیدند
و این مرحله بر معلوم شده است که قشون فرانسه که بر آنجا نظم نگاه میکنند
برهم خوردی کلی را آنجا میشد و در این روز ما چند نفر از آنجا که دولت
باشان گمان داشتند گرفته و مجبوس کرده اند و شهر مرد

از قراریکه در روزنامه ستاکوم پای شحت مملکت سوید نوشته اند
پادشاه آنجا حکم کرده است که پنج فوج بروند بجزیره کاتلند که روبرو
آن مملکت و در دریای بالتیک و اذقت و مشورتخانه آنولایت و آن
داو اند که دوازده طیان فراگ که تخمینا دو کور و دو ویت هزار تون
پول ایران میباشند در تعمیر حصار و حاضر کردن قشون خرج بشود
که اگر خلی افاق بپفتد آنولایت بی تدارک نباشد

اعلانات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجا حکیم
حکم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و در اول
چاپ رده است فروخته میشود در مدرسه دارالفنون
هر یک جلد شهراردینار

در یکی از روزنامه های سنه نوشته اند که در پنجاهم اکتشاف پنج سال
سابق بر این فرنگستان باغیان ولایت بعد از اسباب حرب از ایام
قدیم تصرف کرده بودند و بعد از آنکه آنولایت نظم گرفت و قانون
دولتی که داشتند بر تشریف این اسباب غایب بود چونکه اسباب
فرزبور یاد کار جنگ دوست و سیال میش ازین بود خلق از کم شدن
این اسباب بغایت متاسف بودند و در این روز ما کاغذی نزدیکی از آنجا
ایم ولایت آمده است پھر دستخط که معلوم نیست که نوشته است و
دوین کاغذ نوشته اند که اسباب فرزبور برقرار است و اگر دولت بزرگ
پانصد فلارین پول آنجا که تخمینا سیصد تومان پول ایران میباشد
بدی اسباب فرزبور بکار رود میشود ازین جهت امیدوارند که اسباب
فرزبور باز بدست پاید

در ایام جنگ در میان ول فرنگستان قاعده بود که هر کشتی از دشمنان
که در روی ریامیدند تاخت و غارت مینموده و خود تجارت را ازین
خود میکردند و کشتی تیز رو و کوچک پرازتوب و تفنگ و سایر اسباب
بدی میفرستادند که کشتی دشمنان را تاخت ماسند چون این عمل
قاعده جنگ دولت که هرگز در خشکی نال مردمیکه دخل بیک نداشتند
و غارت میکنند حال بنا دارند و در دریای این قاعده را موقوف نمایند
و درین باب هم ما بین ول فرنگستان کشکونی شده است و دولت
جمهوری نیکی دنیای شمالی نیز داخل این عهدنامه میشود و متعهد شده
که بکند و اهل خودشان کشتی جنگی ساخته بروند بطرف دولتی که با او
دیگر جنگ داشته باشد جنگ نکنند و کشتی تجارت را تاخت و غارت
نمایند

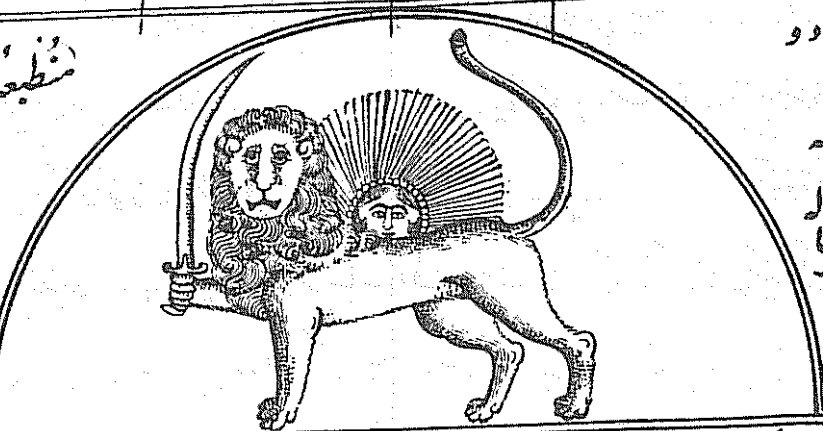
در مملکت پورتو قال در آخر زمستان گذشته هوا بطوری سرد شده
بود که بسیاری از مرکبات از سرما خشکیده بودند و از آن راه که

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم ماه شعبان المعظم ۱۲۲۰

نمره صد و هشتاد و دو

منظومه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر یکروز
بیشتر با هر سطر



قیمت روزنامه
یک نسخه ده سطر یکروز
هفتاد و چهار سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه دوازدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی غنیمت تفرج شمیرانات فرموده بعمارت نیوران که در اوقات که ایام بهار است کمال صفا و خوبی دارد و تشریف فرما گردیده و نهار را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آن مکان ختم تشریف داشتند و بعد از صرف عشاء و چای حوالی غروب آفتاب سوار شده ببارک مبارکه سلطنت مراجعت فرمودند

در روز شنبه گذشته نیز اعلیحضرت پادشاهی بزم زیارت امامزاده لازم العظیم جنابش برادره عبدالعظیم و کشت و تفرج آن اطراف سوار گردیدند بعد از زیارت روضه متبرکه که بیابان دولت آباد تشریف فرما گردیده و چای نمودند و حوالی غروب آفتاب بمهرسلطنت عظمی مراجعت فرمودند

و جمعه پنجم در روز یکشنبه نیز غنیمت تفرج شمیرانات فرموده بعمارت داودیه بمهانی جناب جلالت مآب صدر اعظم تشریف فرما گردیدند و لوازم قربانی و پیشکش

پای انداز از جانب جناب معظم الیه تقدیم شد تا هنگام عصر اعلیحضرت پادشاهی در آنجا تشریف داشتند و وجود مبارک بسیار خوش گذشته نزدیک غروب آفتاب ببارک مبارکه مراجعت فرمودند

امیرالامراة اعظام سردار کل که از آذربایجان بدر بارگاه مراجعت نموده است در روز چهارشنبه نوزدهم وارد دارالخلافه گردیده و حسب الامرهای یونان از انسانی دولت علیه و صاحب منصبان نظام باستقبال مشارالیه رفته لوازم اغزاز و احترام را معمول داشتند و از جانب سنی اچوانب ملوکانه خلعت عیدی که با قیام او مرحمت و انقاد شده بود در عرض راه بخلعت همایون مخلص گردید

چون از قرار یک نواب عمادالدوله اما مقلی میرزا حکمران کرمان نوشته بودند عالیجاه اسدالدخان سرمنک خوج کوران و راستقام و انضباط حد و دزتاب و حفظ و حر استقام و شوارع و نظم امور افواج ساخورداب کمال مراقبت و استقام

۱۰۰	لویا کیکوار سه تومان	بطور رسانده آنحدود از برجه و هر حیت قنظم منسوب
۱۰۱	عدس کیکوار بیت و پنجرار	داشته است و مراتب خدمات او مشهود و مکشوف
۱۰۲	ماش کیکوار بیت و پنجرار	اولیای دولت علیه قناد لند یک قطعه شان از مرتبه
۱۰۳	خرما چارمن دو هزار و نهصد	اول سرنسکی و یک بند حایل سفید با قنار او رحمت کرد
۱۰۴	شیر شهد چارمن یک هزار و نهصد	چون عالیجا سلیماخان پسر مقرب انخاقان محمد و لیا
۱۰۵	پیه کداحه چارمن نه هزار	بیکریکی استر اباد در دفع و رفع طایفه ضاله رگمانیک
۱۰۶	شع یک من دو هزار و چهارصد	رشادت و جلالت خود را بطور رسانده بود و مراتب
۱۰۷	روغن خراغ یک من شش عباسی	حسن خدمت عالیجا مشارالیه منظور نظر اولیای دولت
۱۰۸	پیرشور چارمن دو هزار و عباسی	علیه قناد لند یک قطعه شان از مرتبه دویم سرنسکی با
۱۰۹	ماست چارمن شش عباسی	مبارک با قنار مشارالیه رحمت کردید
۱۱۰	هل یک من بیت و سه هزار	تعمیر اجناس دار انخلاق
۱۱۱	میخ یک من چهار هزار و دهی	کندم سا و جلعای کیکوار بیت و یک هزار
۱۱۲	دارچینی یک من نه هزار	کندم غریبه کیکوار دو تومان
۱۱۳	زعفران ده سیر دو تومان	روغن چارمن نه هزار و دهی
۱۱۴	فلفل یک من چهار هزار	برنج غنبرو چارمن دو هزار و یک عباسی
۱۱۵	زیره یک من دو هزار و نهصد	برنج کرده چارمن یک هزار و نوزده شاهی
۱۱۶	زرشک بیدانه یک من دو هزار	گوشت یک من شش عباسی
۱۱۷	زرشک تبریزی یک من چهار هزار	نان کیکوار بیت و سه هزار و پهل
۱۱۸	قندیزی یک من چهار هزار و نهصد	آرد کیکوار دو تومان و چهار هزار
۱۱۹	قنداریسی یک من هشت هزار	همه کیکوار نه هزار
۱۲۰	تباکوی علی یک من شانزده هزار	ذغال کیکوار بنفده هزار و پانصد
۱۲۱	تباکوی وسط یک من دوازده هزار	مرغ یک قطعه ده شاهی
۱۲۲	آبجو یک من دو هزار و پنچ شاهی	تخم مرغ پازره بیضه یک عباسی
۱۲۳	سکنجین یک من سه هزار و دهی	سنگه کیکوار بیت و دو هزار
۱۲۴	سایر ولایات	

خراسان

از قرار یک در روزنامه این لایت نوشته اند نواب مستطاب
والا تبار سریدون نیز از فرمانفرمای مملکت خراسان زرد رود
بارض اقدس الی لآن شطام کلی در امورات مهمه آن ولایت داده
بایک فوج افشار و دو فوج مندان یک فوج نصرت و توپخانه
و استعداد تشریف فرمای آق در بند شده از آنجا سام خان ییغانی
باقشون وانه مرو نمودند

دیکر نوشته بودند که در صفحات مرو و غیر از طایفه قریانی کسی باقشون
دولت علیه مخالفت ندارد و آنها هم در مقدمه دعوی با امیر حسین خان
برادر سام خان ییغانی که تفیصل آن در روزنامه سابق نوشته شده
پساری کشته شده و شکست فاحش از سوار و مشارالیه و افواج
و سواره مامور و خورده بطوری پریشان متفرق شده اند که نوشته
بودند شکست نتوانند و باره در قلعه قریانی زبیت نمایند و از آنجا
استیصال آنها یکی نیکه نوشته بودند بعد از شکست خوردن آنها که
خوار غله بقلعه قریانی بجهت فروش سپرده اند قشون مامور و خورده
شده و غله را بر کرده و برده اند و در میان قشون دولت علیه در
غله این اوقات فراوانست و سایر احشام و ایلات آن حدود کمال
و اشیاء را باین دولت علیه دارند و در کمال اطمینان خاطر جمعی از شهر
آذوقه بار و آورده می فروشند

دیکر نوشته بودند که اجناس کولات و غیره در ارض اقدس کمال
و فور و از این دارد و درین بجا که بارانهای متوالی با نولات آمده است
سبب امیدواری صاحبان مملکت و زراعت کاران شده و اگر کسی ایضا
غله و آذوقه ذخیره داشت درین اوقات دقیق تر ل کرده

کرمان

از قرار یک در روزنامه این لایت نوشته اند عاچا موسی خان قاجار

که با شطام بلوچستان مامور بود بعضی قلعه جات آنجا را چنانچه در روزنامه
سابقه نوشته شده تیخر و شطام کلی در آن صفحات داده است و از آنجا
هم و نیز مایشمر حاجت نموده و از آنجا علی رضا سلطان ابا سرهای شیر
در فتح قلعه جات سر کرده بودند نزد امیر الامراء العظام محمد حسن خان سرور
حکمران یزد و کرمان فرستاده و در وجه و خلعت و انعام داده اند
و در پیچم ماه رجب عاچا موسی خان باقشون بواجمعی خود و اردو کرمان
کر دیده اند و امیر الامراء العظام سرور از جانب او یای دولت علیه نیات
القات در حق آنها نموده است

دیکر نوشته بودند که عاچا اصالان خان یا در توپخانه مبارکه که بر شات
و جلالت موصوفت و در سروریش قلعه کیز خود و برادر او نهایت
بعل آوردند و برادر مشارالیه در جنگ مقتول گردید و بعد از حاجت
کبرمان امیر الامراء العظام سرور خلعت بجهت عاچا مشارالیه فرستاده و
او را بوظیف دولت علیه میدواری داده

دیکر نوشته بودند که مقرب انخاقان سرور سلطان علی خان مظفرالدوله
پسر سرور قندهار که از دربار بهایون معاودت بقندهار نمود و در کرمان
مادام توقف مشارالیه امیر الامراء العظام سرور لوازم اغاز و احترام
و مهمانی و تکلفات را از او بعل آورده و در بیت و یکم ماه رجب که بنای
حرکت از آنجا بقندهار داشته است مهمانداریتین نموده اند که تا آنجا
که خاک کرمانست اخراجات مشارالیه و همایان و راداده کمال احترام
و باره و بعل پاورد

دیکر نوشته بودند که پورطخ که امسال از زمین پروانده اند بجدی
فراوانند که جمع رهای مشغول تلفات آنها هستند مع ذلک تفاوتی نکرد
و روز بروز زیادتر میشوند و باین جهت و سبب یکسیر دشمنی رانیز سرزده است
رعایای آنجا سپار پریشان احوالند

گرماتشان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند فرمان
هایون و حمایل نشان از مرتبه اول میرنجکی که با فتحی روبا
شاهزاده والا تبار عماد الدوله محبت شده بود در رجب
رجب با آنجا رسیده و نواب معزی الیه با عموم اهالی و
آنجا و افواج قاهره و توپخانه با استقبال از شهر بیرون
دو عمارت قلعه که درین دولت علیه دگال صفا خسته
حمایل نشان هایون رازی برود و ش اعتبار و
ر اسم شکرگزاری را بعل آورده و عموم اهالی آنجا بدعا
و ات قدس هایون شاهشاهی مبادرت نموده اند و بعد
از صرف شربت و شیرینی نواب معزی الیه بشهر
مراجعت نموده اند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که از اتهامات نواب
عماد الدوله آبادی زهاب سجدی رسیده است که میگوید
که قریب سی سال بود که زرع نشده بود درین اوقات کلاً
زراعت شده است و روز بروز بیشتر آباد میگیرد
چون نواب معزی الیه قرار گذاشته اند که از رعیت و
زهاب خمس زراعات را مطالبه نمایند و غیر خمس
دیگر هیچ اسم و رسم چیزی از آنها گرفته نشود باین واسطه
روز بروز آبادی آنجا در تریا است و بعد بمقتضای
ریا دتر که سکنه قدیم آنجا بوده اند با جفت کا و باب زرا
از خارج بوطن اصلی خود مراجعت نموده اند و از قراریکه شخص
شده است آب و زمین زهاب بسیار مستعد و قابل هر نوع
زراعت است و محصولات آنجا بسیار ریح دارد و حسب
اولیای دولت قاهره مقرر شده بود که چند خانوار که از عمل

و تربیت درخت ثوت سر رشته داشته باشند از کیلان
کوچانده بزهاب بفرستند و امید دارند که اگر هتاهمی دین
کار بشود چند سال بگذرد که منافع کلی از ابریشم کاری
آنجا حاصل شود

عالیجاه اسدالدخان و ابراهیم پاشا که بجهت قرار
وامورات زهاب به دارالدوله کرمانشاهان آمده بودند
این روزها نواب عماد الدوله با آنها خلعت داده و محبت
نموده اند و حسب الامر اولیای دولت قاهره در بزم
کافی با این ساخوی زهاب با عالیجاه اسدالدخان
شده است که با یکفوج و سید سوار و توپخانه که لازم
در زهاب متوقف باشند

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند عالیجاه پشن صاحب
درین اوقات با توپخانه و افواجی که در زهاب مشغول
بودند از آنجا به دارالدوله مراجعت نموده اند و نواب عماد
کمال رضامندی از نش رالیه داشته و خلعت با و داده
و نوازش کلی کرده اند

دیگر نوشته اند که در اواخر حمل و اوایل ثورهای دارالدوله
بشدت سرد شد که چند شب بهایخ بست و برف و بگر بار
اکثر درختها از تنگ سراسیم دیدند

گروس

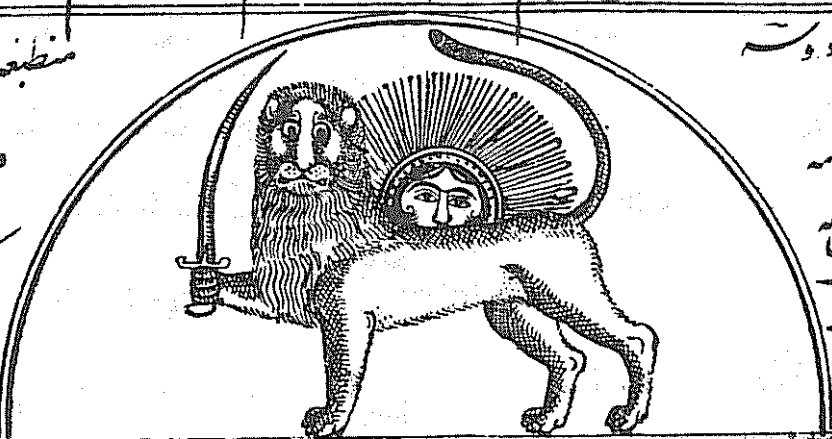
در روزنامه این ولایت نیز نوشته اند که بیت روز بعد از عید
آنجا شدت سرد شده و برفی آمده بود که در همه جا بعد از
برف چنین آمده بود و در یکی از دهات آنجا شدت سرما یک نفر
با پنجاه صفت رسک و الاغ که در صحرا بوده اند تلف شده اند و در
بیت و نیم حسب بن محمد داباز بقدر یک چارک برف با آنجا آمده

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و هشتم شعبان المعظم مطابق با تاریخ میل ۱۲۷۰

مرد صد و هفت و دو

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه
یک نسخه دوازده ریال
هفتاد و چهار



قیمت اعلانات
بک سطر چهار سطر
بیشتر بهر سطر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و هشتم اینما علیحضرت پادشاهی
از عمارت مبارکه ارک بیرون تشریف برده بباغ لاله زار
نزول اجلال فرمودند و دو سه روز در آنجا توقف فرموده و در
سه شنبه بیست و نهم به آباد بباغ مقرب انجاقان سینعلی خان معیرالما
که جای بسیار با صفات شریف و فاخر دیدن لازم پیش و پای ناز و قربانی
موکب های بزرگ و عمارت در آنجا حاضر فرمودند و تا عصر در آنجا بقیه
داشتند و حوالی عصر به عمارت داودیه که متعلق بجناب جلالت صاحب
تشریف فرما گردیده و دو شب در آنجا تشریف داشتند و روز جمعه از آنجا
نزول اجلال بنیاد و آن میفرمایند

علیهحضرت پادشاهی در روز حرکت بیاع لاله زار نواب مستجاب شایسته
والا ابتکار و شیرازه حکمران دارالخلافه طهران و توابع را بر ابرام طوکانه سرافراز
و بمقتضای حکمرانی دارالخلافه سفارشات بلع و نظم و نسق شهر و بلوکات
فرمودند که در کمال استعجال مشغول حکمرانی شوند
چون منظور نظر علیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه اینست که از هر فرقه
ملتی در دولت علیه کمال آسودگی و آسایش داشته باشند و بقرابت بکنند
انجم جماعت نصاری عیسوی از هر فرقه که رعیت دولت علیه است تذیقا
بجمله رسیدگی امور و انجام و انجام برسان لازم بود که یک نفر آدم
وافی بکارند که بعرض امور آنجا رسیدگی کند لهذا عالیجا مقرب انجاقان
میرزا زین العابدین ملک الکتاب که بحسن کفایت و صوفی است تعیین فرمودند
که با امور کل عیسویین عریضت دولت علیه که در هر جا بارسدگی نمود آنها را
از رعیت و اجتماعات مصون و محرم شد و او هر یک از اجتماعات عیسوی
دو روز و یک عریضت بخدمت اولیای دولت علیه داشته باشند
مشار البعضی در حالی نمایند که در مقام خاص بعضی ادیای دولت
در عهد و انجام و انجام بعضی عارض برآید

درین اوقات حکومت عراقی سلطان آباد حب الامر قدس هیاتون بنو اب
شاهزاده والا تبار میثقی میرزا رحمت گردیده و فرمان مهر لمان مبارک
شرفضد و یاقه از جانب سیاحان طوکانه یکسوی جبهه زمه پولک و دیوار
اعلی از بلوس بن مبارک برسم خلع بافتار نواب معنی الیه رحمت گردید

در سه خن حکومت قزوین در این اوقات نواب سیف الدین رازق فرما
رحمت گردید درین اوقات بجلال میور روانه میشود

از جمله بنامی تازه که درین دولت علیه برافزاید است مدرسه دارالفنون است که در ارک مبارک سلطانی حب الامهاتسین شاهنشاهی برقرار و دایر شده است و خود اعلیحضرت پادشاهی در ترویج تعلیم و تعلم فنون حربیه و غیره و نشر علوم در مدرسه مذکور اهتمام می فرمایند و در فصل بانیار سال عالیجاه کانت قراچای صاحب منصب قایل از دولت استعریه که مدتی در قشون آن دولت خدمت کرده بود ببار هایدون آمده و نوزده نفر از شاگردان قایل با دهن و دکا و کتاب الیه سپردند و شاگردان مذکور در اندک مدت کمال قابلیت را بطور رسانیدند خصوصاً در کشیدن نقشه نظامی که نقشه زمین را می کشند هم از روی نقشه و هم از روی هرزین و محلی که بمطری آورند عالیجاه میرزا ملک میرزا مترجم دارالفنون درین علم کتابی ترجمه کرده است که بسیار بکار خلق خواهد آمد و در ترجمه کردن کتاب مذکور کمال توضیح قواعد مهارت و فطانت و دانش را بکار آورده است و از انشای مدرسه مشغول پیا شد یکی عالیجاه حکیم پولاک معلم علم طب و جراحی است که وقوف و مهارت کامل و سعی و تمام تمام دارد و اطباء و جراحان قایل از شاگردانی که در نزد عالیجاه پادشاهی را الیه میخوانند بهم خواهند رسید کتابی نوشته است در علم تشریح این فی که چند هفته است در روزنامه اعلان می شود و تا بحال چنین کتابی بزبان فارسی نوشته نشده است و بسیار بکار کل جراحان این دولت علیه خواهد آمد و همچنین عالیجاه میوه فوکی دوازده در علم و اسازی بچند نفر از شاگردان دارالفنون در سینه و اینهم علمی است که بسیار با اهل این ولایت خواهد آمد و همچنین عالیجاه قلوب مضره معتمد در حرکت دادن قشون کمال مهارت و وقوف را دارد و افواج قاهره را در مشق و حرکت بسیار چابک نموده است و چند نفر شاگرد خوب تربیت کرده است که هر یک

حالا منصب اطباء و ریزی دارند و همچنین عالیجاه موسیو نموده معلّم سواره نظام سواره که با وسپرده اند آنها را خوب مشق داده و در حرکت تعلیم شایان گرفته اند و چونکه اهل ایران و سواره خوب و مشهور و ورزیده هستند و اسبهاشان نیز نر است و تعلیم مشهورند مشق سواره نظام را زودتر از اهل بعضی دول یاد میکنند و دیگر عالیجاه موسیو کریشیس معلّم علم توپخانه در مشق توپچیان براسی سعی و اهتمامات خود را معمول داشته و سعی و تمام شایسته سفید فایده خوشه است که توپخانه مبارک در مشق و حرکت تیراندازی کمال چابکی را بهرسانده اند و خود اعلیحضرت پادشاهی زیاده مایل بانظام توپخانه مبارک میباشد و دیگر عالیجاه موسیو بولمر فندس که در یکی از مدارس مشهور پاریس بای تحت فرمان که موسوم به مدرسه عقالی پالی تکنیک است بزرگ و تربیت شده و بعد از درمغرب زمین ریشون فرانسه خدمت کرده است و پانزده گشته دار اختلاف آمد و از آنوقت در علم مهندسی در دارالفنون درس میدهد و سعی و کوشش تمام می کند درین روزها فوج مهندسین را با جاجا خوانند و موسیو چارلوطا صاحب منصب معنچیان در نستان گذشته فوت شد اما بجای او صاحب منصب دیگر از وینه پای تحت استعریه خواهد آمد و چونکه کل اعمال دارالفنون مشهور نظر اقدس هایدون شاهنشاهی و اولیای دولت قاهره است و در اندک مدت ترقیات کلی بهر یک از تعلیم حاصل شد بجد کمال خواهند رسید درین روزها پنج نفر دزد که مصدر سرقت شده بودند آنها را گرفته و بزرگوار بستانبازاده والا تبار در شیرمیرزا حکمران دار اختلاف طران و توابع آوردند و حبس محکم نواب مغزی الیه یک و سیات کامل کردند که عبرت سایرین بشود

سایر ولایات

بهر
از انشای
عالیجاه
۱۱۱۱
عالیجاه

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند عالجیه چرخ علیان
 نایب الحکومه اصفهان در نظم امور رعیت و زراعت بلوکات و توزیع
 از نسق غله و صیفی کمال اهتمام دارد و دقیقه غافل نیست که خدایان
 ریش سفیدان بلوک را در حضور ضابط هما بنجا دسته بدسته حاضر نمایند
 و در امور جزئی و کلی صیفی کاری قرار خالصه و اربابی را میسر بدوین
 پلغ مینماید که از امور زراعت و جمع آوری رعیت تغافل ننهند و در
 هر قریه از قرار خالصه که در سنه ماضیه بسبب ناخوشی رعیت آنجا فوت
 شده است و امر زراعت آنجا اختلالی داشته رعیت آنجا را مشخص
 بقدر ضرورت مساعد داده است که باطلاع ضباط و کدخدایان
 عاید رعایا شده در کمال دلگرمی مشغول امر رعیتی و زراعت خود باشند و
 آنچه بذریع صیفی باید در مستأخر خالصه زراعت شود مطابق دستور العمل روز
 بروز بدست رعیت بدینند که مزرع نمایند و بجهت باز و صیفی کاری
 و غله کاری چند نفر مستأجر صاحب و قوف پیغرض در هر جا که لازم
 بود دست روانه نموده که معلوم شود از قرار دستور العمل آنجا بنشینند

و همچنین در تنقیه مایه های بلوکات و قنات آنجا کمال اهتمام دارد که بلکه
 صیفی کاری زیاد بشود و تلفاتی ضرر اثمار اشجاری را که سرما زده است
 بکند

از قراریکه نوشته بودند چندی قبل ازین در عرض راه و حوالی فراغه مال
 از شخص یزدی بسرقت برده بودند صاحب مال بر دمال با بغرا غله برده
 مینموده است کنجی خان ساکن فراغه از اندیشه اینکه مباد امر ارباب عالجیه
 چرخ علیان نایب الحکومه برسد و مواخذة نماید برادرزاده خود را نزد حاج
 سید محمد ابرقوی فرستاده قرار غرامت مال را با صاحب مال بمبلغ پانصد
 تومان گذارده بود که سیصد تومان را نقد بدو و سیست تومان
 در مدت دو ماه چنان از تجا قرض کرده برساند بدین واسطه کمال امیدوار

بجهت صاحب مال امانی اصفهان حاصل شده است

غلام سیاهی از مشهدی آقای نایب فراشناه مبارکه فرار کرده بود
 مراتب را بعالجیه چرخ علیان معلوم داشته از کدخدایان و دروغه
 اشراق گرفت که او را پیدا نمایند بعد معلوم شد که در راه فارس او را
 بودند عالجیه مشارالیه بخیف غلام روانه داشت رفته او را گرفته با غلام سیاه
 دیگر که او را فریب داده بود با اصفهان آورده بود و عالجیه مشارالیه
 قنیه کامل از هر دو بعل آورده و بجا جانش تسلیم کرده بود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند امر آنجا در نهایت نظم
 و انضباط را دارد و امیرالاعظم محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
 در تحصیل اسباب آسودگی مالی آنجا کمال اهتمام دارد و از قراریکه نوشته بود
 این اوقات کندم آنجا نسبت بسابق و فوری نداشته جماعت خبازان
 و کاکین خود را بسته بودند مقرب آنجا قان مشارالیه بعد از اطلاع بر این
 جماعت خبازان را خواسته از سبب بستن کاکین خود استفسار کرده بود
 چون جماعت خبازان مذکور داشته بودند که کندم قدری کست چا
 خروار کندم از انبار پرون آورده بخبازان داده بودند که کاکین خود
 که بسته بودند باز کرده مشغول فروختن نان شوند و بر مردم آنجا بگذرد

از قراریکه نوشته بودند عالجیه میرزا شیخ مستوفی کرمان همه روزه در
 آنجا مشغول سیدکی بحساب ضباط است که سال گذشته بار رعیت
 حسن سلوک داشته خوب حرکت کرده بودند و از آنجا تقدی بر رعیت
 نشده بود امسال هم آنجا را ضابط بلوکات گردانند

سربازان کوزلو همه روزه در میدان مشق حاضر شده در نهایت
 نظم و انضباط و خوبی مشغول مشق هستند و با امانی ولایت هم کمال
 حسن سلوک را دارند

اخبار دول خارجه فرانسه

از قرار روزنامه این ولایت که در دویم ماه حجب نوشته بود
پرنس مورت کیکی از اقوام لونی ناپلیان امپراطور فرانسه است
درین اوقات عروسی نموده است و خود اعلیحضرت امپراطور فرانس
با کل اقوام خود در آن عروسی بوده اند و اس و تجل و رفیت
در عروسی مزبور برپا نموده بودند

دگر از قراریکه در روزنامه فرانسه نوشته اند دولت عثمانیه
بنادارنده تنخواهی از دول فرنگستان قرض نمایند و تنخواهی که
نیخواهند قرض بکنند قرار نفع و وعده تنخواه را در شهرهای
پاریس و لندن گذاشته اند و از بابت این تنخواه اعلیحضرت
امپراطور فرانسه حکم کرده است که ده میان فرانک که در
تومان بحساب پول ایران است از خزانه فرانسه نقد به دولت
به بند و این پول با انتفاع است و بنا گذاشته اند که از
پولی که دولت عثمانیه از تجار فرنگستان قرض می کنند این
پول را پس بدهند

دگر در روزنامه این مملکت که مانیتیر میامند نوشته اند بابت هجدهم
رجب که چند روز شهرت داشت که دولت فرانسه بنادارنده
صد هزار قشون جدید بیکر و حال معلوم شده است که صد هزار
نفر قشون جدید نیخواهند گرفت در این مملکت سیرال قاعده دارند
که کل اشخاص در مملکت مزبور که اگر لازم باشد باید سرباز بشوند
حساب می کنند و در وقت ضرورت خبر می کنند که آمده داخل
قشون بشوند از اشخاص مزبور که در سال گذشته اسامی آنها
نوشته بوده اند مشیت خبرالس خبر کرده اند که حاضر گردیدند
داخل قشون بشوند

احوالات متفرقه

چنانچه در روزنامه دو هفته پیش نوشته شده بود حکمران
مملکت پرتگال که یکی از ممالک کوچک ایتالیا می باشد درین اوقات
کشته گشته است شخصی در روز روشن کار و بشکم اوزده فرانس
کرده بود تا بحال این شخص بدست نیامده و ندانند کشتن سبب
این حرکت را کرده است حکمران مزبور از سلسله برابان بود که از
پادشاهان قدیم فرانسه بودند و از اولاد لوی چهارم و هم پاد
مملکت فرانسوی و یک سال از عمر او گذشته بود و چهار طفل دارد
دو پسر و دو دختر و پسر بزرگ او وارث است و مادام که در
صغر سن است و والدینش وکیل او است که مهلت دولتی را برین
وقت نماید و پسر مزبور بسن هشت ساله است و حکمرانی این شخص
شده است چندان مدتی طول نکشد و رایام عثمانی شنجبال
پیش ازین فرنگستان درین مملکت کوچک نیز یا عیگری و غیره
شده بود و در آنوقت حکمران مملکت مزبور از حکومت خود استعفا
بود و پسرش که درین اوقات کشته شده بجای او حکمرانی میکرد
در عهدنامه وینه نیز بعد از جنگ ناپلیان بزرگ که وکلای
در آنجا جمع شده عهدنامه بستند این مملکت کوچک را بزین
ناپلیان و اگر اکر دند که مالیات آنجا عوض مخارج او برقرار
و مادام الحیوة حکمران آنجا باشد و موافق این قرار چند حکمرانی
این ولایت باشد را ایما بود بعد از فوت او باز موافق عهدنامه
ولایت مزبور را بحکام فی السابق با اولاد پادشاهان قدیم فرانسه
و اگر اکر کردند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که ایچی کبیر از دولت سیریه
که مقیم اسلامبول است بتاریخ دوشنبه بیست و ششم ماه حجب
که در عروسی اعلیحضرت امپراطور بود مهمانی سنگین در اسلامبول

۱۱۱۳

نموده بود و بسیاری از اعیان دولت علیه عثمانیه وکل
ایلیچیان دول خارج درین وقت حضور داشتند

موافق حسابی که در روزنامه های فرانکمنان نوشته اند گشتیم
که از دولت انگلیس و فرانسه و یکی دنیای شمالی در شیلات و
اطراف آن مملکت مشغول های گیری میباشد باین تفصیل اند
انگلیس سه هزار و هفتاد و پنج کشتی و از یکی دنیای
سه هزار و یکصد و شصت کشتی و از فرانسه پانصد و شصت کشتی
بماهی گیری مشغول اند و تنخواهی که اهل این سه دولت دین
شیلات مایه گذاشته اند اهل یکی دنیای شمالی شانزده
هزار و سیصد و شصت و هزار و پانزده دالار و انگلیس هفتاد و
چهار صد هزار و صد و هفتاد و پنج دالار و فرانسه دو کرو
دویت و پنجاه و پنج هزار دالار است و قیمت ماهی که اهل این
سه دولت در سال گذشته فروخته اند باین تفصیل است
اهل یکی دنیای شمالی شصت و یک کرو و هجده هزار و سی و دالار
و انگلیس هفتاد و یک کرو و صد و نو هزار دالار و فرانسه
سیصد و چهل هزار دالار و هر داری تخمینا چهار هزار و پانصد
دینار پول ایران است

در روزنامه یکی دنیای شمالی نوشته اند که در مملکت فرانسه
که جزو ممالک یکی دنیای شمالی میباشد القدر راه آهن سخته ترقه
کال که بنجار ساخته اند که قدغن شده است درین روزها دیگر
راه آهن درست میکنند چه آنکه تنخواهی که دران ولایت
دارند بهمان قدر میشود که کفایت تمام کردن راه های مزبور را
نماید

در روزنامه انگلیس نوشته اند که سیر جیمز وایتی که مدتی حکیم
اعلی حضرت امپراطور روسیه بود درین روزها فوت شده است

شصت چهار سال بان دولت خدمت کرده بود و اول خدمتش
حکیم فرج بود بعد از آن حکیم خود امپراطور بجا اول شده بود و
همراه امپراطور در نبره سورسنگو و غازیان کرده بود و بعد از آن
حکیم باشتی امپراطور الکساندر شده بود و در سنگام و قاش
منصب وزارت داشت و صاحب منصب چندین نشان
روسی استریه و نشان لژیون دانه از دولت فرانسه
و منصب بر و نت از پادشاه انگلیس نیز داشت صاحب
اموال بسیار بود چون دارائی داشت در روزنامه نوشته
که امپراطور روسیه را وصی خود کرده است

امیر آل روسین که یکی از سرداران مشهور قشون سحری
فرانسه بود درین روزها فوت شده است و هفتاد و سه
سال عمر کرده بود در سن دوازده سالگی اول خدمت
در روسی کشتی و در بیسالی در کشتی منصب یکراکی رسید
در جنگها که در آن ایام مابین انگلیس و فرانسه بود نیز شایسته
کرده بود و خصوصاً در دریای هندوستان و یک قتی هم
در جنگ دستگیر انگلیسها شد و خود انگلیسها تصدیق از شایسته
و جلالت صاحب منصب مزبور کرده بودند و از آنوقت تا

آخر عمرش دایم الاوقات مشغول خدمات عمده بود و گذ
از شانها که از دولت داشت از جمله خوانین مملکت فرانسه
از جمله اخباری که از مملکت انگلیس نوشته اند این است که بعضی
از قشون که در جزایر هند غربی دارند درین روزها حکم کرده
که مملکت انگلیس اجبت نمایند و از قراریکه نوشته اند که بادران
سستها چندان قشون لازمند باشد

از قراری که در روزنامه جریده الحوادث نوشته اند وانی
 قیلور و فورم نام اطباء و جراحان فرنگستان از اجرائی چند
 ترتیب داده اند بجهت کسانی که در جنگها زخمها میشوند یا برض
 شقا طوس و امثال آن مبتلا میگرددند در وقتی که میخواهند عضو
 که لازم است ببرند این دو را بر دم دماغ آن شخص میگیرند
 استقامت چنان مدهوش می شود که هیچ المی از بریدن آن عضو
 با و نمیرسد اما تا بجا که اطباء و جراحان این عمل را میگردند
 گاهی اتفاق می افتد که آن شخص مجروح از استقامت این دو
 چنان بجزو میشد که در همان مدهوشی در میگذشت و احتمال
 این دو را بلاخطه شدت و ضعف قوه و بنیه مریض و مجروح
 تمام داشت و اطباء باین ملاحظه ازین دو اوصاف نظر کرده بودند
 و استعمال او را منع میکردند تا درین اوقات شخصی مریض
 و ده لا بار نام طبیب فرانسه که بحدقت موصوف است نصرانی
 تازه در این دو اکرده است که استقامت آن بجهت کسانی که بآنها
 عضوی از آنها بریده شود لازم نیست که تشویش هلاکت آن
 اشخاص محتمل باشد بلکه هر عضو را که میخواهند ببرند ازین دو
 قدر آسان عضو سیریزند و آن عضو چنان بی حس میگردد
 که مجروح از بریدن آن متالم نمیکردد و چند نفر مجروح را با بجا
 باینطور امتحان کرده اند

اگر نوشته بودند که در پنجم ماه جمادی الثانی در هوجبیک
 طوفانی شدید ظهور کرده بود بطوریکه ارکشیها که در لکرگاه
 آنجا بوده اند بچهل پنجاه کشتی کابیش خرابی و سستی روی
 داده و سه کشتی بآله از ضرب امواج سگشته و غرق
 گردیده است

و اگر نوشته اند که درین اوقات عباس شاه حکمران مملکت
 پنجاه و چهار نفر از جوانان و کان قابل با استعداد و بجهت
 تحصیل علم طب و یقون بپاریس پایتخت فرانسه
 روانه کرده است که در آنجا تحصیل نمایند

اعلانات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجاه حکیم پولا
 معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی نوشته و چاپ شده است
 در مدرسه دارالقون فروخته می شود یک جلد ششزار ...
 کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالمحمد باسیجی و گلزار دیکی
 در واره دولاب الطباع شده از اینقرار فروخته میشود

ختم نظامی	بیت و پنجاهار	۱۱۰۰
سرایر	دو تومان	۱۱۰۰
زبدۃ المعارف	دو تومان	۱۱۰۰
معراج العاده	یک تومان	۱۱۰۰
صدقه الشیعه	هشت هزار	۱۱۰۰
نصیح	پانزده هزار	۱۱۰۰

از غریب اتفاقات در روزنامه ها نوشته اند که درین اوقات
 در فرانسه نفر از وزدان که با هم عهدت بوده اند چلیکی
 از جانی سرق کرده بودند و در چلیک با هم گرفته بودند است
 و وزدان نمیدانستند که در میان آن چپیت بعد از آنکه
 بمنزل برده بودند با آهن داغ خواسته بودند در چلیک
 بکشند و در میان چلیک بارو ط بوده است بچسبیدن حرارت

روزنامه قایم اتفاقه تاریخ یوم شنبه چهارم شهر رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

نمره صد و هفتاد و چهار

منطقه دارالخلافه طهران

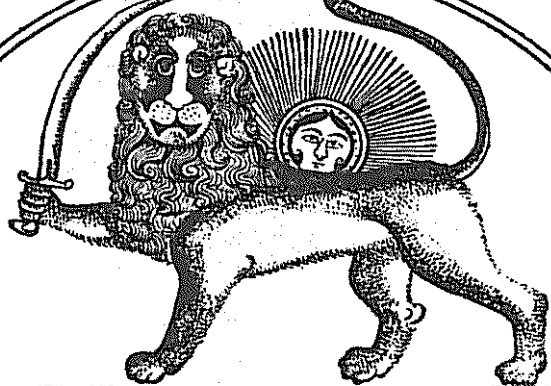
قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

یک نسخه و یک کلاه

و هفتاد و چهار هزار

یک خط از اجازت بکند و بگوید
بیشتر با هر طریقی که باشد



اخبار و احادیث محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چنانچه در روزنامه منقشه گذشته نوشته شد اعلیحضرت پادشاه
چند روز در داد و دیه که متعلق بجناب جلالت ماب صدر اعظم
تشریف داشتند در روز جمعه بیت هشتم ماه شعبان
از اینجا بجهت نیاوران نزول اجمال فرمودند

در روز شنبه سیزدهم ماه شعبان اعلیحضرت پادشاهی غایت
کشت و تقیج شیرازات فرموده بعد از ظهر از محاربت نیاوران
سوار شدند و آن اطراف را تقیج و سیاحت فرموده و جواب
غروب آفتاب بجهت نیاوران مراجعت نمودند

نظر بطور خدمات امیرالامرا العظام سردار کل و وفور
کامله خسروانی و حق او در روز شنبه بیت و نهم ماه شعبان
اعلیحضرت شائشاهی یکشوب قبای ترمه نظامی از ملبوس بدن مبارک
با و رحمت فرمودند

چون امیرالامرا العظام محمدحسن سردار حکمران یزد و کرمان
در خدمات انصافات خاصه و تصرف و تسخیر قلچات بلوچستان
و انتظام معابر و کلاک آنجا خدمات خود را ظاهر ساخته و
لذا موازی یکشوب قبای ترمه نظامی از ملبوس بدن مبارک و یک
قطعه

کلی که مکمل بالباس از جانب سنی بجوابن هایون در حق
مرحمت گردید

نظر بطور خدمات عالیجاه مقرب الخاقان مصلحتی خان
اعلیحضرت آقدس هایون شائشاهی موازی یک شوب کلبچه
ملبوس بدن مبارک در حق و خلعت رحمت فرمودند

چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله در تعمیر عمارت
نیاوران کمال اهتمام نموده مطبوع خاطر خیر اعلیحضرت
شده بود لذا موازی یک شوب کلبچه از ملبوس بدن مبارک
خلعت با و رحمت گردید

چون مراتب اهتمامات عالیجاه مقرب الخاقان میرزا رحیم
و محصل کل محاسبات در اتمام کتابچهای دستور العمل دلا یا
مشهود و ملحوظ خاطر آقدس هایون شائشاهی گردید و جناب
جلالت ماب صدر اعظم نیز در حضور مبارک زیاده اظهار
از سعی و اهتمام شارالیه در گرداندن محاسبات و انجام
خدمات دیوانی نمودند لذا حسن تسکداری او مستحسن مطبوع
خاطر ملوکانه اقداد مبالغه و دست تومان تقدیر بصدقه انعام و
موازی یک شوب جبه خوب ممتاز برسم خلعت در حق او رحمت فرمودند

از سعی و اهتمام شارالیه در گرداندن محاسبات و انجام
خدمات دیوانی نمودند لذا حسن تسکداری او مستحسن مطبوع
خاطر ملوکانه اقداد مبالغه و دست تومان تقدیر بصدقه انعام و
موازی یک شوب جبه خوب ممتاز برسم خلعت در حق او رحمت فرمودند

منوذه اند لهندورین و زمانه نوشته میشود

مقرب الخاقان محمد رحیم خان نسچی باشی بحکومت خاوند سرفراز
گردیده یوم شنبه بیت و دو تیم ماه شعبان از دربارهای
مرخصی حاصل کرده روانه خاوند شد که چهار پنج ماه در آنجا
وامر اولایت را استقامی داده نایبی از جانب خود در آنجا
تعیین نماید و خود برکاب مبارک معاودت نموده در دست
خود باشد
عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا حسین خان کارپرداز
علیه ایران مقیم بندر ممبئی که حب الاستدعای خود احضار
بدر آنجا فرستاده و میرزا صادق کاشی منشی اول خود را بمباشیر
امور کار پردازگی گذارده و خود عازم دربارهایون شده
در روز یکشنبه شانزدهم شهر شعبان که وارد آنجا فرستاده
حب الامانای دولت علیه عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا
عبد الوهاب نایب دوم وزارت دول خارجه با عالیجاهان
باشخان سرمنک و مهدیقلخان و ترانجان نایبان خود
و بعضی دیگر از نوکران دیوانی و بعضی از غلام و غیره با استقبال
عالیجاهت را الیه رفقه لازم اغراز و احترام معمول داشته
و او را با اسبان بدکی و سواری وارود آنجا فرستاده
اول ورود و بقرار رسم دولت بمنزل جناب مقرب الخاقان
میرزا سعید خان وزیر دول خارجه آمده از آنجا با اتفاق حد
جناب جلالت اب صدر اعظم مشرف شده و جناب معظّم
کمال القات و الظهار رضامندی و خوشنودی از خدمات
مشار الیه فرمودند
ترجمه روزنامه ملکراف که در ممبئی چاپ شده چون در روزنامه
الظهار رضامندی زیاده از حسن ملک عالیجاه میرزا حسین خان

و اپور سرکاری سستی بار و اما روز ترک ممبئی را می کند
چهاره رفتن بخلیج فارس از برای آوردن باره اخبارات
از اخبارات خود خلیج فارس بایزدیک بانجام میرزا حسین خان
قونسول دولت علیه ایران که مقیم این بندر بود و حضرت شاه
حاصل نموده است از اولیای دولت خود بجهت مراجعت برطن
مالوف خود و فرصت حبه در بین واپور روانه است در
بودن جناب ایشان در میان ما مارتقار و کردار و سلوک و دست
و معقولانه او او را محبوب جمیع ما نموده امیدواریم که انشاء
ایام مسافرت او طول نکشیده و بزودی بمقر ما موریت خود
مراجعت نماید بعضی اشخاص را حیف و صاحب عداوت خاستن
قونسول مذکور را در چنین وقتی حل بر باره امورات نرا عیبه
منوذه اند لکن ما مطالعه کنندگان این روزنامه و عامه
الطنان و خاطر جمعی تمام میستوانیم داد که حرکت جناب ایشان
از ممبئی بجهت استقام امورات شخصی خود ایشان است و میرزا
صادق نام منشی کار پردازخانه در غیاب ایشان مشغول آنجا
امور کار پردازگی خواهد بود

سایر ولایات

آذربایجان از نیولایت اخباری تازه نرسیده است
که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از قرائیکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند امسال در
سجده شدت سرمای بی وقت جمیع باغات و اشجار آنجا را سوز
زده که از خیر انتفاع افتاده بود علاوه بر آن این اوقات سن
بسیار هم رسیده که اغلب از محصول و زراعات آنجا تلف

از قرائیکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند امسال در
سجده شدت سرمای بی وقت جمیع باغات و اشجار آنجا را سوز
زده که از خیر انتفاع افتاده بود علاوه بر آن این اوقات سن
بسیار هم رسیده که اغلب از محصول و زراعات آنجا تلف

ساخته است و از اینجه ام آنجا کمال پشانی دارد

خراسان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند اردوی
نوابستطابش برآوده والا تبار فریدون میرزا فرمانفرما
حکمت خراسان در آق در بنداست و چادرهای ترکمانان
خس نشین در دو فرسخی اردو واقع است چون بعضی
آنجا فی الجمله حشی داشته اند ریش سفیدان طایفه مزبور
انرا را اطمینان داده اند که مار عایا و خدمتگذار این دولت
علیه ستم و مطلقا تسویس نکرده از جای خود حرکت نکنند
بعد از اطمینان دادن به شام مزبور ریش سفیدان خدمت
نوابش برآوده فرمانفرما امن اند و نواب مغزی الیه نیز آنها
بعواطف این دولت قوی کنت علیه امیدوار نموده کمال لطف
در حق آنها مبذول داشته است و ریش سفیدان بر آن
کرده اند که سایر ترکمانان خس نشین را هم بخدمت نواب
مغزی الیه آورده بلوایم اطاعت و انقیاد و ایلیت و چاکر
این دولت علیه اقدام نمایند

دیگر نوشته اند که دو بیت بارقورخانه که از دارالخلافه مبارک
بخراسان فرستاده شده بود در غره شهر شعبان قورخان
مزبور وارد ارض اقدس گردیده است

و همچنین مبلغ ده هزار تومان وجه نقد که مصحوب لشکران
پادشاهی از دارالخلافه بخراسان انفاد شده بود هم در آن اوقات
وارد ارض اقدس گردیده و تنخواه را رسانده اند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام و
متولی باشی و پیشکار خراسان در انتظام امر آنولایت و موقوفات
حضرت فیض آثار کمال اهتمام را معمول دارد و بعراض رعایا

به وقت تمام رسیدگی می نماید و عموم امانی آنجا سبجه احتیاجی
و رفع احمقافات مقرب الخاقان مشا رالیه نهایت رضایت
و شکرگذاری این دولت علیه دارند از جمله رعایای طایفه
بزرگی که از اکراد میباشند سابقا مباحثه آنها با آنها زیاد و کمی
بوده است درین اوقات نیز مقرب الخاقان مشا رالیه
از دست مباحثه خود عارض شده اند یکی از ارباب تجر
مقرر داشته است که بحساب جزو عمل آنها رسیدگی نماید
بعد از رسیدگی معلوم شده است که مباحثه مزبور بقدر مقصود
تومان زیادتی با آنها کرده است رعایا عرض کرده اند که منظور
ما این بود که بحال رعایای خراسان اطلاعی بهم رسانند و این
تنخواه را پیشکش دیوان اعلی می کنیم مقرب الخاقان مشا رالیه
در جواب آنها گفته است که دیوان اعلی احتیاج باین پیشکش ندارد
و منهم از عواطف این دولت علیه ششم باین منفعتا ندارم
مبلغ مزبور را از آن مباحثه حکم کرده است گرفته آورده اند
موافق فرد حساب از هر یک از رعایا هر چه گرفته بوده است بآنها
رد نموده و رعایای مزبور از اینمنفی زیاد کرده و عا کوی دولت علیه
دیگر نوشته بودند که در صحن مبارک ضعیفه و اطراف خیابان بعضی اوطا
و اشرا و کاکین کشوده و سکنی گرفته مرکب قمار بازی و خلاف شرع
دیگر میشده اند مقرب الخاقان مشا رالیه و کاکین مزبور را بجای کوبیده
داخل خیابان کرده است و اشخاصی را که مرکب اعمال ناشایست و
سرقت و غیره می شده اند تنبیها ت کامل نموده و این اوقات
مطلقا کسی از دزدی و قمار بازی و غیره برده نمی شود
و هر کس مرکب خلاف شرعی بشود گرفته نیز داومی آورده و تنبیه
ببرامی شود و باین سبب کسبه و عجزه که گرفتار قمار و اشرا
بودند کمال آسودگی و رفاه را دارند

دیگر نوشته اند که در صحن عتیق روضه ضویه علیه الاف الشنا
و النجیه چون ایوان طلا سالها بود که جلاداده شده بود و درین
اوقات مقرب الخاقان شارالیه آدم گذاشته منجین و باب
ساخته مشول پاک کردن و جلادادن طلای ایوان مبرور میشد
و پنجهن بعضی موقوفات سرکار فیض آثار که در تصرف خدام
بوده و جومات آنرا بمصارف خود میرساندند از بد آنها تراعی
و قرار داده است که وجومات آنها صرف تعمیرات و مخارج محکمات
و غیره خود سرکار فیض آثار بشود و از حق التولیه که از قدیم قرار بوده است
بتولی باشی از موقوفات حضرت میرسیده است قرار گذاشته است
که حاکم و بازاری برای حضرت ساخته شود و خود دخل و تصرف
نموده است از خط در در رب صحن عتیق زیاطی خراب مشهور است
که از موقوفات سرکار فیض آثار و در تصرف اولاد متولی باشد
قدیم بود و در روز سبت خرابی یافته تا این اوقات بخی
طنیه آبادی افتاده بود و با طم زبور از تصرف آنها انتراع نموده
و قرار گذاشته است که خراب نموده دکا کین بماند که اجاره
بمصارف سرکار فیض آثار برسد

کرمان

از قرار یک دور روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد سخنان سردار حکمران یزد و کرمان در انتظام امور سرحدات
و دینجات و فراوانها اهتمام کامل معمول داشته و قوا
و متردین از هر طرف در کمال اطمینان و خاطر بسی عموماً
قافله فارس و قافله بندر عباس درین روزها از راه بلو
سیرجان وارد گردیده اند

دیگر نوشته اند که این اوقات در بلوکهات کرمان پناه آبادی
روز سه شنبه بود امیرالاعظم سردار حکم کرد و جار کشیدند

که هر کس پناه آباد دارد بضر انجانه برده صاحبقران سکه نماید
چون باز رسم فایده نموده و مردم پناه آباد بضر انجانه نمی بردند
حکم شد که پناه آباد که چهل و چهار عدد دیکتومان است پنجاه
بیک تومان رواج باشد باین ملاحظه هر کس پناه آباد داشت
بضر انجانه برده صاحبقران سکه کرد و چون پول کرمان و
و پناه آباد بود حکم کردند که نیم قران و ربع قران نیز سکه زنند
که پناه آباد قلب دیگر داد و ستد نشود و کمان است که پناه آباد طلب
بجلی از میان مردم برداشته شود

اجبار دول خارج

انگلیس در شهر لندن از قدیم قاعده دارند که مالیات و اجرات
خود شهر در دست حاکم و چند نفر از اعیان است و جمع و خرج این
مالیات دخلی بدیوان ندارد و این قاعده موافق فرمان ایام قدیم
که از پادشاهان سابق انگلیس دارند و حاکم شهر از خود اعیان شهر که از
صنایع و کسبه از بضای اهل شهر هر سال برقرار میشود از آن پادشاه
حکومت اورا معضی میدارد اعیان شهر لندن اطلاق زیاد دارند و چون
لندن از بعضی چیزها میگیرند از خط از فعال سکی و توجیهات بارانها
و غیره جمع زیاد و بعد چند کور و دارند و درین روزها اهل شهر از
اعیان خودشان کله دارند و بدیوان عرض کرده اند که در خصوص
عمل ایشان تحقیق شود و درین روزها در مشورتخانه پادشاه تحقیق این
مطلب شده است معلوم می شود که در بعضی چیزها اجراجات زیاد
می کنند خصوصاً در مهمانیها که چنین اوضاع و احوال سکین برپا
می آید که گویا کمتر از خوانین با سلاطین روی زمین اینطور است
داشته باشند از جمله اسکی حسب فرمان پادشاهان قدیم دارند
این است که یک فوج سبزه و یک فوج سواره نظام و توپخانه نگاه
میدارند و این غیر از نظام ضبطیه است که بجهت نظم شهر برقرارند

باشد میگیرند و حرف خلق این است که این اخراجات لازم نیست
و بهترین است که این پول را در تعمیر شهر و ساختن نهرها و راهها
و سایر اخراجات لازمه که خیر عام در آن است خرج بشود و در سیر این
مطلب در روزنامه لندن گفتگویی باشد است و کوبا و قاری و دین
خصوص خواهد شد و لکن مشکل اینست که این تسلط که در دست اعیان
شهر لندن است موافق فرمان پادشاهان سابق انگلیس است که بر آن
او قدری اشکال دارد

در خصوص سیاهبها که اول غلام و کنیز بودند و جزایر هندو
که چند سال پیش این حبس انگلیس دولت متشدد و کور
پول بصاحبان آنها داده و آنها را آزاد کردند و در روزنامه
این اوقات لندن باین طور نوشته اند که در هنگامی که این غلام و
کنیز را آزاد میکردند مردم خیال میکردند که بسیار عمل خیر و منفعت
کمال خلق است زیرا که چنین دانستند که غلام و کنیز سیاه آن مملکت
بعد از آنکه آزاد شدند مثل رعایای سایر جایهای روی زمین
شغل عیسی میشوند و کدزان خود را از عمر عیسی در می آورند حال
در بعضی جهات دیدند که اینطور شده است هوای انولاتی بطور
که این سیاهها چندان حجت لازم ندارند و خوش آن از میوه
جنکی واهی فراوان بدستان میرسد درین صورت اقدام
بر عیسی و عمل کی نمی کنند و سیاههای مغرب زمین بالذات
تبل اند و برضای خودشان کار نمی کنند ازین دلائل بسیار
از سیاههای آن جزیره که سابقا غلام و کنیز بودند حال
در کوستان و جنگلهای آن مملکت بی کار ماندند آدم و حی میگرد
و اطاک مردم هم در آن جزیره که از قدیم زراعت آنها کلاً از
غلام و کنیز بود و شکر و قهوه و پنجه و چندین حاصل دیگر فراوان
بعل می آوردند از زراعت افتاده و تنزل زیاد کرده است و

بجمله علاج این ضرر از بند و چین فعلها آورده اند چونکه اینها
کارکن با غیرت مستند خصوصاً این چین فی بکده تلافی آن
ضرر را کرده و فوق جزئی بجهت صاحبان اطاک در آن مملکت
کرده است و لکن باز سیاهها که پیش نوشته شده است اطاک
آنها را و بتزل است

فرات

درستان گذشته در شهر پاریس شکل مرشلی را که یکی از مرش
ناپلیان بود از سنگ تراشیده و در میدان باصفائی گذاشته
و کل رزاهما و صاحب مضبان و خوانین عمده در میدان
منویر حاضر شده اند

شهر پاریس چو که بسیار باصفا و نخل عیش است غمناک
بسیار با نجا میروند بطوریکه بعضی اوقات منزل بسیار کران
میشود و بجهت یک جانی که چندان خوب نیست باید اجرت
زیاد داد و ازین جهت درین روزها چند نفر از دولتمندان اولاد
بنیاد دارند که با هم شریک بشوند و مهانخانه بسازند که چند
هزار نفر در او جایگیرند و از فرار طاحی که کشیده اند بسیار جا
بازیت و اس خواهد شد و چونکه تتخواه این اشخاص بسیار
و از هر قسم آذوقه و ما بحتاج کلیه میکنند که قیتمش از دسترس
اجرت از غربانی که با نجا میروند بسیار کمتر خواهند گرفت
و از یک طح این مهانخانه کشیده اند میانش چنان بزرگ است
که کالک با اسبها در میان آن راه میروند مانند اینک در
میدان باشند و میانش بترکیب کنند بزرگ است و میان
کنند از شیشه پیاوند مانند پنجره که در روز روشن باشد
و در شب با چهل چراغ و قنادیل و دیگر از بنادهای سنگی روشن
و میانش جوی خانه و فواره و درختها نیز دارد

از قمار روزنامه فرانسه خوراک اهل پاریس از گوشت و
سال گذشته باین تفصیل است

۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲

کار ۸۸۲۴۲ ۱۴۶۶۵ ۱۳۲۶۵

ماده کاو ۲۲۹۹۵ ۱۷۵۸۰ ۱۵۸۲۶

کوسار ۷۴۴۴۱ ۷۵۳۷۲ ۷۵۲۶۶

کوسفه ۵۳۱۷۵۷ ۴۹۱۶۸۰ ۴۱۲۸۲۷

و حساب سال گذشته را که بتاریخ فرمکی سنه عیسوی بود
نوشته اند و در ماه ربیع الاول آخر سال منور بود

و لکن از قمار یک مختصر در روزنامه نوشته اند زیاد تر از سال
دیگر گوشت بمصرف رسیده است و از این جا به ما معلوم

که اوضاع خلق در شهر پاریس رونق گرفته است و اینها غیر
گوشت مرغ و ماهی و شکار و غیره است که از این مجموع نیز

زیاد بمصرف میرسد

احوال متفرقه

در حکام اعتناش چند سال پیش ازین رومه که پانچان

آن شهر پای رومه را بیرون کرده و دولت را برسم

زده و دولت جمهوری برپا کرده بودند و بعد قشون فرانسه آمد

بجنگ غلبه یاعیان حاصل و شهر بمصرفش و پاپا را باز

در آنجا مستقر و برقرار کردند یکی از خوانین مملکت رومیه

بزرگ ساخته است بجهت اهل قشون دولت فرانسه که در آن

جنگ کشته شده اند و این مقبره را در جانی باصفا بیرون شهر

ساخته است اینک مرمر سفید است و با کمال وقوفت

و استحکام ساخته اند بعضی از اهل رومه از اعتناش آن ایام

بجنگ آمده بودند و خیلی رضامندی از آمدن قشون فرانسه

داشتند که باز نظم در ولایتشان گذاشتند شخص منور که این
مقبره ساخته است از جمله اشخاصی بود که رضامندی از قمار

دارد و این مقبره را در راه ثواب از پول خودش ساخته است

از جمله اخبار غریب که در خصوص دزدان شهر پاریس نوشته اند

اینست که بسیار دزدان کیسه برانزدن پاریس آمده اند بسبب

اینکه میگویند در لندن کارشان از پیش میرفت و نمیتوانستند

کدزدان خود را پیدا نمایند و از قمار قریب دزدان دو باعث

داشتند است یکی اینکه در لندن دزد بسیار بود و مثل دزدی

کم بچی دیگر آنکه کشیکچیان دیوان بسیار هوشیار بودند یکی این

دزدان در شهر پاریس بدست چاکران دیوان افتاده بود

معلوم شد که تحتاه مقولی اند و خسته است اکثر پولش و زرد صاف

بود و در آن محله که سکنی گرفته بود و پشمکس نمیدانست که کدزدان او را

دزدیت همایکان او کمان سپردند که مدعی معتبر است یکی

اینجا که دزدیش ثابت و حکم حبس او را دادند وقتی که او را حبس

میردند در راه با خود حرف میزد و می گفت چه بختشدم الله

مال بدست من آمده بود که دیگر احتیاج بدزدی نداشتم و با خود

قرار گذاشته بودم که اگر این دزدی آخر بخیر بگذرد تو بکنم که

دزدی نکنم اما چه فایده که حال گرفتار شده ام و چاره ندانم

اعلامات

کتاب تشریح بدن انسان از تالیفات عالیجا حکیم پولاک

معلم علم طب و جراحی که بزبان فارسی ترجمه و در دارالطباعت

روزنامه انطباعت شده است در مدد دارالفنون فروخته میشود

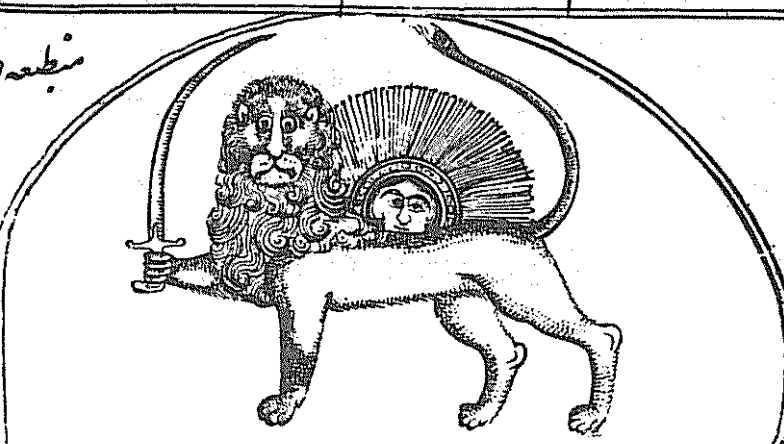
شش هزار دینار

هر جلدی

روزنامه قایم اتفاقیه بتایخ یوم شبیه زده ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

مذه صد و هفتاد و پنج

منطقه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه
یک نسخه و ده هر یک
در تهران و چهار هزار

قیمت علامات
یک خط الحجاز و کله در دنیا
بیشتر با هر خطی

اجتار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین روز که ماه مبارک رمضان و ایام صیام و عبادت است
اعلیحضرت پادشاهی درینا و ران تشریف دارند و انوار
و اعیان دولت علیه و چاکران حضرت گردون بخت
روزنامه را تا وقت عصر بجهت استراحت و عبادت و تلاوت
از تقدیم حدت دیوانی حب الامرهایون مرخص و معاف
و هنگام عصر نزدیک بغروب آفتاب شرفیاب حضور
کرده و بعد از آن در خدمت جناب جلالت اب جل اکرم
صدر اعظم شهباز آنا صبح هر یک در مرتبه و مقام خود بخدمت
مرجوعه اقدام دارند و همچنین افواج قاهره نظام نیز درین
ایام صیام بجهت تقاضای روزه داری از مشق و سایر
معاف اند مگر مروتی که بقراولی یا مورتی در سر فراولی خود
میباشند و جناب جلالت اب صدر اعظم شهباز
می نشینند و مشغول گذراندن امور دولت علیه میباشند
فوج دماوندی که در اصفهان متوقف بودند و درین اوقات
یرکاب هایون احضار شدند و در روز شبیه ششم اینا به مقرب
میرزا فتح الله شکر نویسنی در بالای نیار ان آنها را

در وقت یکی یکی سان دیده و رسیدگی نمود و همگی کمال
اراستگی و شکوایسان دادند و بعد از آن حب الله
همایون مرخص غایب شدند که چندی رفته در او جان خود آموخت
باشند
در شب چهارشنبه سیم ماه رمضان باد شدید در آنجا
و شیرانات و سایر اطراف و در آنجا فو زیدین که
بارعد و برق و بارندگی زیاد و سجدی که شوش خرابی
و کندن و سنگتن اشجار میرفت تا صبح چند نوبت با آن
شدید و تکرر آمد و از آنوقت آب رود و قنوا که از کوه چار
تفاوت کرده و زیادتر شده و امیدست که بحال عکاسان
فایده کرده باشد از جمله اتفاقات در آن شدت طوفان
سربازی از فوج چهارم از شهر به نیادان می آمد خودش
با آغوشن بجای که در آنجا بود و افتاده و بعد از چند روز
که آنها را پیدا کردند الاغ تلف شده بود و آن سرباز
بنیم جان بود که بعدت کردید

و هم درین روز که آب رود خانه جاجرو شدت دار

محضی تاجر با تجار تی داشته و از مازندران بدارالحق
می آمد است و چند کس پول نیز برسم امانت از تجا
و یک در میان بار او بوده در عبور از رودخانه بار او را آب
برده و بدست نیاورده بود چون ایل بدو اند که ابوالجمع حاج
حاجی مبارک خان سرتیپ میباشند در اطراف رودخانه
بر نورسکنی دارند عالیجا مشارالیه از کذا ارش مستخرج شده
و هم بیان ایل بر نور فرستاده بود اموال آن شخص را نقد
از میان آب بیرون آورده تا ما بصاحبش تسلیم و قبض رسد
از او دریافت کرده بودند

چون درین اوقات موکب هایون در نیاوران تشریف داشت
باشترین روز نامه نیز بجهت مشرف کار روز نامه در نیاوران
هر کس باشترین روز نامه کار داشته باشد در نیاوران
و در باب تقسیم روز نامه ها آنچه در طهران مستند موافق است
روز های پنجشنبه روز نامه باخا میرسد و آنجا نیز که در موکب هایون
میباشند در روز مژبور روز نامه باخا میرسد اما آنجا که در سایر
مستقرات میران منزل دارند اعلان می شود که در روزهای پنجشنبه
یا بنیامه آن فرستاده روز نامه خود را بیکدیگر یا بکسی محول نمایند
که روز نامه آنها را در نیاوران از فرشتان روز نامه دریافت
نموده باخا برسانند

سایر ولایات

ازر بایجان درین هفته نیز اخباری ازین ولایت
نرسیده که در روزنامه نوشته شود

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند نواب شاهزاده
والایار مصطفی قلی میرزا حکم آن مازندران در انتظام امور ولایت

و تقدیم مهمات آنجا کمال اهتمام را دارند و خلعتی که از جانب
سنی اسجواب علیحضرت پادشاهی بافتح نواب مغزی الیه
مرحمت شده بود در واسط شعبان مژده آن شاهزاده پیش
رونده همسم برای خلعت پوشان ساعت سعادتین کرده
باجمعی از خوانین و سرکردگان برای حفظ شرایط احترام خلعت
اقاب طلعت تاد و فرسخ باستقبال رفته بعد از ادا ای لوازم
جشن و شادی خلعت هایون را زینب دوش خود ساخته
معاودت بشه کرده بودند

از قراریکه نوشته بودند در بدو هفته بعد از چهار هزارمین
سکر در کارخانهای دولتی بلده ساری و بار فروش سفید
و مسدود رسیده است و شکر مژبور و حاجی تمام تمام در انوار
دار و مردم بامیل و غنیمت باطراف میرند

از قراریکه نوشته بودند یک نفر از جماعت اوصاف و بنو اب
شاهزاده عرض کرده بود که بعضی اجناس از دار اسجلاف
اتباع کرده آورده بودم که در بلده ساری بفروش
مقتضی شوم شب را در بازار توقف کردم اسباب مژبور را
از من سرت کرده تمام و کمال برده اند نواب مغزی الیه
نیز بعد از اسخضار بر این معنی محصلی معین کردند که رفته مال
از دار و غنیمت بازار گرفته بصاحبش رد کنند محصل مژبور
رفته مال را استرداد کرده بان شخص داده بود

خراسان

از قراریکه در روزنامه عرض راه خراسان نوشته بودند از
اهتمامات اولیای دولت علیه هر یک از منازل عرض راه
نظم را دارد و کفایت ایت در آن راهها حاصل است و
مردم از روار و قوافل و عابرن و مترددین با کمال رغبت عبور

می کنند و این اوقات از سه هزار نفر بیشتر از اهل آنجا
و اصفهان و قزوین و شیراز بعزم زیارت شهبه مقدس
میرفته اند

نواب شاهزاده والا تبار فریدون میرزا فرمانفرمای خراسان
که به اقی در بند تشریف برده بودند قلعه آق در بند و فرود
که بایستی محکمی است و برای حفظ و قراولی مملکت بسیار کما
می آید بنای تعمیر و آبادانی آنرا گذاشته اند و بعد از آبادانی
امید دارند که برای حفظ و حراست مملکت خراسان بسیار
مفید و نافع باشد

عربستان و پرچم

از فرازیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
حکومت مایون اعلی حضرت پادشاهی که از دربار
جهاندار با فتحارشاهزاده والا تبار احتشام الدوله
صاحب اختیار بر و جرد و بختیاری و عربستان و
ارستان افتاد شده بود و در روز بیت و سیم
شعبان حلف منور بر عربستان رسیده و نواب
شاهزاده از باغ شاه با استقبال حلف مایون
پیاده بیرون آمده و لوازم توقیر و اغرار و احترام
را معمول داشته و بخلعت پوشان مراجعت نموده
بخلعت شاهی خلع گردیده اند و خلعتیانی نیز که بجهت
نواب امیرزاده نایب الحکومه عربستان و عالیجاه
لور محمد خان و ولی خان و سید علی خان سرتیپ
مرحمت شده بود و نواب شاهزاده احتشام الدوله که
به دست خود با آنها داده و زیب پر و پوش اعتبار و
افتخار خود نموده اند و بنه نوکر و رعیت که در آنجا بودند

۱۱۲۴

شریت و شیرینی داده و دو شب نیز عجم نوکران
در آنجا ضیافت نموده اند

و دیگر نوشته اند که جناب شیخ سعد حویزه که از اهل
معروف عربستان است بعزم زیارت علی ابن ابی طالب
علیه السلام از آنجا روانه گردیده و در حرم آپا و نواب
ایله رم میرزا کمال اعزاز و احترام را از اول بعجل آورده
و اورا با کانی که همراه داشته ضیافت معقوله
نموده اند و هم چنین در ورود جنابش را الیه به جرد
نیز حسب الحکم نواب شاهزاده والا تبار احتشام الدوله
جمعی از علما و فضلا و معارف چاکران دیوانی و عیان
ولایت اورا استقبال نموده اند و هم از رعیت گردیده
ده روز در پر و جرد توقف داشته و از آنجا روانه مقصد
شده اند

چند نفر از حجاج که از پر و جرد بعزم زیارت مکه معظمه رفته بودند
بجهت احتیاط قشون کشی در ممالک عثمانیه و مملکت جناب
امام جمعه تبریز از تبریز باو طمان خود مراجعت کرده اند و از
قرار مذکور باقی حاج ارزاه سلیمانیه بنیاد داشته اند که بمقصد

فوج ابوالجحیی عالیجاه و لیجان که در حرم آباد هستند چون بواسطه
کم بودن غله در آنجا چیره آنها از آنجا داده نمی شد نواب
احتشام الدوله حسب الاستدعای آنها مقررداشته اند که چیره دو
شعبان و رمضان آنها از سیلاخور حمل و نقل شود و آمدن غله
از آنجا هم باعث اطمینان فوج و سبب سکین فلوب الی آنجا گردید
نوشته اند نواب احتشام الدوله بعد از ورود از عربستان قدری نقابت
و تشریف و استدعای این روزا صحت یافته و در کمال انعام با مرزبانی میرزاده

کرامت‌شان

از فراری که در روزنامه کرامت‌شان نوشته بودند امر اولایت
 در نهایت نظام است و نواب نیزاده و الاتبار عمادالدوله
 فراموشی خود را با چهل نفر بحفظ و حرارت بازارها و محلات
 نگاشته اند که شبها بازارها و کوچه‌ها را گردیدند مقربانند که از
 احدی نسبت بآل و حال مردم بی اعتدالی غایب شود
 در روزنامه این ولایت نوشته اند که این روزها بعضی قبا
 جلی در آنجا ابراز شده و کسی نمیدانسته است که جاعل و مکتب
 این عمل کیت نواب عمادالدوله بر این کیفیت اطلاع یافته بعد از
 تجسس و تحقیق بسیار معلوم کرده بودند که سید یاقربا
 اصغری قبا جات جلی را درست کرده بدست مردم می‌دهد
 مثالی را خواسته بعد از رسیدن باین مراتب طوری با
 او قرار دادند که بعد ازین جرت آنجا بیکوئه امیرباشا
 دیگر نوشته بودند که عالیجا عباسقلی خان سرسنگ فوج برجلو
 سردار سرباز ابو انجمی خود و عالیجا پشن صاحب معلم
 همه روزه در بیرون شهر مشغول شت هستند و عالیجا پشن صاحب
 در مشق سربازان کمال وقت و اتمام را دارد و توپچیان نیز
 الی چهار ساعت از روز گذشته در میدان توپخانه مشغول
 و آداب مشق را بطور خوب فر گرفته اند
 دیگر نوشته بودند که وزدی در کرامت‌ها پیدا شده اموال مردم را سرقت نموده
 و مظلوم بوده اکت مالی شدت آنرا نوابشان هرا ده اظهار کرده بودند
 اتفاقا که یکی آن را در خانه خود بیرون می‌آید و کوچه‌ای بی‌سالم
 با سلام کرده و در پیش نامش تغییر نموده و سرخ گردید و نوابشان بهت یافتند
 که باید در دمر بزرگین جوان با او را بخانه برده و بعد از تحقیق و نهاده او را
 بود که این دزد بچاسم کرده ام و بعد از او را بشار الیه اموال مردم را

بعینها گرفته بجا جانش رد کرده و خود او را نیز بکرم نوابشان

تنبیه نموده و حبس کرده است
 اجبار و دول خارج
 فرات

پرنس ناپلیان که حسب حکم امپراطور فرانسه روانه اسلامبول بود
 پیش از رفتن خوانین و دوستان خود را در پاریس معانی کرده بود
 و در دهم ماه جب از آنجا روانه شد که با سلامبول جایز
 در شهر مسیله منتحای حرمت و خدمت نسبت نیزاده
 کرده اند
 میگویند که دولت فرانسه بنا دارند که در خصوص خوانین آن
 ملک و حق آنجا و لقب خانی یا تیمه قاعده ارثی یا تبعه حکم دیوان
 این ایام تحقیق و تجسس بکنند و هر کس که نتواند بجات خود را
 ثابت نماید قدغن باشد که لقب خوانین با و داده نشود و همچنین
 خصوصشان که از دول خارج داده شده است و مردم
 فرانسه میزنند چون سنجب در فرنگستان هر یک ثانی بنجه سله خود
 دارند و بعضی مردم این شان را بر میدارند و در روی کاکه مهر
 و غیره خود میکنند که حق آنرا ندارند و درین خصوص نیز بنایت
 که تحقیق شود و هر کس که نشانی که مال سلسله او نیست زده باشد
 قدغن شود که نرزد و اگر بعد ازین خلاف این حکم بکنند جرمیه میشود
 ابلاغ این حکم میکنند بسیاری از مردم که حالا لقب خانی
 باید این لقب را موقوف نمایند که حق آنرا ندارند و بسیاری از اشخاص
 که از دروغشان دول خارج میزنند بعد از تحقیق معلوم میشود
 که حق این شان را ندارند حکم میشود که دیگر این ثنائی را نرند
 بمند و چین
 از فراری که در روزنامه هندوستان نوشته اند جنگ ملک

۱۱۴۵

برمه باز بود و لکن حال از طرف این برمه میدان جنگ نمی آید
که ایستادگی بکنند جنگ گریزمی کنند میان جنگها و در
و چپاول زیاد می کنند از چین هم نوشته بودند که غیاث
باز شهر شکست می آید در تصرف داشتند و تا بیست و پنج
پای تحت رفته بودند و بنیاد داشتند که در آنجا هم کام می تازند
که قشون کشی می شود توقف نمایند

احوال مشرق

از فرار یک در روز نامه فرانسه نوشته اند در شهر پاریس
و شصت نفر انگلیس کربانند بغیر از اطفال مشورتخانه و حکومت
فرانسه در کارند که بنائی بگذارند در باب مکتوبات که مردم
می نویسند و بیان ولایت می فرستند بجز طرف مملکت فرانسه
که بفرستند چهار شاهی اجرت آن باشد در صورتیکه آن شخص
که کاغذ می فرستد پول آن پیش بدو اگر پولش پیش
ندیش شاهی اجرت قرار بدهند

در شهر لندن بنیاد دارند که پل تازه در رود تمس بازند و مقادیر
سید هندو بکاران و از فرار یک نوشته اند بقدر یک کرویر پول
ایران خرج ساختن پل می شود
درین روزها در شهر نیویارک یکی دیناشش دفعه شرفیافت
و قیمت خانها و اموالی که در آنجا سوخته است چهار کرویریم
پول ایران میدهند

خواراک اهل شهر پاریس از برج اکشرش درین اوقات از
خود مملکت فرانسه بهی می آید هم ارزانه از برخی که از خارج
هست و هم بهتر از برخی هندوستان و مملکت پیدانت است
و این کار را تازه براه انداخته اند مابعد مملکت فرانسه
برنج متداول بود که بکارند

راه آسن بجهت تردد کالک بکار در پانامه مابین سحر محیط
و سحر محیط معتدل رین روزها قریب با تمام است و وقتی که
با تمام برسد کمان دارند که مسافت زیاد بجهت آنها که درین راه
تجوازه گذاشته اند بکنند

در مملکت آسن موش بیابانی چنان زیاد شده است که ضرر
کلی تجاصل آنجا رسانده است دام و تله موش گیری برای گرفتن
موشهای مذکور ساخته و در مینایی که بقدر پنجاه و شش
بود و درسی شش روز پانزده هزار و سیصد و پانزده موش
در روزنامه نیکی دنیای شمالی نوشته اند که از جمله حیوانات
غریب که در کلی فارینا بسته اند قستی از خارشپت یافته اند که
دفع درازی اوست

در ساختن راهی در مملکت ایرلند فعله ما که در آنجا مشغول کار بودند
بسیار سباب طلائ از کاغذ قدیم از زیر خاک بسته اند و همان سباب
خود فعلها برشته اند یکی از آنها که احق بود کلام خود را این طلائ
پر کرده بود و از راه نادانی شخصی مبلغ سی پوند پول نگلیس که
تخمینا شصت و شش تومان پول ایران باشد فروخته بود و دو
طلای مذکور را کشیدند صد و ده شش نیم بود که بوزن ایران
شصت و شش مثقال است و طلای سپار صاف و خوب بهتر
از طلای پول نگلیس بود و این سباب اکثرش دست بند بودند
و غیره بود از کارایام قدیم

دولت انگلیس بنیاد دارند که قشون سوار نظام که با سلاسل
می آیند از راه فرانسه بهرستند و راهی که باید بروند باین
از لندن تا دور که کنا مملکت انگلیس میباشد است و در فرسخ
دور تا کنا که اول خاک فرانسه است بروی دریا شش فرسخ

و یک ربع و از کانس تا پاریس پای تحت فرانس پنج و
 فرسخ و از پاریس تا شانس پنجاه و نه فرسخ و نیم و از آنجا
 پنجاه و چهار فرسخ و یک ربع و از او یکمان تا سبیلر پنجاه
 فرسخ و سه ربع که جمیع این راه دویست و هجده فرسخ و
 سه ربع می شود و از آنجا بکشتی می نشینند و از راه آبی و کج
 با سلاهیول می آیند

از قرار یک در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند باز بعضی
 مردم خیال یا غیبری از دولت استریه در ولایت لامبارد
 داشته و بسیاری مردم از آنجا گرفته و مجبوس کرده بودند
 مثل ریشگی سر کرده کل قشون استریه و آن محکمت و جانی
 امپراطور آیه شصت هزار قشون زیاد تر از آنچه در آنجا بود
 خواسته بود و از برای ساخو آن ولایت و نگاشتن نظم

در روزنامه یونانی دنیای شمالی نوشته اند که گفتگوی مابین
 دولت اسپانیول در خصوص این مطلب شده است که این
 دولت اسپانیول یکی از کشتیهای یونانی دنیای شمالی را
 در نزدیکی جزیره کوپه گرفته بودند دولت یونانی شمالی
 کشتی مزبور را پس خواسته بودند و آنجا داده بودند و این
 نزدیکان کشید بودند که مابین دولتین بمچنگ نیجا

جمعی از محکمت بر اریل بنا دارند که کشتی در رودخانه آمزان
 برآه بیند از دو بجهت این کار دولت و چهل هزار تومان پول
 ایران جمع کرده اند و بنا دارند که کشتیها در رودخانه مزبور برآ
 بیند از آنکه سر تا سر رودخانه مزبور کار بکند و این رود در کتب
 رودهای روی زمین است از قرار تقصیل آن که در جزایر فیالو
 از محکمت اریجای جنوبی میگرد رود و چند رودخانه های بزرگ داخل

یکدیکر سده باومی پیوندند و در آنجا که داخل دریای می شود
 چهل و پنج فرسخ است آب این رودخانه شیرین است و دریا
 متح که ننگش با زیاد است و این ننگها بسیار درنده میشوند
 و تا هفت ذرع و شش ذرع درازی آنها را دیده اند و حکما
 که در دو طرف این رودخانه واقع اند از حیوانات پرند
 گراز و میمون قسی از ببر و مارهای زهر دار بسیار و آهو از چند
 و مرغهای بسیار خوش رنگ و خوش نعل و در وقت سیل آب
 این رود چند محکمت را فرو میگیرد و در زیر آب میبرد و
 که داخل دریای می شود زیر خط استوا

در روزنامه هندوستان نوشته بودند که حاصل قهوه سال
 گذشته در جزیره سرانندیب سی و یک هزار خرد و اربوزن
 است عباسی شده بود و این زراعتی تازه است که در آن جزیره
 برآه انداخته اند بقا اگر قهوه از نخا و جزایر یونانی دنیای
 می آمد چند سال پیش ازین تخم قهوه از نخا آورده و در جزیره
 سرانندیب کاشته اند و بسیار هم خوب بعل آمده است و
 از برای این کار کم داشتند و الا بیش از اینهم بعل می آوردند

اعلانات

کتابهای چاپی دارالخلافه طهران که در کارخانه حاجی عبد
 با سه چی در محله نزدیک دروازه دولا ب لطباع شده
 از این قرار فروخته میشود

- حکمت نظامی بیت و پنجاه
- سرایر دو تومان
- زبدۃ المعارف دو تومان
- معراج السعاده یک تومان
- هدیه الشیعه هشتاد

روزنامه قایم القایه ستانچ یوچم شنبه ۱۲۷۰ ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

مذه صد و هفتاد و شش

منطبعة دار الخلافه طهران

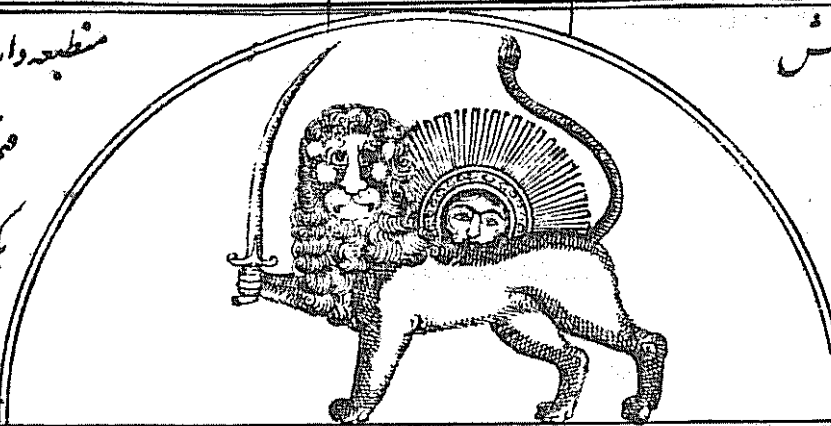
قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

یک نسخه شاه پیر

و تان و چهار برادر

یک سطر ایچا سطر یکصد و پنجاه
بیشتر با هر سطر



اخبار دهنده مالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در شب شنبه نهم ماه رمضان المبارک
پادشاهی بهمانی جناب جلالت آید صدر اعظم بهجت
بنادران که در جنب عمارت سلطانی مخصوص جناب معظم الیه است
تشریف فرما گردیدند و لوازمات پیشکش و پای انداز و قربانی
و تکلیفات ضیافت بطور شایسته بعمل آمده در آنجا اوقات
فرمودند و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشت
خدمتگذاران کنان جناب معظم الیه مقبول و مستحسن خاطر
طوکانه افتاد و مورد نوازشات خسروانی گردیدند

جدید جلوه دروازه ارک مشهور به سبز میدان که تا ریخته
شده و بسیار جای با صفا و خوب و شگون حجرات
تختانی و فوقانی است حب الامر مایون کسبه و صفا
جمع شده حجرات ترتیب میدهند و سباب و متعه از هر
جنس و هر قسم در آنجا چیده داد و ستد مینمایند و آن
بجمله تفرجگاه روزه داران بعد از فراغت از طاعات و
عبادات مساجد که هنگام عصر و ضعف و نفاست روزه
بجای بسیار مینماید خاصه در این ایام که منتهای بندگی در آن
میدان منور و تماشای دکانین و داد و ستد و جماع

چون همه ساله معمول دار الخلافه طهران است که در ایام
ماه مبارک رمضان اصناف کسبه جمع شده و دکانین
و حجرات ترتیب میدهند و از هر قسم اقش و متعه
و ظروف و بلور آلات و غیره در دکانین خود گذاشته
داد و ستد مینمایند تا چند سال پیش ازین جلوه مسجده
ایشان میدادند و در آنجا اسباب گذاشته و داد و
می نمودند بعد از آن دو سه سال هم در صحن امامزاده رزید
قرار گذاشته اسباب می چیدند اما سال را در میدان

خلق در آنجا مشغولیتی شده است که چند ساعت بعد
مازده مردم در آنجا جمع میشوند و بخرد و فروش و تفرج
و تماشا روز اباشام میرسانند و باین واسطه ضعف
و نفاست روزه داری چندان بر مردم تاثیر نمی کند
درین اوقات که ایام ماه مبارک رمضان است الهامی در آن
اوقات خود را در مساجد صرف طاعات و عبادات
و نماز جماعت و تلاوت کلام الله مجید مینمایند و علما و فضلا

در منابر و معابد بخوانند و دعای ذات اقدس
همان شتعال دارند

این اوقات سرکار اعلی حضرت پادشاهی محض و فور
مرحمت ملوکانه در باره نواب مستطاب هزاره و الابرار
حشمت الدوله حمزه میرزا ایک ثوب کلجه از بلوس تن
مبارک بافتخار نواب معنی الیه حمزه غایت فرموده

سایر ولایات

ادریایجان از قرائیکه در روزنامه ادر با بجان
نوشته اند نواب مستطاب هزاره و الابرار نصره الدوله
فیروز میرزا و مقرب الخاقان میرزا صادق قایم مقام
پیشکاه ادر با بجان از روزیکه وارد انولایت شده اند
انتظام کلی در امورات انولایت داده اند و عموم مالی
در عایا و سکنه انولایت اسوده خاطر و مرفه الحال
بکار خود مشغول و امورات انولایت بهرجه در کمال

و سایر ایام هفته را کلی نوکرباب از خوانین و اهل سلاح و
نظام و اهل تجیر و ارباب قلم بدر خانه حاضر شده بیک
بشغل و عمل و لوازم نوکری و تقدیم خدمات موجه بخود
مشغول میباشند

دیگر نوشته بودند که حلفت بیایون که از جانبی انجوا
ملوکانه بجهت نواب هزاره نصره الدوله حمت شده بود
در روز سه شنبه بیت و چهارم ماه شعبان پرتو وصول
الکند نواب مغری الیه با همه خوانین و اعیان و مشرف
ولایت و اهل نظام و غیر نظام و دود عراده توپ و سه فوج
و سرباز و تدارکات شایسته تا حلف بیوشان بقتبال
شایسته و حلفت مطلق ملوکانه را بعد از اقدام بلوایم
توقیر و احترام زیب برود و شش اعتبار و افتخار خود و نوک
و خطیب ادای خطبه بنام حضرت اقدس بیایون شایسته
نموده بعد از صرف شیرینی و شربت بشهرتیر زهدیت
نموده اند

۱۱۲۹

از جمله قرائی که نواب نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام
داده اند یکی اینکه روزهای پنجشنبه را در بالای باغ شاد
چند عراده توپ بیرون برده و توپچیان مشغول تیر انداز
نشان می شوند و کمال جلد دستی و چابکی و مهارت را
در تیر اندازی و زد و کشتن بعمل می آورند و همچنین فوج
قاهره نظام نیز ایام هفته را در روزمبور مشغول شلیک گلوله
و روزهای دیگر مشغول سایر تعلیمات و قواعد مشق
نظامی می باشند و یکی با کمال سکوه و آراستگی و نظام
حرکت می کنند و روزهای جمعه و دو شنبه از ایام هفته
بسیار ایام تعطیل است که اهل در خانه از تقدیم خدمات مخصص

از قرائیکه در ضمن روزنامه ادر با بجان نوشته بودند
چند یوم قبل ازین جمعیتی از طایفه اگراد حکاری آمده دی
از دوات چهریق را تاحت و تاز کرده بودند و تیر چرخان
ایلیخانی جبردار شده با چند نفر سواره از آدهای خود
متعاقب و زوان مبرور رفته بودند که اموال منسوبه را
از آنها پس بگیرد و قتی که با کرا و مبرور رسیده بودند
انها نیز بقدیم منازعه پیش آمده اند و درین مجادله و زد و خور
طوفین گلوله تفنگ از طرف اگراد حکاری بپسند پیرخان
ایلیخانی خورده و متعاقب شد

دیگر نوشته اند که امورات سرحد خوی انتظام کامل دارد

چهار صد نفر توپچی و دو فوج سرباز و توپ و دولت
 پنج در سببان توپخانه که همه چاق و فربه باشند
 در سرحد مزبور باشند

دیگر نوشته بودند اما میردی یک امیر اخو را صطبل تو
 مبارکه در خوب و چاق و فربه نگذاشتن سببان
 توپخانه مبارکه اتهام کامل محمول داشته است بیکه
 سجال باین فوجی و چاقی اسب توپخانه در اینجا ملاحظه

دیگر نوشته بودند که چند وقت پیش این دکان مشدی
 آقا جان نام برادر بریده و بقدر دولت تومان سباب
 از او سرقت کرده بودند و دزدش معلوم نبود تا اینکه
 تا در این روز یک طاقشال کرمانی و یک ثوبی
 نواز مال شارالیه دلال بازار فروخته بود محمد صاحب
 داروغه بازار خبردار شده متحضر نموده بود که شال و
 قبای مزبور مال مشدی آقا جان نام است دلال مزبور
 گرفته در مقام تحقیق برآمده بودند ضعیفه را نشان
 بود که این شال و قبا را ضعیفه مزبوره بمن فروخته است
 داروغه زن مزبوره را حاضر نموده بعد از تحقیق معلوم
 شده بود که مرکب این عمل اکبر نام دست بریده بوده
 که پیش ازین توپچی بود و بجهت عمل سرقت دست او بریده
 شده و از توپخانه اخراج گردیده است بعد از آنکه خبر
 شده بود که دزدی او بروز کرده است فرار نموده و از
 مسروقه قدری پیدا شده و بصاحبش تسلیم گردیده
 و بقیه سباب بجهت فرار کردن دزد مزبور بدست نیامده است

دیگر نوشته بودند که عاشق علی نام شوریده و دیوانه شده بود

افوام او چند روز او را در خانه بنحیر کرده و محبوس نموده
 محافظت او را می کرده اند روزی کان ان غفلت کرده اند
 و شارالیه بنحیر را پاره کرده و بیرون آمده پس به سال
 از مسایکان او در حیات خانه بوده و دیوانه مزبور با چوب سنجی
 آن طفل را زده و ملاک نموده است مردم خبردار گردیده
 و فرایشان او را گرفته بحضور نواب نصرة الدوله آورده
 بودند نواب معزی حکم نموده بود او را محبس برده و حبس
 کرده بودند و روز در محبس بوده و نوشته است

تسجیر جناس تسجیر

۱	مشت پول	نان یکم هزار مثقال
۱۰	شش عباسی	گوشت بوزن اینها یکم
۱۰۰	چهار هزار	روغن یکم هزار مثقال
۱۰۰۰	شش عباسی	برنج عنبر و یک من اینها
۱۰۰۰۰	شش عباسی	برنج مشکین یک من اینها
۱۰۰۰۰۰	هفت دینار	برنج رسی یک من اینها
۱۰۰۰۰۰۰	شش هزار	قداری یک من بوزن عباسی
۱۰۰۰۰۰۰۰	پنجاه پنجای	قدیزی یک من بوزن عباسی
۱۰۰۰۰۰۰۰۰	چهار و چهار	بنات یک من بوزن مثقال
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰	چهار و یک عباسی	عسل بوزن هزار مثقال
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	سه هزار و ششاسی	چای خوب پنج سبر
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	میهن هزار	گندم بوزن هزار مثقال یکخوار
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	دوازده هزار	جو بوزن اینها یکخوار
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	هفت هزار	کاه بوزن اینها یکخوار
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	ده بال	میمه بادام بوزن اینها یکخوار
۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰	سه هزار و یک عباسی	شمع بوزن اینها یک من

عربستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده والا تبار چشم الدوله خان میرزا صاحب شایسته عربستان و لرستان و بروجرد و بختیاری در انتظام آن صفحات و حصول امنیت و رفاه حال رعیت اتمامی کامل دارند و بامور ولایت و احوال رعیت دقت و غور سی تمام کرده اگر احجاف و زیادتی نسبت بکسی شده باشد در مقام رفع آن برمی آیند از جمله حاجی جابر خان که بحکومت محبزه و آن اطراف نامور بود نسبت بابای آنجا سولوک داشته و بعضی بدعتها و عوارضات تحمیل رعایا و کتبه نموده و مردم آنجا از تعذبات او سبزه آمده بود بدین بعض نواب معزی الیه رسیده مشار الیه را از حکومت آنجا معزول نموده و حکومت آنجا را بشیخ حاکم که محصلیات شط العرب و بحسن سلوک موصوف است مفوض داشته بهر ای عالیجاه فتح الدخان یا و فوج امرائی لرستان دشته سر باز از فوج مزبور با انتظام آنجا روانه نموده اند اما لی آنجا از این معنی زیاده راضی و شک کرده و عاکوی این دولت قوی بنیاد گردیده اند

چشم چنین سایر سرحدات آنجا از اتهامات نواب معزی انتظام تمام یافت و در هر جانی ادمی عادل کافی کار دان تعیین نموده اند که مراقب امور مالی و رعایای آن صفحات باشند و اما لی آن ولایات مرفه الحال و آسوده خاطر مشغول رعیتی و کار و کسب خود میباشند

دیگر از انتظام فوج امرائی لرستان نوشته اند که بمشغول مشغول اند و با نظم تمام حرکت می کنند و اما لی آنجا

کمال رضامندی از حسن سلوک فوج مزبور دارند که بکرات تنخواه نقد جنس که از مردم کم شده بوده و سربازان فوج مزبور پیدا کرده اند در سر آن اموال فراوانی نموده و خر کرده اند تا صاحبان اموال رفته ثانی اموال خود را داده و دریافت کرده اند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند چون شهر و قلعه شیراز بواسطه زلزله سال گذشته خرابی بهم رسانده بود و تعمیر درستی لازم داشت لهذا در این نواب مستطاب شاهزاده والا تبار مؤید الدوله که حکم آن مملکت فارس قدغن نموده اند که بنای تعمیر آنجا را بگذارند و چندیت که مشغول تعمیر آنجا میباشند

دیگر نوشته اند که بواسطه بلخ خوارکی که چند سال متوالی است در فارس میشد کندی در آنجا این اوقات نسبت به ترقی اول خیلی ترقی بهم رسانده است بطوری که خروا پنج تومان داد و می شود

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته شعبان رمضان نامی شیرازی با یک نفر سرباز دیگر که از جمله الواط شهر بوده اند بیرون دروازه رفته مشغول شرب شده اند در پیین قضا حالت سکر و شربت فطری رمضان مزبور کار دی شکم رفیق خود زده او را مقتول ساخته است مراتب بجزر امیر عبدالباقی میرزا نایب الحکومه رسیده بعد از تحقیق و ثبوت با استدعای ورثه مقتول رمضان نام قاتل نواب معزی الیه حکم بقصاص نموده و حسب حکم او را

سیاست کرده اند

۱۱۳۱

اجبار دول خارجه

احوال مشرق در آخر مرستان که شته مشورتخانه کانا
یکی دنیای شمالی اش گرفته و سخته بود از قرار یکدین
خصوص در روزنامه فرانسه نوشته اند درین پنج سال
دو مرتبه مشورتخانه مبرورش گرفته است پنج سال پیش
اعتقادی در میان خلق شد و اهل آنجا مشورتخانه مبرور را تشریف
و عیش آن ایام این بود که اهل مشورتخانه حکم کرده بودند
که بروقت که در ولایت اعتقادش شد و خلق متضرر نشود
خلق از غم متضررین بر این اهل آنجا از حد در این حکم رضایت
نداشتند در بین آشوب و برسم خوردگی عمارت مشورتخانه
آتش زدند در آن اوقات متضررین را گرفتند و دو بار
نظم در آنجا گذاشتند اما درین اوقات که مشورتخانه مبرور
دو باره آتش گرفته است عمارت کشتی شده بلکه از قضا یا
اتفاقیه بوده است و دوش بخار بجا پر گرم شده بود و بعضی
از چوبها که نزدیک بود دوش بود آتش گرفته و عمارت مبرور
سوخته بود و در وقت آتش گرفتن عمارت مبرور هوا چنان
برودت داشت که آبها کلا بخار شده بود و از طولیه و سایر
اسباب آب پاشی نیز ممکن نشده بود که آب پاشیده
خاموش نماید و باین سبب خاموش نمودن آتش آنجا
مشکل شده بود عمارت مبرور از جمله بهترین عمارت های دنیای
و تماشای چهل دوزخ از سایر منیریه های شهر بلندتر بود و چون که
لبک در کنار رودخانه سنت لارس است که از جمله رودهای
معتظم دنیاست صفا و نظرها از خوب داشت و خرج
عمارت نزدیک بی صد هزار تومان ایران شده بود و پیش
از آنکه این ولایت تصرف آنجا میباید در تصرف پادشاه

۱۱۳۲

فرانسه بود بعد از تحلیس با جنگ از فرانسه گرفته و در اوقاتی که
این ولایت در دست پادشاه فرانسه بود درین شهر کثرت
برزک داشتند و این کتابها و بعضی از پردای کرانجها
در عمارت مبرور بود درین روزنامه ها نوشته اند که آیا کتابها
و پردای مبرور نیز سوخته بایانه

در روزنامه آلمانی نوشته اند که کشتی تجارتی از آن ولایت از
کندریه مصر بجزیره مالت می آمد که بولایت انگلیس برود در راه
طوفان شدید شده و جلوس کشتی ضایع گردیده و بی اختیار بر
دریا افتاده بود بطوریکه بهر طرف که ضرب امواج اورا حرکت
میداد میرفت درین کشتی بخار و دولت عثمانیه که طایفه
سجری میمانند با و راست آمده و صاحب منصب کشتی عثمانیه
از دور دیده بود که کار کشتی مبرور معسوس است و بقاعده
حرکت میکند کشتی با دادرانده و طباب کشتی خراب شده است
اورا بلاست بشهر مالت آورده بود و از او مها و بار کشتی مبرور
هیچ یک تلف نشده و عیب نگرفته بود اهل تجارت مالت
از این معنی بسیار اظهار امتنان از سر کرده کشتی عثمانیه که این
کشتی را با اهل و اموالش از غرقاب باطل تجارت رست
نموده بودند و کاغذی مبنی بر عذر خواهی و اظهار رضایت
بسیار با و نوشته بودند سر کرده مبرور نیز در جواب آنجا
نوشته بود که تکلیف آدمی این است که همیشه بقدر امکان طریقه
نجات را مری دارد و مادام که از دوشش براید نسبت
بخلق خوبی نماید و من بسیار خوشند می شوم از اینکه بتوانم
بکار اهل کشتیها بیایم

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که کدوگ که کم پنج پیر
پادشاه انگلیس با اسلامبول در رفته است و منتهای

از اعلحضرت سلطان و از امنای دولت عثمانیه دیده است
و در همان روز نامه نوشته اند که پرنس ناپلیان نیز حاکم
در روز نامه سابق نوشته شده است و ارد اسلامبول
شده بود و از جانب سلطان و امنای دولت عثمانیه کمال
محبت نسبت با و عمل آمده است

از قرار روز نامه شهریارسی نوشته اند که موافق حساب
آخر که در آنجا کرده اند محبت آنجا دو کرو و پنجاه و دو نفر
دولت و شصت و دو نفر است و حساب اطبار که در آن
شهرند باین تفصیل نوشته اند اطبای اول یک هزار و سیصد
پنجاه و یک نفر اطبای دوم صد و شصت و چهار نفر و اسات
چهار صد و شش نفر درین صورت موافق این حساب در هر
هفتصد و هفتاد و نه نفر خلق یک نفر طبیب اول است و در هر
شهر از چهار صد و بیست و دو نفر خلق یک نفر طبیب دوم
و در هر دو هزار و پانصد و سی و یک نفر خلق یک نفر دوا

از جمله غرایب که در ناخوشی و با ملاحظه کرده اند روشنائی
که در آسمان مانند تیر شهاب کشیده میشود بلکه بعضی اوقات
بر روی زمین هم می افتد درین روزهای این رویشانیها
بگوچه ای شهر لندن افتاده بود و لکن ناخوشی و باد در آن
بسیار کم شده است

در فصل بهار سال رودخانه و سستو که از وارش میگذرد
بعد از واشدن بچ آب اوچنان بالا آمده بود که چند کوزه
آنجا را فرو گرفته و بزراب برده بود

در یکی از روزنامه های انگلیس نوشته اند که بنا دارند درین وقت
بازرسی هزار نفر قشون انگلیس را نمایند

در روز نامه هندوستان نوشته اند که اهل چین
پوسته زیاد از آن مملکت بملکت کلی فارسیا میروند و
چون که مردمان کارکن اند در آن ولایت خوب گذران می کنند
و گشتی که در میان شان شصت نفر از اهل چین بودند شهر
سنت فرنسکو که در مملکت کلیفارسیا است رسیده بودند

ایضا در روز نامه هندوستان نوشته اند که قیمت طلا
که در سال گذشته از استرالیای بیرون فرستاده اند
بیت ملیان پونداست که تخمینا هشتاد و شش کروبی بپول
ایران میباشد

جماعتی از دولتمندان اهل مملکت سبستان بیاورند دریاچه که در کنار
مملکت هاند است آب را بیرون کشند که جای زرع بسیار
و بند ساخته اند که آب دریا داخل آنجا نشود و خرج بسیار
طولی که آب آنجا را بیرون کشند حساب کرده اند که اگر
توانند زمین دریاچه را بر خشک نمایند بیش از یک
به پنجاه هزار تخم افکن است

موافق حساب جمع خرج مالیات مملکت انگلیس که سه
سه ماه چاپ میزند مالیات این مملکت نسبت بدیال
پیش ازین نزدیک بیست کرویم یاد بر شده است

در شهر سنت سبتیان در مملکت اسپانیول در روز دهم
ماه رجب زلزله سخت شده بود و لکن خانه در آنجا نیفتاد
بود و در کل سمت شمال مملکت اسپانیول این زلزله تاه
کرده بود و این زلزله دویم است که درین شهر در شهر
سبتیان و اطراف مملکت اسپانیول واقع شده است

روزنامه قایم انفاقیه تبایح یوم شنبه پنجم ماه رمضان المبارک مطابق سال ۱۲۷۰

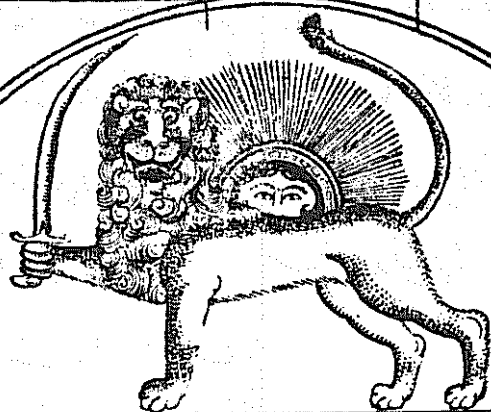
نزد صد و هشتاد و هفت

منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت روزنامه

یک ششماهی یک سال

چهار ماه و چهار هزار



قیمت اعلانات

یک سطر چهار خط یک هزار

بیشتر با سطر پنج هزار

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز یکشنبه بیست و یکم پناه اعلیحضرت پادشاهی از عمارت نیاوران بعزم زیارت جناب امامزاده قاسم سوار شدند و بعد از زیارت روضه شریفه که وقف دولت آن اطراف نزدیک غروب آفتاب بهمارت نیاوران معاودت فرمودند

جناب موسیو انجکوفشارژ و فرد دولت بهیه روس در روز شنبه شانزدهم ماه رمضان المبارک که وارد دار الخلافه الباهره می شد اولیای دولت علیه اقتضای دوستی و موافقت دولتی علیتین لوازم توقیر و احترام جناب مغزی الیه راجع آورده مقرول انخافان محمد خان و علیخان سرتیپ قرکوزلو و عالیجا محمدخان کلانتر و کفر یوزباشی با پنجاه نفر غلام و اسبان سواری و یک بایراقهای طلا از جانبش ایوانب نمایون و عالیجا محمدخان سربازان سربازک از جانب جناب جلالت آب صدر اعظم افتخام عالیجا میرزا غفار خان نایب وزارت امور خارجه از جانب جناب وزیر دول خارجه تا طرشت که یک فرسخی شهر است استقبال

رفته و در آنجا که چادر زده و شیرینی و طرزومات مهیا نموده بودند جنابش را الیه ملاقات نمودند و از آنجا با اتفاق با احترام لازم وارد دار الخلافه گردیده در روز پنجم ماه مبارک با جناب پرنس دو الغاروکی وزیر مختار سابق و صاحب سفارتخانه در حالتیکه از روزم لازمات پزیرانی و احترام عهدهی فراموش آمده بود شرفیاب حضور نمایون انحصار پادشاهی گردیده مورد اعزاز و لوازشات ملوکانه شدند و جناب پرنس دو الغاروکی بعد از عرض احضار خود و مضبوط جناب شارژ و فرد بحضور بامر النور خروانی نامه اعلیحضرت امپراطور تقدیم پیشگاه حضور اعلیحضرت شاهی داشت و از آنجا بمنزل جناب جلالت آب صدر اعظم آمده جناب معظمت الیه کمال اکرام را با اقتضای موافقت دولتی از ایشان راجع آورده و از آنجا ملاقات جناب وزیر دول خارجه آمدند و بشهر معاودت نمودند و جناب جلالت آب صدر اعظم محترم نیز روز شنبه بیستم را برای بازدید جناب مغزی الیه بشهر شیراز لوازم بازدید راجع آورده و شام نیاوران معاودت فرمودند

و معموریت هزار جریب که محل تقرب و نزد خاص و عام است
کمال استقامت را بعل آورده یک نفر آدمی مخصوصه کمال
که مراقب تنقیه مادی آنجا و آبادی هزار جریب شود که
نزمت و صفای اهرامند

فارس

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب
شاهزاده والا تبار مؤید الدوله لطیف میرزا حکمران
ملکت فارس که بفر کرمیرات لاری و نظم بنادر رفته
بعد از فتح بنادر عباسی و غیره انتظامی کامل در امور آنجا
داده و ساخلو و مستحق و تقبی به یک از سرحدات
قلعه جات که لازم بوده گذاشته اند و مواجب و سوارات
انهار امقر و داشته اند که با آنها سپیده مراقب حفظ
حراست باشند

و یک نوشته اند که جدا از آنکه نواب شاهزاده مؤید الدوله
از بند عباس مرعوب کرده بودند شیخ صید بن لم که
از اشرا مشایخ اعراب است غنیمت تخیر و تصرف
قلعه بند عباس را کرده چند کشتی جنگی آورده بود و چند
توپ هم بجهت قلعه مزبوره انداخته بود و در قشون دولت
که در قلعه مزبوره بودند مطلع شده چند توپ خالی کرده
و کل کشتی آنها را شکسته و آنها مغلوب و مکتوب با مرعوب کرده
بودند

و یک از قرار یک نوشته بودند مشایخ اعراب مال زیاد
از تجارت به این دولت برده در قش و هر مزخلاف
حساب محجر کرده اند البته اولیای دولت علیه در صدد
رفع این عمل خواهند برآمد

و یک نوشته اند که نواب شاهزاده مؤید الدوله که از سفر
بند عباس مرعوب کرده بودند در نوزدهم ماه شعبان
وارد شهر شیراز گردیده اند و حلفت عیدی که از جانب
سنی انجوانب اعلیحضرت پادشاهی بافتار نواب معری
مرحمت شده بود در نوزدهم ماه مزبور بعد از لوازم
و استقبال و احترام ریب پر و دوش اعتبار و افتخار
خود ساخته بتقدیم شلیک و سایر طرذوات تنبیت و
شادمانی پرداخته اند

و یک نوشته بودند که نواب معزی الیه در انتظام امر
آن ملکت کمال مراقبت و اهتمام را دارند و مسواره
ادفات خود را صرف رفع اشرا آن صفحات مینمایند
از جمله نوشته بودند که رئیس خبر و نامی چندی بود که
بنای خود سری گذاشته مصدر قتل چند نفر شده بود
و در عهد هیچ حاکمی پایجا ده خدمتگذاری نمیکند است
درین اوقات نواب شاهزاده او را گرفته بزمای اعمال
خودش رسانده اند

عربستان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند فوج
سیلا خوری الوابجعی عالیجاه و لیجان سر قیاب نواب
مستطاب شاهزاده والا تبار حشام الدوله خان میرزا
حکمران عربستان و لرستان و پرو جرد و نجفباری
ماور بوشتر کرده اند و فوج مزبور در دهم ماه گذشته
شعبان روانه محل ماور کرده اند

و یک نوشته اند که نواب شاهزاده حشام الدوله عالیجاه
میرزا ابوالفضل و شیخ فارس خان را با نظام امر محکم

و آن اطراف و ن سرباز امرانی روانه داشتند و جناب
 شیخ ابرهیم مجتهد و دو نفر دیگر از شیخ آنجا را نیز
 لوازم التفات در باره آنها که یکصد و پنجاه تومان متری
 بآنها داده اند سراسر ایشان را لیهار و آنه ساخته اند و
 عالیجا میرزا ابوالفضلان سرباز امرانی را در نیم و شش
 محرمه دیده طومار بهر سرسنگان آنها گرفته نیز ذواب معنی
 فرستاده است

دیگر نوشته بودند که بعد از آنکه کتابچه قانون های یونی
 امیرالامرا العظام سردار رسیده بود تحدیدات آنرا
 گوش زد خاص و عام کرده جمیع صنوف و طبقات
 آن صفحات قدغن کرده بودند که از انظار رفت نمایند
 و داده بود جار کشیده بودند که هر کس کلاه خود را با
 که در آن کتابچه مقرر است کوتاه نماید و کلاه بلند نکند
 و

اخبار دول خارج

و سیم چنین بیت و شت نفر بلوچ مستحق که من القیم
 و حراست آنجا مشغول بوده اند عالیجا مشارالیه بیان
 آنها را دیده احاد آنها را نفری دوازده تومان و یک نفر
 سربسته آنها را بیت و چهار تومان موجب معین نموده
 و برای قراولی کوت محرمه و خود محرمه و تکره خاسها
 آنجا گذاشته است و در امورات آن صفحات نوشته
 که مشارالیه اهتمام کامل معمول داشته است

درین هفته از دول خارج اخباری که بروزنامه مناسبت
 داشته باشد نبود مگر آنچه در احوالات متفرقه نوشته میشود

احوال متفرقه

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند خلعت عیدی
 امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و
 که با آنجا رسیده بود لازم است قبول و توقیر و احترام
 هایون بپوشانده و در شب جمعه بیت و سیم شعبان در
 باغ آقا که در خارج شهر است خلعت یا دوشاهی را بپوشانند
 و دوشاخ ساخته شایسته گردانند و این مقدمه است

از قراریکه در روزنامه لندن نوشته اند در تاریخ دهم
 ماه رجب قیمت اجناس و ماکولات شهر لندن ازین مقدار بود
 نان چهار پوند که بیت و چهار سیر بوزن ایران باشد
 نوزده شاهی

نان وسط چهار پوند هفده شاهی
 کدو یک پوند و نیم و شش هزار
 کدو وسط یک پوند و شش هزار
 جو یک پوند و پنج تومان و شش هزار
 باقلا یک پوند و شش تومان و دو هزار
 ماش یک پوند و شش تومان و شش هزار
 گوشت گاو و شتر پوند که یک من و شش سیر باشد

از قراریکه نوشته اند توپچی و افواج متوقف کرمان
 در توپخانه و میدان ارک مشغول مشیتند و با کمال نظم
 قاعده حرکت میکنند و از احدی امریکه دلیل بر بی نظمی
 ناشی و ص در می شود

گوشت گوسفند پوند سبز و هفتاد و شش
 گوشت بقر پوند شش هزار و دو
 گوشت گراز پوند چهار هزار و یک
 قند ۱۲ پوند که یک اندر است و بیست و چهار تومان و شش هزار

شکر ۱۱۲ پوند که شازده من و بی و دیگر چهار تومان له

از قرار روزنامه مجلس که بتاریخ ۱۱ حیب چاپ زده شده است
عباس پاشا حکم آن مملکت مصر تنخواهی که از جماعت تجار و دولتمندان
انگلیس که صاحبان کشتی میباشند که از انگلیس مصر تردد مینمایند
قرض گرفته بود درین اوقات رد نموده است و تتمه این تنخوا
که مانده بود صد و شصت و پنج پوند پول انگلیس بود که تخمیناً صد
نود و شش هزار تومان پول ایران باشد و سبب قرض کردن
تنخواه مزبور این بود که چند و پیش از این دولت عثمانیه از
پاشای مزبور تنخواهی خواسته بود و چون منظور پاشا این بود
که در فرستادن این تنخواه معطلی حاصل نشود تنخواه را از
اشخاص مزبور قرض کرده بود و باسلامبول فرستاده بود
حال تنخواه را سرانجام نموده و بصاحبانش رد کرده است

۱۱۳۸

درست جنوب بنکال هندوستان تجا نیست در میان
هند و مشهور و هم آن جگه نایب است و در میان این تنخوا
بسی بزرگ است که در روی عراده گذاشته اند و سالی یک مرتبه
این بت را بیرون می آورند و بگرد و بخت میگردانند و خلعی
از بند و با بزیارت اومی آیند و بعضی در بین عبور عراده بت
خود را بر چرخ عراده او انداخته جان خود را فدا می کنند و
آنها شکسته و خورده می شود دولت انگلیس چند سال است که
سعی بسیار کرده اند که این قاعده را موقوف نمایند و نشسته
درین روزها نوشته اند که عراده بت مزبور که از چوب بود
آتش گرفته و بالمره سوخته است

در روزنامه باستان یونانی دنیا نوشته اند که انبارهای

اطراف آن مملکت از هر قسم غله و آرد و سایر ماکولات چنان
پر بود که جای ریختن غله نداشتند و بسیاری از غله بیرون
مانده بود و کشتی در آنجا کم بود که آذوقه و غله مزبور را بار کردند
بفرمانستان ببرند و سبب زیاد شدن غله در شهرهای اطراف
مملکت یونانی دنیای شمالی این است که مملکت مزبور جای بسیار
حاصل آورد و غله خیر است و مردم آنجا چون شنیده بودند
که غله و سایر آذوقه در فرمانستان ترقی دارد و قیمت اعلی
غله و آذوقه خودشان را بکنار دریا فرستاده بودند و
از آنها بفرمانستان روانه شده است و لکن از قرار یک نامه
انقد کشتی نبود که هدایا را بار کرده بفرمانستان ببرند و
این آذوقه فراوان بفرمانستان برسد البته تفاوت کلی در
قیمت اجناس فرمانستان خواهد کرد

در مملکت یونانی دنیای شمالی بسیاری از رودخانه های عظیم
از سر تا سر آن مملکت میگذرد و در روی رودخانه های مزبور
کشتیهای بخار تیز رو و پراخ انداخته اند هم بجهت تردد سیاح
و هم بجهت بارهای تجارتی چون که صاحبان کشتیهای مزبور
بحدیکه یک کشتیهای خود را بسیار تند میرانند بسیار اتفاق
می افتد که در سرعت حرکت کشتی و یک بخار شرمی ترکند
مردمی که در او نشسته اند تلف می شوند از جمله در روزنامه
انولایت نوشته اند که از کشتیهای مزبور در یک هفته
پنججاه نفر تلف شده اند بسبب ترکیب چرخ بخار کشتیها
بسبب تشر کردن و غرق شدن کشتی

در مملکت فرانسه مانند اکثر ممالک فرمانستان قاعده است
که هر کس شغل تازه اختراع بکند فرمان میدهد که بی ادب
او کسی دیگر در آن صنعت مداخله کند شخصی درین روزها

۱۰	سرایر دو تومان	فرانس ساختن قدر از که و اختراع کرده است و فرمان
۱۰	رنبدة المعارف دو تومان	بضمون مرور از دیوان گرفته است و قندی که از که و میا
۵	معراج المعاده یک تومان	مانند قدبت که از شکر ساخته میشود
۱۰۰	حدیقه الشیخه هشت هزار	نواب غلام محمد خان و پسرش درین روزها از هندوستان
۲	شرح کبیر دو جلد شش تومان	بلندن وارد شده اند و نواب مرور از اولاد پتو صاحب است
۴	شرح المعه یک جلد سه تومان	گویا سلسله مرور تا سیه پست مسمی از دولت انجلیس داشته اند
۱۰	شرح الزیاده دو تومان	حال نواب مرور بولایت انجلیس آمده است که بلکه طوری
۱۰۰	توضیح پانزده هزار	نماید که این مسمی مدامی بود
۱۰۰	فردوسی چهار تومان و نیم	پرنس ده و روانیل پسر لوی فلیپ پادشاه سابق فرانسه
۱۰	تفسیر صافی یک جلد دو تومان	از پادشاه اسپانیول خواست کرده است که اذن بدو
۱۰	قوانین یک جلد دو تومان	خودش بازن و سایر عیالش در شهر غرانا و یکی بکنند
۴	قاموس سه تومان	پادشاه اسپانیول آنجا را اذن نداده است و لکن اذن
۴	مجمع البحرین سه تومان	داده است که در شهر سولین میباشند
۱۰	تحفة الزائر یک تومان	در مملکت انجلیس معدن طلا تازه بکار انداخته اند سنگ سفید را
۱۰۰	قرآن ارزان سه هزار	خورد می کنند و طلا از او بیرون می آورند و چرخ و اسباب
۲	مجمع البیان شش تومان	بجهت خورد کردن سنگ مرور ساخته اند و این سنگ سفید از
۴	جوهری شش هزار	قسم سنگ چاق است و از قسم سنگ عقیق نیز متاخر است
۱۰۰	زینت المجالس ده ریال	این سنگ شش مثقال طلا بیرون می آید و چرخانی که تابا
۲	مالک شش تومان	ساخته اند و در هر چهار ساعت جزو از این سنگ خورده
۴	مدارک سه تومان	و بجهت آنها که نتوانند که داشته اند نفع دارد
۱۰	تفسیر امام حسن عسکری یک تومان	اعلامات
۱۰۰	کشور هفت هزار	کتابهای چاپی دارا اختلاف طهران که در کارخانه حاجی
۱۰	تاریخ پطر کبیر دو تومان	عبدالمجید با سه چی در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع
		شده است از این مقدار فروخته میشود
		ختم نظامی بیت و پنجاه

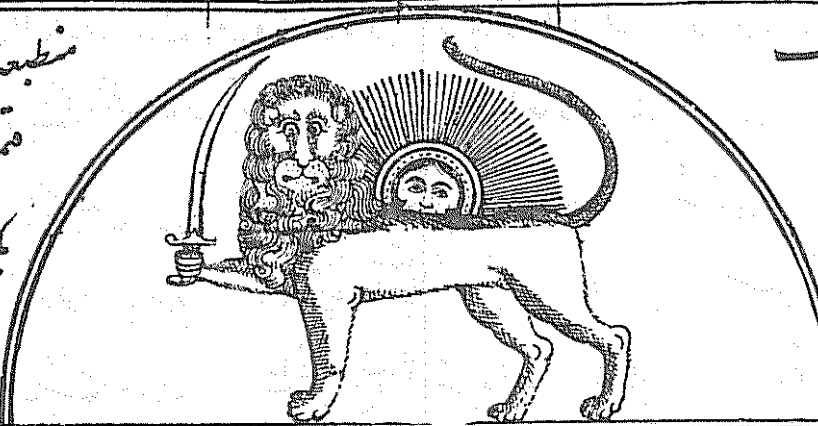
روزنامه قایم اتقا و تبایح یوم شنبه بیست و نهم شوال المکرم مطابق سال یاسین سنه ۱۲۷۰

نمره صد و هفتاد و هشت

قیمت روزنامه

یک نسخه شش هریس

هفتاد و چهار هزار



منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الاجار طریقه درج

پیشتر بهر طریقه

اجبار و احکام محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در شب شنبه بیت و مقام ماه رمضان المبارک
اعلیحضرت پادشاهی بنزل جناب نظام الملک نایب
صدارت عظمی و شخص دویم دولت علیه ایران که در کاشان
نزدیک بنیادوران است تشریف فرما گردیدند و لوازم
و پای انداز و قربانی سجه مقدم بیاورن بعل آمده و افطار
در آنجا صرف فرمودند و بوجود مبارک شاهنشاهی بسیار
گذشته تقدیم خدمات جناب معظم الیه و تکلیفات ضیافت
بسیار مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده مورد تحسین و
لوازش گردیدند

اعلیحضرت پادشاهی در بنیادوران شیران باسلام
عام دادند انسانی دولت علیه و مقربان حضرت گردون
بسط سینه و خوانین و امرا سرکردگان عظام و صاحبان
نظام با خلایع و نشان شرفیاب حضور هر طور خسروانی
گردیده هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده سلام
التقا دیافته اجرای شلیک توپ و زنبورک بقاعده
معمول شد و خطیب در حضور مبارک خطبه بنام اعلیحضرت
پادشاهی ادا نموده شرابط مبارک با دعید در حضور مبارک
تقدیم گردید

در روز شنبه بیت و مقام اعلیحضرت پادشاهی بعزم
تفریح از بنیادوران حوالی عصر سوار شدند و بطرف جلگه شیران
و دوات واقع در آن اطراف حرکت فرموده تا نزدیک
غروب آفتاب بتفریح و تماشای آن صفحات شوال بودند
و نزدیک غروب آفتاب بجمارت مبارک بنیادوران
مراجعت فرمودند

و رسم در روز عید فطر ایلیان دول محتاج به تقیم دار الخلافه
طهران در بنیادوران شرفیاب حضور هر طور خسروانی
گردیده و مبارکبادی عید فطر اقام نمودند و از جانب
سنی اجواب اعلیحضرت پادشاهی بهر یک از آنها تعقیبات
ملوکانه مبذول گردید

در روز عید فطر چنانچه در همه اعیاد رسم این دولت علیه

حاجی محمد تاجر تبریزی که چرب امر اولیای دولت علیه

و بطرز بزرگ برای کتاب صنعت قه بودند این اوقات
مراجعت نموده اند و اشخاص مفید از اینقرار اخذ نموده

بپور ساز بخار - شکر ریز ^{بزرگ} چیلانگر ^{بزرگ} ریخته که چون

و باتفاق حاج مشایره بدر بارهایون پادشاهی

مؤده و جناب جلالت آب اجل اکرم صدر عظمی آنها را

احضار کرده از صنایع آنها تحقیق نموده و کمال نوازش

در حق آنها نموده همگی آنها را احلت دادند و مقرر شد

که عجله دو دستگاه چرخ دستی کاغذ سازی که همراه

کارخانه ساخته و آنها را برآه بپندارند و بجایگاه

مصلحت گذار بطرز بزرگ نیز فرستند که دو دستگاه

از همان چرخ کاغذ سازی از آنجا خریداری و آنه نماید

و خود حاج مشایره از دربارهایون بازندان

نموده که بنای کارخانه شکر ریزی و شکر سزی را

بگذارد و بسیار امیدوار استند که دستگاه شکر ریزی

استخاطوری بشود که تا عرض مدت دو سال بعد کفایت

همگی ممالک محروسه دولت علیه شکر سازند از آن

بیاید و از همان شکر سازند از آن در وقتی که بپایان

آمده صاف کرده بودند نمونه از آنجا جناب جلالت

صدر اعظم آوردند بهتر از شکر و وزیر بسیار خوب

درین اوقات عباتی در کاشان از ابریشم بعل آورده

مثل عبا های خوب ابریشمی که بلا و نجف عالیجا محمد ابر

حاکم کاشان سه ثوب ازین عبا ها تمام کرده و بدر بار

هایون فرستاده بود بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاه

رسیده پس استحسن و مطبوع افتاده بجهت ملبوس مبارک

برداشتند و مقرر فرمودند که باز هم این عبا ها سازند
و یکی از آنها را هم بامیر الامراء العظام سردار کل حضرت

سابقا اموالی از تجار بخانی در میان صایقعه و سفر

کردستان برده بودند عالیجا محمد رضا بیک شینت

جناب جلالت آب صدر عظمی از دربارهایون بزرگ

حکم اولیای دولت علیه محصل پیدا کردن اموال سرور

بود مشایره الیه کمال اهتمام را در خدمات مرجوعه نمود

معمول داشته بعضی از ارفین را بدست آورد و بکام

استخاسر ده و اموال سرور را دریافت نموده و

صاحبان آنها داده قبض رسیدگی دریافت نموده

و بنظر اولیای دولت قاهره رسانده و بذات او بسیار

مقبول و تحسین قیاد

عالیجا و لا و رخا فرستاده نتیجه الاموال العظام سردار

رحمدل خان برادر سردار کهنل خان سردار قندهار که

عریضه بخاک پای مبارک شایسته ای آورده بود در روز

شنبه بیت و منعم ماه رمضان المبارک وارد دربار

هایون گردید

سایر ولایات

از پایبجان از فراریکه در روزنامه از پایبجان

نوشته بودند نواب مستطاب هزاره و الا بتبار نصره اوله

و مقرب انخاقان قایم مقام در انتظام امور انولایت

انجام خدمات دیوانی ریاده اهتمام دارند بعضی از حکام

که شایسته و قابل ندیده اند از قبیل حاکم اردبیل و

ارومی و قرا داغ و شتر و تغییر داده عالیجا حاجی محمد

نقشان

نقشان

نقشان

نقشان

قاجار را بکومت ارمی و عالیجاه حیدرسلطان شاد لوزا
بکومت اردبیل و عالیجاه اسدالدخان قاجار را بکومت
قزاق و داغ منصوب نموده و شتر و درانیز را بجمع عالی
یحیی خان ایلمانی حاکم مراغه کرده اند

عربستان

چون مباشرین سابق میزان از عمل میزان باقی دار بودند
و افراط و تفریط در عمل آنها شده بود لهذا وشت کرده در آنجا
نماندند بعد از آمدن آنها مقرب انخاقان قایم مقام عالیجاه
آقا سید اسماعیل تفرشی و حاجی رضای اصفهانی را بر سر
میزان گذاشته است که مشغول خدمت میزان باشند

از قراریکه بعضی خاکهای همایون رسید نوک و سر باران
در دادن فرع مالیات دیوانی احوال و نقل داشتند
مقرب انخاقان قایم مقام مرتب را بعضی اولیای
دولت علیه رسانده حکم محکم همایون صادر کردید که نوک
و سر بار نیز مثل عیت فرع مالیات دیوانی را موافق
قرار داد دیوان از عمده براید

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون این اوقات بنجام
عبور و مرور طواف قفقانی و بختیاری از راههای اصفهان
بجهت نظم راهها بهرجائی سوار فرستاده است که دزدی و
هرزگی نشود و کمال انیت بجهت مراقبت عالیجاه بشار الیه
آن راهها حاصل است

از قراریکه نوشته بودند سربازان بسیار به بلوکات اصفهان
ریخته و پاره از دوات و بلوکات آنجا را یکجا تمام کرده است

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه
چراغعلی خان نایب الحکومه اصفهان چون این اوقات بنجام
عبور و مرور طواف قفقانی و بختیاری از راههای اصفهان
بجهت نظم راهها بهرجائی سوار فرستاده است که دزدی و
هرزگی نشود و کمال انیت بجهت مراقبت عالیجاه بشار الیه
آن راهها حاصل است

و برنج و روغن و خزانیه نهایت و فوراً دارد

دیگر نوشته اند که نواب براسیم میرزا نایب الحکومه بستان عالیجاه علیه و خان جانی و سواره ابوالجحی او را احضار فرموده اند و شارالیه نیز با سوار خود در کمال استکمال آمده و سان داده اند و مامور بحفظ و حراست آن صفحات گردیده که آنجا را از تعدیات دزد و قطاع الطريق و غیره محفوظ داشته باشند

و همچنین در انتظام و آبادی آن ولایت و زراعت سمند ناصری و نهاده و قرارهای آنجا اهتمام کامل نموده اند و عیال آنجا اسوده خاطر مشغول زراعت میباشد و عالیجاه میرزا علی پیشکار عربستان درین باب صاحب احکام نواب است و اهتمامات کافی بعمل آورده است

دیگر در انتظام امر شهر شوستر و موقوف نمودن پارکها و خلاف از قبیل قمار بازی و غیره نواب نایب الحکومه قدغن اکیده نموده اند و بعضی خرابیها و سردابها که محل اجتماع الود و اشهر سر باز و غیره سر باز بود که در آنجا بناهای کتب میشد آنجا را موقوف و اشهر را بتبیه کامل نموده اند که بعد از آنکه مرگب اینگونه طای و سنای نشوند و هم چنین زمینهای فاحشه را نیز که مشهور و مشغول هرزه کاری بوده اند اخراج بلاموده اند

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد حسن خان دزفولی که تقابلاً از اقبسات عالیات رفته بود درین اوقات از حسن ملک نواب نایب الحکومه خاطر جمعی حاصل نموده بدزفول مراجعت کرده است و نواب مغزی الیه نیز التفات بسیار فرموده

و خاطر جمعی داده اند که مشارالیه را مورد التفات نواب شاهزاده چشام الدوله نمایند و عریضه بنوب شاهزاده نوشته مشارالیه را روانه بر وجه نموده اند

فارس

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده و الاتبار موید الدوله لکھاب میرزا حکم ان مملکت فارس بعد از مراجعت از سفر کمرسرات لار و بنادر چون خوانین و صاحب منصبان قشون را

که در آن سفر خدمت کرده بودند بعواطف اولیای دولت قاهره و تشریفات فاخره سرفراز کرده بودند و همچنین آنها را نیز که در غیاب نواب مغزی الیه و شیراز بر اسم خدمتگذاری و تقدیم خدمات و دیوان مشغول بودند مشمول خلعت و التفات کرده بودند لهذا در عمارت دیوانخانه

مجلس شیلان و شیرینی ترتیب داده و یکی اهل درخانه از اعاظم و خوانین و صاحب منصبان نظام در آن صیانت حاضر شده و بعد از آن همه مجلس بخلع فاخره مخصوص نواب مغزی الیه رفته اند و نواب مغزی الیه از جانب سنی ابوالناب علیحضرت پادشاهی و امنای دولت علیه بهر یک یک التفات فرموده است

چنانچه در باب بنادر عباسی و غیره سابقاً نوشته بود که نواب شاهزاده لوازم اهتمام را معمول داشته است و از جمله چهار صد نفر سر باز از فوج قشقایی و کلپایگانی و کلهزار نفر تفکیکی کمرسری بجهت خلکو و کوتوالی قلعه بندر عباسی در وقت مراجعت تعیین کرده و گذاشته اند و حکومت بندر نور و شمل میناب را با عالیجاه عباس خان غلام پیشینیت

تفویض نموده اند و بعد از ورود بشیر از یک دسته توپچی و چهارصد نفر سرباز از فوج حومه قرار داده اند که به بند عباس بروند که آن توپچی و سرباز سابق که در اینجا هستند مرخص خانیست

و دیگر نوشته اند که در اوقات توقف نواب شاهزاده در کربلا که قرار نظم اینجا را میدادند عالیجاه رضاقلیخان سرتپ را با فوج عرب ایلانی ابو ایسمعیل و با خلوی بند عباس معین کرده بودند فوج مزبور با غوای بعضی مفتین از صاحب منصبان و غیره همان فوج با عالیجاه رضاقلیخان مخالفت نموده و بی حکم شیراز آمده بودند نواب معسری الیه بعد از مراجعت درین باب تحقیق کمال نمود معلوم شد که بود تحریک بعضی صاحب منصبان فوج مزبور بوده آنها که مصدر بودند بعضی اخراج و برخی اقباضه کامل نمود و خانبا با خان یا و راکه زیاد مصدر تحریک فوج مزبور شد بود از فوج بیرون نموده اخراج کردند و چند نفر سلطان و صاحب نصاب و دیگر را که مقصر بوده اند حسب احکام بقراول انداخته اند و بعد از آن حبس اند و این معنی که دلیل بر نوبت شاهزاده بود زیرا در خاکهای هایدون شائشای تحسین پندیده افتاد

و دیگر نوشته اند که اوقات مراجعت نواب شاهزاده از سفر مزبور در منزل چهارم معصوم خان قورت چهار نفر روز دگر گرفته بحضور آورد بعد از تحقیق و حضور یکی از آنها را که معلوم شده بود سالهاست قطع طرق اشتغال دارد حکم بیست نموده و سه نفر دیگر بحبس فرستاده اند

و دیگر نوشته اند که مصطفی خان بسکی را که در بن سفر علامات مخالفت و خیانت از او ظاهر شده بود و نوشتجات متفرقه نیز او بدست افتاده بود حسب احکام نواب شاهزاده معین و در فوج

قشقایی با قراول وارد شیراز کردند و دیگر نوشته اند که قافله از بندر بوشهر با تجاراتی به شیراز می آید و جمعی از سارقین بر از جانی و غیره همدست شده بودند که در پنج فرسخی بوشهر قافله را غارت نمایند قاسم خان بنک که مامور خلوات نجاست جبردار شده اینجا به نفر سرباز با قافله همراه کرده بود و دزدان غافل از اینکه سرباز همراه قافله است در زیر چاودک پنج فرسخی بوشهر بر سر قافله یخته بودند و سربازان بعد از مقابله پیش رفته سه نفر از دزدان را دستگیر کرده بودند و یک نفر از سربازان نیز زخمی گردیده بعد از دو روز فوت شده بود نواب شاهزاده و نفر از آن دزدان حکم کرده بودند در بوشهر نیزه بچ نمایند و یک نفر دیگر را نگاه دارند حسب احکام معمول داشته اند

و دیگر نوشته اند که شخصی از اهلیات در وسط روز در بازار شیراز راه میرفت با کاه و دفته افتاده وقتی بهرش رسید جان تسلیم نموده بود از قرائیکه نوشته بودند ناخوشی خفقتان داشته است

و دیگر از بلخ خوار کی هال نوشته اند که بجای اولایت بسیار ضرر رسانده است حتی حاصل بعضی دها و بلوکات بالمره تلف کرده است

اخبار دول خارجه

درین هفته نیز اخباری تازه از فرنگستان نیست مگر آنچه در احوالات مفرقه نوشته میشود

احوال مفرقه

ثانی از قراول حساب نظام جنبطیه شهر پاریس در آخر ماه جمادی در پاریس بای تحت فرانسه دو هزار و شصت نفر انگیلیس

سواى اطفال که بحجاب آورده اند

دست که میزبانی نام که چند سال پیش ازین در مملکت ایتالیا
میکرد و بزرگ باغبان آن مملکت بود بعد از فرار از آنجا مخفی است
و محلی معین ندارد و بعضی از مردم محان میزند که دو ریش را
دو باره از مملکت ایتالیا ظاهر شود که باز در آن ولایت

در مملکت فرانسه تدارک میدهند که در سال آینده عمارتی
مانند عمارت بلور لندن بجهت گذاشتن نمونه اجناس کل روی
زمین برپا نمایند و چونکه این شغل محول به پرس ناپلیان بود و
او هم مامور باسلا بول شد است حال این کار از جانب
لوی ناپلیان امپراطور فرانسیکی از وزیر رجوع خواهد

در جزیره سنت وینسنت که یکی از جزایر خط استوا میباشد
انجام میجو استند بزرگ شور تخانه را بلند و شهرست با
آتش بزنند اهل آنجا خبر دارند و کذا

موافق حساب عمارات ولایت خود انجلیس از جمله چهارده
هفتاد و هفت کلیاست که بحجاب آورده اند

درین روزها در شهر بالتیمور یکی دنیای شمالی یکی از تجار
آنجا فوت شده و اموال او را که در میان ورثه تقسیم کرده
یک طایفان دالار بود که تخمینا یک کرو پول ایران با

در فرنگستان در خصوص کسانی که در راه آهن با کالسکه
سفر می کنند و بجهت بهم خوردن کالسکه های مذکور که گاهی اتفاق
می افتد کشته و زخمی میشوند قاعده گذاشته اند که اگر وراثت
آن شخص که کشته شده یا خود آن شخص که زخمی شده بتواند
ثابت نمایند که برهنه روی کالسکه از احوال عجایب این کار بود
از صاحبان راه آهن و کالسکه بخارتاوان و دینا و اورا یکگیرند

از جمله درین روزها وراثت شخصی که در راه آهن کشته شده
بود سه هزار پوند که تخمینا شش هزار و شصت تومان پول
از صاحبان راه آهن گرفته است

اشخاصی در مملکت انگلیس و یکی دنیاستند که شرب مکررا
حرام میدانند و منع می کنند بسیاری ازین اشخاص در یکی دنیا
شمالی استند در روزنامه یکی دنیای شمالی نوشته اند که
در یکی از بلوکات آن مملکت خلق در شور تخانه قاعده گذاشته
بودند که ساختن مکررات از دیوان منع باشد و بناداشتنند
که هر کس ظروف و غیره بجهت ساختن مکررات داشته باشد
سکته و بر طرف نمایند و لکن دیوان در آنجا این حکم را محلی
نداشت زیرا که در آن ولایت قانون آزادیست و این عمل
قانون آزادی بود

از قرار روزنامه هندوستان هند بزرگ در نزدیکی رودخانه
لکات که بجهت تردد کشتیهای سازند کم مانده بود که با تمام
و بناداشتنند که در ششم ماه رجب بجهت تردد کشتیهای بخار
و این کار در هندوستان کار بسیار عمده است و گویا تا بحال
در آن ولایت در عهد هیچیک از پادشاهان آنجا چنین کاری
با تمام نرسیده باشد و وقتی که تمام شود و عبور کشتیها از آنجا متمرکز
نفع بسیار بجهت رعایا و صاحبان املاک آن اطراف بهم برسد
کسانی که تنخواه و ریاضت این خرج کرده اند خواهد کرد

روزنامه قایم اتفاقیه بنام یوم خمیس مائوال المکریم مطابق سال برسنیل ۱۲۷۰

مذمه صد و نفاذ و نه

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

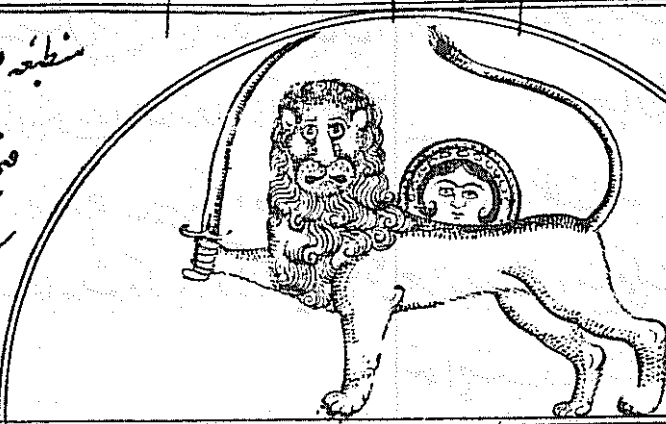
قیمت اعلانات

یک نسخه شاه پیکار

یک سطر ایچا طر کتبه

و تان و چهار هزار

بیشتر با طر پیکار



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه سیم انماه اعلیحضرت پادشاهی از نیوا
عنایت شهر دارالخلافه فرموده ساعت از روز که ششم
شدند و جناب جلالت آب صد اعظم و هر دو کان عظام
و امنای دولت عالی و مقربان حضرت کرد و نوبت
و سایر خدمت هم ششم آنروز را در رکاب مبارک شهنشاه
و چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد قانون دارالخلافه
که در ایام ماه مبارک رمضان کسبه و اصناف شهر دجا
معین جمع شده اسباب بلور آلات و امتعه گران بها و اقش
از هر قبیل و حجرات که ترتیب داده اند چیده آرایش میدهند
محل تفرجگاه و خرید و فروش و داد و ستدی شود امسال چون
میدان جلور و اژه ارک مبارک مشهور به میدان حبش
تازه با کمال شکوه و صفاساخته شده است تجارت و کسبه و اصناف
و ارباب صنایع در میدان مزبور حجرات ترتیب داده و با
و امتعه آرستند و چون که در ایام ماه مبارک رمضان اعلیحضرت
پادشاهی بشه تشریف فرما شده بودند مقرر فرمودند که اقش
و نفایس میدان مزبور را برنچینند و بهمان نیت و ترتیب

باشد تا روز مزبور که موکب هایون تشریف فرمای شهر گردیدند
بمقرع میدان حد تشریف رفته و تجار و کسبه و صنعت کاران
اسه و بلور آلات و نفایس در جلو حجرات خود داشته
بمعرض عرض حضور مبارک آوردند و خود اعلیحضرت پادشاهی از آنجا
پسند خاطر هایون افتاد از آنجا خریداری فرمودند علاوه از آنکه
تجار و کسبه از فروش امتعه خود و نفع بردند از زیاده
وجود نفایس اجد مبارک کمال خرمی و انبساط بعموم مالی دارالخلافه
حاصل گردیده زبان بشکرانه این موهبت و دعای دوام
دولت جاوید مدت علیه کشود و اعلیحضرت پادشاهی بعد از
تفرج و تماشا ای آنجا در همان روز نزدیک بغروب آفتاب
بمبارت مبارک بنیادان محاورت فرمودند
وزارت و خایف و موقوفات کل ممالک محروسه پادشاهی
صان الله عن لیساهی از جانب سنی اجدانب اعلیحضرت آقدس
شاهی بوجب صد و فرمان لازم الاذعان هایون
مفوض و مرجع بمقرع انخاقان جناب مرزا محمد حسین عضدالملک
و بمقتضای حکم اولیای دولت قوی شوکت علیه ثبت شد
و خایف و موقوفات از دفتر خاتمه مبارک عمر نامه ب انخاقان

مشاریه تحویل تسلیم است و حسب الامر مقرر است که
 پشت فرامین و احکام مطاعه که داخل محل وظایف و موقوفات
 دار و خطاهه مشارالیه محل اعتبار و بی خط و مهر و از دفاتر
 خلوه نگذرد و بامهادرستوفیان عظام نزد چون انضباط
 وظایف و موقوفات زیاده از حد منظور نظر هیون است لهذا
 بر عموم متولیان و اشخاصی که دخیل امر موقوفات در مالک محلی
 میباشد امتثالاً لازماً را علی لازم بی واجب است که بی اطلاع
 مقرب الخاقان مشارالیه بامباشرا و داخله در امر موقوفات ننمایند
 و همه که ثبت و سرشته و دخل خود مشارالیه برسانند که اطلاع
 اولیای دولت علته رسانده همه محاسبات موقوفات
 نیز و جزو وظایف بادویان عظام سپردار و بدیهی است
 که هر کس اقدام بر رفتاری نماید که منافی حکم هیون باشد آ
 مورد مواخذة خواهد شد

چون منظور اعلیحضرت پادشاهی از دایر نمودن در ^{النفوس} _{دار}
 و آوردن محلیت از فرنگستان ترویج قوانین نظامیه و قواعد
 حربیه و سایر علوم هندسه و طب غیره است و امتحان از قسیمی که
 در سه نوبت و ایر شده هر یک از میران پنج و سترسان و
 صاحب منصبان نظام کمال سعی و اهتمام را در مشق و حرکت دادن
 نظام و اقسام حرکات حربیه معمول داشته و ترقیات کلی
 نموده اند از جمله عالیجا مقرب الخاقان علیخان سرتیب قراقرظ
 کشانی در علم نظام و اسلح جنگ و قواعد مشق قشون تالیف
 نموده و عالیجا کلون صاحب تصدیق کرده بود بتوسط امیرالامرا ^{لعظام}
 سردار کل مجبور هیون اعلیحضرت پادشاهی معروض داشت
 و بسیار مشق و مطبوع خاطر ملوکانه افتاد مشارالیه را مورد
 تحسین و التفات خسروانی فرمودند و از حضور هیون از آن

مرخصی حاصل نموده درین روزها بهمدان روانه گردید که در
 سرفوج ابو اجمعی خود بوده امر آنها را منظم بداند تا هر وقت
 که احضار فرمایند بدینجا یون دست نماید

درین اوقات که موکب هیون در نیاوران تشریف دارند
 امورات و اختلاف طرآن با اتهامات وافی و مرافیت
 کافی نواب سبط شاهزاده و الاتبار اردشیر میرزا حکمران
 و مقرب الخاقان میرزا موسی و زید و از اختلاف طرآن و توابع کمال
 انتظام است و اشخاصی که مقرر و مراقب نظم شهر و محلات
 از قبیل عالیجا محمود خان کلاتر و که خدایان و صاحبان
 نظام قرا و نجانها و داروغه و کزنهها و غیره همگی در عیانت موکب
 هیون نهایت خدمتگذاری را در انجام خدمات مرجوعه
 معمول داشته اند

از قرار یک در روزنامه شهر نوشته بودند یک نفر ضعیفه
 یزدی بقدر ششصد مفسد تومان اسباب از مردم بدینج
 سرقت نموده بود و عالیجا میرزا رضای که خدا او را گرفته است
 نواب شاهزاده آورده بود و معلوم شده بود که ضعیفه مذکور
 سه سال قبل نیز در طرآن بدزدی گرفته شده بود و بعد از آن
 اموال مردم او را از دار اختلاف اخراج و بیزد فرستاده بودند
 این اوقات در ثانی بطران آمده و بنای سرقت را گذشته
 بعد از آنکه اموال مردم تماماً از او استرداد و بصاحبان
 اموال تسلیم گردید نواب شاهزاده حکم کردند که او را بابت
 نایب چا پرخان سپرده التزام بگیرند که برده و بیزد و بنای
 یزد سپرده قبض گرفته بیاورد

سایر ولایات

۱۱۴۷

آذربایجان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند اموات
آبخان از اتهامات نواب شاهزاده والاتباء نصره الدوله
فیروز میرزا و مقرب الخاقان قایم مقام کمال انتظام
دارد و حکام جزو نیز بعضی چنانچه در مضمون گذشته نوشته
تغییر و تبدیل یافته و بمکی روانه مقر حکومت خود شده اند

استرآباد

در روزنامه استرآباد نوشته اند که بعد از آنکه مقرب الخاقان
محمد ولیخان بیکرمیکی از کوهکان مراجعت کرده بود خلعت
هایون رسیده لازمه احترام را از خلعت مهر طلعت
بعل آورده بود و با جمعی از سرکردگان و صاحب منصبان
و توپچی با استقبال خلعت رفته بعد از ادای مراسم شکر
گذاری خلعت هایون را بپوشش اشیا جود نمود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند نواب
مستطاب شاهزاده والاتباء فریدون میرزا فرمانفرمای
مملکت خراسان بمقام ماه رمضان المبارک از افاق در بند
مراجعت کرده تا روز خلعت عیدی اعلیحضرت پادشاه
پوشیده لازمه احترام را در استقبال خلعت آفتاب طلعت
بعل آورده بودند و در ششم ماه مزبور داخل شهر شده بجهت
تتمیت توقیر و احترام خلعت روز و در دیشهر چند توپیک
شده اعیان شهر کلاً با استقبال نواب مغزی الیه رفته بودند
و بعد از آنکه نواب مغزی الیه بزیارت روضه منوره رفته و
مراجعت کرده بودند چون در سنگهای نرخیان خرابی مشاهده
کرده بودند دستور العمل داده و قدغن کرده بودند بزودی

تغییر خرابیهای آنجا را نموده آب بنیدارند و مقرب الخاقان
میرزا فضل الله وزیر نظام مسئولی باشی و پیشکار خراسان
قدغن کرده بودند سنگهای قوی صحن کهنه را بکلی کنده اند
سنگ فرش نمایند و طلاکارهای ایوان کهنه را که ضعیف
شده بودند استناد کاشته اند که پاک کرده کلاً را از کفند
و سقاخانه و باره طلاکاری نمایند و هم چنین مسجد کهنه
هم بنا گذاشته اند که درست تعمیر نمایند و دیوارهای نیم
بنا انداخته و درست تعمیر نموده اند و جنسی خوب و متعین
شده است

سمنان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند یک کرک
با چند کلاغ دیوانه شده اند و آن کرک چند نفر در صحرا مار
کرده بوده است بعد مردم اجماع کرده و او را با تفنگ کشته اند
و لکن آن کلاغهای با سر عقب اوها میکشیده اند
و متعاقب هر کس که میرفته اند دیوانه می شده است
بهین طریق سی چهل نفر دیوانه شده بودند و بعد از آن
روز کلاغها در آنجا بودند و بعد رفته اند و از آنها خبری

کرمان

از قراریکه نوشته اند امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
حکمران یزد و کرمان کمال اهتمام و تأنید در نظم و نسق
شهر و بلوکات و جوانب دارند و امر رعیت بسبب اهتمامات
سردار کمال نظم را دارد و اشرا را بعبیه کامل مینماید از هر شخصی
خورد و مسجد جامع رفته بود او را گرفته بنزد سردار آورده بودند
از اینکه مستعجلاً رفته و مرکب چنین چهره می شده بود
او را حبس کرده و تنبیه کامل نموده بعد از آن اخراج کرده اند

اخبار دول خارج

انگلستان

تا رنج کا قاعدہ آخر که از لندن رسید چهار ماه شعبان بود و در مشورتخانه آنولایت گفتگوی شد و بود و در بعضی اشخاص که یکی از مالک کوچه ایطالیارفته بودند و در بعضی اشخاص که در آن مملکت مجوس بود با امنای دولت آنجا گفتگو کرده بودند و همچنین بعضی اشخاص دیگر از اهل انگلیس که چند وقت پیش ازین به بطرز بویغ رفته و بنجدمت امپراطور مشرف شدند که ممانعت از جنگ نکنند چونکه گفتگوی مابین دولین مخصوص پادشاهان است این اشخاص که رفته مطالب خود را پادشاهان دول خارج گفته اند خلاف قانون دولتی کرده اند قاعدہ چنین بود که عرض مطالب خود را به دولت خود نمایند و ایلمپیان و امنای دولت از جانب دولت این گفتگو را با خارج در میان بیاورند و چون قاعدہ دولت انگلیس این است که اگر کسی از اهل آن مملکت در خارج تقصیر کند چاکران دولت انگلیس تسلط ندارند که او را متبیه کنند موافق قانونی که داشت تبنیه کردن این اشخاص قدری مشکل بود حال درین باب حکمی صادر کرده اند که هر کس از اهل انگلیس برود و پادشاهان دول خارج مطلبی بی اطلاع ایلمپیان و چاکران دیوان بگوید مورد مواخذہ خواهد شد درین روزهای یکی از کشتیه های پادشاه انگلیس که به دولت بود که بکنار مملکت افریقیہ رفته بود بولایت انگلیس مرتجع گردید و درین دو سال یکپس از اهل این کشتی نمرده اند و بسیار غریب بسبب اینکه سابقا آن ستمبار بسیار بد آب و هوا بودند و سبب است بسیار اتفاق می افتاد از اهل کشتیه ها که با نجا میفرستادند سبب دیگر آنست که در آنجا تلف میشد بسیار عجیب میکنند که در عرض این دو سال یکپس از اهل این کشتی تلف و قتل شده است

و باین سبب میدانند که حالاک فی که با نجا میفرستند خود را که بهوای آنولایت مناسبت داشته باشد بلد شده اند بلکه معالجات ناخوشیهائی را نیز که در آن ستمبار عارض میشود بهتر از سابق قبیله اند اکثر ناخوشیهائی آن ستمبار از سبب ولزاست که در عرض چند روز آدم را تلف میکند و لا مبرور کر سیر است و در زیر خط استوا واقع است جنگلهای سخت دارد و در و در خانهای عظیم از آنجا میگذرد که در آنجا داخل بحر محیط میشود و بجهت شدت حرارت و رطوبت و غمی که در هوا از پوشیدن درختها که در چمنها و مردابهای پوشیده حادث می شود ناخوشیهائی بسیار در آنولایت بهم میرسد بطوریکه اهل دلایات دیگر مشکل در آنجا نمیتوانند زیست نمایند

باز درین اوقات از مملکت انگلیس سبت دوم پیوسته میفرستادند از آنجمله یک کشتی بخار بزرگ حاضر کرده بود که غیر از کشتیهان هزار و دوست نفر قشون و شانزده سرباز و شصت و شصت و یک بار و ط در میانش بود

در خصوص قشون ردیف مملکت انگلیس که بجهت خلوت و نظم خود آنولایت اند سابقا حکم چنین بود که سالی یکده قبیله مشق جمع بشوند و بعد از آن مرخص خانه باشند حال چونکه قشون کجا زیاد بخارج میفرستند حکم داده اند که قشون ردیف بعضی دایم حاضر باشند و مرخص خانه نشوند و بقدر پانزده هزار یا بیست هزار نفر ازین قشون در بعضی از حصارها که در آن مملکت برقرار بشوند و بعضی ازین افواج را هم خبر کرده اند که تا مدت شش ماه و بعضی تا یک سال حاضر بوده و مشغول حمله باشند از دولت رجوع میشود باشند

در اوایل ماه شعبان در محکمت انجلیس هوانت بفضیل بسیار
کر دیده و بارندگی زیاد شده بود با تکرار آماجته حاصل گندیم
و غیره بسیار رفع کرده بود

دیگر نوشته اند که بحث و گفتگونی که مابین عملجات کارخانها
پنبه و صاحبان کارخانها در شهر پرتین بود درین اوقات کم
مانده بود که تمام بشود و عملجات مزبور لابد شده بودند که کلیف
صاحبان کارخانها را قبول نموده بهمان اجرت که آنجا میدادند
مگر بعضی که شغل آنها راه بردن چرخ ریمان تابی بود آنها نیز
چنین کار داشتند که درین روز گفتگوی خود را تمام کرده مشغول کار
خود باشند

دیگر نوشته اند که در شهر پرتین محکمت انجلیس تیش در کارخانه
شکر ریزی و قندزی افتاده و بالمره سوخته و بقدر شصت و چهار
هزار تومان اموال در آنجا تلف گردیده بود و نزدیک به یکصد
نفر عمده که در آنجا کار میکردند بسبب آتش گرفتن کارخانه مرگ
مانده بودند و تا بحال بچکس سنجاطرند ارد که چنین آتش در شهر
مزبور کارخانه افتاده باشد

در روزنامه پاریس تاریخ چهارم شعبان نوشته اند
که ایلمچی کبیر انجلیس مقیم پاریس بنیاد داشت که بشهر لندن میرفت
نماید و چند روز در لندن مانده بعد بجل ماموریت معاودت
بکند

فرانسه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تحت فرانسه نوشته اند
شعبان بود و نوشته بودند که دولت فرانسه حکم کرده بود
که در سمت شمال محکمت فرانسه اردوی قشون جمع شود نزد یک
سنت عمر و درین خصوص از قرار روزنامه گفتگونی شده است

مابین دولتین فرانسه و پرتغیزیه دولت پرتغیزیه از
جمع شدن قشون فرانسه در آنجا خیال دیگر کرده اند بسبب
در آیام ناپلیان بزرگ قشونی در همان اطراف نزدیک شهر

ملون جمع کرده بودند و همان قشون مانور جنگ محکمت نموده
و حمله با تولايت برده فتح مشهور بهینه را در آن جنگ نمودند
درین اوقات نیز که قشون فرانسه در آنطرف جمع شده
شهرت دارد که درین خصوص گفتگونی مابین دولتین پرتغیزیه
و فرانسه شده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات انیمت جنوب محکمت فرانسه
و از محکمت جزیره العرب که در تصرف فرانسه است پیوسته
قشون بسبب ابلمول میفرستادند

دیگر در روزنامه این ولایت نوشته اند که ایلمچی فرانسه مقیم
اسلامبول را خواسته بودند و بنیاد داشتند که سر کرده
قشون سنت عمر نمایند و لکن این خبر چندان یقین و محقق
از جمله دزدیهایی غریب که در روزنامه فرانسه نوشته اند
این است که بعضی اشخاص با اذن دیوان در بازارها و جایگاه

محل اجتماع مردم بودستی از قمار بازی که لاتاری مینامند
میکردند و در هنگامی که مردم جمع گردیده سرگرم بازی میشدند
دزدان کیه بری میکردند و ثابت کردن این دزدی بکردن
اشخاصی که مرکب سرقه میشد بسیار مشکل بود بقدری چاه
نزد دیوانیان آمده بودند که در باب دزدان شهادت میدادند
و لکن از شهادت آنها چیزی بکردن دزدان ثابت نشد بود
که بتوانند آنها را تنبیه نمایند تا یکی از دسته دزدان مزبور را
بست آوردند و بودند که بعضی خود و سه امان خود اقرار کرده بود

آنوقت این دردی بکردن آنها ثابت اکثر این مردم که
بهرت اقدام می نمودند صاحب چیز بودند و بعضی قدری
اطلاک داشتند از اینها بعضی را بوعده یک ساله و بعضی را
دو ساله و بعضی را سه ساله و بعضی را چهار ساله باندازه
آنها حکم حبس دادند

سایر دول فرنگستان

در مملکت اسپانیول که چند وقت پیش ازین خبری افتاد
بود و بعضی از خوانین و سایر مردم آنجا را گرفته و خارج
کردند حال آنکه لایحه ای که مملکت ایتالیا بابت
سابق ارامی و غبت داشت و بعضی از مردمان صاحب
اطلاک که در خصوص باغی شدن از دولت املاکشان
دیوان شده بودند و شتادونه نفر بودند حال که چند
ساعت ارام گرفته اند مثل ریشگی سر کرده قشون
استریه و نایب السلطنه آن مملکت حکم کرده بود که املا
آنها را پس بدهند

در مشورتخانه ساردینیه گفتگویی در خصوص امورات فرنگستان
شده بود و مصلحت آنها با اینجا انجامید بود که دولت مزبور
هیچ مدخلیت بجایی که حالا در فرنگستان داشته باشند
و صلاح دولت را درین دیده اند که بآمر در کنار استوار
باشند

از فرآز خبری که در روزنامه کوپن یکن پاریس تحت دینارک
نوشته اند در اول ماه شعبان پنج روبروی شهر میان
رودخانه ریکه آشفته بود و رود دینه نیز که از پای تخت
و از فرات و میکدر بخش شسته بود و لکن بجهت زیادتی سیخ
که در میان آب بود تا چهارده روبرو در آن رودخانه

بجهت کشتیها مشکل بود

در مملکت مالدینه که آنهم یکی از ممالک کوچک ایتالیا است
چند نفر بودند که بفراریهای آن مملکت خبر فرستاده بودند
که فتنه محبوس کرده بودند و لیکن بر سر خوردگی در آنجا
اتفاق نیفتاده بود

سینکی و نیای شمالی

در روزنامه سینکی و نیای شمالی که بتاریخ پانزدهم
شعبان نوشته اند در مشورتخانه آنولایت باز گفتگویی
در خصوص جزیره کوپه شده بود و اهل آنجا زیاد از دولت
اسپانیول و لجنوری داشتند که چاکران دولت اسپانیول
از فرار گفتار اهل سینکی دنیا گریخت بابل آن مملکت
تعدی و بی حسابی کرده اند کاغذی نوشته بودند که از
بیجبال قبل ازین تاکنون چند بار بابل سینکی و نیای شمالی
از چاکران دولت اسپانیول مقیم جزیره کوپه بی حسابی و
ظلم شده است و با اینکه با کمال ملایمت رفع ظلم مزبور را

خواهش کرده بودند دولت اسپانیول قبول نکرده اند و
بدا و اهل دولت سینکی دنیا نرسیده و رفع ظلم از آنها
موافق روزنامه های سایر ولایات این گفتگو با همه علامت
جنگ است که دولت سینکی و نیای شمالی در آن سمتها
پر زورند بهانه جوئی بجهت جنگ می کنند و اینمضی بر ظاهر
که اگر دولتین انگلیس و فرانسه نمی شدند تا بحال با خود

دولت سینکی و نیای شمالی با ازا اهل آن دولت بی
اذن دیوان جزیره کوپه را که بجهت آب و هوا و حاصل
بهترین جای روی زمین است از تصرف دولت اسپانیول
درمی آورند ازین گذشته هم چند وقت پیش ازین کشتی

یکی دنیای شمالی از شهر موهنه می آمد و توب سلام که قاعده است
 بجهت حرمت بیدق آن شهر خالی می کنند خالی نکرد و موهنه
 وزیر مختار را بجانب دولت یکی دنیای شمالی مقیم پای تحت
 اسپانیول بجهت اینکه بعضی مطالبی که داشت دولت اسپانیول
 قبول کرده بود کم مانده بود که دوستی و مودت بین دولتین
 برهم نزنند و حاجت بولایت خود نماید دیگر کشتی کوچکی که مال
 دولت نبود اما مال خلق بود و پراز تفنگ و اسباب جنگ
 چند وقت پیش ازین از شهر نیویارک روانه شد و نزد یک
 بشهر نیوآرلیانس آمده بود و کسی نمیدانست که این کشتی را
 بجا خواهند برد و لکن چونکه شهر مزبور نزدیک جزیره کوبه است
 منطقه کلی دارند که بآن جزیره روانه شود و قونول اسپانیول
 مقیم شهر مزبور بجا که جزیره کوبه خبر فرستاده بود که چنین کشتی
 نیوآرلیانس آمده است چاکران دیوان در جزیره کوبه خبردار
 و هوشیار باشند که اگر کشتی مزبور با آنجا بیاید او را بگیرند
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند در یک هفته
 پنجاه و پانصد نفر مرد و زن از دول فرنگستان خصوصاً از
 دولت انگلیس داخل شهر نیویارک میکی دنیای شده اند و یکصد و
 یکصد نفر بشهر فلسطین آمده بودند
 بعضی از صاحب منصبان قشون بحری روس در نیویارک
 بودند و پیوسته کشتی زحانه آنجا میفرستادگان داشتند
 که میخواهند کشتی از دولت یکی دنیای بجهت دولت روس
 بکش در شهر چارلستون افتاده و خانه ها و انبارها سوخته
 بودند و نزدیک بدوایت و پنجاه هزار تومان برده و خورده بودند

در یکی از شهرهای آنجا هم بمسخر و کی شده بود و در خصوص اینکه
 بعضی از اهل منت قصیه کرده بودند چاکران دیوانی آنها
 گرفته و محبوس کرده بودند سایرین که بقدر سبب نفوذ
 میخواهند در بمبوجان بپسند و رفقای خود را بیرون
 بیاورند یکی از چاکران دیوان کشته و یکی زخمی شده بود
 چاکران دیوان جمع شده و بسیاری از معتصرین را گرفته
 و محبوس کردند

بعضی از تجار فرانس از یکی از دول کوچکی دنیای جنوبی
 طلبی داشتند و این دولت حق تجارت مزبور را نمیدادند و
 کشتی جنگی از دولت فرانسه بان است آمده بود که حق تجارت
 خود را از دولت مزبور بگیرند

سابقاً قاعده دول این بود که محل و نقل بار از شهر تا شهر ولایت
 در دست خود اهل آن دولت بود و نمیکند استند که اهل دول
 خارج از شهر تا شهر میان ولایت باری بگیرند و محل و نقل بکنند
 حال دولت انگلیس حکم کرده اند که اگر اهل دولت یکی دنیای
 شمالی بخواهند بار از لندن بگیرند که بشهرهای دیگر انگلیس
 اذن داشته باشند اهل یکی دنیای شمالی ازین حمله
 بسیار راضی خوشود بودند و لکن معلوم نیست که آنها نیز این
 اذن را بجهت اهل انگلیس دهند

احوال متفرقه

در روزنامه فرنگستان در اوایل جمادی الثانی و اوایل حب
 تفصیل ستاره دنباله دار را نوشته اند که در آن ایام پیدا
 بود و در بیت و چهارم جمادی الثانی نزدیک بکره افتاب شده
 بود و بعد از آن چنانکه قاعده این ستاره است مراجع نموده و بعد

چند روز غایب گردید

لاشک واجب اقل میداند و می کنند

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با چاپ در محله نزدیکی درواز و دولا ب الطباع شده از اینقر فروخته میشود

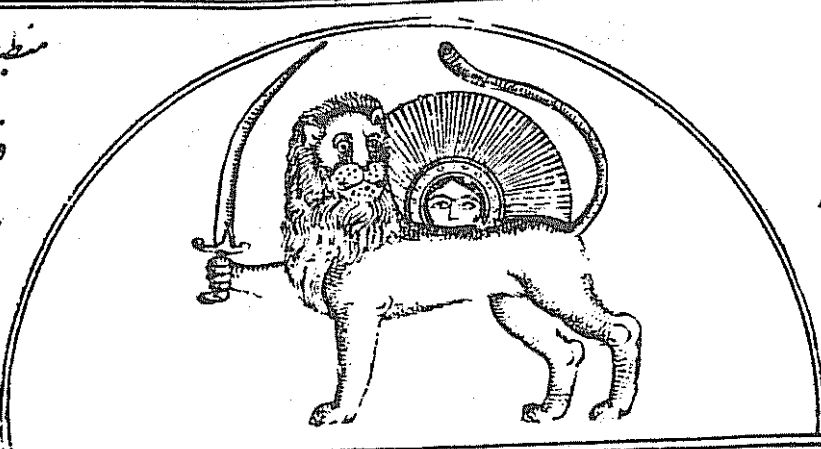
۱۰۰	خم نظامی بیت و پنجاه
۱۰۰	سرایر دو تومان
۱۰۰	زبدۃ المعارف دو تومان
۱۰۰	معراج السعاده یک تومان
۱۰۰	حدیقه الشیخ هشت هزار
۱۰۰	شرح کبیر دو جلد شش تومان
۱۰۰	شرح لمعه یک جلد سه تومان
۱۰۰	شرح الریاضه دو تومان
۱۰۰	نصریح پانزده هزار
۱۰۰	شاهنامه چهار تومان و نیم
۱۰۰	تفسیر صافی یک جلد دو تومان
۱۰۰	قوانین یک جلد دو تومان
۱۰۰	قاموس سه تومان
۱۰۰	مجمع البحرین سه تومان
۱۰۰	تحفه الزائر یک تومان
۱۰۰	مجمع البیان شش تومان
۱۰۰	جوهری شش هزار
۱۰۰	رینت الجالس ده ریال
۱۰۰	مسالک شش تومان
۱۰۰	مدارک سه تومان

درین روزها دولت روس بنا دارند که کشتیهاست
ملکت بیان بفرستند و کشتی ازینکی دنیا با نولایت رفته است
از قراریکه در دو نامه انجلس نوشته اند منظور این دو دولت
این است که ملکت بیان من بعد مانند سایر جایهای روی زمین
بجهت تجارت کل روی زمین مفتوح باشد تا بحال اهل دولت
بیان نمیکند باشند که اهل دول خارج و داخل ولایت آنها
و چند کشتی که بجهت تجارت با بنجامیر قند اذیت زیاده میدیدند
در ورود کشتیها توپ و تفنگ و هر چه سلاح حرب بود از اهل
کشتیها می گرفتند در قدیم الایام بسیاری از اهل این ملکت
عیسوی بودند و چونکه اهل بیان حال عداوت بملت عیسوی
داشتند چند وقت پیش ازین هر چه عیسوی در آنولایت بود
همه را کشتند اهل این جزیره بسیار ضعیف جنبه و حیوان
از جنگ بسیاری ترسند قشون رکابی که دارند صد و پنجاه
هزار نفر است و در هنگام ضرورت تا سیصد هزار میتوانند
بندارک دید جمع بکنند و لکن آنها که با نولایت رفته اند گمان
که با وجود این قشون زیاد اهل آنجا بتوانند در مقابل قشون
فرنگستان وینکی دنیا ایستادگی نمایند و بسیاری از اهل
آن جزیره مذہبی دارند که بعضی از قانون آن شباهت ب
عیسوی دارد و چونکه اشخاصی که این مذہب را دارند در
اهل نولایت مظلوم اند و درینست که اگر از دول فرنگستان
که عیسوی هستند با آنجا بروند اشخاص مزبور بطرف آنها تامل
شده با اهل بیان جنگ نمایند از قرائیکه می نویسند اهل این
جزیره چند آن سفک دماء و جانیان محمول نیست و بجهت
تقصیری سبب افغانی کشند که کبیر که گمان بکنند که عیسویست او را

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ دوم چشبه مقدم ماه شوال المکرم قیام سال ۱۲۷۰

نزد صد و شصت و نه

قیمت روزنامه
یک نسخه ده پیرکاه
هفتاد و چهار هزار



منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
کلیط الحبار مطر که هزار
بیشتر با هر طریقی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی بخرم تفرج
سمت سو مانگ و آن اطراف سوار شدند و تشریف فرمای
سردار آباد که جانی است با صفا امیرالامراء العظام حیدر خان
سردار ساخته است گردیدند چون بیدستان و خیابان
اسطخ آنجا چند روز قبل هم که موکب هایون بان ستمها
تشریف فرما گردیده بودند بنظر مبارک رسیده و سخن
خاطر ملوکانه افتاده سفارش فرموده بودند که آنجا را
داده تمیز نمایند و حسب المیزم هول داشته در روز نور که
موکب هایون با آنجا تشریف فرما گردیدند سر پرده چادر
پوشش متحد در بیدستان آنجا رده بودند امنای دولت
علیه و بعضی از خواص مقربان حضرت کرده و نسل ستم
در رکاب بودند عالیجاه میرزا محمد کاشانی امیرالامراء العظام
سردار در وقت ورود موکب ششایی لوازم پیش و قران
مقدم هایون را بطور شایسته تقدیم نمود و اعلیحضرت پادشاهی
تا عصر در آنجا تشریف داشتند و بر وجود مبارک بسیار خوش

۱۱۵۴

گذشته نزدیک غروب آفتاب بعمارت مبارک نیاد
معاودت فرمودند
عده الامراء العظام سید محمد خان ظهیر الدوله حاکم بهرات
عالیجاه سردار صالح خان را با چند ریس اسب پیش بجا
هایون فرستاده بود و در روز یکشنبه سیزدهم
ایناه وارد شده و در سیاق نیاد و ان شرف اندوز خاک
مبارک گردیده مورد شمول الطاف و محاسن ملوکانه
در روز دوشنبه چهاردهم ایناه یساعت بغروب مانده
جوا انقلابی پیدا شده طوفان و رعد و برق سر کرد و بعد از آن
بنای باریدن باران گذاشته و از سرب الی صبح بکرات
باران ریاد بارعد و برق شدید آمد بطوریکه درین موسم
بسیار کم اتفاق افتاده بود که این طور بارندگی درین ولایت
نبود و هنوز از اطراف خبر میادند است اما درینست که بعضی جاها
سین برآه افتاده است

در روز جمعه یازدهم این ماه شوال المکرم که عید مولود و صلوات
امیر اطور مالک روسته بود جناب موسیو انجمن شرف
دولت روسیه در قریه زرکنده که محل سیاق سفارت
و در یکفرسخ و نیمی دار انخلاف طران واقع است بقاعده معموله
سفر او را مورین بقعه دولت روسیه مجلس ضیافت و
فراهم آورده جناب نظام الملک و امیر الامراء العظام
سردار کل و جناب وزیر امور خارجه و مقرب انخاقان
و اشخاص مفصله با چند نفر از صاحب منصبان دول دیگر

مقرب انخاقان مقرب انخاقان عالیجاه و عالیجاه میرزا عباس
فرخ خان محمدخان میرنجه سرکنش فرخ خان و خاصه امیر
چاکران این دولت علیه نیز حسب الوعد به بابا سر
و نشان و حامل از بابت اظهار احترام حضور بهم رسانیدند
و بملزومات جشن مزبور از هر حیثیت از قبیل تشبیه و
و غیره اقدام رفته با کمال ابتاط و سهو و ضیافت مزبور

بانتها رسید

افواج قزوینی که در قراولخانه های شهر بحفظ و حراست مشغول
بودند این اوقات مرخص خانه شدند و حسب الامر
فرج خلیج ساهه ابو اجمعی عالیجاه جانمحمد خان سرکنش
بجای آنها بحفظ و حراست شهر و محلات امور قراولخانه
کردیدند

سایر ولایات

اوتار باسچان از واریکه در روزنامه اوتار باسچان
نوشته اند امورات آن ولایت از وقتی که فواستطاب
شاهزاده والای تبار نصره الله و له فیروز میرزا و مقرب انخاقان

قایم مقام با بخار رفته اند انتظام کلی یافته و تحریکات کلیت
امور آن ولایت اعم از کار نوکر و رعیت و نظم معاملات و قرا
محاسبات رسیدگی کامل مینمایند و اگر کسی بنبذ
مرتکب خلاف حسابی شده باشد فوراً در مقام تنبیه و تادیب
او بر می آیند و هم چنین در مشق و انتظام امور افواج قاهره
متوقف آنجا از توپچی و سرباز کمال اهتمام را دارند
و افواج آنجا همه روزه مشغول مشق میباشند و با نهایت
نظم و درستی حرکت مینمایند

دیگر نوشته بودند که فرج ماکونی را که احضار برکات بجا
شده بودند در هشتم این ماه مقرب انخاقان قایم مقام در
اطلاق نظام مواجب آنها را تمام و کمال داده مدارکات
خود را دیده اند و در نهم ماه مزبور از تبریز بیرون آمده روانه
در باره بایون گردیده اند

اصفهان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند چند وقت
پیش ازین از طایفه بختیاری و قزاقچه چند نفر قافله سیرجانی و
شهر بابکی را در راه یزد برهنه کرده و مبالغه نفی نقد و تحسین نقد
چهار صد و پنجاه تومان از آنها برده بودند عالیجاه چرامعلی خان
نایب الحکومه اصفهان بعد از اطلاع بر این غنی یک نفر غلام
یزدکنجی خان بختیاری و فرخ خان قزاقچه فرستاده نوشته
بود که اموال مسروقه را کلاً بدست آورده تسلیم غلام نمایند آنها نیز
اموال را پسداد کرده و غلام مزبور را داده بودند آنجا مال تسلیم کرده بودند

بروجرد

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال بجهت کمی باران محصول دیمی سیاحت علیا و سفلی بلامرّه تمام شده اغلب از دماّت که زراعت دیمی داشتند بسبب غلّ نام حاصل متفرق شده اند که قوّه و بضاعت شخم و شخم پاشی سال آینده را انداشتند نواب ستیاب هزاره و الّا بهر حال هشتم اله و له خان میرزا درین باب نوشته اند که فرا و اهتمام زیاد دارند که برای سال نو زراعت دماّت مزبور

موقوف نشود

دیگر نوشته بودند که نواب الیدرم میرزا بجهت نبودن غله در و خاوه هنوز حرکت بمیان ایلات ننموده اند و در خرم آباد دارند و بعضی از طوایف که بسبب خشکالی بنامی تفرقه داشته اند نواب معزئی الیه در صد و اصلاح کار آنها بزرگ دارند و آنها را بعواطف اولیای دولت علیه امیدواری داده اند که متفرق نشوند

دیگر نوشته اند که از سی و اهماّت نواب معزئی الیه سر و چابکی که سابقا در میان طوایف آنجا معمول بود درین اوقات بکلی موقوف است

سرد

از قراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند سه نفر معلم که از دربارهای آن بجهت مشق فوج جدید آنجا رفته بودند چند سبت که آنجا رسیده اند و درین اوقات همه روز مشغول مشق دادن هستند و سر باز کرمانی موقوف در العبادت یزد در روزمارتا نزدیک ظهر در میدان ارک مشغول مشق اند و با آنجا نظام حرکت مینمایند

دیگر در روزنامه آنجا نوشته اند که جعفر نامی از سربازان متوقف یزد در انگاه مرضی عارض گردیده که تشخیص آن معلوم نبود تا دو روز بعد هوش بود و در روز ششم از خواب او بایوس کشته بودند و رنگ او سیاه گردیده با غلق و اضطراب زیاد دست و پامیزد نزدیک عصر روز سیم بیکبار از آن حالت بصحت منقلب گردیده برخواست و فریاد میکرد یا امام رضا روحی فداک تقصیل را که از او

جویا شده بودند مذکور داشته بود که او پیش چشم سیاه شد و بعد دیدم دو نفر شخص سیاه رنگ بصوت عجیب و هیبت عجیب دست بکجای من کذاشتند و نزدیک بسلامت شدم که شخص بزرگوار می ظا بر گردید و بان دو نفر خطاب فرمود که مگر میدانید منم امام رضا خاص من غریبان آن دو نفر بجنس استماع این سخن دست از من برداشته و از نظرم غایب گردیدند آن بزرگوار من فرمودند بر خیز چون برخیزم کسی را ندیدم با بجهت سرباز مزبور یک روز بعد از سخت اذن مرضی بجهت زیارت حاصل کرده روانه ارض مقدسه است

دیگر نوشته بودند که علی نام یزدی شبانه رفته و دکانی را بر کشته بود و از آنجا اودوات بخاری از آنه و قیسه و غیره برداشته و رفته دکان عطاری را کشته اسباب زیاده از آنجا سر کرده بود صبح عطار مزبور بدو استخانه عارض گردید و شخص دزد و برآمدند بعد از سه روز دزد را در یکی از قرا حومه بدست آورده بودند که اسباب عطاری سر راه داشت او را گرفته یزد مقرب انفاقان محمد یوسفیان سرباز آنجا بزرگ آورده است بعد از استرواد اموال مسروقه او را جنبه کامل نموده اخراج بلد کرده است

کرمانشاهان

از امورات عجیبه چیزی که در روزنامه کرمانشاهان نوشته
 حیضه در قریه صحنه حاطه بوده درین روزها وضع حمل نمود و طفلی
 سر او در سینه بوده و کردن نهشته و گوشهای او هر یک
 بقدر بزرگی کف دستی و دوشاخ داشته است و بقدریم
 که از شاهنای او بسیار سفید بوده است و هر دو پایش هم
 چسپیده و ارضی تا بشام زنده بوده است بعد فوت کرده

چون که وکب بید سرخ در سنوای سابقه محل اشراق و قطاع الطریق
 بوده و اذیت و آزار بقوافل میرسید است نوابان را ده
 و الا تبار عمادالدوله امامقلی میرزا حکمران کرمانشاهان قدس سره
 که سی نفر سواره ناسخی بقطاع و حراست سر راه آن که وکب
 و نگذارند احدی از اشراق و قطاع الطریق دست اندازی
 عابری نمایند و از سواره مزبور الترام حسب احکام نوابان
 گرفته اند که اگر بقوافل و مترودین ویناری خسارت و ضرر برسد
 بالمصاعف از عهده برانید و عذر دیگر مستمع نباشد

و بیکر نوشته بودند که عمارت دیوانی و باغ نواب محمد علی میرزا
 که در عهد حکام سلف خرابی بهم رسانده بود و درین اوقات
 شاهزاده عمادالدوله بقدر یکصد نفر بنیاد و عمارت بنا نهادند
 و بنیاد و عمارت و بنیاد و عمارت و بنیاد و عمارت
 و باغ مزبور خوب دایر و محصور گردیده اند

و بیکر در روزنامه آنجا نوشته اند که امسال از اکثر مالک محسوسه
 که غنیمت طواف بیت الله محرام کرده بودند از سمت کرمانشاهان
 که از راه جبل عازم مقصد شوند و در راه از منازل متعلقه
 دولت علیه نواب عمادالدوله آواره و نسوده اند که آنها را

نموده با کمال اعزاز و احترام از آن منازل بگذرانند و از خود
 کرمانشاهان نوشته بودند زیاده از پنجاه نفر غنیمت طواف
 بیت الله محرام نمود و بکلی خط امانت و انتظام ولایت از حجت
 عیال و خانه و املاک خود و اطمینان و فراغت بهم رسانده بجا جمعی
 عازم زیارت شده اند

و بیکر نوشته اند که در چچال در نزدیکی مرز غنادر آباد یکی از
 اذربایجانی بیانی دیکه رفته بود که مرغ خجری و کبسه پولی که بخت
 محتاج عرض راه همراه داشته است و وجه معتد بهی در او
 بوده بعد از گرفتن مرغ فراموش کرده بجا گذاشته بود بعد از

بمنزل تلفت شده بود که پولش بجا مانده با نهایت اضطراب
 پیش حاجی نوز و علی میر حاج آمد که گزارش را مذکور داشته بود
 مشارالیه باتفاق صاحب شتوای بجاوالی دیکه مزبور رفته و
 بابل آنجا اعلام کرده بودند که کبسه پول در اینجا مانده و اگر نیاید
 نشود بعض نواب عمادالدوله میسر کنیم اما بی آنجا سه ساعت
 خواسته و بعد از تفحص کبسه پول را پیدا کرده آورده و تسلیم
 بودند و صاحبش شکر کرده بود و جیش بدون کم و زیاد بود معلوم
 شده بودند که در نهایت وقت که آن شخص کبسه پولش را فراموش کرده
 رفته بود و دختری بسنده دوازده ساله او را یافته و بجا
 برده بود و پدر و مادر او جنت تصرف و رسیدگی در آن
 مکرده بودند و این حمله از احشام و سکنه آنجا بسیار غریب است

فوج کلهر در کنگره را خبر نموده بودند که در بیستم سوال وارد
 دارالدوله شوند و عالیجا پشن صاحب در مشق آنها رسیدگی
 کامل نماید و یک دو ماه مشغول مشق باشند چون این دو فوج
 هنوز مشقشان کامل نشده بود مقرر شد که مشق نمایند تا کامل گردند

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که از این ولایت رسید
شعبان بود از جمله اخباری که نوشته بودند این بود که پادشاه
انگلیس با اقوام خود دشمنی میپایید و در لندن رفته بود
و درین مهانی ایلمچی فرانسه کمال تحفات و اساس و
فرهنگ اورد و مردم قشای شاه را بضمیمه
ایلمچی فرانسه علامت کمال دوستی و موافقت و دوستی

یکی از خبرهای قدیم انگلیس که نام او گریس انگلیس بود درین
وقت شده است و چون که از سر کردگان قدیم انولایت بود و
جنگهای بسیار دیده بود و یکپای او را در جنگ کلوله پ
برده بود مردم با و حرمت زیاد میکردند

فرانسه

در روزنامه این ولایت نوشته اند که کمان داشته اند
درین تابستان پادشاه انگلیس بهانی امپراطور فرانسه
پاریس بیاید اما چونکه منکام بهار تا نصف تابستان
وقت اجلاس مشورتخانه انگلیس است اگر پادشاه انگلیس
پاریس رود بعد از مرض کردن مشورتخانهی خویش و
وکلای رعایا خواهد بود

دولت فرانسه بنا دارد و بجهت قشون فرانسه به هزار
در ممالک روم خریداری نماید و سبب خریدن اسب
انولایت این است که اگر اسب از ولایت فرانسه حمل نقل
بولايت عثمانیه نمایند خرج و رنجات زیاد دارد و بهتر است که
در خود ولایت عثمانیه اسب بجهت قشون نامود خود
خریداری نمایند

روزنامه آخر که ازین مملکت رسید تاریخ او بیت و یکشنبه
بود نوشته بودند که اکثر مردم از جمله خوانین و مردمان
از شهر پاریس بیرون میرفتند و در دات و بلوکات
انجا ماکه عمارات تابستانی برای خود داشتند ساکن
و میگفتند که امپراطور فرانسه بنا دارد بار و می سنت عمر
برود و اراده دارد که یک هفته در آرد و می تر بود و قضا

در روز موله و امپراطور فرانسه در پاریس مجلس ضیافت
بازیت و اساس و تخیل تمام بر پا کرده بودند و در آن
چهل و شش سال تا سیست
احوال است مقرر

در عروسی امپراطور استریت شت نفر از مقصرین دیوان
که مجوس بودند امپراطور تقصیر آنها را عفو فرموده و این
مرض کرده است و بسیار را نیز که تازه مجوس کرده و در
تقصیر آنها تحقیق میکردند آنها را نیز بحد حکم ابر استریت
بدون تحقیق مرضی کردند

در روزنامه اسپانیول نوشته اند که بسیار جنگ
در انولایت شده بود بطوریکه کل اهل اسپانیول تجمیع
باران بیرون آمده و بکلیسا می رفتند و شوش کرانی داشتند

در مملکت سوید بقا از غله و آرد که از خارج می آوردند کم
میکشیدند حال این گمرک را بر داشته اند و غله از هر قسم که
یا آرد بدون گمرک داخل انولایت میشود

ایلمچی استریت مقیم پاریس از انولایت بپای تخت مملکت
خود مراجعت کرده بود که در عروسی امپراطور استریت حضور داشته

در مملکت کاناده بقدر سی و پنج هزار نفر غلام کنیز هستند که اند خاک دولت نیکی و بنای شمالی مانجا کر نیجه اند و از اینها اکثر شان در آن ولایت هکلی می کنند و گذران شان خوب شود و چون که کاناده جزو مالک انگلیس است و در آن انگلیس خرید و فروش غلام کنیز ممنوع است از ولایت خود شان که در آنجا از خرید و فروش می کنند و بملک کاناده می آیند و بعضی شان در آنجا صاحب املاک شده اند کار شان خوب پیش میرود

در مملکت سرامید در این اوقات معدن مس تا زید پیدا کرده اند و کار می کنند و از قرار یک نوشته اند بسیار خوب منفعت می کند

ضعیفه از ملت موسوی که سده هشت تا جبر بود و درین وقت در شهر پراک مملکت منفوت شده است و دویست و شصت و دو هزار فرانک که بچینابیت و شش هزار و دویست تومان پول ایران میشود داده است که بیمار خانه در آن ولایت برپا نمایند

در مملکت سوید تازه حکم شده است که در پول و وزن و اندازه هیچاب ده و ده معین شود و این را بجهت روشن شدن و آسانی حساب کرده اند که مراتب یک نشو با

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در ماه شعبان بارندگی زیاد و در آن اطراف شده بود و چون که سمت بسیار جای حاصل آور است و غله زیاد و در آنجا می کارند آن باران مزبور منفعت زیاد و در آن اطراف بجهت

کرده بود از سایر ولایات آن اطراف تا رود دتوب هم نوشته اند که بارندگی کامل کرده بود و منفعت بسیار حاصل آنجا رسیده بود

ایضا در طمان روزنامه نوشته اند که پاشای سلاطین با چند نفر هندسان که از اسلامبول آمده بودند و در شهر سلاطین گردش کرده بودند که رودخانه که از آنجا میگذرد مد خط نماید چون که آب رودخانه مزبور در آنجا پهن میشود و چون و مرداب در آنجا بسیار است میخوایند بطوری بکنند که آب رودخانه مزبور در یک نهر برود که چنهای مزبور را خشک نمایند و گفتگویی شده است میان دولت سوید و دولت انگلیس و فرانسه در خصوص اینکه چون اکثر اهل آن مملکت مشغولیت زیاد در سبکات دارند و قاری باشند در هنگام جنگ بممانعت نسبت بابل آنجا نشود و اگر نه اهل آنجا حاضر کلی خواهند گشتند آنها نیز قرار گذاشته اند که مانع مشغولیت و داد و ستد مردم مزبور نشوند

از فرار روزنامه وینیه که بتاریخ ۱۸ شعبان نوشته اند از جانب امپراطور حکم شده است که نود و پنج هزار نفر قشون جدید بگیرند که در هر حال دولت مزبور بی تدارک نباشد

از شهر لورن پول مملکت انگلیس در یک هفته منفعت بسیار شد و پنجاه و چهار نفر از آنجا بیرون رفته اند که بمالک حاج بروند

بتاریخ ۱۸ ماه شعبان در روزنامه فرانسه نوشته اند که حاصل غله در آن ولایت خوب بعلی آمده بود و امید داشتند که غله امسال در آنجا فراوان بیاید که رفع معطلی آنها بشود

در بعضی ممالک و فرنگستان و در جزیره مدیتره معلوم شده است
که آفتی که چند سال است در میان ناگ انکورا افتاده است
امسال نیز افتاده بود و اگر اینطور باشد امسال ضرر زیاد
وارد خواهد آمد

از جمله حاصل عمده بعضی بلوکات سمب شمال ولایت انجلس
کلابیت که در اینجا فراوانست و از آنها شراب میسازند
و میفروشند امسال بسبب سرمای که در فصل شکوفه
زده است درختهای کلابی را بالمره سر مار زده ضایع کرده

در یکی از روزنامه های یمنی دنیا نوشته اند که موافق قاعده
سرشماری که دارند در شهر کلیه نود سی سال پیش این پانصد نفر
خلق بودند و تا پانزده سال جمیع اینجا بشتر نرود و تعداد
نفر رسید و حال چهل و پنجاه هزار و نهصد و شتاد و دو نفر
جمیعت در کلیه آن نرود است

در فرنگستان گذشته عباس شاه که آن مملکت مصر منجه است
توسیس کرده بود که مبادا در خود آن مملکت غلگم یاب شود
قدغن کرده بود که از آن ولایت غلگم خارج نرند در این اوقات
این قدغن را برداشته است و بجهت اعلان خلق این مطلب را
در کل روزنامه های فرنگستان چاپ کرده اند

از جمله درختهای غریب که در میان عمارت بلور در شهر لندن
کاشته اند و در بیرون در مملکت انجلس یعنی نی آید و درختها
و بیت و چهار نخل خرا از مصر آورده در اینجا کاشته و بکار
آوردند

سیرم چرخ آتشی که بجهت مستادن خبر از شهر تا شهر در فرنگستان
در اغلب شهرها مستداست درین روزها در هندوستان از

اگره تا کلکت که دوست فرنج فانت کشیده در آن
تمام کرده اند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در جزیره یونانی
بلخ بیرون آمده بود و توسیس داشتند که امسال نیز ضرر زیاد
بجای آن ولایت برسد

درین روزها در مملکت فرانسه شخصی که در علم زبان مهارت
داشت و عالم غلبه لهنه و نام او موسو کاز و منرحم اول
امپراطور فرانسه بود فوت شده است و از فراری که نوشته اند
که او با در روی زمین کمر کسی مانند او پیدا بشود که عالم اینقدر
حال بجای او موسو دیگر اثر را منصب ترجمی اول امپراطور
فرانسه داده اند

دیگر از شهر اصیر نوشته اند که نسبت بق دزدی و حجابی در آن
بسیار کم شده بود و پیش این بود که اکثر دزدان آن ولایت
اهل یونان بودند حال که آنها دفته اند شهر را مست اما چند
روز پیش از آن قدری سنگ جواهرات معادل چهل هزار مرد
که تخمیناً شصت هزار تومان پول ایران باشد از یکی از تجار
آنجا دزدیده بودند

دیگر نوشته اند که طوفان زیاد در آن نزدیکیها شده
باد شدید و زلزله بود یک کشتی بان در دریای کشته شده بود
و یک موزن نیز که بالای مناره بجهت اذان گفتن رفته بود
او را بر تن و نه خنجر کرده بود

در روزنامه فرانسه نوشته اند که چونکه قاعده ولایت
این است که بجهت حمل نقل کاغذ سربازی اجرت بخرند از دولت
حکم شده است که چنانچه در ولایت اجرت نمی گرفتند و خارج
ولایت نیز اجرت بخرند چایارهای انجلس کاغذهای سربازی

انگلیس فرانس را بی اجرت بردارند و چا پافرانس نیز گاه
سر بازان هر دو دولت را بی اجرت برد

در امتشاشی که چند وقت پیش ازین در مملکت اسپانیول شده بود
یکفوج از سربازان که فوج کار دوه میگویند از پادشاه کشته
و شریک عمل باغیان شده بودند بعد که جنگ آمدند بجاک فرانس
که بختند امپراطور فرانس از پادشاه اسپانیول خواست
کرده بود که از تقصیر آنها بگذرد پادشاه اسپانیول نیز
توسط امپراطور فرانس را قبول کرده و تقصیر آنها را عفو
نموده بود و بناست که این روزها بولایت خود مراجعت نماید

حساب کرده اند که در مملکت انگلیس سی هزار و پانصد و بیست و چهار
مدرسه بجهت اطفال است که اخراجاتشان از خودشان است
و مقصد و بیت و یک هزار و سیصد و نود و شش نفر در آنجا
درس میخوانند حساب مدرسه های بزرگ که وقف اند
و اخراجات دارند پانزده هزار و پانصد و بیست و چهار
میدانند و در میان آنها دو هزار و چهارصد و بیست و چهار
هفت و شصت و دو نفر اطفال درس میخوانند

شخصی در یکی از شهرهای سیکی دنیای شمالی توله بپا
بجهت خاموش کردن آتش اختراع کرده است بطور غریب
که در عوض اینکه با دست کار بکند با چرخ تجار کار می کند و در
هفت دقیقه او را راه می اندازند

در یکی از بلوکات مملکت انگلیس نوشته اند که حال هیچ فقیر
آن بلوک نمانده است مگر آنها که کور و اطفال کوچک که کشته
اطفال ستم اند

باز مردم از مملکت ایرلند زیاد بجا میفرستند اما حالا اکثر

در عوض اینکه بیکی دنیای شمالی و سایر ولایات بروند
بولایت کا ناده میروند

در یکی دنیای شمالی شصت و نود و چهار کتابخانه دارند که مال غنا
و درین کتابخانه ها حساب کرده اند چهار کرو و دو و سی و یک هزار
شصت و بیت و سه جلد کتاب است و کتابهایی که تازه در
مملکت بیکی دنیا می نویسند تخمینا سالی چهارصد و پنجاه جلد میشود

از قرار روزنامه انگلیس نوشته اند که پادشاه پورتو قال بنام
در اول تابستان بملکت انگلیس میاید بیدین پادشاه انجاء
پرنس البرط که هر دو مشوب با دوستند و بعد از آنکه چند روز
در لندن توقف نماید به بروکسل میروند بیدین پادشاه بلژیک
و از آنجا بنام و در پاریس پای تخت فرانس و وینه پای تخت
سفر نماید و در آخر تابستان از آنجا بولایت خود مراجعت
نماید

جماعتی از تجار و غیره که کشتیها مانند چا پارخان از ولایت این
هند غربی براه می انداختند حال این کشتیها را بدیوان اجاره
داده از بجهت حمل و نقل قشون و ماهی پنجاه و سه هزار تومان
از دیوان اجرت میگیرند

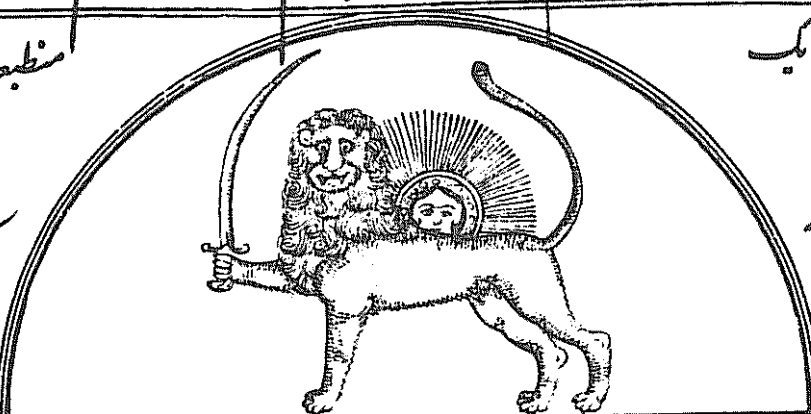
در روزنامه نوشته اند که دولت پورتو قال میخواهد از تجار و
فرنگستان شت کرو و قرض نماید از قرار تو، فی در هر ماهی کشتی
منفعت و این پول را بجهت ساختن راهها و سایر اعمالی که خیر
در آن است میخواهند و دولت پورتو نیز شازده یاجیه
کرو و قرض میخواهد اما نوشته اند که برای چنین سخاوه را
قرض میکنند

روزنامه قایم اتفاقیه تایخ یوم پنجشنبه پرمه سوال المکرر مطابقیان پارس ۱۲۶۰

نزد صد و شتاد و یک

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات
یک سطر الا چهار سطر یکبار
بیشتر با هر سطر



قیمت روزنامه
یک نسخه شش بهر کاله
هفتاد و چهار هزار دینار

اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در هفته گذشته جناب جلالت آب صدر اعظم از دربار
همایون اذن مرضی حاصل کردند که بقریه نجف که در
این اوقات کمال سیاقیت را دارد و متعلق بجناب
معظم الیه است بروند و چند روزی در آنجا بجهت
تغییر آب و هوا توقف نمایند حسب اشارت
در روز پنجشنبه گذشته بانجا رفتند و دوسه شب در آنجا
توقف نموده در روز دوشنبه بیت و دویم از آنجا
بر بار همایون مجاورت نمودند

چون مدتی است که امر محافظت قراول خانهای دارالخلافه
مفوض با فوج قزوین ابوالجیمی عالیجا عمده انخوانین لعظام
مقرب الخاقان عباسقلیان بود و در مدت قراولی
مناسبت اهتمام در انتظام امر قراولخانها و شهدارخلافه
از مقرب الخاقان مشارالیه و افواج ابوالجیمی ابوبطور
رسید و این اوقات که مدت قراولی افواج مزبوره

به نهایت انجامیده از دربار محدلت مدار مرضی غایت
محض ظهور کمال عاطفت لوکانه در باره مقرب الخاقان
عباسقلیان سر قیام افواج ثلاثه قزوین و فوج و سوار
فوج رگینوب کلیجه ترمه اعلی از طبوسر خاصه بدین
اعلی حضرت شاهنشاهی برسم خلعت مرحمت شد که
رنب برود و دش اعتبار خود ساخته بشیر از پیشرو
خدمات محوله اقدام نماید و همچنین یک طاقه شال کشمیری
اعلی برسم خلعت در وجه تسمیه انخوانین العظام
سرمه فوج قدیم قزوین مرحمت و عنایت گردید

جناب حاجی سید اسد الله پسر مرحوم حاجی سید محمدباقر
اعلی الله مقامه که بزیارت بیت الله الحرام رفته بودند
در بین اوقات که بعثتات عالیات معاودت نموده
امنای دولت علیه لوازم توقیر و احترام جناب الیه را

داشته از جانب سنی انجانب طوکانه یک ثوب عبا
ترمه و رختی و جرت و ارسال کردید
عالیجا جعفر خان کابلی را که جناب امیر الامرا العظام
از کابل با عرضیه بخاک پای هایدون فرستاده بود در روز
شنبه دوازدهم اینماه از خاک پای هایدون مرخصی حاصل
خلعت انعام شایسته و رختی او همسرانش حممت
و موازی یکثوب جبهه ترمه پولک و درشته مرصع و یکس
اسب عربی بسیار ممتاز اعلی از اصطبل خاصه بانضمام زین و
براق تام طلای بسیار سکنین با جمیع اسباب برای جناب
امیر معزی الیه مرحمت فرمودید و موازی یک ثوب جبهه ترمه
رنجیره دار حجه محمد افضل خان پسر جناب امیر معزی الیه که در
سمت ترکستان است و یکثوب جبهه ترمه رنجیره دار
برای غلام حیدر خان پسر دیگرش مرحمت فرموده و بهجا
عالیجا هشار الیه انقاد کردید

چون جناب جلالت اب صدر اعظم معلوم شد که کتبه
همانف تر از و دار غالباً سنگهای وزن سبک و سکنین
دارند که وقت خریدن سکنین بخزند و وقت فروختن سبک
می فروشند و خود مزید استامی فرموده پنهانی آدم کشانند
و در بعضی دکانها معامله کرده صدق این مطلب بوضوح رسیده
قدغن نموده که سنگ آهنی مهر دار موافق وزن سنگ
مبارک از قرار یک من ششصد و چهل مثقال بدینجهت ساخته

یک من نیم من یکچارک و سه و نیم یکسیر
جهت تر از و دار احصان و لرا اخلافت کنند که فروخته
و خریدار سنگ و مهر آنرا بشناسند و ملاحظه مهر آنرا کرد

معامله نمایند و باین جهت همه مردم علی الخصوص فقر و
شکر گذاری و دعا کوئی دولت قاهره را می نمایند که هم
این نقص از خلعت پادشاه رفع شد و هم نفع مردم رسیده

سایر ولایات

از بابایجان از قزاقیه در روزنامه این ولایت
نوشته اند نواب مستطاب هزاره و الایباز نصره
فیروز میرزا و مقرب انخاقان میرزا صادق قایم مقام در
مهام دیوانی و نظم ولایت و رفاه رعیت سعی و اهتمام
دارند و در ایام ماه مبارک رمضان هر یک از علماء اعلام
دیدن نموده و توقیر و احترام آنها را مرعی داشته اند
و مالی آنولایت اسوده خاطر در مساجد و محابد عبادت
و طاعات و دعا کوئی ذات اقدس هایدون اشتغال
دارند و مقرب انخاقان قایم مقام نظر باینکه در ایام
مبارک رمضان روزهای سبب روزه داری سجدات
دیوانی رسیدگی کامل نمیشد شبهارا در اطاق نظام فطام
نموده و بعد از آن تا صبح بانجام مهام دیوانی و رسیدگی
بکار رعیت و ولایت مشغول بوده اند

و دیگر نوشته اند که بحجه فی الحجه تسخیری که در بعضی اجناس
خوی بهم رسیده بود نواب نصره الدوله قدغن نموده اند
که اجناس از آنولایت بخارج نبرند و بجای خلیفه
و محمد آقای سرمنک که مامور خوی بود تاکیدات اکیده
نوشته اند که درین باب مراقب باشند و حسب احکام
و در محابر نیز آدم کشانده اند که جنس از آنجا بخارج
و دیگر نوشته اند که سبب از د و قطاع الطریق در بعضی جایها

التو لایت بسیار بودند از قراریکه نوشته اند درین قاف
از اتهامات امنای دولت علیه نظم تمام حاصل است
اعم از شهریا طوق و شوارع و مسیح جاسرت و دزدی
اتفاق نمی افتد و اگر بندرت سرق یا خلاف حسابی
اتفاق بمقتد مقام رفع آن برمی آید

و یکروز روزنامه خوی نوشته بودند که در ماه شعبان که
فصل مقتضی باران بود در آنجا بارندگی نشد و مردم
بیمنی توشش کلی استند چند نفر از درویش که در ملک
فقر بودند بجهت استغاثه و طلب باران بصلی رفته بودند
از تفضلات جناب باری تعالی باران زیاد از آنوقت
بکرات آمده و می آید و برتبه بارندگی شده است که تیر
قدیم رسیل آمده جواب کرده است

از قراریکه در روزنامه غنچال نوشته اند در اواسط
ماه رمضان المبارک در بمبای انقلاب هم رسیده و
بارندگی زیاد شده بود و بعد از آن بخاری از بعضی کرمیر
آنجا متصاعد گردیده احداث بعضی امراض حاده و حاره
از قبیل غلبه خون و سودا و تب و لرز در میان مردم نمود
و بسیاری از اهل آنجا باین امراض مبتلا گردیده اند
اما اغلب معالجه میشوند و صحت می یابند

و یکروز روزنامه آنجا نوشته اند که زنی دیوانه بیابان کرد
چند سال در آن حوالی بوده است بشدت مصروع و عا
از عقل و شعور درین اوقات کان او او را در صحرا بسته
و ببقعه شریفه امامزاده دانیال که در نزدیکی هرآباد واقع
انداخته و در ببقعه راقص کرده بودند صبح که مجاورین
رفته و ربقعه را کشف کرده بودند ضعیفه نر زوره را در کمال صحت

و عقل و شعور دیده و بجان بهش برده بودند نواب عباس علی سیر
مسجدی در آنجا بنا کرده است که مردم در جوار امامزاده
مشغول عبادت باشند

فوج تحفه قاپوی قراج داغ ابوالجهمی عالیجا محمد علیجان
سرتیپ که احضار بمکاب مایون شده اند مقرب انخاقان
قائم مقام قرار داده است که در پانزدهم شوال در
تبریز حاضر شده و موجب خود را در اطاق نظام دریافت
نموده تا که خود را ببینند

فوج پانزدهم شقای که مشغول حفظ حراست قراول خانها
شهر تبریز بودند درین اوقات مرض خانه گردیده اند و فوج
حنال را بجای آنها در قراولخانه ها گذاشته اند و همچنین
فوج شانزدهم شقای جمعی عالیجا حمت الدخان
سرتیپ را نیز احضار به تبریز کرده که در جای فوج پانزدهم
شقای جایگزین شوند

و یکروز نوشته بودند که در روز عید فطر نواب شاهزاده و
نصرة الدوله بقاعه معموله بسلام نشسته و مقرب انخاقان
قائم مقام و خواین و صاحب منصبان نظام و مالی و
اعیان حاضر شده و اجرای شیک توپ نموده و نای
نامی علیحضرت پادشاهی خطبه خوانده شده بابل سلام
شریفت و شیرینی داده اند

و یکروز نوشته بودند که مقرب انخاقان قائم مقام مستوفیان
آذربایجان را در دفتر خانه آذربایجان بجهت تسویر
هذه اسنه بارس نیل آذربایجان حبس نموده هر روز
در حضور مقرب انخاقان مشارالیه مشغول نوشتن تسویر
نموبور میباشند

کرمانشاهان

حسن

از فراری که در روزنامه این ولایت نوشته اند حاج محمد
رشتی که غزیت که داشته است در خارج شهر کرمان
در سر مقبره که محل انداختن قوافل و زوار است در میان
قافله حاج منزل داشته است با اینکه غلامان ایروانی
که مستحق حاج بوده اند تا صبح مشغول کشیک بوده و کمال
مراقبت را بجا آورده اند صبح مذکور داشته است که یکبار
ابریشم من که وجه نقد نیز در میان آن بود منقود شده است
بعد از تجسس بار ابریشم را در ها بنجا بیاصله چهل پنجاه
درع پیدا نموده اند و لکن میگویند است که بیت و شت
تخواه مر از میان بار مر بوبر برده اند چون در آن بیت
زیاد از امانی شهرت یافت قافله حاج رفته بودند آنچه
نمودند بکمی بکمان این مطلب زفت لهذا نواب مستطاب
والا تبار عماد الدوله حکمران کرمانشاهان از خود مبلغ
بجای مشارالیه داده اند تا بعد تفحص درین امر نماید و چون
در سر مقبره محلی که زوار منزل مینمایند متصل به باغات
کرمانشاهان و اطراف آن بندها و پتیهها دارد که تبار
مردمان دزد و شریر راه فرار و پنهان شدن اسان
لذا نواب عماد الدوله در آنجا قوافل خانه گذاشته است
که بیت نفر سر باز و یک نفر نایب همیشه در آنجا باشند و
شبهه قوافل را جمع نموده متوجه شوند که در خارج شهر
و شرارتی واقع نشود و زوار و قوافل ازین رکود آسوده
باشند

و بیکر نوشته اند که امورات شهر کرمانشاهان از اتهامات
نواب شاهزاده عماد الدوله در نهایت انتظام است و کمال

افیت حاصل است بطوریکه اغلب کسبه شهرها و کاکین
خود را در کشود میگذارند و دزدی و خلاف حسابی اتفاق
نمی افتد و مدتی است که حسب احکام نواب شاهزاده عماد الدوله
فراول سر باز هم از محلات برداشته شده است
و همه مردم در رفاه و آسودگی و امنیت ثقل و کار خود و بکار
دولت علیه اقدام دارند

و بیکر نوشته اند که از قدیم رسم بوده است که از طایفه
یهود که بغزیت زیارت بیت المقدس یا ذی الکفل میرفتند
در شهر دارالدوله و منازل عرض راه از هر نفری دو هزار
دینار باج می گرفتند که هر نفری از یهود در شهر و منازل
عرض راه یک تومان گرفته می شده است بعلایحیه
و بیکر نیز با نهای می شده است چون نواب شاهزاده عماد الدوله
اهتمامات اولیای دولت علیه را در آسایش عموم متوجه دولت
علیه نمیده و این امر خلاف انصاف دانسته اند از مبای
کرک و شهر و باج کبران حبس منازل و مباشرین بلوک
الترام گرفته اند که بهیچ وجه متعرض طایفه یهود نشوند و دینا
از آنها مطالبه ننمایند که مثل سایر رعایای این دولت
علیه مرفه الحال و آسوده خاطر بمقصد عبور و مرور کنند

فوج کلیانی ابوالجیمی نواب علیقلی میرزای سر قی و حاکم کلیانی
در خارج قصبه شترمدت دو ماه بوده که مشغول مشق بودند
و محمود آقای معلم را که بجهت مشق آنها تعیین نموده بوده اند بسیار
ساعی و جاهد و با استقامت بوده است که مشق آنها کامل شود
و از فراری که نوشته بودند بسیار خوب از عهد مشق آنها برآمده است

و درین مدت قلیل قتی کلی کرده اند

اخبار دول خارجه

احوال متفرقه شخصی و مملکت انگلیس زونی

ساخته است بجهت نشین مردم با حل و نقل قشون در میان رودخانه شل سیر زور قهار ویش باز است و با پارو راه میرود و این زورق را از شمع ساخته اند و زیرش مثل تو شک بادی است وقتی که بازمی کنند باد بسیار می تابد و میگذارد که باب فرو برد و دولت نفر می تواند اند و میباشند و یکپار یک در میان آب فرو می نشیند یک عاده توپ نیز در میانش می توان که نشست

ابو مفرقه که یکی از سرکردگان امیر عبدالقادر بود در جزیره آذربایجان که در مغرب زمین با فرانسها جنگ داشت و بعد از آن مدتی در فرانسه محبوس بود و درین روزها او طلب شده است که با سلامبول آمده بقشون سلطان ملحق شده خدمت نماید و از طایفه خودش قشون جمع کرده با سلامبول بیاید و اخراجات این قشون کلاً از دولت فرانسه است

از جمله تماشاها می که در روز عید خلق بجهت آن در سپایبول جمع می شوند جنگ میان حیوانات وحشی است درین روزها از این حیوانات از ولایات خارج آورده اند و بنا دارند که در اینجا بجنگ بیندازند از جمله گفتار با سکه های شبانان و ببر با کاونرو این حیوانات را هر یک در قفس علیحد بنکاشته اند و گفته اند با انسان این بکشد تا بحالت تبعیت

مانده باشند از جمله مذاکره قشون که در مملکت فرانسه دیده اند بجهت صا جان کارخانهای ماهوت ملکه کرده اند که شصت هزار ذراع

برای قشون افواج خاصه بخرند و این ماهوت را از کارخانهای شهرهای پکن و آلفون و لو نیز خریده اند

در یکی از روزنامه های وینه که لایه می نامند در خصوص مملکت سر ویه که سرب نیز می نامند و یکی از ممالک کوچک سرحد فرانسه تابع دولت عثمانیه است نوشته اند باینکه این ولایت کوچک معلوم میشود که مردمش چندی هستند و قشون زیاد می توانند که برپا نمایند ولایت مذکور پنج بلوک است و قشون نگاہی که الان دارند چهل و شش هزار پیاده و شش هزار سوار و شش توپچی و صد و پنجاه عراده توپ و در هنگام ضرورت زیاد

از این هم می توانند جمع نمایند

بزرگ خرابخانه مملکت فرانسه حسابی نوشته است در خصوص مبلغ پول مسکوک از طلا و فقره و مس در کل دنیا از جمله در میان پول است که بسیار سنگین وزن است در مملکت یونان و سیاه شمالی پولی از طلا دارند که بهت و بختومان و شش هزار قیامت و در فلانس پولی طلا دارند که هر عددی هفده تومان پولی

قیمت دارد و در پورتو قال هم پول طلا دارند که به هر قیمت است پیدمانت پول طلائی دارند که پانزده تومان قیمت دارد و در مملکت هالند نیز پول طلائی دارند که شش طلا می نامند و پانزده تومان و دو هزار دینار قیمت است و در نا پولی پول طلائی دارند که دوازده تومان رواج است و در ساردینیه پول طلائی دارند که هر یک ده تومان قیمت دارد و در فرنگستان پول طلا که از همه کوچکتر است باین تفصیل است پول طلای روم هر یک پنجاه و پانصد دینار پول طلای فرانسه هر یک پنجاه و دینار و پول طلای پورتو قال هر یک سه هزار و پانصد دینار و در ژنوه پول طلای آنجا سه هزار و پانصد دینار

سویدن هر یک دو هزار و پانصد دینار رواج است

در یکی از روزنامه‌های ایتالیا نوشته اند که جماعتی از سیاحان

بسرکوه سورنده و سوادیس رفته بودند یکی از آنها قدری

نزدیک بهن آتشی که آتش بالایی آید رفته بود ناگاه زیر پایش

فرورفته و به تنوره آتش افتاده بود بلند که مسراه او بود

طناب بکمر خود بسته و پانین کودی بر رفته او را بیرون آورد

بودند اما از شدت حرارت تلف شده بود

در خصوص گفتگوی مابین دولت اسپانیول و دولت یونانی

شمالی در روزنامه‌ها که تازه رسید نوشته اند که دولت اسپانیول

از تکالیف موسوسو و وزیر مختاریکی دنیا معیم هر دو یکجدا

قبول کرده اند و از بعضی تکالیف دولت یونانی دنیا معلوم بود

که میخواستند تعدی به دولت اسپانیول نکنند یکی از آنها

دولت یونانی و نیای شمالی این بود که حاکم جزیره کو به عرض شود

بسیب اینکه یکی از کشتیهای یونانی شمالی را در آنجا نگاه

داشته بودند انسانی دولت اسپانیول در جواب این مطلب

گفتند که در نگاه داشتن این کشتی حاکم جزیره کو به حق داشت

و سایر تکالیف و زیر مختاری را نیز قبول کرده بودند در جزیره

کو به دولت اسپانیول بت و پنجهارقشون داشتند

شهر که یز که کناره ملک خودشان میباشد تدارک میدیدند که

قشون بری و سحری و کشتیها باز نسبت آن جزیره بهرشتند

در ایام قدیم اکثر خاک یونانی دنیا و جزایر آن سمت در دست

اسپانیول بود و آن در هنگام جلال و استقلال دولت

اسپانیول بود حال نسبت بایر دول آن جلال و زور

حالا جانی در دستشان نمانده است مگر جزیره کو به جزیره

کو چکی که بر تو ریکه میماند حال در سراسر این جزیره که از آن

حاکم زیاد و در دست دولت اسپانیول باقی مانده است

خوب است که می کنند و ولتین انگلیس و فرانسه هرگز

راضی نیستند که این دو جزیره بدست دولت یونانی و نیای

شمالی بیفتد

درین روز که دزدان بحری در آق و نیکه و سمت ملک یونان

زیاده شده اند و چند کشتی تجاری انگلیس بدست این دزدان

افتاده است نزدیک کشتیهای جنگی میروند و لکن و قشکی

کشتی تجاری را می بینند میروند و تاخت و غارت می کنند

و ادعای آنکه در میان کشتیها هستند می کنند و از اصمیر نیز

نوشته اند که کشتی از لنگرگاه آنجا میروند بیرون برود

مگر اینکه کشتی جنگی مسراه او باشد که او را محافظت نماید

از اینجه بعضی از اهل انگلیس بدست خودشان عرض کرده اند

که پادشاه حکم بکند چند کشتی جنگی تیزرو بان بکند

که محافظت کشتیهای تجاری را بکند که از شدت دزدان

محموظ باشد

در مشورتخانه ملک بلژ در باب عهدنامه مابین دولتین

و انگلیس تازه بسته شده است بحث و مکالمات نموده اند

و اهل مشورتخانه از وزیر دول خارج خواهش کرده بودند

که مضمون عهدنامه مذکور را بایشان بیان نماید و نیز قضا

عهدنامه را بیکان یکان بایشان حالی کرده و گفته بودند که

بسیار جای فخر و شادمانیت که ملک بلژیش چنان

باین جنگ که الان در فرنگستان است مکرده اند و ملک

دیگر مدارک جنگ پیدا شدند اهل بلخ مشغول کار خودشان بودند و دولتین انگلیس و فرانسه قرار داده بودند که نسبتاً با اهل بلخ که در روی کشتی میگذارند و در روی دریاهای خلیج فارس میفرستند مخالفت از آنها نشود و امنای دولت هم بر عایای خود سپرده بودند که بچنگ دخل و تصرف نکنند

موسیو دوبرایچی از جانب امپراطور استریه در پای فرانسه درین روزها مورد التفات علیحضرت امپراطور فرانسه گردیده و نشان تاج آهن با پلیچی مرزبورات التفات کرده اند

استخاصی که در خصوص کرانی نامان اغتشاش نمود و در آنهارا گرفته و مجبوس کرده بودند و درین روزها هر یک نسبت به تعصیر خودشان تنبیه شده اند اما تنبیه ایشان جزئی نیست همین قدر کرده اند که ضرر حتراتی که در اغتشاش مرزبورت خلق رسیده بود از آنها گرفته اند

گری بالینی نام که در ایام اغتشاش مملکت ایتالیا بزرگ یاعیان بود و بعد از آن صاحب کشتی تجارتی شده بود و بگذرانش از محل بقتل بارهای تجارتی بود و درین روزها به آق و بخیز و مملکت پیه مانت پرکشته است و یکی از امنای دولت پادشاه ساردینیه بروی کشتی که ریز حمایت میدی و نیای شمالی است رفته بود و که رسید و معلوم نیست که گری بالینی دوباره دخل و تصرف بکار دولتی بکند یا نه

چنانچه در روزنامه سابق نوشته شده است کشتیهایی یکنی و نیای شمالی که مملکت یونان رفته بودند با اهل

عهدنامه بسته بودند در خصوص تجارت و بعضی مطالب دیگر که داشتند از جمله یکی از مطالبی که داشتند این بود که نسبت با بلخی و نیای شمالی که بجهت غرق شدن کشتیهای طوفان دریای که لایذابان ولایت می آیند ظلم اللهی از اهل آن ولایت بآنها شود حال خبر آمده است که مطالبی را که اهل یکنی و نیای داشتند اهل یونان قبول کردند و اینهم معلوم شده است که اگر اهل یونان مطالب اهل یکنی و نیای را قبول میکردند با آنها جنگ میکردند و برزور بکردن آنها می گذاشتند

در روزنامه هندوستان نوشته اند که بخیری که دولت انگلیس در رودخانه گنگ تازه تمام کرده اند و در شش ماه رجب مفتوح شده است بجهت حمل و نقل اذوقه و بار تجارتی و تردد دستیاچ سپار بکار اهل آن مملکت آمده است دولت در نزد مرزبورت نزدیک بهفت کرو پول ایران خرج کرده بودند و لکن زیاده بکار خلق می آید کثودن این نه و کثودن راه آهن که درین اوقات براه انداخته اند بجهت تردد و خلق منفعت زیاد بجال اهل هندوستان خواهد کرد

از چین خبرد استند که یاعیان نزدیک بیای تحت رفته بودند و کمانند استند که قشون پادشاه چین پیش روی یاعیان بتوانند دوام نمایند

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که قشون انگلیس و فرانسه نزدیک به اشتهز پای تحت یونان اردو رزده و متبیا بودند و زور بپادشاه یونان آورده بودند که قدغن کند که از رعایای خود شش پیکس دخل و تصرف درین جنگ نکند

شوی و بنس ایچی از جانب دولت پر وسیه که مدتی مقیم
لندن بود درین روزها از لندن مراجعت بولایت خودش
کرده است

در فصل چهار گذشته در شهرهای نیویارک و فلیلفیه و با
و سایر شهرهای نیکی دنیای شمالی بسیار سخت گذشته است
و از فرا کافه ها که از اینجا نوشته اند بگاه بعد از عید نوروز
در اینجا باریده بود و معلوم بود که رستان در بحر منجمد
بود و این جهت که کوههای پنج میان دریادست نیکی دنیای

شمالی خیلی دیده بودند
از جمله دزدیها که درین روزها بل یونان از کشتیهای
کرده اند اینست که کشتی که دغال سنگی بار کرده بود و از
مالته با سلا بول می آمد گرفته اند و چهر آدم در میانش
بود کشته اند

و نیز در ول خارجه مملکت بلژیک خبر کرده است که بجهت تردد اهل
الولایت بمملکت برازیل بناد دارند و در بعضی کشتی از اینجا
بولایت مرزور و آنه بکنند و اخراجات روانه کردن کشتی
از دولت میدهند

از جمله احکام تازه که درین روزها در مملکت فرانسه گرفته اند
این است که بعضی افواج خاصه را لقب قدیم داده اند و همان
القباب است که در ایام دولت ناپلیان بزرگ داشتند
و در زبان فرانسه که دامپریال میگویند یعنی قراول خاصه

باز درین اوقات در شهر نیویارک تشنه افتاده بود و لکن
تقصیل ازادر روزنامه نوشته اند مگر اینکه از افتادن دیوان

سبزه نفر نظام تشنه خاموش کن گشته شده و چاره
نفر زخمی کرده اند طوفان زیاد در آن سمتها شده
و یک کشتی در آنجا غرق شده بود که دوست نفر در میان
بودند که از این دوست نفر کی خلاص شده بودند کشتی دیگر

هم غرق شده است که نفر در میانش بودند از این نفر
یکی خلاص شده است کشتی دیگر غرق شده است آدمها که
در میانش نشتی بودند سلامت بیرون آوردند اما بارها
که در میانش بودند زیادش تلف شده بود

عمومی امپراطور استریم موافق روزنامه وینه درین روزها
بمملکت انگلیس خواهد رفت

کمان دارند که در مملکت انگلیس کم کم شکر که از ولایت خارج
می آورند درین روزها زیاد خواهند کرد و در ولایت انگلیس در
هر شهری در کم کم انبارهای بزرگ می سازند بجهت کشتن
و این انبارها مال دیوان اند تجار از آن دارند که هر قدر که بخواهند

باشان در آن انبار باشد و اجرت جزئی بدیوان میدهند
شهر برستل شکر زیاد در انبارهای مرزور بود و تجارتش
کرده بودند که بعد ازین دیوان کم کم شکر را زیاد نمایند
روزها اکثر این شکر را از انبارها در آورده اند و در یک هفته
بیت هزار تومان بدیوان از باب گشت شکر مرزور شده و

اعلانات

کتاب موعوم بشهاب ثاقب فارسی تالیف جناب نظام العلماء
چاپ شده در امامت در دکان آقا علی صحاف در جنب
مسجد جامع فروخته میشود هر نسخه شش هزار دینار

روزنامه قایم اتقا و تبایح یوچم شنبه پاره ذیقعد و حرام مطابقی سال با ربیع الثانی ۱۳۷۱

نزد صد و شتادودو

میت روزنامه

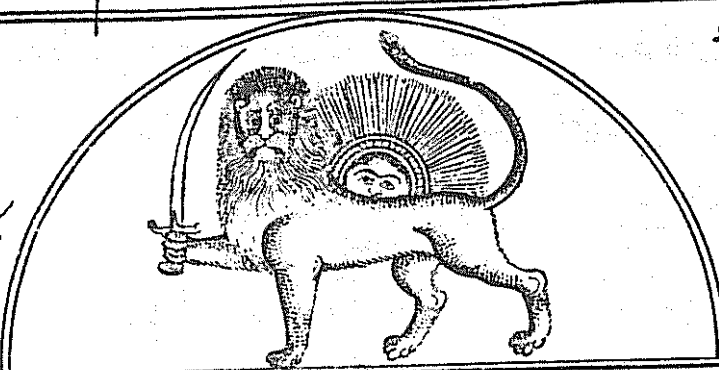
یک نسخه ده هزار

هفتاد و چهار هزار

منطبعة دارالخلافه طهران

مقت اعلا نات

لیکتر الی چهارم یکصد و دینا
بیشتر با هر پیر



انبار داخل ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

فی الحمله باد کرم در شهر و ریزد است و لکن دیوار
که موکب هایون تشریف دارند و سایر شیره اتا
هو بسیار خوب است خصوصاً شبها که بسیار
خوش است

امورات دارالخلافه طهران از اتمامات امنای
علیه در کمال انتظام است و چاکران دیوانی در رعایت
موکب هایون هر یک در انجام خدمات محوله بجو

سعی و اهتمام را دارند و جمیع سکنه دارالخلافه
از کسبه و اصناف و غیره مرفه و آسوده خاطر
هر کس بکار و کسب خود مشغول و کسی قدرت حرکت
خلافی ندارد و اگر بندرت کسی مرکب شرارت یا
خلاف حسابی شده باشد عقیده کامل میگرداند
ماکولات و غیره دارالخلافه بجهت الدار هر چیزی
فراوان و ارزان است چون آب درین اوقات
بیشتر در زراعات و باغات بیرون شهر مصرف می

چاکران دیوان درین باب اهتمام نموده اند که حایر که شهر
دارد بقاعده رسیده بجلالت تقسیم شود که اهل شهر کم

افواج قاهره نظام متوقف دارالخلافه مبارک که در
ایام ماه مبارک رمضان حسب الامر از مشغول
بودند بعد از ماه مبارک رمضان همه روزه بقرار
سابق مشغول میباشند و محلیین و صاحب
منصبان نهایت سعی و اهتمام را در مشغول آنها دارند

سواره شامون قورت بیکلو که احضار در بار
هایون شده بودند درین روزها بر کاب هایون
حاضر گردیده و لشکر نوبان عظام حسب الامر
آنها را دیده شدند و نفری یکی با اسب و اسلحه و سباب
تمام سان داده مادر خدمت خراسان گردیدند

و این روزها روانه میشوند که در انجام مشغول انجام
خدمات محوله بجو باشند
هوای دارالخلافه طهران درین روزها با قضاوی فضل
هتدی گرم شده است و لکن چندان شدت بطور
که در بعضی سالها داشت ندارد چند روز است که

سایر ولایات اذربایجان

از قراریکه در روزنامه اذربایجان نوشته بودند امر خود
از استقامات نواب مستطاب شاهزاده والا تبار نصره
فیدومیرزا نایب الایاله اذربایجان و مقرب الخاقان
میرزا صادق قایم مقام کمال نظم دارد و مقرب الخاقان
شاهزاده در رسیدگی بامور مردم و انتظام امر قشون
همواره نهایت اهتمام دارد و عالیجاه تیمور پاشا بانو
باکو وارد و اربسلطه تبریز شده مقرب الخاقان قایم
سان آنهارا دیده و مواجبتان را در اطاق نظام آنجا
داده اند که روانه دارالخلافه مسبار که شده برکات

بیایند

عالیجاه حاجی شریف خان که از دربارهایون خبر
شده با دوز بایجان رفته بود که بحسب صوابدید
شاهزاده نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام
مصدقی خدمت حکومت شود از قراریکه نوشته بودند
حکومت ارومی را با واکذا کرده روانه داشته اند
که رفته مراقب نظم امر ولایت باشد

از قراریکه نوشته بودند امسال در اذربایجان موبت
سردخت کم است و از سرراحتی آفت و آسیب
بموجات سیه است

استرآباد

از قراریکه در ضمن تحریرات استرآباد نوشته بودند
از اهل تربت عیسی خان از مقصد و پنجاه تومان متجاوز
مال حاجی علیسقی نام کاشانی را در راه عراق برب
برده و فراراً با استرآباد رفته بوده است یک نفر

سید مکاری برای جستجوی اموال مسروقه به سیراب

رفته مراتب را بمقرب الخاقان محمد ولیخان بیکر بیکی
حالی کرده بود عالیجاه شاهزاده را به رسم در صد و تقص
مال برآمده بود بفاصله دو ساعت سارق را
با اموال مسروقه بدست آورده با تمام فرستاده است
که آورده در طهران تسلیم حاجی علیسقی کاشانی

بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند نشان
هایون که با فقار نواب مستطاب شاهزاده والا تبار
خان میرزا رحمت و انفاد گردیده بود در دوازدهم ماه شوال
بآنجا رسیده نواب مغری الیه باخوانین و صاحبان نظام
والهلی واعیان ولایت تا باغ شاه باستقبال شتافته
لوازم توقیر و احترام را معمول داشته اند و تمثال پیمثال را
زیب و آویزه پیکر اعتبار ساخته اند و بجهت احترام اجبای
شکیک نموده بیت و یک تیر توپ انداخته و نقاشی
داده اند بعد از ادای خطبه بنام هایون علیحضرت پادشاه
و تقدیم شکر کذاری صرف شربت و شیرینی نموده به شهر
کرده اند

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند جمعی از طایفه
بتمه ساکن که کیلویه بجهت غارت رعایای دانات را فر
آمده بودند عالیجاه شیخ فارس خان خبردار گردیده جمعی
سواره سمره برادرزاده خود فرستاده و نفر از سوار
مقتول و سه نفر زخمی شده اند و مابقی فرار کرده اند

از انتظام فوج امرانی لرستان که در سرحدات آنجا هستند

نوشته بودند که بسیار با نظم حرکت می کنند و لاجا
میرزا ابو الفضل مایه یکد فسان آنها را دیده صورت
آنرا بنزد نواب هزاره چشم الدوله روانه نمایند
در انجام حداثت دیوانی نهایت تمام را محمول میداد

دیگر نوشته بودند که درین اوقات در محضر پنجش خان
آتش گرفته بود چون خانه را در آنجا بقاعده که اعراب
دارند اغلب ازنی میانه از خانه استاد عبد الدنام
خیز آتش بروز کرده و به پنج خانه دیگر سرایت کرده بود
مردم جمع شده آتش را خاموش کرده بودند و اند
اسباب خانهای مزبور نیز هر قدر که نوشته بودند
بیرون آورده و نگذاشته بودند آنجا که میسر است

کرماتشان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند
عبد الکرم پیک غلام شیخ مت که از قرار حکم امنای
دولت علیه بجهت تحقیق رسیدگی موجب سر باز و
سواره کرماتشان مامور بود با بنجار رسیده و نواب
عماد الدوله حکمران کرماتشان نامی سران سپاه
صاحب منصبان و سر رشته داران را حاضر نموده
درین باب مشغول تحقیق و غوررسی بودند تا آنچه معلوم
کرد در بعضی امنای دولت علیه برسانند

دیگر نوشته بودند که قبل از ماه مبارک رمضان یک
بار تجارنی از قبیل چادر شب رزی و غیره از شخصی از اهل
منلیج در منزل طاق کرمی سرت نموده بودند مشار
به کرماتشان آمده و مراتب را بعضی نواب عماد الدوله
بنکار گزاران قدغن شده بود که در مقام تحقیق برآیند بعد از

چهل روز عالیجاه فتح الدخان فرستاشی نواب
در کوچ و دستخه از آن چادر شبها و دست شخصی دیده بود
که میفروشد قیمت آنها را پرسیده بود آن شخص گفته بود
یکی سه تومان میفروشم شارالیه چون دیده بود که چادر شبها

یکی هفتشت تومان ارزش دارد نفوس اینمندی را کرده
بود که باید مال دزدی باشد که باج سرشته قیمت آنرا
ندارد در مقام تحقیق برآمده بود آن شخص مذکور داشته بود
که من این چادر شبها را ز دو نفر کرکندی خریده ام حساب
مال را آورده بودند چادر شبهای خود را شناخته بود
نواب عماد الدوله محصل فرستاده اند که رفته از کرکندی
آن دو نفر سارق را حکما با بقیه اموال مسروقه پیاده
که مال بصاحبش تسلیم و حکم سارقین هم بعد از آن

بشود

کرماتشان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته امیرالامرا
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرماتشان سواره اوقات
در اشطام امر آن ولایت نهایت مراقبت را دارند چون
بجهت کرمی هوا اکثر مردم از دلمات شبها برای معامله
بشهر می آیند امیرالامرا العظام سردار جیت نفر سوار مهین
کرده اند که در بیرون شهر و سر راهها گردش نمایند که
مبادی جانی و خلاف قاعده اتفاق افتد

باشد ناشی و صادر نمی شود

از قراریکه نوشته اند امیرشایباف خانه کرمان زیاد
رواج دارد و امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
حکمران یزد و کرمان قدغن کرده است که احدی از تجار
و سکنه کرمان شال کشیری داد و ستد نمایند از اینجا
امیرشایباف خانه آنجا خیلی رونق داد و دستاورد
شایبافخانه خوب از عمده برمی آید و هر وقت طرح نو
بیرون می آید و سردار رسم باین ملاحظه در باره
هر یک از استادان نربور نوارش کرده و همواره تشویق
و ترغیب نماید
و یک نوشته اند که از اہتمامات امیرالامرا العظام سردار
طوق و شوارع و سرحدات و دہنہ جات کرمان نہایت
ایت را دارد قوافلی که از یزد و فہرس و بستان و
و روار مشہد مقدس وارد شدہ بودند از اہل بیت را
زیادہ از حد تعریف کردہ اند اہل بیتان مذکور ساختہ
بودند کہ شخصی دو تومان وجہ نقد داشتہ و در قوافل
نادری بجا گذاشتہ بعد از چہار روز معلوم کردہ بود کہ
پولش نیست با اہل قافلہ بنامی شاجرہ گذاشتہ ہمکی
قسم یاد کردہ بودند کہ خبر نداریم بعد از آنکہ خاطر جمیع
شدہ بود مراجعت بقراول خانہ کردہ پول خود را بدو
کسر و نقصان در آنجا یافتہ برداشتہ مراجعت کردہ بود
از قراریکه نوشته بودند افواج قراکوزلو و کرمانی ہر روز
در میدان ارک آنجا مشغول مشغول می ہستند و بکند آنجا
با عالیجاہ اصلاخان یا در توپخانہ عصر ہا در میدان توپخانہ
مشغول می کنند و از پیچیک امریکہ خلاف قاعدہ و ضابطہ

از قراریکه نوشته بودند این روز ہا در سرای کججلی خان
بنای تعمیر گذاشتہ بودند سردابہ در زیر غارت لہا شدہ
در آن سردابہ دو کلمہ آدمی دیدہ بودند کہ از سرمای اہل این
زمان بزرگتر بودہ شخص زارعی کہ یکصدال متجاوز ہستہ
گفتہ بود کہ در ایام محاصرہ کرمان دو نفر بقال تو منہ قوی
بیکل درین سر مشغول بقالی بودند بعد از افتتاح ابواب
شہر کہ قشون خاقان شہید آقا محمد خان طاب ثراہ بنا
قتل و غارت گذاشتہ بودند افاغہ سیرای کججلی خان
ریختہ آن دو نفر بقال را با سیراہل آن سر مشغول
نہدین دو کلمہ از آن دو نفر بقال میباشد امیرالامرا العظام
سردار قدغن کردہ بود سردار غل دادہ فوج
از قراریکه نوشته بودند قناتی کہ در کرمان سا بقا از
باد و سیلاب خراب شدہ صاحبان آنها از بی ا
قوہ آبادی نہشتند امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
بملاحظہ اینکہ رعیت از دست نرود و مال دیوان سو
نمزد ہر یک از صاحبان املاک بقدر کفاف تنخواہ
دادہ اند کہ مشغول آبادی قنات بشوند و ببلوکات ہم
نوشته اند کہ بقدر ضرورت مخیر چرخ انداختہ
از قراریکه نوشته بودند اسال ہوای کرمان بسیار گرم
از اول سال الی حال عصر ہا تا دو ساعت از شب رفتہ
باد ہای گرم شدید میوزیدہ کہ مردم متاذی می شدہ
و درین اوقات ہوای آنجا بطریق گرم شدہ است کہ قریب
بظہری دو ساعت از ظہر گذشتہ احدی در کوچہ و بازار
تردو میستواند کرد اغلب روز ہا بر می شود و لکن باران نمی آید

اخبار دول خارجی

انگلینس

در مشورتخانه وکلای رنایا که بتاريخ ۲۴ ماه شعبان چاپ زده اند نوشته اند که وزرا و اهل مشورت اجلاس کرده اند بجهت دستور العمل سال آینده و اخراجات نورادویت و نصت و یک کرو و نو و یک هزار و دویست تومان پول ایران بر او رد کرده بودند و این اخراجات را همه از مالیات امسال جابجا بدون اینکه دولت قرض بکند و در این باب گفتگو و مکالمات زیاد در مشورتخانه شده و بعد از گفتگوی زیاد دستور العمل مذکور را قبول نموده و بهمان منوال مجری داشته اند

فرانسه

موافق اخبار روزنامه فرانسه معلوم میشود که راه این پاریس پای تحت فرانسه و سیزلر که شهرت در جنوب آنولایت امسال با تمام خواهد رسید پیشتر این را تا بحال ساخته شده است اما چون قدری ناتمامی در بعضی جایها دارد و منور متضمن بهم نشد است سیاحان در آنجا باید میشوند که از کالک که بخار بیرون آید بکشتیها که در رود نشینند و این رسم رخت و محظی زیاد دارد و هم اخبار بسیار خصوصاً در حمل و نقل بارها که باید چند دفعه از کانکه و انکشتی کالک که حمل و نقل شود و امید دارند که بعد از تمام شدن این راه از شهر سیزلر که در کن راق و دیگر وقت تانگ پای تلخ انگلیس در و روز بلکه دیگر روز و نیم بردند اگر نخواهد درین راه خرج شده است از خلق است که تجار و صاحبان تنخواه از برای اشتغال خود میگویند و لیکن دیوان قدیمی با آنها امداد کرده اند

احوال متفرقه

در این ایام پول قدیم زیاد از دست شمال مملکت روس و ملک دوز در یابی لطف حبه اند و اکثر این پولها از ایام خلفای عرب ازین پولها که حبه اند معلوم میشود که در ایام جلال و استقلال خلفای عرب با نولایات تردد زیاد می شده است و تجارت بسیار و رختل آن ممالک داشته اند و از کتب تواریخ قدیم میسر میشود که در ایام خلفای مزبور طایفه عرب چند در روی دریا تسلط و بچه ولایات بعیده رفته اند اما تا بحال معلوم نبود که بولایاتی نزدیک بحر منجم است رفته باشند یا نه در این اوقات بعد بیت هزار پول قدیم آن ایام تا بحال از شهرها و ولایات آن پیدا شده است و انکشتی طلا و نقره و سایر اسباب در آنجا پیدا کرده اند خصوصاً از جزایر اوکند و کافند و در آنجا و کمان دارند که انبارهای که در آن ایام مال التجاره با آنجا می آورند در جزایر مذکور بوده اند

در نزدیکی شهر که یز مملکت اسپانیول نوشته اند که درین سال ملخ زیاد بیرون آمده و خرابی بسیار رسانده است اما اینجا از ملخ خوارکی در آنولایت میگردند زیرا که در فوکنان ملخ خوارکی اتفاق می افتد آنهم گاهی اگر باشد در سمت جنوب فوکنان

در اخبار رینکی و نیای شمالی نوشته اند که حاصل شکار از کبک معلوم میشود امسال فراوان خواهد شد و قیاس در جزایر خفا جزئی تزلزل است قوه پنجه و سایر حاصل کر میسر است بسیار خوب بود و چون که از سال گذشته نیز ازین اجناس انبار بسیار داشتند تزلزل قیمت آنها بهم رسیده است

در روزنامه های ایتالیا نوشته اند که فراریها که مدتی بود از

خود اخراج بلد شده بودند کم دسته دسته بولایت
ایطالی مراجعت میکردند و لکن از قرار یکدیگر میکشید اکثر
بهست چاکران دیوان می افتادند پانزده نفر در کوشان
باین مودینه و مملکت لشکر گرفته بودند و اینها از همان
بودند که چند وقت پیش ازین میخواستند در آنولایت آشوب و
ناپاید سید قبضه تفنگ سر بازی و تفنگ دوله
دست یا غیاث گرفته اند و کمان میکردند که بعضی شان از
رو شده باشند و سرحد دریا کشیکچیان و قشون کذا
که مانع عبور این اشخاص باشد و لکن خبر دارند که بعضی از آنها
از مملکت کوچک مودینه زده شده و بولایت پیانیت
در روزنامه اسپانیول نوشته اند که والله پادشاه
ناخوش بود اول چنان میه استند که ناخوشی آبله دارد
حال معلوم شده است که ناخوشی سرخچات و چونکه این
ناخوشی ناخوشی اطفال است درسانی که نشان کامل است
اگر بروز بکند خالی از تشویش نیست از دخترهای پادشاه
نیز یکی بهین ناخوشی گرفتار است
درین روزها دولت فرانسه کشتی بخار بست بحر اهر
فرستاده بود کشتی مزبور در آن دریا که دشت کرده و بر
جده آمده و از تنگای دریای که باب المندب می نامند برون
آمده به سمت کناره مملکت افریقیه میرفت ناگاه بنگ خورده
و شکست خیز بعد آن آمده بود و سر کرده قشون پادشاه
دو کشتی با نداد اهل کشتی فرانسه فرستاده بود آذوقه و
وسایل اسباب آنجه میخواستند از کشتی مزبور ببلات برون
آورده بودند اما ناخوشی غرق شده بود در آن دریا

سنگها پیدا میشوند که از قسم مرجان اند و بجه کشتی تشویش
آنها از همه زیاده تر است بسبب اینکه بسیار اتفاق می افتد
در دریای که صد ذرع یا دویست ذرع عمق دارد این سنگها
مانند دیوار از ته دریا بالا کشیده شده است و کشتی ها
باین سنگ میخورند و می شکنند
در رودخانه های بزرگ نیکی دنیا یک تشویش کلی که بجه کشتیها
دارند از درختهای جنگلی بزرگ است که بمیان رودخانه
بسببیل و غیره می افتد یکسر درخت در رودخانه محکم
و سر دیگرش نزدیک بروی آب کشتی که باو میخورد
می شکنند و غرق شود از بجه درین روزها نوشته اند که یکی از
رودخانه های آنجا یک کشتی غرق شده است که در میانش ده
طیان و الارطلا که تخمینا دو کور پول ایران با بود کشتی شکسته
و غرق گردید و لکن اهل کشتی بسلامت بیرون آمده و صند و قبا
که طلا در میان بود برون آورده بودند
روجه لوی قلیب پادشاه سابق فرانسه مدتی بود که مملکت
اسپانیول توقفت داشت و در شهر سول قامت نموده بود و چون
درین اوقات میخواست از آنولایت بیرون برود و پیشانی
مقیم اسپانیول بجه احترام شارالیهما بیدن او رفته بود
عباس شاه حکم آن مملکت مصر بنا دارد که موسوم بچارب
عمارت باز د و بقدر سه هزار نفر عده در آنجا براه انداخته است
که راهی از کن ربحر الاحمر تا کوه مزبور باز کند و عمل مشغول کار
قشونی که در قاهره پای تخت مصر داشتند هیچ هزار نفر بود و غیر از بجه
نظام جنبه درین اوقات حکم شده است که سی هزار نفر قشون
از ولایت مصر تازه بکمرند

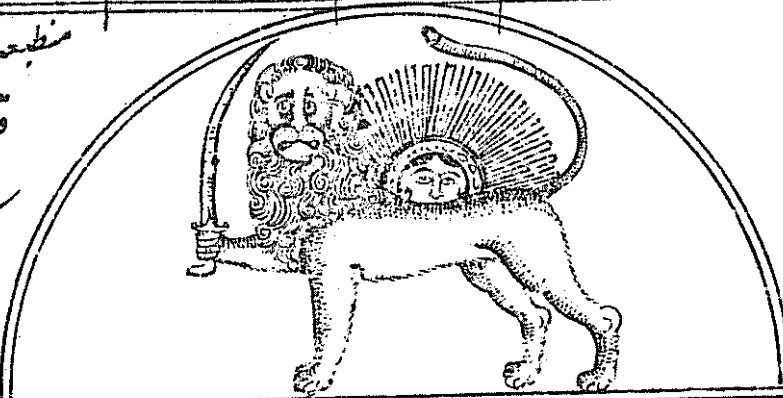
روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت کوچه پشم به ماه دی قمر الحرام سال یازدهم

نزد صد و شتادوس

قیمت روزنامه

یک پنجه دینار هر کس

و تومان و چهار هزار



منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلام

یک سطر الاحبار سطر

بسته به هر پیر

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز شنبه سیم این ماه اعلیحضرت پادشاهی
عنایت تفرج سمت در بند و آن اطراف فرمودند و دو
ساعت از روز گذشته سوار شدند سوارشاهسون
قوت بیگ که در هفته بقی نوشته شده بود حاضر کباب
مبارک گردیده اند در روز مزبور در عبور موکب همایون
صف کشیده بودند و بنظر آه کس شاهنشاهی رسیده
ملاحظه آنها را فرمودند و سواره مزبور در تحسین و التماس
گردیدند و از آنجا موکب همایون بسمت در بند و آن اطراف
تشریف فرما گردیده تا حوالی عصر بتفرج و سیاحت آن
مشغول و جناب جلالت تا عصر عظم هم در موکب همایون
بودند نزدیک بغروب آفتاب که مراجعت ببارت مبارکه
نیادران میفرمودند و جمال آباد بمنزل مقرب اخاقان
ایشیک آقاسی پاشی تشریف فرما گردیده و شاه را الهیه تقدیم
پیشکش و قربانی مقدم همایون نموده مورد التفات گردید و علیحضرت
پادشاهی از آنجا ببارت مبارکه نیادران تشریف فرما گردیدند

از اخبار شهر چیزی نبود که در روزنامه نوشته شود مگر آنکه
نوشته بودند در هفته گذشته سه چهار نفر شراب و شرات
کرده بودند آنها را گرفته بنزد نواب مستطاب شاهزاده والا
در شیرمیرزا حکمران دار الخلفه طهران و توابع آورده بودند
و حسب احکام نواب معزی الیه تمهید معقول شده چون دوسه نفر
اضحیف کسبه بوده اند بعد از تنبیه حکم کرده بودند که بنزد جناب
اخذ ملا ابوالحسن برده و راجعاً توبه نمایند که بعد ازین مرتکب
شرع نشوند دیگر در روزنامه شهر قیمت اجناس ماکولات غنیمت
نوشته اند که در آخرین روزنامه مسطور میگردد

سایر ولایات

در پایتخت درین هفته اخباری از ذریعان رسید
خراسان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند بجهت
راهباز و آرسباز اطراف ممالک محروسه باریز
آمده اند و مع هذا در اجناس ماکولات آنجا تغییری بهم رسیده

و همه چیز فراوان و ارزانت

دیکر نوشته اند که در روز عید فطر نواب مستطاب شاهزاده
 و الایبار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان در دیوانه
 بزرگ انعقاد سلام عام داده و پرده تصویرهای یون علیحضرت
 پادشاهی را در بالای سر نواب حسنی الیه قرار داده و مقرب الخاقان
 میرزا فضل الله وزیر نظام و سایر خوانین و صاحب منصبان
 میرنخجگان و سیرپان و غیره در سلام نوب حضور بهم رسانیده
 شلیک توپ و غیره بقاعده معموله کرده و ادای خطبه بنام یون
 اعلیحضرت پادشاهی نموده صرف شربت شیرینی کرده
 بودند و در بین سلام فرستاده عالیجاه یزدانپور و یحسان
 برادر مقرب الخاقان ساختمان ایلمانی بیت تیره سر از اشرا
 ترکان با شش نفر بچه ترکان و دو درهیل اسپیشکس بجنور
 نواب مغزی الیه آورده به آورنده سرها و فرستاده الیه
 به یک انعامی داده و یکشوب جبه ترمه نیرنجبه عالیجه یزدانپور
 فرستاده بودند

دیکر نوشته بودند که مقرب الخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام
 در انتظام امر سرکار فیض آثار فرامای درست داده و بعضی
 جایهای ایوان طلا و صحن و خیابان و غیره را چنانچه در روز
 سابق نوشته شده بود در این روز با تمام ریاضه و سپاه و
 باصفا کرده اند و در ایام ماه مبارک رمضان بایلی احبار
 علاوه بر طنج مقرری سرکار فیض آثار شبی بیت و پنج من
 برنج علاقه برای فقرا و غریباطنج نموده اند

دیکر نوشته اند عالیجاه میرزا مصطفی قلیخان چون در انجام
 دیوانی و رسیدن محاسبات و محاسبات و انتظام امور
 انجام اتمام وافی معمول داشته بود نواب فرمانفرما شاهی

مورد التفات نموده یکشوب جبه ترمه با و خلعت داده اند
 و مشارالیه نیز هر روز در باب تخییر را در دفتر تجسبع کرده
 مشغول محاسبات و محاسبات انولات و زندن جیره
 موجب نوکر مستیبات لایمی میباشند

دیکر نوشته بودند که نواب فرمانفرما در اوقات محبت از
 اتق و ربند حاجی محمد رضای شاد دلو را روانه نموده بودند که
 رفته سواره و پیاده و خانوار هزاره را آنچه سابقا بشهر نو
 آمده بودند و آنچه این اوقات آمده اند سان دیده و
 جام و با خرز و خواف و کار نیز را هم رسیدگی نماید
 رفته رسیدگی با مورات آنجا نموده و ده دوازده نفر از
 خوانین و ریش سفیدان هزاره را هم راه خود خدمت
 شاهزاده آورده بود نواب مغزی الیه اسم آنها را مورد
 نموده و بعواطف این دولت علیه امیدواری داده و عرض
 کرده اند

فوج آقا را به اوجهی عالیجاه مقرب الخاقان عسکر خان
 از قرار یک نوشته اند در پنجم ماه شوال از ارض آهه سیر
 آمده اند که بدر بارهای یون شاهشاهی روانه شوند و در
 هنگام مرخصی نواب شاهزاده یکشوب جبه ترمه دیگر
 مقرب الخاقان عسکر خان و یک ریس اسب و یک طاقه
 ترمه بجایجا به یوکر خان سرنگا داده اند

دیکر نوشته اند که قشونی که از مرومه احبت کرده بودند
 شاهزاده حکم کرده اند که لشکر یون سان آنها را
 بدقت رسیده و مشخص نمایند که درین سفر غایب و فراری
 نوکر مزبور چقدر بوده تا بعد از سان و رسیدگی موجب
 آنها داده شود

دیگر نوشته بودند که شخص مشدی در کارخانه خود سنگ
من آب سیکرد است چهار پنج ساعت از شب رفته
و دیده بود که دو نفر در پیش روی او ایستاده اند و بجز
اینکه صد بلند کرده بود یکی از آنها خجری بسینه او زد و
زار کرده بودند و آن شخص بعد از اندک مدت بهان خنم
در گذشته بود و مراتب بعضی نواب شاه هراده رسید و حکم
کرده بودند که قاتل را بدست بیاورند چند آنکه تقصیر کرده
تا بحال بدست نیامده است از قرار یک می گفته اند زن آن
شخص بد عمل بوده است و رفقای او این کار کرده اند

دیگر نوشته بودند که روزی از جماعت اترک از اراض
اقدیس مراجعت کرده بودند و در منزل سبزووار بعد
هفتاد و شش تومان اجناس از مال حاجی علی نامی ترک
سیرقت برده بودند مشارالیه مراتب را بجا کم سبزووار
رسانده و گفته بود که اگر مال را پیدا کنی در طهران مست
امنای دولت علیه عرض خواهم کرد حاکم آنجا تخفیف کند
بداروغه و غیره نموده و الترام گرفته بود که حکام مال او را
پیدا نمایند بعد از آنکه روز یک منزل ان سبزووار گذشته
بودند داروغه اموال او را پیدا نموده آدم فرستاده بودند
و او را بر گردانده مالش را بتمامه تحویل نموده و بعد آدم
او کرده و او را آورده بزدار محض ساخته بودند

فارس

از قرائکه در روزنامه این ولایت نوشته اند لطف اله نام
شیرازی یک ساعت بصبح مانده از منزل خود بیرون آمد بجهت
معی سحارج شهر رفته بود در نیم فرسخی شهر کفتاری باد بر خورده
و بهم در آویخته بودند کفتار او را زخمی نموده بود و مشارالیه

سه روز دیوانه بوده و بعد از سه روز مرده است

دیگر نوشته بودند میرزا علی تقی غلام پیشی مت از فارس
می آمد است در منزل ایزدخواست چند نفر سوار بر سر و خجته
اسباب او را برده بودند و حاجت بفارس نموده و مراتب را
بعضی نواب طباطبائی هراده و ابالار مؤید الدوله حکمران مملکت
فارس رسانده بود و نواب معزی ابوالعاج محمد هاشم خان
که باینجا سوار سبجاست آن را بهما مشغول بود و خسته مؤاخذه
و تنبیه بلین نموده بودند و مشارالیه نیز الترام سپرده بود
که اموال مسروقه را پیدا نموده بصاحبش تسلیم و قبض گرفته
بمنظر نواب معزی الیه رسانده

در همین چند وقت قبل ازین قافله تجاری از خارج شهر ارمین
یکبار سگ و پوست از قافله مذکور مفقود شده بود آمده بنوا
مؤید الدوله عرض کرده بودند حکم شد که اهل همان سرزمین که
بازر منور در آنجا کم شده است یا پیدا نمایند یا از عهد بر آید
ان محل در مقام تقصیر برآمده بازم منور را بعینها پیدا کرده بصاحبش
رد نموده

مرود

از قرائکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال در آنجا مرض آبله
زیاد تر از سالهای دیگر بروز کرده است و لکن عمل آبله کو بی بسیار
اطفال و غیره فایده می بخشه آنجا که سابقا آبله کو بی شده اند ازین
مرض سالم اند و مطلقا در آنها تاثیر نمی کند و آنها نیز که تازه آبله کو بی میشوند
از مرض مذکور خلاص می یابند

دیگر نوشته بودند اهل نظام متوقف بر دزدان کوچی و سر باغچه
مشغول مشتی باشند و در کمال نظم حرکت می نمایند و بیشتر از سایر
مردم احراز از بی نظمی و خلایب دارند

کرمان

تحويل نمايند

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند اینست
 و شوارع و سرحدات و دهنجات آنجا نسبت با تمام
 تفاوت کلی کرده است بطوریکه در آن آیات جمیع کلی از
 قوافل جمیع نمی شد عبور از آن راهها میکردند و مع
 باز در آن راهها تشویش خطرات برای عابرین بود اما درین
 اوقات از اتهامات امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار
 حکمران یزد و کرمان امنیتی حاصل است که دو نفوسه نفر
 هر وقت بخواهند با نهایت خاطر جمعی بدون تشویش
 از آن راهها عبور می نمایند و درین روزها زوار و کاروان
 از اراضی اقدس وارد کرمان شده اند و از امنیت منازل
 مخوف بسیار ترقی میکرده اند

دیگر نوشته بودند که همساله قانون انولایت این بوده است
 که سه ماه بعید نوروز مانده و وجه شاهی شرفی حواله می شده
 و باین بهانه مباشترین نصف مالیات آئینه را می گرفته اند
 و بقیه مالیات را هم تا سه چهار ماه از عید نوروز گذشته
 دریافت میکرده اند و باین جهت رعایا محتاج به بیج سلم
 می شده اند درین سال بجهت خرابی عیت از افت سرما و
 امیرالامرا العظام سردار قدغن نموده است تا آخر ماه
 رمضان از رعایا مطالبه مالیات و وجه شاهی شرفی ننمایند
 و وجه شاهی شرفی را قدری خود و سردار و قدری بستان
 از تجار و غیره قرض کرده داده اند که بجهت رعایا آسودگی
 حاصل بشود و در چهارم شوال بجهت قسط حکم به بلوکات صادر
 شده است که مالی بلوکات بدون رفتن محصل وجه مالیات
 قسط اول خود را تا اواخر شوال و اواسط ذیقعه آورده

درین اوقات پسرالامرا هدایتان بلوچ از بلوچستان
 آمده و عریضه جات از خوانین بلوچ بنزد امیرالامرا العظام
 سردار آورده و همگی اظهار چاکری و افتاد این دولت
 بنیاد را کرده اند ولی مذکور بود است که از جانب امیر علم خان
 حاکم دژک چهاره سواری بنزد ابراهیم خان ضابط و مستحق
 بنمونه آورده و اجبار کرده بوده است که از آذوقه خان خانی
 فراهم آورده که بسر دژک بیاید عایجه ابراهیم خان نیز
 خوانین بلوچیه را در بنمونه خواسته و نوکر را اجبار نموده
 که باند ارک باشند که اگر خبر صریح برسد با جمیع خود
 باید امیر علم خان بروند

از جمله غرایب که در روزنامه کرمان نوشته اند درین اوقات
 و خبری بس چار و سالی از نحوه بشهر آورده بودند که با وجود
 باکره بودن محل داشت او را بنزد جناب حاجی سید جواد امام جمعه
 برده بودند بعد از آنکه چند نفر زنهای قابل آورده و رسیدگی کردند
 بودند گفته بودند که باکره است و لکن محل دارد و جماعت زنهای
 گفته بودند که چون این دختر باکره است احتمال می رود که در وقت
 وضع حمل تلف بشود و بقضای علمای شرع او را شخص آخوند
 عقد لینه بودند آخوند را شب تصرف نموده و بعلی ابراهیم
 دختر فرج پور و وضع حمل نموده پسری از او متولد شده بوده است
 دیگر نوشته بودند که عالیجناب شیرین پیک تفنگدار که از دربار پادشاه
 بجهت سید کیسان و بواجب کوکوتف کرمان بود و در شوال بانجام حکام
 انسانی دولت علیه با امیرالامرا العظام سردار ساینده بود و همچنین ولی پیک تفنگدار
 نیز که محصل وجه صندوق مبارک بود در ۲۹ رمضان المبارک
 با احکام دیوانی بانجام رسیده بود

اخبار دول خارج

انگلین

در مملکت رتس امید که درست خوب
افریقیه میباشد و حال در تصرف دولت انگلیس است
چند سال پیش این دولت انگلیس با شام مصر شین اینجا
جنگ داشتند و چون که مردم مزبور در جنگها و کوهستان
انجا بودند تمام کردن این جنگ مشکل بود حال جنگ انجا
تمام شده و آن ولایت نظم تمام دارد و امور شین روز بروز
ترقی است و چون که امنای دولت انگلیس فهمیده اند که هرگاه
شور تخانه در آن ولایت مانند ولایت خود انگلیس قرار بدهند
خیر خلق است مراتب را پادشاه عرض کرده اند و فرمان
داده است که در شهر کپستان که شهر بزرگ انجات شور تخانه
قرار بدهند که در باب امورات خودشان شورت نمایند
و حاکم از جانب پادشاه در آنجا بنشینند و احکام تصدیق
او مجری باشد ولایت مزبور بسیار وسیع است و لکن چندان
آبادی نداشت چون که شهر کپستان منزله ای است بچه کشتیها
و سیاحان که از فرنگستان می آیند یا از یمنی دنیا و بزرگبار و
سجرات و مالک اطراف بحر الاحمر و آن سستهای عربستان
و هند و چین و مالکی که در آن دریای اسی می بایستند به شهر مزبور
رو ترقی خواهد کرد اب و هوای آن ولایت بسیار سالم و خوش
جلی حال خیر است اصل اهل انجا که از اولاد فرنگی میباشد
که در آنجا آبادی کرده اند از منه اند و از طایفه مالکند

چین

از جمله اخباری که از چین نوشته اند که یاد درین اوقات
جنگ عظیمی بین یاعغان آن ولایت و پادشاه شده باشد
یاعغان نزدیک بیای تحت نشسته اند و راه بزرگ که آذوقه

از انجا بیای تحت میرود و دست یاعغان بود از آنجه در
پای تحت که بزرگترین شهرهای روی زمین است بجه آذوقه
شکی و عسرت می کشیدند شهرهای که جای تردد اهل دول خارج
میشد و در سمت خوب آن ولایت واقع است و چنانکه
پای تحت چین است در سمت شمال واقع است چون که ولایت
ماهن در دست یاعغان است و در شان دور است خبری
از انجا که نرسیده بود که بولایات خارج بنویسند و لکن
خبری که یقین و محقق بود این بود که پادشاه چین و شین
جنگ آمده بودند یاعغان همه از اهل اصل خود چین میباشند
و لکن پادشاه و بعضی از قشون و چاکران دیوان از اهل
تاتارستان اند از قراریکه درین روزنامه ها نوشته اند
تا سینه هفتصد و پنجاه عیسوی پادشاهان چین از اهل خود
بودند پادشاه آن ایام نیز مانند پادشاه این ایام از
دست یاعغان آن ایام تنگ آمده و مانند این ایام امداد
از مغولهای تاتارستان خواسته بود جمیعت زیاد از اهل
تاتارستان بچین آمده و بیاعغان آن ولایت سکت و او
و لکن چون اهل تاتارستان بسیار مردمان شجاع و صاحب
شمشیر بودند بخلاف اهل چین که شجاعت و رشادت ندارند
اندکی طول نکشید که تاتاریها صاحب ولایت شدند و پادشاه
چین را که بامداد آمده بودند از ناج و تحت انداخته از سلطنت
بیدخل کردند و یکی از اهل خودشان سلطنت چین رسید
پسین را پای تحت قرار دادند و تا تاریخ هزار و سیصد و هشتاد
شش عیسوی در انجا سلطنت کردند باز در آن ایام از اهل
خود چین سلطنت آن ولایت را صاحب شدند از سلسله که اسم
ان سلسله منگ بود و این سلسله تا سینه هزار و شصت و هشتاد

عیوی سلطنت کرده و در آن تاریخ باز جنگی مابین
چین با طایفه مغول تاتارستان شده بود بعد از سی سال
جنگ اهل تاتارستان فایز آمدند و سلطنت چین رسیدند
و از آن ایام که دوست و سی و شش سال پیش ازین است
این سلسله که اصل آنها از تاتارستان است در چین سلطنت
می کنند حال یاقیان از اهل چین میخواند پادشاه را که
تاتاریت از تاج و تخت پندازند و او هم از تاتارستان
امداد خواست تا بعد چه شود

احوال اصمغر

از جمله تجارت عمده مابین ولایت انگلیس و هندوستان
ویکی و نیانیه است و بنیه در هندوستان فراوانست
از لواحق حساب که در شهرهای فرنگستان نگاه میدارند در
خصوص بیرون رفتن خلق بولایات بعد از شهرزبون
مملکت انگلیس در سال گذشته باین تفصیل نوشته اند
که دوست و بیست و چهار هزار و هفتصد و شش نفر
در پانصد و هفتاد و شش کشتی نشسته و بیرون رفته اند
و اکثر اینها یا پسکی و بنای شمالی خصوصاً کلی فارسیا
یا پاستران رفته اند اگر چه از یک شهر انگلیس انچه جمعیت
در یکسال بنجایج برود زیاد است و لکن نسبت لهائی
کثرات که در لهائی پیش می آید این جمعیت از آن ولایت
بیرون میبرفتند

در ولایت انگلیس حیوانات وحشی و قفس بجهت تماشا
زیاد نگاه میدارند از جمله این حیوانات که در شهرن که
جزو ممالک انگلیس است نگاه داشته بودند ببری بود ریاض
درنده اگر چه چند سال بود که او را نگاه داشته بودند
اما با آدمش گرفته بود و نزدیک رفتن با و تشویش
زیاد داشت درین روزها ناخن این بر چنان دراز شد

بود که بکوش دست و پایش فرو نشسته بود و نمیتوانست
بروی دست و پا بایستد و در باب گرفتن ناخن او خان
مانده بودند که چه تدبیر نمایند بطیبی آمده تدبیری اندیشیدند
که از آن دو که جراحان بهم دماغ زخم دار و غیره که میخواهند
مد هوش نمایند می کشند و نام او کلوز و فارم است بدست
ببر منور کشیدند و مد هوش کردید بعد از آن ناخنهای
او را گرفتند

از جمله تجارت عمده مابین ولایت انگلیس و هندوستان
ویکی و نیانیه است و بنیه در هندوستان فراوانست
از لواحق حساب که در شهرهای فرنگستان نگاه میدارند در
خصوص بیرون رفتن خلق بولایات بعد از شهرزبون
مملکت انگلیس در سال گذشته باین تفصیل نوشته اند
که دوست و بیست و چهار هزار و هفتصد و شش نفر
در پانصد و هفتاد و شش کشتی نشسته و بیرون رفته اند
و اکثر اینها یا پسکی و بنای شمالی خصوصاً کلی فارسیا
یا پاستران رفته اند اگر چه از یک شهر انگلیس انچه جمعیت
در یکسال بنجایج برود زیاد است و لکن نسبت لهائی
کثرات که در لهائی پیش می آید این جمعیت از آن ولایت
بیرون میبرفتند

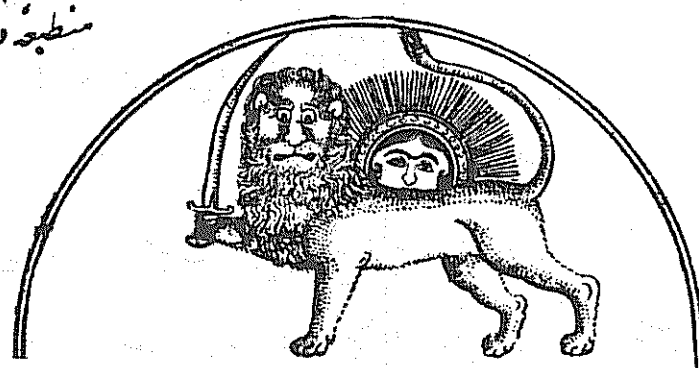
۱۱۸۱	شع یک من دو هزار و سیصد و بیست و پنج	با نسا بتواند جنگ نماید عداوت آنها پنهان بود تا
۱۱۸۲	شاهی یک من	درین ایام که زورشان زیاد شده است بنای جنگ
۱۱۸۳	طلایی درک یک من پنج پول	که بسته اند اکثر اهل دول خارج را رضی باین جنگ
۱۱۸۴	خربزه یک من یک عباسی	بجهت اینکه امید دارند که ولایت چین که ولایتی در بسته است
۱۱۸۵	شش عدد یک پول	و تا بحال اهل دول خارج در آن ولایت راه ندیده اند کیان
۱۱۸۶	ماست یک من دو عباسی	آن ولایت بروند بعد ازین آن ولایت نیز مانند سایر ممالک
۱۱۸۷	پنیر شور یک من یک هزار و ده پول	روی زمین بجهت رفت و آمد و داد و ستد تجار غیر مفتوح
۱۱۸۸	قند یک من چهار هزار و پانزده	باشد و مانعی نداشته باشد
۱۱۸۹	نبات یک من پنجاه	تعییر اجناس و از آن مخلوطه ها
۱۱۹۰	شکر سفید یک من سه هزار و ده	کندم سا و جلاخی یک خردار دو تومان و سه هزار و ده
۱۱۹۱	دارچینی یک من یک تومان	کندم شهری یک خردار دو تومان
۱۱۹۲	هل یک من دو تومان و چهار هزار	جو یک خردار دو هزار
۱۱۹۳	سبک یک من شش هزار	گاه یک خردار شش هزار
۱۱۹۴	فلفل یک من چهار هزار	لوبیا یک خردار سه تومان
۱۱۹۵	ریشه جوز یک من دو ریال	ماش یک خردار سه تومان و پنجاه
۱۱۹۶	لیموی خشک یک من دو هزار و پانصد	عدس یک خردار دو تومان و پنجاه
۱۱۹۷	زیره یک من دو هزار و پانصد	لحم یک خردار پنجاه
۱۱۹۸	زرشک یک من دو هزار و صد	نخودرسی یک خردار دو تومان و پنجاه
۱۱۹۹	تباکوی شیرازی یک من سه هزار	ذغال یک خردار شانزده هزار و پانصد
۱۲۰۰	سکنجین یک من چهار هزار	نان یک من ده پول
۱۲۰۱	آب لیمو یک من دو ریال	موث یک من هزار دینار
۱۲۰۲	قهوه یک من چهار هزار و ده	برنج یک من ده شاهی و نیم
۱۲۰۳		اروغن یک من دو ریال
۱۲۰۴		بزم یک خردار هشتاد
۱۲۰۵		باقلا یک خردار پنجاه هزار

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ یوم بیستم ماه شمس دوی قعد الحرام مطابق با سنه ۱۲۸۳

نمبر صد و شصاد و چهار

منطبقه دار اختلاف طهران

قیمت روزنامه
یک نسخه دوازده ریال
در تهران و چهار هزار



قیمت اعلانات
مکس طالع جمار
بسته به هر پنج

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دار اختلاف طهران

در روز شنبه گذشته اعلیحضرت پادشاهی غایت شهر دار اختلاف فرموده و از بنیان و ران سوار شدند جناب جلالت آفتاب صدر اعظم افخم هم در کباب هایون بودند و در روز و شب نواب مستطاب شاهزاده و الالباب و دیگر حکمران دار اختلاف و تواب و سایر چاکران دیوان که مقرر خدمت دار اختلاف بودند شرفیاب حضور مرقوم خسروانی گردیدند و اعلیحضرت پادشاهی تا عصر در تشریف داشتند و بعضی از عمارات مبارکه را نیز که تازه با تمام مقرب اسخاقان حاجب الدوله میسازند و بسیار طرح تازه است ملاحظه فرمودند و نزدیک غروب قیام بهمارت مبارکه بنیان و ران مراجعت فرمودند و جناب جلالت صدر اعظم بجهت انجام بعضی مهمات از قبیل تنظیم امور دارالخلافه و قورخانه و غیره سب را در شهر ماندند و کارهای مزبور را انجام داده روز یکشنبه را بکباب مبارک معاد نمودند

و در وجود بختیاری و اتهاماتی که در نظم اتالیات معمول داشته بودند خدمات نواب معزی الیه تحسین خاطر ملوکانه افتاده درین اوقات یک ثوب کلیجه ترمه از بلوسن مبارک برسم خلعت حجت و موقوفه فرمان بان بافتار نواب معزی الیه شرفصدور یافت اتفاقا ذکر دیدم و هم چنین نواب الیدرم میرزا فایب الحکومه لرستان که در انجام خدمات دیوانی و انتظام امر آن صفحات استقامت نموده بود یک ثوب جبه ترمه کرمانی اعلی حجت گردید با فرمان بهرمان مبارک بافتار او روانه فرمودند

چون در این اوقات عیال نواب مستطاب شاهزاده و الالباب مصطفی قلی میرزا حکمران مازندران فوت شده و غرادر بودند اعلیحضرت پادشاهی محض مرحمت ملوکانه یک ثوب جبه ترمه مخصوص بنو امیه سزی الیه القیات و القاد فرمودند که بامید واری شتول انجام خدمات دیوانی باشد

چون چند منزل از منازل عرض راه حیران خراب و کمزیر بود و بجهت عابرین و مترددین عسرت حاصل میشد جناب جلالت

نظر بطور خدمات و کفایت و کاروانی نواب مستطاب شاهزاده و الالباب احشام الدوله خان میرزا حکمران عربستان و لرستان

صدر اعظم وجه نقدی بقدر ضرورت مصارف آنجا مصحوب
 آدمی مخصوص این فرستادند که رفته آب قنات آنجا را آورد
 و منازل مزبوره را تعمیر و آباد نماید که برای عابرین عسر حاصل
 نشود

در روز چهارشنبه ۷ این ماه صاحب جمعیان سرخانه و قاطر خان
 حساب الامهات یون شترها و قاطرهای سرکار را بنیاد و آن آورد
 در نزدیکی رستم آباد همه را آن دادند و یکی در کمال چاقی و دیگری
 بنظر اندکس جایون اعلیحضرت پادشاهی و جناب جلالت
 صدر اعظم رسیدند صاحب جمعیان مزبور چون قاطر و شتر را
 خوب و فربه نگاه داشته بودند مورد التفات شدند

عالیجاهان محمد حسن خان پسر سردار علیخان سیستانی و شایسته
 و میرکمال خان درین اوقات از سیستان بدر بار جایون
 آمده بودند در حوز هر یک قرار موجب شده مورد التفات
 اولیای دولت علیه گردیده محبت نمودند

بعضی از خوانین و شخاصی که در قلعه کیر فارس و قلعه جلیان
 خدمت کرده بودند و در حق آنها هنوز التفاتی از اولیای
 دولت قاهره نشده بود درین اوقات از این امر اجتناب
 حق آنها محبت گردید

در این اوقات که مرحوم شیخ خان بشیر الدوله فوت کرد دیده
 محمد اسماعیل خان پسر او در مقام امر چارخانه ساعی و هم تمام تمام
 چنانچه درین روزها چارپا در سبسی ساعت از اصفهان بطهران آمد

عالیجاه امیر علیخان دیزکی شمشیر یاق طلا
 خوانین بلوچ شت نفر کار و دست طلا

در روزنامه شریف نوشته بودند که در روز سه شنبه گذشته
 و و نفر دزد که یکی حاجی آقا نام تبریزی و دیگری رمضان نام
 بود و سابقا نیز دزدی کرده و سبقت شده بودند مع ذلک ان عمل دزدی

از او خان خراسانی نشان نقره یوری ازیمه و و نیم
 ابراهیمخان ضابط پور و سرکرده جهازه سوار نشان یاقی

دست بر نه داشته باز مرکب سرقت شده بودند بدست تحفین
 افتاده آنها را بنزد نواب مستطاب نژاده والا تبار آوردند
 حکمران دارالحکله طهران و توابع آوردند چون بکرات دزدیها

سید علیخان سرکرده نوکر بمی نشان مطلق
 بجهت فرج کرمانی ابو اجمعی عالیجاه امیر علیخان نشان یاقی

نموده بودند لهذا نوامیس سبزی البه حکم بیست آنها نموده و
 در پای قاپوق پروان دروازه بیست رسیدند و همچنین
 و و نفر سارق دیگر که مدتی در حبس بودند در روز مزبور تهنیه
 و سیاست گردیدند

نشان سلطانی سه قطعه نشان ناپی پنج قطعه نشان فقر
 چهل و یک قطعه

دیگر نوشته اند که نواب هزاره قرار داده اند که شهباز در
 عتبه

بجهت فرج کرمانی ابو اجمعی عالیجاه پسر اکو چک خان
 نشان یاقی قطعه نشان سلطانی دو قطعه نشان ناپی

سایر سیزده قطعه
 نشان بجهت غلامان مهاجر هشت قطعه

نشان بجهت توبیجی پاتروده قطعه

طبل بزنند و چهار ساعت و نیم که از شب گذشته عبور و کوچها
قدغن و ممنوع باشد و بعد از چهار ساعت و نیم از شب رفته
فراوان و مستحفظین کس را که در کوچه بپسیند خواه فائوس
و اشتهایابی فائوس باشد بکیرند و شبها نهایت قیامت
در محافظت شهر و محلات لیل آورده اند

سایر ولایات

ادریایجان از قراریکه در روزنامه این
نوشته بودند نواب مستطاب هزارده و ابارضه الدوله
در امنیت و نظم ولایت و رفاه و آسودگی عیت ستم
و انی دارند که راهها امن و از قطع الطریق محفوظ باشد
و در ولایت نسبت کبی اجحاف و زیادتی نشود از محله
بجای بقدر بیت نفر از دزدان مشهور انولایت را که همیشه
در راهها مشغول دزدی بودند گرفته و در حبس دارند
و سوار و مستحفظ بطریق و شوارع فرستاده اند که در هر جا
دزد بپسیند و سکیه نمایند و در باب مالیات ولایت
و معاطه با رعیت نیز بهر ولایت سه اه دستور العلی که روان
داشته اند و در رقم فرستاده اند یکی خطاب به رعیت و ایام
ولایت که در منابر بجهت همه حلقه بخوانند که زیاده از قرار
نباید حجه و دیناری از آنها مطالبه شود و اگر حکام و مپای
سجواهند زیادتی نمایند مراتب را بنوا مغنی العیض
نمایند آنچه حاکم یا مپاشر زیادتی کرده باشند با المضاف
از آنها استرداد شود و در قسمی دیگر بحاکم سرو لایت بهان
که از قرار دستور العلی اگر حجه و دیناری زیاد تر از رعیت گرفته
باشد با المضاف رد نماید و علاوه بر آن مورد مواخذة دیوان

باشد و درین باب الترام نیز از حکام و مپاشرین جزو گرفته
امالی انولایت عموما ازین قرار داد راضی و شاکر و دعاگوی
دولت علیه هستند که کسی تعدی و خلاف نمیشود با کسی

دیگر نوشته بودند که در شماه قبل بکاری در منصبه بنای
افتاده بود بقدر شصت و دو مان مال تجار را از آنجا برده بودند
این اوقات با تمام مقرب انخاقان قایم مقام ساقین
پیدا کرده همان مال بعینه استرداد نموده بجا رو کرده

دیگر نوشته بودند که آقا بابا بیگ فرانس خلوت با دز باچان
میرفته است در کرده قیلان کوه بقدر سیصد چهارصد تومان
مال او را برده بودند مقرب انخاقان قایم مقام آدم فرستاده
سارق را بدست آورده اند و اموال مشا را لیه را تمام کمال
استرداد و با و تسلیم نموده اند

کارندران

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند نواب
مستطاب هزارده و ابارضه الدوله و الا بتا مصطفی قلی میرزا حکمران انولایت
بجهت انجام مهات دیوانی در شهر ساری توقف دارند و
یلاق زرقه اند و این روزها مشغول دیدن سان نوکرو
رسا ندن موجب نوکرو سا خلو استر با و هستند و در نظام
امر ولایت نیز نهایت مراقبت و اهتمام را معمول دارند و
امالی انولایت بسبب مراقبت نواب مغنی العیض استوده خاطر
پای دانه منجیون اشتغال دارند

اصفهان

در روزنامه اصفهان نوشته اند که چاه چرخ غلخانه پاپ حکومت و نظم و بنق
صیفی کاریهای بلوکات درین اوقات اتمام نیافته و دارد و خود

در روزنامه اصفهان نوشته بودند که در قمر سه دهه نجات
و در خبر اورد که زنهای آنها با یکدیگر خصومت کرده بودند بسبب
نزاع زنهای با هم منازعه نموده و بهم در او تخته اند برادر کوچک
کاروی برادر بزرگ کشیده او هم کار در از دستش گرفته و
بپهلویش فرو برده برادر کوچک را مقول نمود عالیجا چرخ
ناب الحکومه اصفهان فرستاده قاتل را آورده اند خود
قاتل نیز بعل خود اقرار نموده است و الان مجبوس است که بموا
حکم شرع مطاع بدیهه یا قصاص هر چه مقرر گردد معمول دارند

دیگر نوشته بودند که درین اوقات سخته حرکت ایلات نجف
و قحطانی فارس راه فارس افشاش بهم رسانده بود
و قدری اموال از غابرین برزور برده بودند عالیجا پادشاه
محمد پیک غلام را با چند نفر غلام دیگر روانه کرده بود که محاکم
آن را همارا نمایند تا مقتدا نفر غلام دیگر تذکره دیدن
او برسد مشایخ با غلامان رفته علی اکبر خان پسر علی
نجفیار را گرفته و اموال مسروقه بسیار از او استرداد نمود
از غرایب اتفاقات اینکه علی اکبر خان شب بخیلتی قرار کرده
ورفته بود در نواحی محال سیم در سرچشمه آبی آب خورد
و در آنجا خوابیده بود همان ساعت که بخوابفته بود مادرش
او را گزیده و فوراً هلاک کرده بود

در منزل موچه خورت نوشته بودند که چندی قبل ازین پاره از
قطاع بطریق نجفباری که در فریدون کبی و ازند مالی از تجارت
کرده بودند مستحق عرض راه که عالیجا چرخ علی خان پسر
لقین کرده بود و بفرستاده آنها را تعاقب کرده بودند تا رفته

دزد و مال را پیدا کرده بعضی از مال را استرداد کرده اند
و بعضی بر اهرام محصل در آنجا گذاشته اند که استرداد کنند و بعضی
مال پرسان

کرمان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
پسر میرزا قاسم خان لوزی که طفل بوده از چوبار که
فرسخ تا شهر کرمان است بشهر می آمد است در نیمه راه بنای
اسب دوانی گذاشته است در بین دویدن اسب طفل
خو زده و یکپایش در رکاب مانده و اسب رم برداشته
بهمه جا در راه و بیراهه پست و بلند دویده و طفل فرورزیده
تا در نزدیکی باغات رقی آباد که بشهر نزدیک است بسپارد
بود اشخاصی که در آنجا بودند رفته اسب را گرفته و طفل را
یافته بودند همان طور بشهر آورده جراح و طبیب حاضر کردند
خون او را گرفته بودند بهوش آمده معلوم شده بود با آنهمه
صدمات که با خود خورده بوده است نقصات خداوندی
شامل حال او شده عیب و نقصی نگذاشته بود بیشتر از دو روز
بستری نبوده صحت یافته و حال در کمال صحت و تندرستی
راه میرود

میرد

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند امسال افت
ملخ خوارگی در آنجا نیز بروز کرده بود و مرغ و مرغ خوار نیز در بعضی
بلوکات بهم رسیده بود مغرب الخاقان محمد یوسف خان پسر
فرستاده از ده ساران که از توابع خرقان است آب سار
و بعد از آوردن آب در بعضی بلوکات آنجا سار زیاد آمده
و مشغول تلافی میگردند

اخبار دول خارج

انگلیس تاریخ کا عہد آخر کہ ازین ولایت
۲۷ رمضان المبارک بود و در ۱۳ ماه مزبور عمارت
بلور کہ دہلہ در آنجا بر پا کردہ اند در جانی بسیار با صفا
و خوش آب و ہوا نزدیک بشہ لندن با کمال نیت
اساس کشودہ شدہ بود خود پادشاہ و پرنس البرٹ
اعیان در خانہ بانجا تشریف آوردہ بودند و زرا و حوا
ملکت نیز اکثر در آنجا بودند ایچیان دول خارجہ ہم
ہمہ بالباس فاخر با آنجا آمہ بودند و مکانی سکین خانہ
در چین روزہ قاعدہ است بر پا کردہ بودند و در آن مکانی
گفتگوئی کہ بعضی اہل انگلیس کہ وہ بودند از جملہ کی این بود کہ
بسیار جای فخر و شکرانہ است بچہ اہل انگلیس کہ دوستی و
یگانگی با بین دوستین انگلیس و فرانہ درین اوقات بکمال
سالہای سال بود کہ این دو دولت با ہم عدوت داشتند
و بعضی اوقات ہم چہ در ایام قدیم و چہ در این ایام آخر
جنگہای سخت شدہ است و حتی فرانہ در جنگہا کمال غیرت
رشادت و مردانگی را ثابت کردہ اند و امید داریم چنانچہ
ایام مغایرت جنگ و دشمنی قایم بود درین ایام موحد
دوستی و مودت بہمان استحکام و سختی باشد و چنانچہ
و غیرت فزاف مکرر در جنگہا معلوم شدہ است امید داریم
کہ در دوستی نیز معلوم شود و چونکہ خیر ہر دو ملکت در این
و یگانگی است امید داریم کہ دایم و قایم باشد چنانچہ درین
و کلائی دول کہ بچہ افتتاح عمارت بلور از ہر دولت نامور بود
ان مجلس حضور داشتند ہر یک از جانب دولت خود با ظہار
و خورسندی مبادرت نمودہ بودند و از جانب انہا لکات

وکیل فرانہ با اہل مجلس مزبور گفتگوای مبہنی بر مواضع
اقدام نمودہ بود
بتاریخ ۷ ماہ مبارک رمضان پادشاہ پورتو قال وارد
سوش ہمپٹان کہ اول خاک انگلیس و در کنار دریا واقع است
شدہ بود و در آنجا کالکما و چاکران علیا حضرت پادشاہ
انگلیس حاضر بودند کہ پادشاہ پورتو قال را از آنجا با کمال
و احترام بھارت پادشاہی بپڑ برادر کوچک او نیز ہمراہ
و بنا دارد تا چند ماہ در فرنگستان سیاحت کند و چہ روز
یاد و ماہ از پاییز رفتہ بولایت خود مراجعت نماید از مملکت
انگلیس بنا دارد بشہ بروکسلز پای تخت مملکت بلژ برود و از آنجا
بپاریس پای تخت فرانہ و از آنجا بوینہ پای تخت استر
و از آنجا بہ بعضی پای تختہای دول کوچک فرنگستان نیز خواہد
رفت پادشاہ مزبور و برادرش ہر دو جوان اند و ہر یک
انہا شہ فبا شدہ است کمال تعجب دارد کہ با صغر سن بسیار
قابلند و چندین زبان از دول خارجہ غیر از زبان خودشان
میدانند و تکلم مینمایند و در افتتاح عمارت بلور لندن نیز
پادشاہ انگلیس را نجلش تشریف داشتند
وزرای دول انگلیس جزئی تغییر و تبدیل در میان شدہ است در
تاریخ ۱۵ رمضان پادشاہ ہمہ وزراء را بھنوز خواستہ بود
ووک نیوکسل کہ سابقا وزیر مالک خارج انگلیس کہ در تصرف دولت
انگلیس است ازین منصب معزول شدہ و ہرمانی کہ مخصوص این
منصب است در خدمت پادشاہ گذاشتہ و منصب وزیر جنگ
منصب کردید و سر جارج کرتی بجای مشاور الیہ وزیر مالک
خارج کہ تا بحال و در تصرف دولت انگلیس است اقبیل ہستون و غیرہ
کردید و لارڈ جان رسل ہمچنین وزیر کردید و وزیر جنگی در

ولایت انجلس مدنی متروک بود حالا باز دو باره برقرار شد

کاشانه نویی که روجه لوی قلیب پادشاه سابق فرانسه بود

درین اوقات بیدین علیا حضرت پادشاه انجلس آمد

پیش از آنکه پادشاه بهارت وینزارت رفیع بزند و

علیا حضرت پادشاه انجلس با پادشاه پورتو قال ویر

مغانان عظیم از شاهزادگان فرنگستان که درین ایام

بهمانی پادشاه انجلس آمده اند با اساس لازمه که متداول

این دولت است بایستاد وانی اسکا که نزدیک شهر

لندنست رفته بودند

دولت انجلس خبر کرده اند که سصد و چهل هفت هزار انگ

از برای دولت لازم است هر س میلسی باشد که این معاهده

بکنه خبر نماید که این تفکهار از چه قرار میفرماید و در چه

تحویل می کند و تفکها که خواسته اند باین تفصیل است

بجهت سر باز قشون رکابی ۱۵۰۰۰۰

بجهت توپخانه ۱۴۰۰۰۰

بجهت قشون روی خاکی و لایق کجا میفرماید ۱۰۰۰۰۰

بجهت قشون ستری خورشید که حال و با مجادله و تیر قشون ۱۴۰۰۰۰

بجهت کشیکیان سمرجات کنار دریا ۱۴۰۰۰۰

بجهت سربازان روی کشتی ۱۲۰۰۰۰

سارقشون بحری ۳۰۰۰۰۰

بجهت قشون خاکی باین انجلس ۶۰۰۰۰۰

بجهت یارک انجلس در ستمای کردیا ۵۰۰۰۰۰

فرانسه ۳۴۷۰۰۰۰

اعلی حضرت امپراطور بر داشته شده و اهل مشورتخانه عرض

کر دیدند که بجانهای خودشان بروند کل وزیران آن مجلس

حاضر بوده اند و امپراطور سبت با اهل مشورتخانه فرامیشت

مموده بودند از قبیل اینکه کوشش و سعی وزیران خدمت

باعث خیر عامه خلق فرانسه است

بنیاد دارند درین مملکت چهار اردو بجهت مشق برپا نمایند و اگر

قشون که در این اردو مامین میشوند قشون پیاده خواهند بود

و در هر اردو بی دوازده هزار قشون پیاده جمع نمایند و اینها

در سمت شمال مملکت فرانسه جمع خواهند شد و و عدجه

قشون نیز در دریا نیز دهم ماه ژولیه که مطابق نو زد

سوال است خواهد بود

درین روزها امیرال بودن نام که یکی از سرکردگان مشهور

قشون بحری فرانسه بود فوت شده است و دو پسر دارد که

یکی نایب المیچی فرانسه مقیم لندن است سر کرده نیز بمقتاد

سال از عمرش گذشته بود و اول خدمات او پنجاه و پنج

سال پیش ازین بود که بیکرا دکشتی بود و چون که در جنگ آن

ایام رشادت کرده بود و زودتر می کرد و در اکثر جنگهای

آن ایام بوده و صاحب منصب قدیم لژان دانر بود و درین

ایام نشان لژان دانر از مرتبه اعلی نیز باو داده بودند

در میان دولت فرانسه و دولت روسیه دنیا گفتگوی خواهد

در خصوص که ارشی که در سنت فرانسکو که شهری از کلی فایر

میباشد اتفاق افتاده است موسیو ولان نامی قونسل دولت

فرانسه مقیم سنت فرانسکو در خصوص مافیه بیانات

طلبیده بودند مشارالیه غیرت تا دیده بود که انسانی است

فرانسه

در مقام مبارک رمضان مجلس مشورتخانه فرانسه

مجلس

آنجا میخوانند و را محجوس نمایند و برادر او را بدو استخوانه آورد
بودند و هم بدو دولت خود را پانین کشیده بود و امر را
رجوع بدولت خود کرده بود اکثر روز نامه نویسان خود
دولت پیشی دنیای شمالی درین روزها طعن و هتایت
بچاکران دیوانی و حاکم سنت فرنگی می کردند و میگویند
کاری کرده اند که خلاف قاعده دولت است در اینکه قنصل
فربور را برادر بدو استخوانه خودشان آورده اند درین خصوص
گفتگوی مابین ایلیچی فرانسه مقیم وشینتن و وزرای دولت
یونکی دنیای شمالی شده است و از اینکه وزرای یونکی دنیا
تقصیر اهل سنت فرنگی را بکردن گرفته بودند امید داشتند
که این گفتگو را بزودی تمام نمایند و چندان طول نکشد

در آخر بهار و اول تابستان در مملکت فرانسه بارندگی زیاد
شده بود و نسبت لغص هوای بسیار سرد گردیده بود و بسیار
از مردم آنجا ناخوش بودند بمرض ناخوشی سینه و تب محرقه
مطبقه و غیره

یونکی دنیای شمالی

در روزنامه نیو مارک نوشته اند که مردم در آنجا با خیال
رفتن بجزیره کوپراد استند و روزنامه نویسان آنجا طعن
هتایت بدولت خودشان میکردند بجهت اینکه نظام سختی نگذاشته
که مردم مفت و اسرار را بگذارند بجزیره کوپرا و برونه که باعث
گفتگوی دولین بک سبب جنگ و نزاع میشود

در شهر باستان مملکت فربور بر سحور دکی اتفاق افتاده
بود و مخصوص اینکه غلامی که بجهت بوجب القاعده که دارند میخوانند
دو باره بکینه حبس میکنند و بدست صاحبش بپند
اگر چه قانون ولایت بود اما خلاف رای اهل آنجاست که

سایر ممالک فرنگستان

از مملکت بعدن نوشته اند که باز گفتگوی مابین کیش آنولا
باز بزرگ آنجا در میان بود حکم آن آن مملکت میخواند بدو

مردمان شهر پاریس اکثرشان بجهت تابستان که هوا در آنجا
فزانه در آن فصل کمال صفار دارد از پای تخت بدو
و بلوکات آن مملکت رفته بودند و امپراطور فرانسه بانش
بیرون رفته و بشارت سنت کلود رفته بودند و ایلیچی
انخلیس مقیم فرانسه بنا داشت که ضیافت سنگین نماید
امپراطور فرانسه را با زوجة اش مهمانی بکند تا آن مهمانی
که ایلیچی فرانسه در زند بجهت پادشاه انخلیس نموده بود

اسب دوانی که سال ببال در شتلی نزدیکی پای تخت
فرانسه میکردند درین سال نیز کرده بودند و لکن چونکه در آنوقت
بارش زیاد آمده بود مردم کم بجهت تماشا آمده بودند و
کل بود و اسبها با اشکال میرفتند و آن اسبها که پر زو

همس بودند پیش آمده اند

در امر دین و کشیشان بکند و بعضی مردم چون غیرت دین دارند طرف کشیشان را میگیرند جزئی برسم خود را باین جهت در آن ولایت شده بود و لکن زود نظام در آوردند و گذاشتند که معرکه علیط بشود کشیشان امداد از دولت استریه خواستند بودند و بعضی مردم مکان داشتند که دولت استریه بآنها امداد بکند و لکن دولت استریه هیچ باین مردم دخل و تصرف نکرد بود و جواب داده بود دولت پرس و س هم میخواستند و میانجی کری بکنند و لکن حکم آن مملکت بعد قبول نکردند و این گفتگو را قرار کرده بودند که در میان خودشان بکنند

دزدان دریای یونان درین روزها زیاد شده اند اگر بعضی کشتیهای دولتی بعضی کشتیهای دزدان را توقیف میکنند و غرق کرده اند و خود دزدان را بقیه کرده اند باز موقوف نه است بعضی از مفسدین بدعمل فرنگستان نیز با آنجا میروند و شریک عمل دزدان یونان می شوند و ضرر کلی بکشتیها و مال تجارتی میرسانند و درین خصوص گفتگو می نمایند بین پادشاه و پادشاه پیدمانت شده است چونکه معلوم گردیده است که بسیاری از رعایای او بآن ولایت رفته و مشغول بن عمل سرقت شده اند غیر از کشتیهای انگلیس و عثمانیه که در آنجا بجهت تنبیه سارقین و محافظت کشتیهای تجارتی خودشان کشت می کنند از دولت استریه نیز کشتی در آنجاست و درین روزها صاحب آنجا بش دولت فرستاد یک کشتی از جانب پادشاه پیدمانت بآن طرف رفته و لکن از قرار یک در روزنامه اسلامبول می نویسد ناآرامی کامل از دزدان مزبور نشود در عمل به چون دست نخورده اند

۱۱۹۰

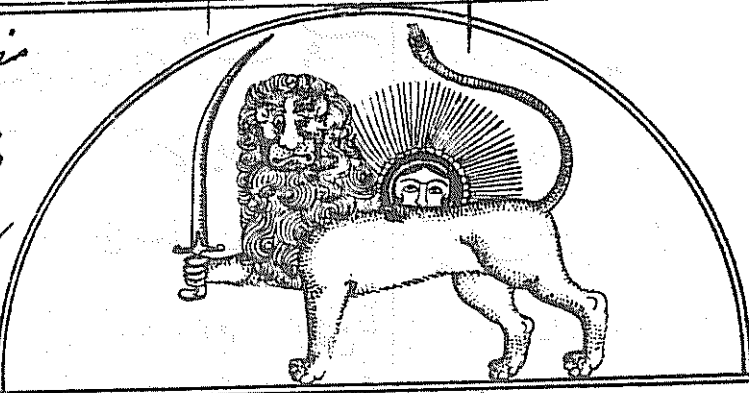
میکویند گفتگویی که مابین دولت استریه و دولت کوکلیستین شده بود که مانده است که درین روزها با صلاح بگذرد و قشون استریه را که روی بلوک تسین گذاشته بودند قرار بود که از آنجا بروند دولت سویس متعهد شده است که چهره فراری از دولت استریه و در خاک خود روشن باشد و امداد و انجا هستند که اردو که مشغول افتد باشند یکی از خواستهای دولت استریه این بود که فراریهای مزبور را از آنجا بیرون بکنند و لکن دولت سویس این مرحله را قبول نکرده بود چونکه خلاف قانون و منافی غیرت خود میدانستند که شنجی که با آن ولایت پناه آورده اند از آنجا بیرون نمایند اما متعهد شده اند که وقت بوقت در وعده متین اسامی شنجی را که از استریه فرار کرده و بمملکت سویس پناه آورده اند بدولت استریه گفتگوی دیگر که داشتند در باب کشیشان مذنب کوتلیک بود که دولت سویس آنها را از خاک خود بیرون کرده بود دولت استریه خواهش کرده بودند که کشیشان مزبور را ازین مراجعت بآن ولایت داشته باشند این مطلب هم قبول نشده است و بعضی گفتگوهای دیگر نیز که بشدت به نظر در میان

همه

در روزنامه کلکته نوشته اند که بنا دارند مدرسه در آنجا بنا کنند اهل دولت انگلیس عم از اهل خود انگلیس یا اهل هندون که در آنجا هستند انگلیس چند نفر از اعیان انگلیس و هندوستان بشارت این مدرسه را میخوبند و طرح کشیده اند و کم تصدیق بود و بولایت انگلیس فرستاده شد تا تحقیق شود تا چه حد این پولیس که صد هزار تون لال بران بار آورده کرده و سالی ده هزار پوند نیز که دست و دهنه تو مان با محتاج است سایر طوایف آنجا را دیده اند

روزنامه قایم القایه تاریخ یوم شنبه بیست و نهم ماه ذی قعد الحرام مطابق سال یازدهم

نزد صد و شتاد و پنج
قیمت روزنامه
یک نسخه و شایر یک
هفتاد و چهار هزار



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک خط از چهار خط یک هزار و دویست
بیشتر با هر خط پنجاه

اخبار چند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات اعلیحضرت پادشاهی عزیمت تفرج افریجه
سپاه خرب و متعلق بجناب جلالت مآب صدر اعظم
فرموده در روز یکشنبه بیست و نهم انیام چهار ساعت
مانده از نیایوران حرکت فرمودند و انشب را در کنار جاده
توقف و روز و شب تشریف فرمای افریجه شدند و در وقت
این اوقات جرس اقدس اعلیحضرت شاهنشاهی عزیمت
که اسلحه و آلات حربیه که از سلاطین قدیم انار اقد برینیم
خرانه دولت علیه ایران بوده است و آنچه درین عهد
علاوه داخل خزانه عامه گردیده است از قبیل تسکیمای
رومی و فرنگی که اغلب مکمل و یراق طلاست و طبایخ و
فرامینای عمل استادان قدیم و شمیرها که انبهای نامی
بعضی از آنها با التام مکمل و بعضی مضع تمام یراق با تیغهای
هندی و مصری و خراسانی و قدآرمای بی نظیر که مانند آنها
روی زمین کمتر میسر و زرهای مخصوص و کلاه خود
و چهار آینه و قوچاقهای جوهری که اغلب آنها زین و شمشیر
سلاحین با تمکین بوده است و سپرهای مضع و کرک و غیره

و کرزهای دانتشان و تبرزینهای مخصوص و غیر ذلک
آلات حرب که تا بحال در محل معین معلوم مجموع و در
بنود اطاقی مخصوص این سباب ساخته و با کمال نظم و آرا
حرب در آنجا چیده شود کار گذاران دیوان حسب احکام
اطاق مزبور را بوضع خاصی که مناسب و موافق این کار
مرتب و کجینها و خانها بوده باشد و یکی از عمارات مبارکه
سمت انجام دادند و جمیع ادوات جنگ را بعد از پاک
و مرمت شکستگیا که در عهد سابق بهر سیده بود
آن اطاق چند و بعضی نظر انوار اقدس بایون شاهنشاهی
رسیده کمال تحسین را فرمودند

و همچنین حکم بایون شرف قفا دیافت که کتب و مرقعات
خرانه مبارکه از قبیل قرآنها و مجید بخطوط خوش نویسان
معروف هر دیار و ادعیه و صحف و کتبهای مخزون از
بر علی و کتب تواریخ و سیر و دواوین شعرای قدیم و غیره
که غالب آنها خط ملا علی الدین تبریزی و میرعماد و میرزا
عبدالرشید و میرعلی و سایر استادان نستعلیق نویسند

و در ویش عبد المجید و غیره بودند با مرقات خطوط
استادان هر خط که مثل و مانند در روزگارند
از قبیل میرزا احمد نیریزی و آقا ابراهیم و غیره
از مشقین و متاخرین در کتابخانه علییه مخصوص
چیده شود کارکنان دیوان سالیان اطاقی در آنها
استیاز که همه مقررند آینه طلا و لاجورد بوضع خاص
بوده باشد ساخته و کتب و مرقات خزانه
در کمال آرایش و ترتیب در آنجا چیده و سمع
پذیرفت و بطنه هایون رسیده موقع قبول یافت

در این اوقات علی حضرت قوی شوکت پادشاهی
جناب جلالت آب صد اعظم افخم نشان امیر
والقاب مخصوص محترم آن که بزبان فرانسه
مرحمت فرمودند

بملاحظه اخباری که در سنوای ماضیه بتواتر با ولایت
دولت علیه از اغتشاش طرق و شوارع و طغیان
قطاع الطریق اعراب و غیره در راه عتبات عالیات
رسیده بود و چندین بحکم هایون رفیق زوار با ما
مشرفه موقوف بود این اوقات بنا با اخباری که
با ولایتی دولت علیه رسید بحمد الله طرق و شوارع
بجالت انتظام برگشته و فتنه سارق و قطاع الطریق
سمیت الظفا پذیرفته است و نظم کامل در آن
صفحات حاصل و جان و مال زوار محفوظ و مأمون
خواهد بود و با اطمینان ممکن است که عتبات عالیات
رفته معاودت نمایند لهذا از جانب بنی استیجاب

همان اقدس شاهنشاهی بجموع متعبد و رعایای
دولت علیه اذن و اجازه داده شد که بمسکن خود
بی اذن مخصوص هر وقت از اوقات که بخواهند روان
عتبات عالیات شوند اما حکم اولیای دولت علیه
این است که بی تذکره عبور و مرور از خاک دولت علیه
پایرون نگذارند و در کرمانشاهان از مباشرین این
دولت علیه تذکره گرفته با حالت نظم و فتنه
معاودت نمایند

عاجیجا میرزا مصطفی خان که سابقا مباشر مهمام
خارجہ آذربایجان بود و حسب الامر احضار برکاب
مبارک شده بود مورد تفتقدات ملوکانه آمده
باعطای خلعت آفتاب طلعت مفتخر گردیده مرخص
گذاشته شد که چندی با نصب باطکارهای متعلقه مخصوصه
خود اقدام نموده بر حسب احضار اولیای دولت علیه
بنگام رجوع خدمت برکاب مبارک شرفیاب شود

امورات دارالخلافه طهران و رکال انتظام است
نواب مستطاب شاهزاده و الایثار ارشد شیرمیرزا
حکمران دارالخلافه طهران و توابع مراقبت تمام دارند
اینکه سرقت و خلاف قاعده اتفاق نیفتد و سایر
چاکران قلم خدمت دارالخلافه بر یک در انجام خدمات
مرجوعه بخود نهایت سعی و استقامت را دارند و در حفظ و
حراست شهر و محلات بسیار مراقب اند افواج قاهره
متوقف دارالخلافه بقرار استمرار از توپچی و سربازان
مشغول مشق میباشند

چون نیت پاک و طینت تابناک اعلیحضرت پادشاهی
مفطور و مجبول است بر رفاه و آسایش تمامی رعایا و عبادی
که در ممالک محروسه ایران هستند لهذا نظر به پیشانی
ارامنه جولایه اصفهان که تبعه دولت علیه هستند و بسیار
مقرب الخاقان میرزا زین العابدین ملک الکتاب از اولیا
دولت قاهره از بنده پنهان بارسیل مبلغ یکصد و پنجاه
از بابت مالیات دیوانی ارامنه مزبور را از قرار فرمان
همایون تأییدت سال تحقیف مرحمت فرمودند که حکام

و مباشرین اصفهان مطاعین

و همچنین چون ارامنه تبعه دولت علیه ایران که در بلوک فریه
ساکن و عربی مشغول هستند در قیمت جنسی که عوض مالیات
بده یونان میدادند متوسط مقرب الخاقان ملک الکتاب
استدعای تحقیف نمودند و اولیای دولت قاهره بجهت
رفاه و آسایش حال آنها و حصول دعای خیر برای وجود
مسعود اعلیحضرت پادشاهی خرداری و دویزدینار
آنجا همه ساله تحقیف مرحمت کردند

سایر ولایات

اؤر بایچان ازین ولایت درین مفعله اخبار
نبود که در روزنامه نوشته شود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه این ولایت نوشته امسال هوا
ماتبان در آنجا بشت گرم گردیده است بطوریکه کافی که
در غایت گرمای مزار پوشه حرارت هوای آنجا را نود و هفت
درجه تخمین نموده بود و درین اوقات گرمای اصفهان را

در درجه نود و دو تخمین کرده اند و روز بروز این گرمی
هوا در تریاید بوده است و بجهت امتحان چند بیضه مرغ دری
سک فرش عمارات پیش آفتاب گذاشته بودند و نتیجه
و بطوری گرم شده بوده است که دست از حرارت او
متأثر میشد است اما از قرار یک نوشته بودند این گرمی هوا
ضری بکسی نرسیده و ناخوشی از همه سالها کمتر است

خراسان

از قرار یک از خراسان خبر رسید و نواب مطاعین
والا بتا رفرا نغمه در طی تحریرات آنجا نوشته بودند این
اوقات طایفه ضاله ترکمانیه از آق سقالان قلاع و قرا
و اوتیه حاجات که اکثرا نشین بسوکن و یهین مشغول شده
بقدر پانصد نفر سواره بغرم تاحات و تاز قریه افریزه که
از قرار سرحد قوشخانه است آمده بعد از رسیدن آنها
بقریه مزبوره امانی آنجا مستحضر شده بودند و نگذاشته بودند
مصرف شوند و دو خوردی با اهل آنجا کرده پس از مجامعت
بسیار مشغول چرانیدن محصولات آنجا شده بودند خبر بجا
بزدان زردی خان برادر مقرب الخاقان سامخان الیخانی
رسیده بود و بجز دستخوار سواره و شنجایی آنچه دسترس
بلاتائل روانه کرده است که خود اسباجی خان بیک نایب
قوشخانه برسانند و باید امانی قریه مزبوره بروند مثلاً
بمجلس رسیدن این سواره و شنجایی سواره سرحد قوشخانه را
جمع کرده بیک امانی قریه مزبوره فرستاده است و قریه مزبوره
که طایفه ضاله ترکمانیه از گرفتار قلع مزبوره ناهمید کشته
بهان سوختن خرمنها و چرانیدن محصولات اکتفا کرده بودند
و لکن غایبها بزدان و میردینان بفرستادن سواره متقاعد

مطلبن شده قد رت الله آثارا با سواره و شمشیرچی دیگر و
 ساخته بود که متعاقب آنها بروند از انظر قسم طایفه ضل
 ترکمانیه تدبیری بخاطرشان رسیده خواسته اند شوخی
 از سمتی برپا نمایند و از طرف دیگر دست بردی بر نهند قریب
 سوار بایل و کلنگ و زرد با نهایی ساخته شب بر سر خیمه
 که بخوبی سرحد قوتشخانه است تاخته و اطراف قلعه را گرفته اند
 نزد با نهایی بالا رفته بودند در حالتی که مردان آن قلعه مجاوت
 اهل افریژه رفته بودند و بجز زنهای و عیال آن کسی در قلعه نمانده
 باقی نمانده بوده است و قلعه از مرد جنگی خالی بوده است
 همان زنهای پس از استحضار از روی غیرت مردانه کوشید
 جنگ و جدال کرده بروج را از دست آنها گرفته سی نفر آنها
 زخمی کرده بودند بعد از مجادله بسیار که طایفه ضل ترکمانیه
 از گرفتن قلعه منصرف و مقطوع الرجاء و مأیوس شده محبت
 کرده بودند بعد از محبت آنها قدرت الله آقا با چاقی خان
 و سایر سرب گردگانی که در قریه افریژه جمع بوده اند کینیت
 مستحضر شده سواره و شمشیرچی حاضر و مستعد را بر داشته
 بجزم جلوی کیری آنها حرکت نموده اند طایفه ضل ترکمانیه از
 دیدن بیدقتا و رسیدن سواره بسیار متوحش شده
 بعد از مجادله و محاربه تاب مقاومت نیاورده و محبت نموده
 و سواره یزدان و یردینان شکست فاحشی بان سوار
 نفر سوار داده و آنها را مغلوبا و مشکوبا از آنحد و بیرون
 کرده بودند از قراریکه نوشته بودند سواره یزدان و یردینان
 بهمه جهت قریب چهارصد نفر بوده اند و با این قبیل جمعیت
 نفر سواره ترکمانیه را شکست داده اند چون این خدمت لجه
 مشارالیه زیاده از اندازه مستحق و مقبول خاطر اعلی حضرت

شامسای افتاد از اینفرار خلعت و نشان جمایل یافتن لجه
 نشان از بر سر اول سر جمایل سفید
 جبهه بر تیره
 قطعه
 یزدان و یردینان محبت و ارسال فرمودند که عیال
 امید واری سایر خدمتگذاران بشود

عراق

نواب مهد علی میرزا که چندی بود در لیس و تب دار بودند
 درین اوقات تب به یرقان منجر شده بر حمت ایزد پوی
 از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند درین
 که مرحوم مهد علی میرزا بعراق بودند انتظام کلی امور
 استجا داده بودند از قبیل گرفتن دزد و قطاع الطرق
 و انتظام امر سرباز و سواره و سان آنها و قرار کار
 رعیت بسیار استقام داشته اند و بعضی مالی بلوکات
 عراق که از تعذبات حکام و مباشرین بق خود کشا
 بوده اند آنها را عوض کرده و حکام و دیگر بجای آنها برضا
 اهل بلوکات نصب نموده و التزام گرفته بوده اند
 که دیناری بر رعیت اگر زیادتی و اجحاف نمایند مورد
 مواخذه باشند و همچنین در وقت ورود بعراق نیز
 در هیچ یک از منازل با سم سیورکات از رعیت
 چیزی نگرفته بودند و هر چه ضرورت داشته اند به پول خرید
 بودند و عموم اهل عراق کمال رضامندی از حسن سلوک انجم
 داشته اند

روزنامه قایم القایه پنج شنبه پنجم بهمن ماه بعد از محرم سال ۱۲۷۰

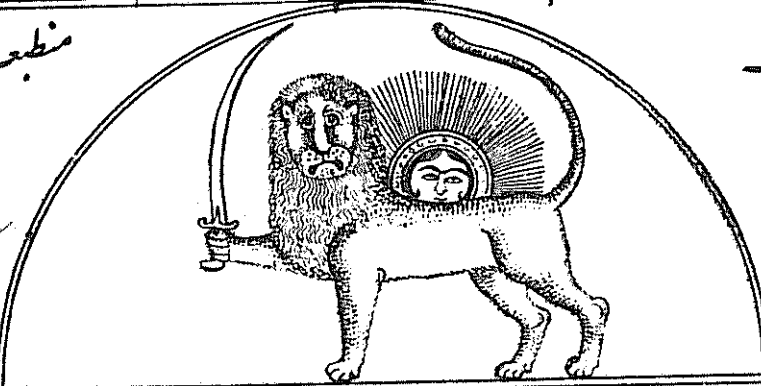
نمده صد و شصت و شش

منطبع دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الاجاره سطر یکم در دنیا

پیشتر به هر سطر



قیمت روزنامه

یک نسخه به هر یک سال

در تهران و چهار هزار

احبار و دوله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت پادشاهی چنانچه در بنقه گذشته نوشته نظر باینکه قریه افجه که متعلق بجناب جلالت مآب اشرف

بسیار خوب از عهده لوازم خدمتگذاری برآمد لهذا اعلیحضرت اقدس هائون موازی یک ثوب جبهه ترمیمه ممتاز با و خلعت مرحمت فرمود

افخم صد اعظم است جائت بسیار با صفا و ایشیت بیلاقت بسیار خوش آب و هوا تشریف فرمای آن صفی شده روز سه شنبه بیستم تشریف فرمای افجه شده در بین راه نیز دامت با صفا و فضا پسر بودند و در همه جا لوازم استقبال و قربانی و دعا گوئی وجود مبارک را بجا آورده در ورودی نیز جناب اشرف معظم آنچه لازمه استقبال و پیشکش پادشاه بودند بعل آوردند و چون در آنجا از جناب و هوا و فضا بسیار

چون ثواب مهد بعلی مرزا که حکومت عراق نیابت از جانب ثواب اشرف و الا قاسم خان امیر نظام با و حرمش بود بر حمت ایزدی پیوست اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی عالیجا مقرب الخاقان میرزا حسنخان برادر مرحوم میرزا تقی خان محض مرحمت بنیابت حکومت عراق منصوب فرموده خلعت و فرمان هائون القات شد که این روزها خواهد رفت

بر وجود مبارک خوش گذشت و مطبوع طبع هائون افغان پنج روز در آنجا توقف فرمودند و روز یکشنبه را بقریه که آنهم متعلق بجناب اشرف معظم و بسیار با صفا و فضا تشریف فرما گردیده و دو شب نیز در آنجا تشریف داشتند و روز سه شنبه ما غریمت

عالیجا حبیب الدخان پسر خند و خان کرمانی که سابقا در کابل اشرار بلوچیه را بجا کپای هائون آورده بود و در کابل مبارک بود و محض مرحمت در حق او موجب عنایت فرموده یک ثوب قیای رزی و یک طاقه شال ترمه با و خلعت مرحمت و عنایت

چون عالیجا موسی خان ناظر پسر جناب جلالت مآب اشرف معظم در ایام تشریف داشتن موکب هائون در افجه

در روزنامه شهر نوشته بودند که ثواب مطاب هراده والا اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع بر حسب حکم اعلیحضرت

پادشاهی مجلس فاسخ خوانی در مسجد سلطانی برای نواب
 مهدی یقینی سرز امضا نموده تا سه روز با لباس تشریف نشین
 و سایر شاهزادگان عظام و علما و فضلا در مجلس فاسخ حاضر
 شده تعزیت داری شایسته نموده اند و عموم فقرا و مسکین
 اطلاع کرده روز نهم مجلس فاسخ را بپای وجود مبارک
 اعلیحضرت پادشاهی ختم نموده چیده اند
 دیگر در روزنامه شهر نوشته بودند که جعفر نام طهرانی که
 سبب دزدی سرد و دست او قطع گردیده بود با دستها
 بریده باز مرکب عمل سرفقت می و درین کار جری و مبرم تر
 از سابق شده بود او را گرفته حبس محکم نواب شاهزاده سیرا
 حود رسانده اند

و همچنین دزدی دیگر سوشتری رضا نام در این اوقات
 مرکب سرفقت شده بود او را گرفته نزد نواب شاهزاده
 بعد از تحقیق که معلوم شده بود بکرات دزدیها کرده است
 حسب احکام نواب مغزی الیه او را بتوبه و سیاست و بعد از
 مهار نموده در دور کوچه ها باز را گردانیده اخراج
 کرده اند

سایر ولایات

ازربایجان از قراریکه از آذربایجان نوشته
 بودند قبل از تشریف بردن نواب شاهزاده والای تبریز
 نصره الدوله و مقرب انخاقان قایم مقام باذربایجان
 حاج سید احمد تاجر اصفهانی سرفقت برده بود
 بعد از تشریف بردن ایشان به تبریز آدم برای تعقیب مال
 حاج مزبور فرستاده مال مزبور را در کنار اسب
 آورده در روز پانزدهم این ماه ذی قعدة آورده بعضی را

که موجود بود بعینه و آنچه مفقود شده بود قیمت آنرا در حضور
 مقرب انخاقان قایم مقام حاج مزبور ذکر کرده اند

خراسان

از قراریکه از خراسان نوشته بودند ترکمانان آنکه
 در آن صفحات بنامی ساقی قلعه که داشته بودند عالیجا
 محمد رحیم خان نایب الحکومه بخوار دستخیز شده با جمعی
 تاخت قلعه رفته بودند چون قلعه نام شده بود نتوانست
 کاری بکند بعد رده پانزده نفر اسیر از خارج قلعه گرفته
 معاهدت کرده بود ترکمانان جیت کرده بتعاقب او
 آمده بودند در بین راه رسیده کار بجای آورده و محاربه
 گردیده بالاخره بعد از کشتن و کوشش بسیار ترکمانان
 شکت فاحش خورده عالیجا محمد رحیم خان سی نفر اسیر
 و چهل تیره سرد و بعد رده اسب از آنها گرفته آنها را
 تعاقب کرده بطوری فرار نموده بودند که بقله خود هم فرصت
 نکرده بودند چو رفته قلعه را خالی گذاشته کلاً و طراً فرار کرده
 رفته بودند

و دیگر در روزنامه نوشته بودند که قافله از بخارا بارض
 اقدس می آمده اند چندی در خراسان معطل بودند بسبب
 ترکمانان سرخس نشین در باب فرستادن قافله مختلف
 بودند طایفه اقمش خیال برسم زدن قافله بخارا را در نظر
 داشتند و طایفه تقمیس منظورشان آوردن قافله بارض
 اقدس بود درین اوقات چند نفر از ترکمانان متوقف
 ارض اقدس بنیه و تدارک نواب سبط شاهزاده و
 فرماندهای خراسان را در غنیمت بهمت خراسان و آن اطراف
 و اهتمام مقرب انخاقان وزیر نظام را در انجام لوازم قیون

ملاحظه کرده بودند به ترکمانان حسن اعلام کرده بودند که
نواب هزاره سان قشون می بینند و غریبت آن
دارند ترکمانان حسن خواسته بودند حسن مشکدری
خود را ظاهر سازند موازی یکصد و دوازده شتر با پوت
سجاری و سایر مال تجاری را که در حسن بود پنجاه نفر
از ریش سفیدان که بر داشته بسمت ارض اوش
آورده اند تا اق در بندر ساند از اینجا دو نفر ترکمان
بجهت اخبار خدمت نواب فرمانفرما و ستاده بودند نواب
معیری الیه آنها را مورد التفات ختم و عایجه محو خان
با چند نفر سوار فرستاده اند که قافله را باطل منسپانند

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند در شب
پانزدهم ماه شوال سه ساعت از شب گذشته زلزله
شدیدی در شهر شیراز واقع گردیده بود بطوریکه جمیع
مردم از مکانها و خانههای خود فرار کرده بودند و کلان از
تفصیلات خداوندی جانی خراب نشده و یکی از بیت
نرسیده بود

دیگر نوشته بودند که بواسطه زلزله که سابقا در شیراز
یافته بود خرابی کلی عمارات دیوانی و ارک و قلعه شهر
و مسجد و بازار کریمانی بهم رسیده بود درین اوقات
نواب مستطاب مؤید الدوله طاسب میرزا حکمران
فارس و جمعی بجهت مصارف بنانی بهر یکجا معین و حواله
نموده اند که باستصواب مقرب الخاقان حاجی قوام الملک
و میرزا مقیم مستوفی و عبد الله خان معمار باشی خرابیهایی
منویر بنانی و تعمیر شود و حسب الامر بنا و عمل مشغول گردید

دیگر نوشته اند که نواب مؤید الدوله در سیم این ماه ذی قعدة
بمیدان درب خانه آمدند و لشکر نویسان عظام و در حضور
سه هزاران جمعی مقرب الخاقان عبد الله خان صارم الدوله
و افواج کلپایگانی و شیرازی و توپچیان ساخلف فارس را
به وقت دیده و رسیدگی کامل نموده اند

دیگر نوشته اند که نواب فرمانفرما در میدان ارک بجهت
سان سواره دسته جات خرابانی آمده بودند توپها
ملاحظه نمودند که عراده های آنها پیش روی آفتاب است
و چوبهای عراده از آفتاب ضایع میشوند و هم چنین
در سایر اوقات برف و باران اسباب آبنال است
توپها زنگ بر میدارند بمقرب الخاقان وزیر نظام مقرر
داشتند که در همان سمت که توپها را گذاشته اند دوتا
چوب بندی نموده و سقفه آنرا بپوشند که توپها جهت
در زیر سایه بوده از آفتاب و برف و باران ضرر
بعراده های آنها نرسد و حسب الامر درین روزها با تمام
بجهت توپخانه جای خوبی شده است

و هم چنین خرابیهایی برج و باره ارک را مقرر داشته اند
که تعمیر خوب شده و کنگره ها و منظرها را بچوب بندی و حسب الامر
بنا و عمل مشغول کار میباشند و عمارات قدیمی ارک را که
نواب حاکم اسلحه تعمیر و تازه سازی میگرداند در جرای

کرمانشاهان

در روزنامه این ولایت نوشته اند که نواب مستطاب از
والایای عمادالدوله امامقلی میرزا حکمران کرمان در باب
افیت طرق و شوارع آن صفحات هشتام زیاد دارند درین
اوقات سه نفر سارق از جماعت بهمنوی گرفته بوده اند
نواب حسنی الیه آورده و بعد از تحقیق که معلوم شده بود
سایه بصل سرت و قلع الطریق مشغول بوده اند حکم بیا
آنها نموده اند

دیگر نوشته بودند که از خانه حاجی عبداللہ نام که خود
بریزات بیت الاحرام رفته بود قریب سبب
بودند و بدار و غه شهر مقر و غن شده بود که اموال مسرو
پیدا نمایشار الیه با سخانه رفته معلوم کرده بود که همان
چند نفر در آن خانه همان بوده اند آنها را حاضر کرده بکی که آثار
سرت و شرارت از او ظاہری شدگان برده او را بجان خود
برده و بعد از تحقیق مشار الیه قرار بقت سبب
نموده حبس محکم نواب معنی سبب مسرو و تبعینها از او
و بصاحبش تسلیم شده و سارق را حکم مجسب نموده اند
در ثانی حکم آن بشود

دیگر نوشته اند که سواره احمد و د و بهمنوی که احضار برکا
هایون شده بودند نواب عمادالدوله آنها را احضار نموده
و سان آنها را دیده چو شان را از قرار دستور العمل برداشته
و در این اوقات روانه دربارهایون حوائی
دیگر نوشته بودند که عالیجا پشن صاحب محکم افواج
کرمانشاهان در مشائخ نهایت دقت و سعی را محمول میدا
صبح و عصر روزی دو نوبت آنها را مشق میداد و همچنین

جماعت توپچی جمعی عالیجاہ اللہون خان در مشق کمال سعی
دارند و هر روزہ از صبح تا چار ساعت از روز بالا آمده
در میدان مشغول مشق میباشند

دیگر نوشته بودند که نواب عمادالدوله بقدری نفر از سوار
جمعی عالیجاہ آقا سید احمد را در گردنه بید سرخ که سابقا محل
قطاع الطریق و اشترار بود گذاشته اند که متوجه راه باشند
از دزد و قطاع الطریق استیسی بجا برین و مترو دین نرسد و
الترام از آنها گرفته اند که اگر مال کسیر در آنجا در دزدید و اغند
بر آیند

دیگر از قراریکه نوشته بودند امسال هوای اتولایت بسیار گرم
شده و ناخوشی زکام و غیره در میان مردم بسر سیده است
و بعضی از اطفال هم بناخوشی حناق شده اند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند امیرالاعظم
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان در رفاه حال
رعایای آنجا و پیشرفت امور رستی نهایت سعی و مراقبت را
که رعایای آنجا را عمریستی باز نمانند

از قراریکه نوشته بودند درین اوقات برج و تنباکوی
از نمت فارس بکرمان آورده اند و نهایتی خوانی و از نمت
حبیب نامی در کرمان نوشته بودند درین اوقات دزدی
کرده بود او را گرفتند امیرالاعظم سردار آورد و بزرگ
بعد از تحقیق شد سرت او حکم کرده ویراست نموده بودند

دیگر نوشته بودند که امیرالاعظم سردار در خارج شهر
چادر زده و بجا میرزا شفیع و یرباشین دیوانی همه روزہ در آنجا
بجمله معاملات و سجات میرزا و شام بشهر مراجعت می کنند

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ کاغذ آخر که درین روزها از لندن پای
انگلیس رسید ویم شهر سوال بود و از پاریس می گفت
فرانسه سیوم ماه مزبور و از ویست پای تحت استریه
۲۹ رمضان در روزنامه انگلیس نوشته بودند که دولت
فرانسه قرار گذاشته اند بجهت قشون خود که درست شمال
انولایت جمع کرده و در دوزده اند آنچه آذوقه و خوراک که
لازم داشته باشد از ولایت انگلیس بربند از جمله کاو
که سفند از مملکت ایرلند و علف خشک از برای اسبان توخا
و اسبان سواره نظام از خود شهر لندن و بعضی چیزها
دیگر که قشون را لازم است از سایر شهرهای اطراف ولایت
انگلیس پیش این است که اردوهای مزبور که در سمت
شمال مملکت فرانسه میباشند در نزدیکی کنار دریاستند
بجهت کمی اخراجات حمل و نقل بارها که از مملکت انگلیس در روی
لشتی با بنجای آورند آسانتر این است که از خود ولایت
فرانسه از راه خشکی بیاورند و اخراجات آوردن آذوقه
فرانسه بسیار بیشتر از آنست که از انگلیس بربند
در شهرهای فرنگستان که دغال سنگی زیاد مصرف می
کنند بخار دغال بکار می کنند و هر چه بیرون است بیاورند
از این جهت در شهر لندن حکم شده است که دو کشتی بیا
خانها را بطوری بیاورند که دو دغال دوباره بمیان
برگردد و خود بخود سوخته میشود بطریق که بخار او از بیرون
بیچ معلوم نمی شود و این حکم از چهارم شهر ذی قعد فرارشته
که محجری بشود

فرانسه

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند علیحدت
امپراطور فرانسه بازوجه خودش بنا دارند که نسبت شمال
انولایت سیاحت بکنند و بار دو ماهی قشون که در آن
اطراف جمع میشوند بروند و در بیت و چهارم ماه سوال
از پای تحت حرکت خواهند نمود و هیچده روزه محبت
پاریس بنمایند

دیگر نوشته بودند که غله در ولایت فرانسه تنزل کرده بود
از آنرا که در فصل بهار و اول تابستان بارندگی زیاد
شده بود و حاصل از هر قسم بسیار خوب آمده بود و امید
بودند که از فراوان شدن غله امسال تلفاتی ضرر رسال کنند
را بنمایند بجهت اینکه از ولایات دور غله از هر قسم آورده
بودند در آن مملکت بجهت آذوقه عسرت و تنگی می کشیدند
در اول بهار بجهت نیامدن باران تپش می داشتند مردم
بدعای طلب باران می رفتند حال از قرار روزنامه که می
تقصیلات خداوندی شامل شده در چند جا های نزدیکی
پاریس که هر ساله در آن فصل اسب دوانی می کردند در آن
اوقات اسب دوانی کرده بودند و لکن بشتی بارندگی
شده بود که مردم نتوانستند بودند مانند سالهای گذشته
زیاد تماشا بیاورند و کمتر از سالهای دیگر آمده بودند
در شهر پاریس و آن اطراف بجهت تفرج و تماشا زور
سوار می شوند و بروی آب کشت می کنند و سال سال
در میان جنلق زیاد تر متداول می شود سابقا اهل پاریس
و اهل سمت مملکت فرانسه بکشتی و زورق نشستن چند

میلی نه اشتند اما درین ایام چونکه کشتیها را بهتر و تند روتر
ساخته اند مردم آنجا زیاده مایل شده اند که در روی آب
با کشتی و زورق کشت و تفرج نمایند خصوصاً اسال که کشتی
نخا ساخته اند که از راه رودخانه سین و دریا و رودخانه
طلس کیر از پارس بلندن میرود و اخراجات سفر این
راه بسیار کمتر از سفر از راه خشکی است

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است درین روز
شهر پارس را زیاده تعمیر و آرایش و زینت میدهند و کوچه ها
و سیعی می نمایند و بجهت وسعت دادن کوچه بعضی خانه ها
عمارات قدیم را باید خراب بکنند از جمله یکی از عمارت
بزرگ است که سابقاً محبوس خانه دولتی بود و اسم او
ایه است و همانجا است که در ایام اغتشاش شش و دو

سال پیش ازین یاغیان و مفتدین آن ایام پادشاه
با عیال و اقوامش در آنجا محبوس کرده بودند در ایام
ناپایان اعظم حبس آنجا را خراب کردند اما وقتیکه
لوی بیچدسم که از اولاد پادشاهان قدیم فرانسه بود
دو باره بتاج و تخت آن مملکت رسید در جانی که این
بود عمارتی دیگر ساخت مانند جای تهریه بیا و کار می محبوس
شدن پادشاه سابق با عیال و اطالاش درین روزها
آن عمارت را خراب می کنند بجهت ساختن کوچه های نو
و اسحق برداشتن چنین جانی که بیا و کار ایام اغتشاش
و خونریزی ولایت بود بهتر است

چون در فرنگستان هر روزه تردد سیاح زیاد می شود
سعی و کوشش نمایند که از هر سبب مخارج کم شود که مردم
در سیاحت آسوده باشند هم با آنها خوش بگذرانند

مخارجشان کمتر شود از جمله مهاجرتها که بجهت نشستن خلق نیست
بناد دارند که در شهر پارس مانند مهاجرتهای نیکی دنیا
مهاجرت از بسازند که سیاحان در آنجا منزل نمایند و هر
سجواهند از برای آنها مهیا و آماده باشد و مخارجشان نیز کمتر
باشد چند نفر از دولتمندان شهر پارس شراکت درین
عمل کرده اند و امید دارند که تا سال آینده در مقام فصل
بهار کسوده شود که در آن وقت عمارتی بنامی کنند بجهت
گذشتن نمونه اجناس کل روی زمین

دیگر در روزنامه پارس نوشته اند که روجه امپراطور
فرانس بنا داشت که بآب کریمش بیان برود و قبل از آنکه
همراه امپراطور لوی بیچدسم شمال فرانسه برود

سایر ممالک فرنگستان

در مملکت اسپانیول که درین دو سه ماه گذشته
و بیسم خور و کی شده بود و چند نفر از اهل آن ولایت
محبوس کرده بودند از قرار روزنامه آخر دو باره در آن
ولایت نظم گذاشته بودند و ولایت آرامی گرفته بود
و دول فرنگستان سعی و کوشش میکرد که نظم در امورات
سویس بگذارند بطوری که خود اهل آن ولایت راضی شوند و بحث
و گفتگوئی که مابین آن دولت با دولت استریت قطع
شود و در میان اهل آن مملکت که دو تیر هستند بنای
در مملکت ایتالیا نظم سخت نگاه می داشتند زیرا که حکام
داشتند که خلق مجال یافته ده باره شوب برپا نمایند ولی
تا بحال مفسدین نتوانسته اند این نظم را برهم زنند

روزنامه قایم اتفاقیه ستانچ پویم شنبه نایبجی احرار مطایق سال یار سن ۱۲۷۰

پنده مهشتاد هفت

قیمت روزنامه

یک نسخه دیشیریکاله

هفتان و چهار سزار



منطقه دارا خلفه طهران

قیمت اعلانات

یک سطر الی چهار سطر یکروزه

بیشتر با سطر بیشتر

اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارا خلفه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که با فخر تشریف فرما شده بودند در روز چهارشنبه ۲۴ ماه ذی قعدة بکارت مبارک بنیادان معاودت فرمودند چون هوای شمیسانات آن حال نسبت سابق بهتر شده است یعنی روزها در طرف عصر اعلیحضرت پادشاهی سواری شوند و صحایب آن قفرج میفرمایند

روز پنجشنبه بیت نهم ماه گذشته دیقعه جنازه کفایت نصیب احمد وفاق افندی الیچی کبیر دولت عثمانی شیرقاب حضور اقدس بایون شد حضرت انصاف از دربار این دولت علیه را از حضور بایون شاهنشاهی صل نمود و عالیجاه فخر مستسرا حیدر افندی مستشار خود را در غیاب خود بمصلحتگذاری قرار داده کیفیت را رسنای دولت اظهار کرده و هائوز جناب جلالت آباء مجد اشرف صدر اعظم را نیز ملاقات نمود

چون از حسن کفالت و اتمام لواپ شاهزاده و الی

نصرة الدوله صاحب اختیار مملکت آذربایجان و مقربان میرزا صادق قایم مقام امور آن مملکت در کمال نظام و درستی و مطبوع خاطر دولت ابد مدت بود و مرتب در خاکهای بایون زیاده مقبول و سحر افتاد لهند یک ثوب قبای زری سنگ دار از ملبوس خاصه تن مبارک برای لواپ معزنی الیه و یک ثوب جبهه ترمه از ملبوس خاصه بجهه مقرب انخاقان مشار الیه برسم خلعت مرحمت شد

چون مراتب استقامات مقرب انخاقان آقا محمد مهدی در انتظام امورات و خدمات مرجوعه بجهه و مقبول خاطر ملوکات افتاده و درین اوقات محض مرحمت یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت از ملبوس تن مبارک مقرب انخاقان مشار الیه فرموده مقرب انخاقان حاجی علیجان حاجب الدوله در انجام مراتب مرجوعه مراتب خدمتگذاری و کفایت خود را در پیشگاه حضور بایون ظاهر ساخته مورد عنایت ملوکانه گردید لهند یک ثوب جبهه ترمه از ملبوس تن مبارک هم مقرب انخاقان مشار الیه فرموده عالیجاه حسنعلی خان افشار مشیخت مت که مامور خدمت

بود ناموریت خود را انجام داده درین روزها بدر باجیان
مراجعت نمود

چون این روزها فوج دوم تومان و دهم تبریزی بازن
دولت مرخص خانه شد نظر باینکه جایگاه مجبور خان
فوج مزبور در ایام توقف در آنجمله قراول ارک و عمار
مبارک بود و در مراسم خدگداری اتمام نمودند یک قطعه نشان
سرخکی با یک طاق شال باو حمت گردید و چیم چنین یک قطعه نشان
مرتبه اول یاوری نیز بجایگاه پابیک یاو حمت

عاجیگاه عباسقلیان یاو توپخانه و خدمات خود مراسم
معمول داشته است درین روزها صاحب الاموال قدس جایگاه
بمنصب سرخکی توپخانه مبارک که مقرر گردید

از جمله کارهای ثواب معظم که خیر عامه خلق در آنست که درین
روزها حکم با ختن آن شده و کم ماند است که تمام بشود
راه کتیل بالای افجه است که راهیت از دار آنجمله بمبازند

میرود و بسیار سخت و صعب بود و بجهت عابرین و مستردین
زحمت و صوبت کلی داشت بلکه در کمرهای روی زمین باین
سختی راه بهم میرسد و راه مزبور را بهیت که تردد و زیاده

انرا میشود و برنج و ذغال و سایر چیزه که از ما زنده ران
بدر آنجمله می آید اغلب از آن راه می آید و هر سال مال زیاد در آنجا
تلف میشود بلکه بعضی سالها آدم نیز تلف می شده و دیس سال جناب
جلالت تاب شرف افخم اگر مصادع عظم محض رفاه حال عابرین
و در آنجا کوفی مقرر داشته اند که عمده در آنجا گذاشته
راه مزبور را بطور خوب ساخته اند سنگهای بزرگ در کنار
چیده و با سنگهای کوچک حقت و بت کرده مانده است

که عبور مال و آدم سهولت می شود و ساختن راه مزبور
باعث دعا کوفی نموده است که از آن عبور می نماید

و قسم چنین برای حصول دعا کوفی تجبه وجود مبارک علیحضرت
پادشاهی امان داده که در لوا ساسان در قریه باران بود
جناب جلالت تاب شرف معظم مقرر داشتند که شرف با ختن
آن نموده و کمال تیار باند

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته
چون بواسطه آفت سن و مانع خواری رعایا و زراعت کار
انجام اسال متضرر شده اند مضبوط و مباشرین و صاحبان

اطلاک خدمت نواب مؤید الله و له حکم ان فارس آمده
مستدعی شده بودند که زراعت آنها را باز دید نمایند و
دراری بکبارند که از عمده زراعت آینه بتوانند برآید

نواب معری الیه نیز محضر رفاه حال رعایا که سرگرم ریتی
و زراعت آینه خود باشند تمیز این صاحب قوف بیک
از بلوکات تعیین نموده اند که باز دید محصول هر جا را نموده

عمل هر محل را موافق عدل و انصاف جمع مباشر و ارباب ملک
نمایند که بتوانند از عمده مال دیوان برآیند از قراریکه نوشته
خرابی محصولات فارس درین سال شیر از سالهای گذشته

چنانچه حال که موقع ارتفاع محصولات است و در کمیرات و
بند و شهر و اکثر بلوکات آنجا فله کم یاب و ترقی کلی دارد و بطوریکه
کمیرات کارشن تقطی کشیده است
دیگر نوشته بودند و نظر از گشتیان انگلیس بهرم بیاحت آینه
ابو شهر و ارد شیر از گردیدند نواب مؤید الله و له بلاحظه
دوستی و ولایت آدم باحوال پرسی آنها فرستاده اند

شار الیهام بخبر تو اب سزای الیه رسیده اند و التفات
نسبت ایشان به او آورده اند

دیگر نوشته بودند که چندی قبل ازین مذکور شد که چند نفر
از طایفه شینی در پنج شش منزلی شهر مرکب سرق و راهزنی
میشوند و بر سر قله آمده اموال آنها را بسرقت و غارت میبردند
نواب مؤید الدوله عالیجاه محمد ضیاخان کشیکچی باشی خود را با
چند نفر سوار فرستاده اش را مرز بوردار دستگیر کرد و بختور
آوردند بعد از تحقیق چند نفر آنها را که معلوم شده بود بی
گناه هستند مرخص نموده و سه نفر آنها که از سارقین شهر
مشهور و دزدی آنها تحقیق پیوسته بود بقیه سیات
نموده اند

دیگر نوشته بودند که نواب مؤید الدوله نظر بر غایب
فقر و صغفا و حصول دعای خیر در تعمیر اجناس آنجا رسید
کامل مینماید و نرخ اجناس را بها اکن تزل داده
مراقبت مستند فقر از انجمنی یاد کرده و دعا گوشت

دیگر نوشته اند که در اوایل ماه گذشته ذیقعه باد و
طوفان بسیار شدیدی در صفحات کریمیات وقوع یافت
که بقدر صد هزار اصله نخل از نخیلات قیرو کارزین و لار
از ریش کنده و هوا بیره و تار شده بود استلوع
روز روشن مانند شب تار گردیده بود و بعد از آن
بباریدن مکرر نموده و سیل در رودها جاری گردید

حراسان

از قرار که در روزنامه اینولایت نوشته اند خلعت
شاهی که بجهت نواب مستطاب هزاره و الایبار وید و
فرمانفرمای ملک حراسان مرحمت شده بود عالیجاه

محمد و خان عامل خلعت در ۱۷ ماه ذیقعه وارد و به
معنای لایه لوازم استقبال و احترام را بعل آورده و خلعت
اقتاب طلعت را زینت برود و پوشش مهابات ساخته
اجرای شایک توپ و صرف شربت و شیرینی در
خلعت پوشان کرده اند

دیگر نوشته بودند که شاهزاده محمد یوسف که نوکر محمد
ایند دولت است و او لای دولت علیه قسم جد و
بعده او محول دو اکراد داشته بودند برای رفع و دفع
قاحت و تاز و بی اعتدالی ترکمان معهودی از سواره و
فرستاده رفته اند بیت هزار کو سفند و پانزده نفر
از طایفه مرز بوردار بدست آورده آنها را شکست حاش داد

و در مراجعت ملک بطایفه مرز بوردار رسیده در ثانی
بنای مجادله که داشته طایفه مرز بوردار ایقده کرده اند که
ده هزار از کو سفند خود برگردانده اند و لکن سواره و
در مجادله ثانوی هم چند نفر از آنها را بقتل رسانیده
ده هزار کو سفند را با اسرانی که بدست آورده بودند همه را
همراه خود برداشته حجت کرده اند

دیگر نوشته اند که مقرب انجاقان وزیر نظام و متولی باشی
که در خارج ارض اقدس میرفته در راه امارت حجاز بنظر
جویا شده بود گفته بودند که در قدیم اینجا مسجدی بوده و کویا
موقوفاتی هم داشته است معمار کنه داشته بر آورد بنای
استجار نموده و متخواه داده است که استجار مسجد خوبی
بازند و بعضی زمین بلامالک لم برع هم در اطراف
انجا بوده است از حاکم شرع اجازه کرده و قرار گذاشته
باع بایزند که متعلق بجان مسجد است

و نواب مستطاب فرما نفر ما هم بعد از شنیدن خبر عزت
کلمات کرده بان حد و تشریف برده اند که قرار نظم
درستی در امر انجام داده یک نفر صاحب منصب صدق
خوش سلسله در انجام بگذارند که با امالی انجام بطور خوب
حرکت نمایند و نظر بحسن انتظامی که درین خصوص از نواب
شاهزاده و مقرب انجام قان و وزیر نظام منظور رسیده
بود حلف آفتاب طلعت با قهار نواب معزی الیه
و وزیر نظام خواهد رفت

دیگر نوشته بودند که نواب مستطاب شاهزاده فرما
در روز دهم ماه ذیقعد بمبزل مقرب انجام قان نظام
و متولی باشی تشریف برده اند و مشا را الیه ضیافت
سکنی نموده جمیع خوانین و صاحب منصبان نظام و
غیر نظام در آن ضیافت حاضر بوده اند
انبار دول خارج

درین هفته از اخبار دول خارج چیزی نیکو آنچه در حواله
متفرقه نوشته میشود احوالات متفرقه
درین روزها دولت فرانسه بملکت پامامه که ولایتی بایرین
جنوبی و شمالیت چند نفر صاحب منصب و ادما فرستاده اند
که را بهار را ملاحظه نمایند بلکه نهری بجهت تردد کشتیها در آنجا
سود که کشتی که میخواهد از سمت مشرق تا مغرب بسکی و نیارود
این دو مملکت را لازم نباشد که دور بزند بدست که اهل
فرنگستان خصوصاً انگلس و فرانس در فکر ساختن این راه بسته
سافش از دریاتادریا بسیار کم است بلکه بیشتر از شش قوس
نیست و لکن از طریق که نوشته اند چونکه راهش که در تحت است
این نه بسیار مشکل است

چون جعفر آقای کلاتی چندی بود در ظاهر اظهار اطاعت و انقیاد
خود را نسبت باین دولت جا و نیسپا می نمود و لکن در باطن
بنای مخالفت گذاشته از روی صداقت حرکت نمی نمود
و باز جاده خدمت بیرون برده بود لکن اولیای دولت
علیه نواب مستطاب شاهزاده و الا بتبار فرما نفر ما مقرب انجام قان
و وزیر نظام نوشته مقرر داشتند که در صد کوشمال او را
جمعیت و استعدادی لطیف کلمات بفراستند که جعفر آقا
گرفته کلمات را متصرف شده دیگر نیز در انجام بگذارند از
فرار که این روزها از نواب شاهزاده معزی الیه خبر رسیده
این اوقات نواب فرما نفر ما مقرب انجام قان و وزیر نظام
جمعیت روانه کلمات خسته چون مقدمات تدبیر کار این
حب الاشاره اولیای دولت نواب فرما نفر ما مقرب انجام قان
و وزیر نظام قبل از وقت بواسطه عذبه از رافت و بچون
مردم و اطمینان عامیانس و امالی انجام با سوز قار
در مقابل و همچنین بواسطه کاغذ نویسیهای مذکرانه بای
حالت وقت چنان فراهم آورده بودند که مقدمه
فراهم شده بود لکن بعد از وصول قشون و توپخانه دولت
جعفر آقای کلاتی با اوضاع فراهم شده سابق و لاحق
تا بمقاومت و خود داری در خود ندیده چاره را در فرار
و پناه با چند نفر از کائنات کلمات بیرون آمده فرار کرده
و قشون و دولتی کاری باین صعوبت را که در حقیقت تنجیم
کلمات از امور مشکل مشهور میباشد با کمال سهولت و تسانی
از پیش برده قلعه منوره را متصرف شده و امالی انجام را
بشمول مرآسم اولیای دولت علیه امیدوار ساخته

جماعت کو غریب بال بند در اغلب جایهای روی زمین
از جمله در فرنگستان بسیار و در آنجا نیز همه صحرانشین
مشغول کار با که درین ولایات دارند میباشد در
ملک مجارستان ازین طایفه بسیارند و درین اوقات
استریه حکم کرده است که آنچه در مجارستان ذخیره
اختیار کرده مشغول زراعت باشند و از بعضی اعمال
ناشایسته دست بکشند

در ولایت نخلیس و بعضی ممالک فرنگستان که زیاد
نسبت به جمعیت زیاد و وسعت زمین و محل زراعت کم دارند
علم زراعت را بجهت کمال رسانده اند و بجهت قوت دادن
زمین زبیل مرغابی دریائی را کوت میدهند و ازین نیل
مرغابی کشتیها از جزایر و جایهای دور دست بار کرده
می آورند و بزرگت کاران بقیه تمام میفرشند و نفع
میبرند و درین روزها نوشته اند که بعضی از جزایر کوچک دیگر
محیط معتدل بسته اند نزدیک پسینگی و نیای جنوبی که از
این نیل مرغابی بسیار دارند و کشتیها با آنجا فرستاده
که آنها را بار کرده بفرنگستان ببرند

درین اوقات قیمت ذغال سنگی در اسلامبول نسبت
ترقی کرده است سابقا یک تن که تخمینا سه خروار بود
هشت عباسی ایران باشد بیت و دو هزار یابیت
مفت هزار میفروختند حال قیمتش بنف تومان و
هشت تومان رسید است بسبب زیادتی برد و کشتیهای
بخارا نخلیس و غیره چون معادن ذغال سنگی در آنولا
دارند بخارا و کشتی با نان ازین داد و ستد منفعتمند

بعضی اردو و قلمدان نخلیس بخاره جمع کرده اند که اسباب
لشنتی و سایر ملزومات بخزند بجهت شبلیات ملکت
و امید دارند که مفت خوب ازین کار ببرند زیرا که
در آن شبلیات فراوانست و جمعیت آنجا روز بروز
زیاد میشود

معدن بزرگ که در فرنگستان در ملک ناپولیت
و آنهم نزدیک بکوهای سوزنده که نزدیک بان ملک
میباشد در روزنامه اتولایت چاپ زده اند که پاد
ناپولی حکم کرده است که کوکردن بوز را با بلی دولی که
جنگ اند نفروشد

در طوفانی که در اول تابستان در ملک نخلیس شده بود
در ختمای بزرگ از قسم درخت بلوط از شدت باد
کنده شده بود که یک دختش را برادر و دو ب کرده اند
و ویت و پنجاه دوزع مرغ چوت و آلت در و تخمه
از او بیرون می آید که بد ویت و بیت و بیچ توان
کرده اند

حساب کرده اند که یک فوج سرباز که میخواهد از کلکته
به پشاور برود که تخمینا سیصد و شصت فرسخ مسافت است
شماه طول می کشد اگر راه آهن و کال که بخارا و آنجا
می افتد و در وقتا و ساعت یا صدعت این مسافت را
طی میکردند و راه آهن که بجهت رز و کال که بخارا در میند
ساخته اند و در هر فرسخی چهل و چهار هزار تومان خرج شده است

و بجهت ملک کوچک بعدن درین روزها ملک نخلیس آمده است
بجهت ماشای عمارت بلور لندن و همان پادشاه این

۱۲۰۵

نده است و میگویند که بنا دارد یکی از دخترهای اقوام
پادشاه پروسپ را عوسی نماید

سخن انخلیس در مملکت ایتالیا سیاحت میکرد و دیوانیان
آنجا او را گرفته و سه روز حبس کرده بودند بجهت اینکه کلاه سفید
در سرداشته معلوم شده بود که کلاه سفید در آن ولایت عیسی
بوده که یاغیان در میان خود قرار داده بودند

جمعی تجار و غیره که کشتیهای مصر و ارمبول میفرستادند
سال بجهت کران شدن و غالی شدن یکی در آن سمت از خراب
زیاد دارند و حساب کرده اند که یک کروز پول ایران جز
زیاد تر از سالهای دیگر است

موافق حساب دیوان که در ولایت استریه چاپ شده
در سال گذشته خرج آن ولایت از جمعش پنجاه و شش تمان
ظان که تخمیناً است و دو کروز و دو ست هزار تومان
پول ایران باشد زیاد تر بود اما سال بنادارند که یک
مالیات آنجا علاوه نمایند که این باقی را بکند و مخارج
در بیاید

در روزنامه نوشته اند که چند نفر مقصرین مجوس در ولایت
انخلیس که پادشاه قصیر آنها را عفو فرموده بود چهار نفر
از آنها از کثرت شادی بر زمین افتاده و مرده بودند

در روزنامه دولتی مدرو پای تحت اسپانیول نوشته اند
که پادشاه فرمان داده است که کشتی بخار سجه رود سیاح
و حمل بغل بار تجارتی بازند که بوعده محقق روانه بشود
و این کشتیها از جزیره کو به بفران و ولایت انخلیس خواهند
رفت

سخن ایتالیا در مملکت یونانی دنیا چنان بی چیز شده بود که
برای گذران معطل بود و یکروز برای آنها خود قدری پول خرج
کرده بود و روز دیگر یک پارچه طلا پدید آمده بود که چهارمین بود
بوزن شش عباسی بود

درین اوقات یک قافله بزرگ از مملکت جزیره العرب فرج
می آیند که میان مملکت افریقیه بلکه یکسر بشهر تمسکتو میروند

ناخوشی برص در مملکت ناردوی بروز کرده است و روز بروز
زیاد میشود سیصد چهارصد سال پیش ازین در فرنگستان
این ناخوشی بسیار بود اما در این ایام آخر خیلی کم شده بود
بلکه هیچ نبود حال دوباره در آن ولایت بروز کرده است

در روزنامه یونانی دنیا نوشته اند که بتاریخ بیست و هشتم
شعبان تمام جرم آفتاب در آن ولایت گرفته بود و چهار ساعت
بعد از ظهر ابتدای گرفتن آفتاب بود تا شش ساعت و بیست
دو دقیقه که ماه از آفتاب گذشت آنوقت منجلی گردید

در مملکت ناپولی بازار شهرهای قدیم مانند آن شهرها که در پیش
جسته بودند تا زحمت اند بعضی ظروف و سیاه از ایام قدیم
پیدا کرده اند که ترکیبات غریب داشته اند اهل تاریخ بسیار
طالب پیدا شدن آثار ایام قدیم هستند که اثبات تاریخ
آن ایام را می کنند

درین اوقات دزدان یونان کشتیهای تجاری انخلیس و غیره را در آن
و بعضی را کشته بودند و روزنامه آخر نوشته بود که کشتیهای انخلیس و غیره را با بنای فتنه
کامل از دزدان مبرور بودند حالا دیگر بطور جدی بی در آن دیگر اتفاق افتاد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه دهم رجب المرجب سال ۱۲۰۷

نمره صد و شصت و شصت

قیمت روزنامه

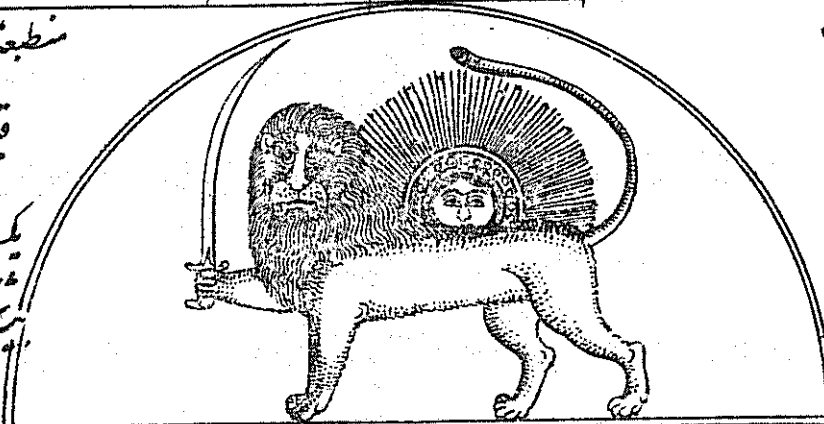
یک نسخه ده شریک

و تلف و چهار هزار

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط لاجر یک هزار و سیصد
پیشتر هر خط پانزده



اخبار داخله ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

موجب هیاتون اعلیحضرت پادشاهی بعد از مراجعت اینک
انچه چند روز در عمارت نیوران تشریف داشتند در
روز یکشنبه نهم ماه ذیحجه از اینجا حرکت فرموده بدو
که هم متعلق بحجاب جلالت مآب شرف امجد فخر صدر
تشریف فرما گردیده و لوازم قربانی و غیره از جانب
محکم تقدیم شد. فردای یوم مزبور که روز دوشنبه دهم
ذیحجه و یوم عید قربانی بود اعلیحضرت پادشاهی در همان
عمارت داودیه چنانچه در عیاد رسم این دولت علیه است
اتحاد سلام عام داد و از امنای دولت علیه و متربان
گردون بسط سینه و خوانین عظام و صاحب منصبان
نظام هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شایسته
نوب و رنجورک بقانون متداول گردید و ادای خطبه بنام
هایون شد. و اوقافین سلام سلامتی وجود مبارک اقدس
شکوه و مبارکبادی عید قربان را تهیت نمودند و سفرای دول
متجا به نیز در آن عید شرفیاب حضور مبارک گردید

جناب احمد و قی افندی ایچی کبیره دولت عثمانیه که از دربار
هایون حضرت انصاف حاصل کرده بود در روز پنجشنبه
اینجا از دارالخلافه مبارک که بیرون فرستاده از راه بغداد
عازم مقصد گردید و بجهت ملاحظه دوستی و بستن و مزید خیر
جنابش را اییه یک قطعه شان مثال هایون مکتل بالاس
که از احبته شانهای دولت علیه است با حایل آبی بعضی
طرز مات دیگر از جانب سنی ایوان هایون بایشان
و بدین موجب هم نشان بصاحب منصبان سفارت که با
شاه

عالیجا عاصم افندی که تبار اول ایچاقان افندی صاحب مقام
نشان سیرپی اول نشان سمرنگی اول

عالیجا خاله افندی تبار اول ایچاقان افندی با جناب سفیر کبیر
نشان سمرنگی دوم نشان یاور اول

ایشان از دربار هایون مراجعت کردند از جانب دولت
علیه اعطا و عنایت شد و در حین سایر اجزای سفارت

از لزومات لازم و اعطای خلّاع فاخره در پنج گزودید

شد البته احدی را بایع و مشتری بیفایده و عیب به نام بیع و سوا
ملکی که استقرار ملکیت آن منوط بشراط مزبوره باشد نخواهد بود

باقصای حقوق دولت و ملت و موافق قرارداد اصلی و قدیم
دولت علیه ایران و اعلاماتی که از سوابق ایام تا بحال کرده است
بتجه دول خارج که درین دولت اقامت و یکسب تجارت
دارند نباید مالک ملکی درین ملک از نظری و یا جزئی شوند و دولت
ایران از قدیم حقا بر خود قرار داده است که صاحب ملک بودن
دول خارج درین دولت موقوف بشروط ثلثه بوده باشد
اولا اجازت سرکار علیحضرت شاهنشاهی ثانیامضا
مالک ثانی رضای عینت که بدون تمامی این شرایط ثلثه در
صورت مفقود بودن یکی از آنها امتیاع اطلاق صورت پذیرد
سخواهد شد مرید التّائید و از برای اینکه این معنی کو شمر عموم
امالی دهنده و خارج بشود مجددا اعلام و اظهار میشود که هر کس
باسم مالکیت صاحب ملک خانه بشود اگر چه قبلا اسم موافق
معمول امالی ملک با قرار و اعتراف مالک فقط در دست باشد
چنین ملکی ابد اصحت انتقال پیدا نخواهد کرد و اگر اینکه دولت
اذن مخصوص داده باشد و اذن دولت هم موقوف باین است
که در دیوانخانه اعظم دولت علیه ایران و دیوان وزارت
امور خارجه متبصر و مهود گردد و اینکه بعضی اشخاص متین بعضی
اطلاک درین ملک امتیاع نموده اند چون با اجازه مخصوص
دولت و عمل آمدن شرائط مزبوره بوده است باینجه بر سبب حکام
آن قاعده قدیمه اخلاقی رسانده و نیز ساند پس موافق
حکم قدیم دولت هر کس از متجه دول خارج ملکی بدون تمامی
شروط ثلثه امتیاع نماید هرگز ملکیت و قرار و استقرار نخواهد گرفت
و بعد از آنکه این قاعده عمومی در ضمن این روزنامه که سرد

چون بجهت سرمد از خاقان خلدیشیان مبرور نورالدین صاحب
خوب حسب الامرهایون اعلیحضرت پادشاهی با کمال غایت
صفا و خطوط خوش بنیت جاری شده درین روزنامه با نام
رسیده بود و در یوم شنبه غده ذیحجه احرام مقرر شد که سنگ مزبور
از دار الخلافه طهران حرکت داده و بموجب علیجا میرزا اسد الله
بدارالایمان قم روانه نمایند و بجهت توقیر و احترام نواب مستطاب
شاهزاده و الاتبار اردشیر میرزا حکمران دار الخلافه طهران
توابع و جناب امام جمعه و جمعی از علما و فضلا و شایران
عظام و خوانین و صاحب منصبان نظام سائر رجال دولت که
در شهر بودند با اتفاق سوار شده با چاکوش و موصومات
مشایعت شایسته ببل اوردند و تا آب سبزه قاسم خان
رفته در آنجا خطبه بنام اقدس هایون اعلیحضرت پادشاهی
خوانده شده بدعای سلامتی وجود مبارک اقدام و از آنجا
سنگ مزبور را با اسباب اسرار و احترام روانه قسم نموده
که برده در مقبره خاقان خلدیشیان نصب نمایند

نظر بطور شایسته علیجاه اسمعیل خان ولد مرحوم بشیر الدوله
مرحمت ملوکانه درین روزنامه اورا منصب چاکوشی با شکیبایی
هایون سرفراز و یک ثوب قبادیک طاقه شال برسم خلعت
بشار اید غایت شده و فرمان مبارک شرف صدور یافت
که موجب حمیه و عینق مرحوم بشیر الدوله در حق او برقرار شود
سابق ادو در حق سایر اولاد بشیر الدوله مرحمت شود و در این

عاجیاه مشارالیه است تمام تمام در انتظام امور چارخا
دارد و چارپاران دولتی در روز و رفتن و آمدن و ساندن
نوشجات و کتیب سبب مراقبت مشارالیه سعی زیاد دارند
و اسبهای تازه خوب در چارپا رخنه بسته شده است
چارپاری که درین روزها مرده فتح کلات را آورده بود
سجده انتظام چارپا رخنه های راه حراشش روزه اخراش
بدار انحلاف طران آمده بود

سایر ولایات

بروجرد از فرار یک در روزنامه این ولایت نوشته
جمع از اشعار و قطاع الطریق بختیاری که در بنیوهای
اطراف فریدن و آن ستمنافراری و متواری بودند
روزانهای وزدی و هرزگی گذشته بر سر راههای
و اموال مردم را بسرقت و غارت میبردند نواب
شاهزاده و الایب حشام الدوله خان میرزا حکمران بروجرد
و بختیاری و عربستان و لرستان مقرر نمودند که حینتی
ریش سفید طایفه مفت لک و چهار لک امامعلی خان برادر
خود را بادویت نفر سوار از راه کوه بر سر اشرازمزبور
نماید و عبد الله خان نایب بختیاری نیز با سرباز و سواره
یا احمدی از سمتی دیگر بر سر آنها بروند و راه فرار آنها را بسته
در کوه و دشت هر کجا که باشند مأمورین حکما آنها را
کرده بنزد نواب مخزی الیه بیاورند و درین باب تاکید زیاد
نموده اند که از اطراف تاغتهای سقنقات آنها رفته حکما
بست بیاورند

دیگر نوشته بودند که رعایای جاپلق بواسطه کمی قله خدمت
نواب حشام الدوله آمده مستدعی شده بودند که قله دویم

مالیات آنها را تا اول میزان بانهام ملت بدند نواب
مخزی الیه نیز نظر بر رعایت حال رعایا و حصول دعا
جهت وجود مبارک علیحضرت پادشاهی استدعای آنها
قبول و تا اول میزان بانهام ملت داده اند که بمدارا و اسان
بتوانند قطع خود را ادا نمایند

دیگر نوشته بودند که سواره دسته بختیاری را نواب
حشام الدوله در ماه گذشته به بروجرد احضار نمودند
و سان آنها را دیدند بعضی نامحرمی که در رتبه و تدارک
بود مقرر داشتند که درست و تمام نموده دوباره سان
حسب الامر همه اسباب و اسلحه آنها تدارک و انجام و در حرا
یاه ذیقعه سان دادند جوانان زبده چاکبک پسارج
کار آمد داشتند که کتبی در میان دستجات دیگر اینطور سوار
یک دست و اراسته بهم میرسد نواب مخزی الیه طرز چاکبکی آنها را
که بعضی در حضور شروع با سب بازی و تیر اندازی نمودند
پسندیده مورد الثقات گردید

دیگر نوشته اند که خبر فوت مرحوم مهدعلی میرزا که به بروجرد
رسید نواب حشام الدوله زیاده مشاظم و تکلیف شدند کس
تقریب پوشیده مجلس فاتحه خوانی در مسجد مدرسه برپا نمودند
تا سه روز هم اسم تعزیه داری اقدام نمودند و جمیع اهالی
و اعیان شهر و بلوکات آن طرف بغایت خوانی حاضر شدند و بعد
سه روز مجلس فاتحه بسلامتی جوایز و خطبه خوانده برجید

دیگر نوشته بودند که میرزا حسن نغشی که از جانب مقرب انخان عبدالملک
مأمور رسید کی با موقوفات آن ولایت بود وارد شده و نواب حشام
قدغن نمودند که برواه و ظایف را نوشته و بمهر و ستحضار الیه
قبول ایات و ظایف را با قی و وظایف آنها را برساند

عزلستان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 آتش خجانه یکی از رعایای راهبرزاقاده چون خانهای
 اغلب ازنی میسازند درین بین باو نیز شدت کرده و آتش
 بچند خانه دیگر سرت کرده بود و از آنجا یک حصاری که جای
 کلاک سفند و کهرنی بجای دیوار محیط آن بوده است در گرفته تا
 مردم خبر شده و آمده اند که آتش را خاموش نمایند آن چند
 خانه و حصاری که سفندان تا مسوخته اند و نفر مرد نیز در
 میان آن خانهای آتش گرفته و قریب بهلاکت بوده اند آنها
 نیم جان بیرون آورده و معالجه کرده اند هر دو خوب شده اند
 اما کوسفند کلاک مسوخته و تلف شده اند

و یک نوشته اند که درست حجره غله کم بود و کشتی که بجهت
 غله بجا الی کاران رفته بود خالی مراجعت کرده بود اهل آنجا
 تشویش گلی نمودند و کندم خرواری چهار تومان و نیم بود و
 کرده بیش تومان و نیم رسید عالیجاه شیخ فارس خان
 از بندر هندیان و بندر معشور و کشتی غله بزودی فرستاد
 بارگیری کردند و بجهت آوردند بعد از ورود این دو کشتی رخ
 غله تنزل کرده به پنج تومان و دویست و هشتاد و عالیجاه شالیه
 درین باب اهتمام تمام دارد که حاکم غله از اطراف حجب
 و سایر جایها امتیاع نموده با نولایت بیاورند که رفع
 گرانی از آنجا باشد الله بشود

و یک نوشته اند که بجهت اتهاماتی که عالیجاه شیخ فارس خان
 در انجام خدمات دیوانی آنجا دارد نواب حشام الدوله
 خدمتگاری او را به بار جایون عرض دارند جانبی بجواب ملوکات
 خلعت باو محبت شده بود نواب محبی الیه خلعت او را فرستاده در بستم

دنی فقهه پر تو وصول آنجا انگذشت را لیه لازمه توقیر و جبرایم
 در استقبال پس آورده خلعت هایون خلعت و حشام و الی آنجا رسید
 و شیرینی داده او هم خلعت بهایر از افضل نیز مصحوب طالع
 ریب برودش معاشرت خود ساخته با الی آنجا شربت و شیرینی
 کرمانشاهان

از قراریکه در ضمن روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند نواب
 شاهزاده و الایب ارعاد الدوله در انتظام طرق و شوارع
 و امنیت راهها کمال اهتمام را دارند و سی نفر سواره
 ناخکی را بجهت حفظ و حراست قوافل و متردین در طرق و
 شوارع گذاشته اند که الی مینون لیلا و نهاراگردش کرده
 مراقب حفظ و حراست آنجا باشند و التزام از آنها گرفته
 که اگر مالی از قافله برود سواره مزبوره خود از عهده برآید
 آقا سید احمد که سرکرده سواره مزبوره میباشد در حفظ
 قوافل و نظم راه حجب قغن و تاکید نواب عماد الدوله
 کمال اهتمام دارند و لکن از قراریکه خبر رسید قدری گرانی
 صفحات کرمانشاهان خاصه در قناب و حوالی آن بهم
 نوعی که باعث تنگی معاش مردم شده است

و یک نوشته بودند که عبدالکلام بیک غلام شیخ مت که از آنجا
 دیوان اعلی مامور برساندن مواجب نوکر کرمانشاهان بود
 درین اوقات وارد آنجا گردیده نواب شاهزاده و الایب
 عماد الدوله در وصول و ایصال مواجب نوکر آنجا بنحویکه از
 جانب اولیای دولت علیه دستور العمل داده شده است
 کمال اهتمام را معمول داشته اند و قدغن آگیده کرده اند
 که مواجب نوکر آنجا از قرار دستور العمل بزودی پرداخت
 نامانجامی در کار آنها ماند

احوال استمفرقه دول خارج

از جمله کارهای غریب که درین روزها برآید انداخته اند و مختصر
از آن گاهی اوقات در روزنامه نوشته میشود همانجا نیست
بجمله نشین سیاح خصوصاً همانجا در شهر پیویاک یکی و دیگر
شمالی که اسم او سنت گولاست و جایی شصت نفر
مکان دارد بلکه در سنگام ضرورت میتواند هزار نفر را در
مکانی بناند و اکثر خانها که بجای همان ساخته اند از سنگ
و آجر قزاق است و در یک و بسیار خوش بنود طرف کوچه
مفتاد و پنج ذرع طول دارد و پنج مرتبه ساخته اند یکطرفش بجهت
نشین زنهار و یکطرف دیگر بجای نشین مردان است غیر از سفره خانه
و اطافها جهت نشین روز مشقه اطاف خوابگاه دارند و میگویند
بجای هزار نفر رخت خواب بنیدارند در هر طاقی حمامی کوچک
با شیر آب گرم و سرد و همه طاقهای خوابگاه از مرتبه پنجم تا
ازین حتماً دارد و در پایین چرخ بنجار ساخته اند که آب گرم
و آب سرد بکل اطافها میرساند و کل این خانه شب از بنجار
و غل سکی روشن میشود سه هزار چراغ بنجار بر شب در
روشن میشود و در زمستان کل اطافها را بالاله که در میانش
بنجار آب گرم است گرم می کنند و اینهم از چرخ بنجار است که
بدون روشن کردن بنجاری اطافها همه یک هوا گرم
رخت خلق را هم کلا در آنجا با اسباب چرخ بنجار میشود
روزی شش هزار پارچه رخت میتواند بشوید و آنوقت
بطوریکه یک نفر سیاح که با بنجامیرسد و رخت او همه چرک است
میدهد بر رخت شور و در نیم ساعت همه رانسته و تازه زود
و آله کشیده پس میدهد اگر طنج بنجار اسم بنجاری پزند
مگر گوشت کباب را که در روی ذغال کباب می کنند

جناب خانه بجهت بختن نان و سایر چیزها که در آن می پزند اسم
در آنجا دارند و اطافها را کلاً با فرشهای خوب مفروش کرده اند
حتی قهوه خانه را و اخراجات یک نفر با خوراک و خوابگاه
همه جهت دوازده فرانک و نیم است که تخمیناً بازده هزار دینار
پول ایران باشد در شبانه روزی و در ساختن و راه انداختن
این مکانها پنج نفر با اسم شرکت شده اند و از قرار یکی که
بسیار منفعت خوب بجهت آنها می کند جمع با احتیاج لازم بجهت مکان
در آنجا پیدا میشود و در طول صد تا صد و پنجاه ریس است
و چهل عراده کالک هم وجود دارند

در محلی فرانسه بنا دارند درین روزها لاتاری برپا می کنند
باینطور که نفر اول به اسم هر کس بیرون بد صد هزار فرانک
میرود و نفر دوم و سیم هر یک پنجاه هزار فرانک و پنجم
و دیگر هر یک ده هزار فرانک و بیست و یکم هر یک که پول درین بازی
میکند از دوش فرانک و یک ربع است و فرانک پول و
فرانسه است که هر یک هزار دینار چیزی کمتر حساب پول
ایران میشود

سیاح فرانسه درین روزها در جزیره گوآنا که یکی از جزایر
در بحر است و بسیار سیاحت کرده است و سیاحت
در روزنامه چاپ زده است آنچه در خصوص مارای ایتالی
نوشته است که روزی در جمعی بودم یکی از سیاستمداران
سواره به باخت و تخیل رسید و گفت بیایند و تماشا کنند
که مارها در صحرا چگونه جمع شده و بهم پیچیده اند یکی از
سیاحان گفت من شنیده ام و قهراً طوفان اتفاق می افتد
بعد از طوفان مارها جمع می شوند اما تا بحال ندیده ام خوب است
برویم تماشا بکنیم پس سوار شده با احتیاط تمام تا نزدیکی

دفعه بودند و دیده بودند که مار با جمیع همه پیچیده اند و تیرگی
 یک کله قد و سرشان همه بیرون است پانزده قدم مانده بود
 که باره برسند اسبها ترسیدند و پیش ز فتنه مار آمدان
 می کشوند و صد میگردند اما هیچکدام از آنجا که جمع شده بودند
 بیرون نیامدند و همانطور هم پیچیده بودند سیاحتان
 باب فکر زیاد نموده بودند که مار بزرگ یا نهنگ بعضی کمان
 کرده بودند قصد این مار را می کنند و از ترس آنها اینطور
 با هم جمع میشوند با بجمعه سرب که داشته باشند جمع شدن
 مکرر با اینطور شده است حیوانات نطق ندارند که
 خود را بتکلم یکدیگر معلوم نمایند و لکن مطنه بعضی از اهل فرکتان
 بلکه اکثرشان این است که از بعضی چیزها که از حیوانات طاعت
 میداد باید طوری در میان خودشان داشته باشند که
 خیالات خود را بهم حالی نمایند از جمله جمع شدن مارهای
 و ساختن سکهای آبی بند ما و خانه در رود خانه های
 ینی دنیا بطوریکه درختهای بزرگ را می کنند و تیر را می
 و بند ما و خانه مانند بنامی سازند و در آن ملک قسی از
 مورد است که بچه خود جا و مکان می سازند با رتفاع چهار
 دوز و حیوان سخت می سازند که سنگین آن بسیار مشکل است
 آنها را نیز بکمان میبندند که بجهت محافظت خودشان از حیوانات
 صحرائی که خوراک آنها موچه است این خانه را می سازند در
 جزیره و در اکثر جایهای ینی دنیای شمالی آب دریا سال
 کشیده می شود و جالانی که سابقا آب بود حالا خشک
 و لکن است شمال فرنگستان برعکس این است بسیار جابجا
 که سابقا خشکی بود حالا آب دریا بالا آمده و گرفتار است

۱۲۱۲

از جمله کارخانه ها که درین روزها در فرنگستان بسیار ترقی
 کرده اند کارخانه های آهن است و بعضی چیزها درین ایام از چوب
 و آهن می سازند که سابقا هیچ ساخته بودند و در ساختن چاقو
 و سایر چیزهای خورده و نازک بسیار ترقی کرده اند و در
 روزنامه فرانسوا نوشته اند که در عمارت بلوری که در
 نازده کشوده اند یک تاشای عمده اسباب آهن است که
 در آنجا گذاشته اند خصوصاً اسبابی که از شهر شفا که یکی
 از شهرهای انگلیس و مثل اهل آنجا ساختن چاقو و مقراض و این
 و فولاد خورده کار است آورده اند که نهایت آیساز دارند
 موافق کاغذ آخر که از ینی دنیا آمده است باز در ملک کنگو
 داشته کارشان خوب پیش میرفت یکی از اعیان آن
 ملک است انا نام که مدتی بزرگ دولت جمهوری آنجا
 بود بعد از آن اخراج شد حال دوباره با ولایت برگشته
 و ادعای پادشاهی آنجا را می کند و لکن آنها که راضی بسلطنت
 او نیستند از ک جنگ می بینند جمعیت بدو خوششان جمع
 از قرار یکم معلوم میشود و در مینت که این ملک در اندک یک
 محیط تصرف اهل دولت ینی دنیای شمالی بیفقد چنانکه
 و تگس و بعضی ولایات دیگر که اول مال مکو بود حال
 دولت ینی دنیای شمالی است و روز بروز کار دولت
 ینی دنیای شمالی در ترقی است بخلاف کار دولت
 مککو که روز بروز در تزلزل است

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوچم شنبه ششم ماه ذیحجه الحرام مطابق سال ۱۲۷۰

نزد صد و شتادون

قیمت روزنامه

یک نسخه شش هریک

هفتاد و چهار هزار



منطبعة دار الخلافه طهران

قیمت اعلانات

یک خط از چهار خط یک هزار و

بیشتر با سطر پنج مر

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز هجدهم این ماه که روز عید غدیر و از اعیاد بزرگ
این دولت علیه است اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی
در عمارت داودیه بار سلام عام دادند جناب جلالت
اشرف افخم صدرهم و شاهزادگان عظام و سایر ارباب
دولت علیه و مقرر بان حضرت کردون بطلت سینه و
عظام و صاحب منصبان نظام و عموم چاکران در باره
شرفیاب حضور مبارک گردیده هر یک در جا و مقام خود
ایستاده اجرای شلیک توپ و زنبورک گردیده و صد
تیر توپ بجهت میمنت شلیک شده و ادای خطبه در حضور
مبارک بنام جناب علی ابن ابیطالب گردیده بدعای
بقای وجود و فایض الجود بجا یون ختم شده و اقصین موقوف
حضور مبارک از عنایات ملوکانه بهره مند گردیده سلام
عام منقضی گردید

سواره مزبور در لباس و وضع و سبهای متمایز و اسلحه
بهجهت کمال آراستگی داشتند خاصه ایشیت اسبها که
بهمه فربه و خوب بودند بسیار مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه
افتاده مورد تحسین و التفات گردیدند و بجایگاه
صاحب منصب دولت استریه که معلم سواره مزبور است
کمال التفات فرموده القامی شایسته و ریح او حیرت
و عالیجاه پاشا خان سرکرده سواره مزبور نیز که در
آراستگی آنها اهتمام نموده بود مورد دلخوشی و تحسین
گردید

و همچنین در روز یکشنبه شانزدهم این ماه حسب الامر
شعر عاده توپ با توپچان جمعی عالیجاه اللهو بردی خان
سرمهنگ توپخانه و سواره نظام جمعی عالیجاه پاشا خان
و فوج چهارم جمعی عالیجاه علیخان سرمپ عامر شدند
در میدان مابین قریب قلعه و رستم آباد مشق جنگ
مخلوبه نمودند اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی از عمارت
داودیه تشریف فرما گردیده در بالای پشته که در آن جوی
بجهت تماشا توقف فرمودند و جناب جل امجد اکرم محمد

در منته کشته اعلیحضرت پادشاهی تماشای مشق
سواره نظام که چند سال است درین دولت علیه تازه را
افتاده اند تشریف فرما شده ملاحظه آنها را فرمودند چون

و سایر مقرران حضرت کرد و بن بطلت در حضور مبارک بود و حکم
 مشق جنگ داده شده سوار نظام به فوج و توپخانه حمله آورده و
 نمود و چندین حرکات جنگ کردند و از جانبین کمال جالاک و جنگ
 مشاهده شد و حرکات و چابکی آنها در شکیک موقع و یورش
 به سنگام همگی پسند خاطر اقدس بیا یون گردیده و مورد تحسین و
 شدن و از طرفین رکاب مبارک هر کس که سرتیبه از حرکات سوار
 و فوج مزبور داشت تعریف و تحسین نمود و اعلیحضرت پادشاه
 بعد از تماشا تحسین آنها نزدیکی بفرمود و آفتاب مرتب بهار
 و او دین فرمودند

از اینکه مراتب خدات و اهتمامات نواب طباطبائی هراده والا
 فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان و مقرب الخاقان میرزا
 وزیر نظام منولی باشی و شکار خراسان در نظام و انضباط امور
 آن مملکت عموماً و افتتاح و تصرف کلات خصوصاً در نظر انور بایون
 اعلیحضرت پادشاهی زیاده تحسین و مقبول افتاده و در خصوص کمال
 مرحمت ملوکانه آمدند لهذا این اوقات یک ثوب جبهه ترمه رنجیره
 حاشیه دار بافتن از نواب نری الیه و یک ثوب جبهه ترمه مقرب الخاقان
 وزیر نظام حرمت و ارسال شد که از بدین این مهربت خاص شاهانه
 استظهار کامل حاصل نمایند همچنین حسب استادی نواب هراده
 و مقرب الخاقان مشارالیه بعالیجاهان بهادر خان و حسین خان
 و آقا رضا خان که در تسبیح کلات خدمت کرده بودند هر یک یک
 کسری و یکینوب قبای رری و جابجایون خلف حرمت و

این اوقات سیر کار اقدس اعلیحضرت پادشاهی نظر بکمال حرمت و
 نواب طباطبائی هراده والا حاکم سلطنته والی سابق خراسان بکلیوب کلنج
 از ملبوس به مبارک بافتن از نواب نری الیه مریه عتفا فرمودند

چون مقرب الخاقان خان خانان در روز عید قربان شتر قربانی
 سخر کرده بود و خلعت از ملبوس بن مبارک باو حمت گردیده و
 و در و بشارت داده و نیز که شرفیاب حضور مبارک گردید بکلیوب کلنج
 از ملبوس بن مبارک باو عتفا فرمودند

عالیجاه عبا حقی خان سرتیگ توپخانه مبارک که منصب سربسکی او در
 هفتقه گذشته نوشته شده بود و درین اوقات یک طاق شال ترمه دار
 منصب مزبور از جانب سنی ابجواب ملوکانه باو خلعت حمت گردید

مرحوم سرتیگ صاحب که ارضا جنبه بنان دولنگیس بود در شب جمعه ۱۴
 و نتیجه احرام در قریه قلک شمران برای جاوید انتقال نمود و جناب
 و نبات نصاب رز و قدر دولنگیس با صاحب منصبان
 او را با کمال اکرام و احترام بر دوشته جناب معظّم الیه با جمیع ضا
 سفارتخانه از قلمک تا مقبره عظاما و شرف تسجیه که در خارج قریه
 و ولایت واقع و تحمیداً و فرسخ مسافت دار و همسرا جنازه
 او آمده بعد انجام و اتمام لوازم و شرایط دفن مریحمت گردید و کثر
 صاحب منصبان خارج متوقف دار اختلافه نیز در دفن کردن
 حاضر بودند صاحب منصب مزبور در ابتدای آمدن باین ولایت
 یکی از معلمین توپخانه بود و در ایام نواب غفران آب و لیس میرزا
 در آذربایجان مشغول مشق توپخانه بود و درین سخل خدات نمایان
 باین دولت علیه کرده و کمیس از توپچیان قدیم تعریف از خدمات
 مشارالیه میکردند و از آنرا که با کس حرس سولک و شکر
 او را عتفا و نفوذ بسیار متاسف گردید

سایر ولایات

از پایسجان از فراریکه در روزنامه از پایسجان
 نوشته بودند امور ولایتی و قشونی و عمریستی آنجا کمال نظم دارد

خارج ساخو حاضرین تبریز همه روزه علی الاستر از آنجا
افتاب در میدان سربازخانه بیرون شهر مشغول مشق
صاحب منصبان هم عصره مشق میکنند و جناب مقرب الخاقان
قایم مقام در انتظام امر قشون آنجا کمال اهتمام دارند و از هر یک
خلاف قاعده ناشی و صادر بشود بمقام مواخذه بر می آید
از جمله نوشته بودند اوقاتی که فوج ناصره مانو خوی شد
در عرض راه بعضی از سربازان بی نظمی و تقصیر فاحش کرده
بودند بعد از آنکه عالیجاه محمود آقای سرشک مراتب را بمحض
حالی کرده و نفر سرباز و دو نفر وکیل آنها را که مشا هر یکی
شده بودند احضار و بعد از ثبوت تقصیر و اجرائیه توبیه
کردند

و یکروز که روز قبل از ورود نواب مستطاب نصره الله
بازر بایجان مالی از حاجی سید احمد تاجر اصفهانی در قریل
دیزج اردوئی برده بودند در همان اوقات جناب مقرب الخاقان
قایم مقام سواره تعین نموده عقب دزدان فرستاده بودند
معلوم شده بود که دزدان کشته شدند این روزها مبلغ یکصد
بیت تومان قیمت مال منوچهر از جهان دزدان گرفته شد
تاجر داده قبض رسیدگی دریافت کرده اند اما سزای برگیران
در روزنامه معلوم نگردیده بود که چگونه داده باشند

اصفهان

از خوار که در روزنامه اصفهان نوشته بود :
چرا عیض خان نایب الحکومه اصفهان در نظم امور و
و تخصیص اسباب سودکی رعیت و وصول و ایصال منافع
و دیوانی کمال اهتمام را دارد و بامورات رعایای بلوکات
رسیدگی کامل مینماید و هم چنین در انتظام امر شهر و محلات
و رفع دزدی و بیجایی سعی تمام دارد

دیگر نوشته اند که حسین نام و خوارقانی که بذری و شراب
شهر بود و را بهرنی میکرد مقرب الخاقان قایم مقام
فرستاده او را با سه چهار نفر دیگر از اشعار و خوارقانی که در دزدی
و هرزگی شریک او بودند گرفته آوردند بعد از ورود تبریز
نواب مستطاب نصره الله صاحب خستیار آذربایجان نام

اخبار دول خارجه

انگلیس تاریخ روزنامه آخر که از لندن پایتخت

اینولایت سید روز شنبه ۱۹ شوال بود و در آن اوقات

علیاحضرت پادشاه انگلیس در شهر لندن در عمارت خود

تشریف داشتند و نوشته اند که در آنجا خواهند ماند تا

بعد از مرخص کردن اهل مشورتخانه بعمارت و نیز از که در

خارج شهر نزدیک لندن است بروند و وقت مرخصی

خواین و وکلای رعایا که اهل مشورتخانه اند در اکثر سالها

چهل یا پنجاه روز از تابستان رفته است که آنوقت

مرخص شده هر یک به ملکات و اطنان خود میروند

شخصی از اهل فرانسه درین ولایت کشتی هوایی که بلون مینامند

سوار شده و بالا رفته بود مدتی است که چیزی اختراع کرده

که مسراه بلون بالا میرند که اگر بخواهند در هوا از بلون

خارج شده بآن چیز پائین بیایند میشود و لکن خالی از

توشش و خطر نیست و این بابیت ترکیب چیز ساخته

که وقتی که در آن قرار گرفته از بلون خارج می گردند و گویند

و با هستگی آن شخص را بر زمین بیاورند و مانع از آمدن آن بجزایر

بر زمین خورند شخص میشود و لکن بسیار اتفاق می افتد که

میشود یا طوری میگرد که آن شخص کشته میگردد ایندفعه

که این شخص فرانسوی بلون بالا رفته مانند طوطی هلاک کرده

که از بلون به چتر نشسته و خواسته است پائین بیاید

و هلاک شده است مردم انگلیس حسب القانونی که دارند

جمع شده و تحقیق کرده بودند که کشته شدن این شخص صحیح

بود و عریضه بوزیر امور جنیده نوشتند که از دیوان قدغن شود

که بعد ازین کسی اقدام باین عمل ننهد که خود بخود هلاک بشود مردم

طالع پول می گیرند و کشتی هوایی می سازند و پول بجهت تماش

از مردم میگیرند و ازین قبیل بچاره را که خالی از حقاقت

نیست بیکه پست آورده پول میدهند که سوار کشتی میروند

بالا بروند و با بطور پائین بیایند که مردم تماشا نمایند و این

نیز باین تفصیلات بالا میروند و کمتری بسلاست بر میگردند

چند سال پیش ازین اسبها به بلون بسته بودند و

بسیارشان به بعضی اوقات در می آمدند حال بسناب بلون

بسیار که نسبت بچوآن اذیت بجای بود و موقوف کرده و

قدغن نموده اند در صورتیکه ملاحظه حفظ حیوان بشود البته حفظ

وجود انسان از مردم خواهد بود که با بطور هلاک نشود

فرانسه

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پایتخت فرانسه رسید

سید دهم شوال بود و علیحضرت امپراطور فرانسه سمیت شمال

الزلیت بار و وی بلون رفته بود و لکن منتظر بودند که در

این روزنامه مراجعت نماید و بعد از آن بنیاد دارد و در بلوکات

فرانسه سیاحت بکند و در پانزدهم ماه آو فرانسه

مطابق ۲۰ دیقعه است مراجعت بیای تحت نماید که آنروز

در میان خود آن عید است

درین ماه در مملکت فرانسه بسیاری از مردمانی که بعلوم و

مشهور بودند فوت شده اند از جمله یکی بوسکی نام که نویسنده

مشهور بود و در علم نویرکان هم مهارت تمام داشت

یکی نیز زوجی که از خوانین بود که او نیز در کتاب نویسی

تمام داشت یکی نیز بکاز نام است که پیشش همراه امپراطور

ناپلیان عظمی در جزیره سنت هلن بود و خودش نیز

در سکام طوبی و آنجا بود

از جمله آرایش و زینت شهر پاریس که درین روزها تمام
رسیده است دریاچه ایست که تازه ساخته اند در پیشه
چون که نزدیک شهر موزارت و درین روزها آب بسیار
انداخته اند و خود امپراطور فرانس نیز بانجا آمده بود

درین روزها شخصی در فرانسه هرگز غریبی کرده است و معلوم
نیت گیت اهل تماشاخانه بعضی اوقات تفنگ را از
بار و ط خالی پر کرده بیکدیگر می اندازند مانند جنگ است
از بابت شوخی و بازی است و کبکی ازیت نمیرسد درین
روزها و یکی از تماشاخانه ها تفنگها را از بار و ط پر کرده
و حاضر گذاشته بودند که در وقت بازی بیکدیگر خالی
نمایند اتفاقاً شخصی از اهل تماشاخانه یکی از آن تفنگها را برد
و دهن لوله او را سرازیر و بر زمین گرفت و دید که گلوله از
افق و بعد از آن تفنگهای دیگر را ملاحظه کردند و دیدند که
در میان هر یک یک گلوله انداخته بودند و تکب این عمل
بجز بدست نیامده و معلوم نیست کت که منظورشان این
که اهل تماشاخانه بیکدیگر گشته و خود را بکشتند

در روزنامه آخر که از پاریس رسیده است نوشته اند
که پادشاه پورتو قال که مدتی در ولایت انخلیس بود بنا
داشت به پاریس بیاید همان امپراطور فرانس بشود و تمام
طوایف را براساسجه او ترتیب داده و اطافهای او را زینت
داده منزل مهیا نموده بودند

اسپانیول

متب که درین ولایت آفتابش است و لکن در روزها
گرفته کلامه بود و کمان داشتند که این آفتابش خاموش
شده باشد حال معلوم نبود که آفتابش منور باقی است

و از قرار روزنامه که تازه آمده است قشون کشی و جنگ
درین مملکت شده است و بعضی از خبرها و صاحبان
دیوان قشون را تحریک کرده و بار عایاچی شده است
و جنگ بقشون پادشاه کرده اند و لکن منظور باغیان
چند طور در روزنامه نوشته اند اکثرشان می نویسند که باغیان
یکه از وزیران دارند و میخواهند در دولت بیارند که وزیران
عوض نمایند اما بعضی شایع میکنند که منظورشان این است که
خود دولت را برسم بزنند و مملکت اسپانیول و پورتو قال
در زیر حکومت یک پادشاه باشد منظور باغیان در دست
معلوم نیست و لکن در چند جای مملکت اسپانیول باغیان
پادشاه جنگ کرده اند در بعضی جاها غالب و در بعضی
جاها یی دیگر مغلوب شده اند و در پای تخت جنگ قشون
پادشاه کرده اند و لکن مغلوب شده و از پای تخت
بیرون رفته اند نسبت سره کشته و پادشاه و وزیران او
داخل پای تخت شده اند در ایام قدیم در مملکت اسپانیول
زن پادشاهی میکرد یکی از پادشاهان سابق که اولاً
ذکر زینت بجهت دختر خود این قانون را برسم زد بعضی
میکویند که یک منظور باغیان این است که قاعده قدیم
باز در آن ولایت برقرار نمایند که پادشاهی زن ممنوع است
و تاج و تخت آن ولایت با ولاد ذکر برقرار شد در حال
اسپانیول بسیار مغشوش است اما تا بحال دول و کمر
روزنامهها نوشته اند که مدخلیت باین کار کرده باشند
و گویا چون دول خارجه در امور آنجا مداخله نمی کنند کار
اند دولت را بخودش واگذار شده است

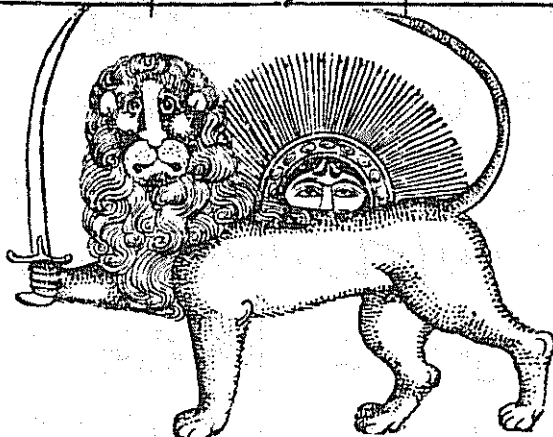
هندوستان

اعلامات

چنانچه در روزنامه های سابق نیز نوشته شده دین
 اوقات بنادارند که راه آهن بجهت ترودکال که بخارا
 سراسر این مملکت را از دکر کلکتة بمبئی تا هندوستان
 چند ماه پیش قدری ساخته و با تمام رسانده بودند دین
 روزنامه ها نوشته اند که راه آهن بزرگ که از بمبئی می
 ولایت میرود نیز تمام کرده و کشوده اند و کال که براه
 انداخته اند در تاریخ ۱۸ رجب قدری ازین راه را بجهت
 ترودکال که چرخ بخاکشوده بودند و بیت و پنجاه
 مدوزن از اعیان ولایت از اهل انگلیس و اهل هندوستان
 بکالکته ای که بیکدیگر مربوط و بچرخ بخاکشوده بودند
 از بمبئی تا کلکتان رفته اند و از درون اهل هندوستان
 در آن اطراف مانند عید بزرگ گرفته روز را بنواختن
 و عیش و معانی مشغول و در معابر کالکته بخاکشوده تا شازده
 داشتند و شب آن روز از شب بازی سکین برپا نموده و
 و خورسندی تمام از راه افتاد و چرخ بخاکشوده و خیر و
 منتقب بسیار بجهت طی مسافت بعیده در مدت کم در آن مملکت
 ملاحظه میکردند حال که این راهها از و طرف هندوستان
 ساخته شده و کالکته بخاکشوده افتاده است معلوم است
 که در اندک مدت بیکدیگر متصل خواهند کرد که از سر تا
 ولایت هندوستان چرخ بخاکشوده و بلکه داخل مملکت بخاکشوده
 بهم بشود و تاریخ کاغه آخر که از هندوستان بایست سیده
 از کلکتة ۱۸ شعبان و از مدرس ۲۳ و از بخاکشوده
 چین ۸ و از مملکت برمه ۵ و از بمبئی ۲۵ و از بخاکشوده
 بود

روزنامه قایم اتفاقیه پنجشنبه بیستم ماه ذیحجه الحرام مطابق سیال با سنه ۱۲۱۹

نطبه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
بکسر الحیاط کمره دار
بشنه پنجشنبه



نمره صد و نود
قیمت روزنامه
یک نسخه ده هر یک
چهار تومان و چهار هزار

اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه ۲۲ ماه ذیحجه اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفتیح و کشت بشارت امیر آباد که درین فصل بسیار با صفا تشریف فرما گردیده و تا حوالی عصر در آنجا تشریف داشتند و نزدیک عواقب بشارت او دیده گردید.

و پنجین در روز دوشنبه ۲۴ ماه ذیحجه احرام حرب حکم هایون بیت عراوه توپ با صاحبمنصان توپخانه مبارکه و متخلین مدرسه دارالقون که بتعلیم علم توپخانه اشتغال داشتند با سواره نظام در صحرای قریب بدو دیه محاذی سمت شرق عمارت حاضر شده اعلیحضرت هایون شانشاهی سوار بر پیاده برده توپچیان در کمال جلالت و مهارت تیر اندازی می نمودند و سواره نظام نیز سوار بر توپخانه اقدام نمودند و بعد از تمام شدن توپچیان موکب هایون معاودت بشارت داد و دیه فرمودند.

چون منظور اعلیحضرت پادشاهی این است که کل رعایای این دولت علیه از هر مذنب و ملت که باشند در هر باب رفته و آسوده خاطر باشند و این معنی که درین روزنامه

میباشد بهمنه نایب الحکومه اصفهان حسب الاشارة الحلیه
صادر شد که داخل و منافع اراضی مسطوره کفای باقی صرف
کلیسای واکشته کسی مدخله باراضی مزبوره نماید و همچنین
در توجیه و تقسیم متوججات دیوانی ارامنه که با مسلمین در
ملک و زراعت و کاسبی شرکت دارند مساوات معمول
دارند و تفاوت در میان آنها نگذارند و همچنین هر هنگام
که عسویه را با اشیای غریبه یا برخلاف با اوقات و بختی
مفرون بحباب با طرفین بمحض جناب امام جمعه اصفهان
طی گفتگوی آنها بروفق حکم شرع بشود و تخفیفی که
حسب فرمان مبارک بار امانه جولا به اصفهان
مرحمت شد است همه ساله این تخفیف استمرار مرا که
اصلاً و فرقا دولت و پنجاه تومان است بجهة القسوة
خلیفه طاووس و سایر خلفای جلفا عاید سازند و
خلیفه مزبور درین روزها شرفیاب حضور علیحضرت
پادشاهی گردیده و مملعت بخلعت تا یون شد و حضرت
انصاف حاصل نموده که مراجعت بتجمل خود نماید

در باب ملک نشستن تبعه دول متجابه در محاکم
دولت علیه ایران در ضمن نموده ۱۸۸ روز نامه سرحدی
شده بود اگر چه فقره ابتیاع خانه و انبار و مکان برای
سکنی و وضع امتعه تجارت که موافق فضل نجیب
تجارتی حضرت داده شده است از اول قسم
از شرح مزبور نشستی بود لکن توصیای در ضمن این وقت
پادشاه میشود که بجهت تبعه دول قسم عهد از قرار همان
فضل حضرت حاصل است که برای سکنی و وضع
تجارت اگر کرایه مثل با اول باولایای دولت علیه

اعلام دارند اگر برای آنها موجود نموندند اذن خواهند
داد که خانه و انبار را با اذن اولیای دولت علیه
پیدا کنند و بی اذن نیست و انداخته نامند

سایر ولایات

اوز پایچان از قراریکه در روزنامه این ولایت
نوشته اند رفسی از نوابش هزاره و الا بتا رضه
صاحب اختیار اوز پایچان صادر شده اصل و فرع
مالیات دیوانی هر یک از ولایات را در همان قسم
مشخص نموده بنامی علما و اعیان و که خدایان و شریفان
خطاب و اعلام کرده اند که بعد ازین جنبه و دینار
علاوه بر مالیات و فروعات قرار داری دیوان
از کسی مطالبه نشود و اگر بالفرض هر یک از حکام
و مباشرین بخواهند زیاده ای نموده علاوه مطالب کنند
رعیت نمکن نگذرد مراتب را در ضمن عرض خدمت
نوابش هزاره معروض دارند که رفع تعدی و اجاف را
بفرمایند بعد از صد و این قسم عموم مالی آن محکمت
امیدواری کامل حاصل کرده اند و همچنین بر طبق حکم
عام تا یون علیحضرت پادشاهی قسمی قسم که بعد ازین
هیچیک از مباشرین و حکام احیدر جریمه نمند ساز گردیده
و بکمر نهشته اند که مقرب الخاقان قایم مقام یکصد نفر
سواره شاطران را بجهت حفظ و حرارت و نظم طرق
و سوار معین کرده اند که همیشه مشغول حفظ و حرارت
کردن قافلان کوه و اطراف تبریز باشند

دیگر از قراریکه نوشته اند مقرب الخاقان شراییه
هر شب جمعه علما و اعیان و اشراف و تجار را بمقامی

دعوت ینمایند و بعد از صرف طعام هر کس مطلبی
باشد رسیدگی ینمایند و موافق عدل احقاق حق
جواب میدهند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند سران
دلفان دسته خسروخان که مأمور بختیاری مفت
و چهارلنگ بودند برای اینکه سان آنها دیده شود
و تحقیق رسیدن موجب آنها را نمایند نواب نظام
شاهزاده و الابرار چشم الدوله حکمران بروجرد
و بختیاری و لرستان و عربستان سر باز بروجرد
در ماه ذی حجه احضار بروجرد نموده باستحضار علیجا
محمد اسمعیل پیک که از جانب اولیای دولت علیه
پسان در رسیدگی موجب فوکر آنجا بوسان آنها
بقت دیده شده و نظم و قاعده آنها زیاده الوصف
سند خاطر نواب مغزی الیه گردید و عالیجاه مشایخ
طوکارسان در رسیدگی موجب نهاده آنها منسبط
طوکاری مهور سپرد

و بیکر نوشته بودند که جنابه مرحوم مهدیقلی میرزا را با
و لوکرا و در چهارم ماه ذیحجه از سلطان آباد حرکت
داده و در ششم ماه مژبور وارد بروجرد نمودند و روز
ورود چادوش و قاری و روضه خوان و علمایان
بجبهه احترام مرحوم مژبور تا یک فرسخ استقبال نموده با
کمال اعزاز و لوازم احترام بشهر وارد کردند و بسم
قدم نمودند و عموم اهالی آنجا از مشایخ و ضعیفان
بگریه و زاری در آمده خود داری نمیتوانستند نمود و بعد

از ورود جنابه مرحوم مژبور را در مدینه سپردند که بقیه
عالیات روانه نمایند

و بیکر نوشته اند که محمود سلطان که محصل تخواه توپخانه
مبارکه بود درین اوقات وارد بروجرد و از آنجا
روانه عربستان گردید و بسم چنین سوارهای نظام
که محصل دو هزار تومان تخواه بودند وارد بروجرد
و مشغول تحویل کفن تخواه ینمایند

نواب امیرزاده ایلدزم میرزا در هرگز سه فرسخی بروجرد
ارد و وارد درین اوقات حب الاجازه نواب شاهزاده
و الابرار بروجرد آمده که دیدن والده و نواب شاهزاده
نموده بعد از سه روز مرخصت بروجرد خدایه

و بیکر نوشته اند که خلف مطلق پادشاهی که با قیام
نواب شاهزاده چشم الدوله بجهت بیرون آمدن از لباس
مرحوم مهدیقلی میرزا محبت شده بود در شانزدهم
ذیحجه وارد شده و نواب سبزی الیه تا خارج دروازه
پیاده باستقبال شتافته و از آنجا بهارت باغ
حلقه کاویون را ریب بیکر مفاخرت خود ساخته و نواب
محمد علی میرزا پسر مرحوم مهدیقلی میرزا هم مطلق
که مرخصت شده بود و مخلص گردیده فرمان مریضان مبارک
که مبینی بر آنها رحم اسم و تفقدات طوکارانه در باره
نواب چشم الدوله و اولاد مرحوم مهدیقلی میرزا
در مجلس خوانده و تقدیم شکرانه نموده از لباس
بیرون آمدند و نواب امیرزاده رضی میرزا و نواب خان عباسقلی
میرزا و دیگران از جانب نواب الدوله و نواب حاکم میرزا و نواب
نواب سیف الدین میرزا بقا تخواهی مرحوم مهدیقلی میرزا بودند

اجبار دول خارج

انگلیس تا پنج روز نامه آخر که ازین ملک رسید
۱۹ سوال بود علیا حضرت پادشاه انگلیس و عمارت
که نزدیک شهر لندن است شریف داشته و لکن بنا بود
درین روزها پهارت خود که در کنار دریا و بجهت تابستان
بسیار جای با صفات شریف ماسوند

استر

ایند دولت بجهت اخراجات زیاد که امسال دارند علیحضرت
امپراطور استر به بنا گذاشته اند که پول از خلق قرض نمایند
با اتفاق معین چون نفی که میدهند بجهت صاحبان تنخواه
خوب است و صرفه دارد بسیاری داوطلب ادای این
تنخواه شده اند از جمله اقوام خود امپراطور استر پستان
فلان که تخمینا چهار کرو پول ایران از قرار هر فلان دو
دینا چیزی بالاتر میشود در میان خود تقسیم و تنخواه آنها
جمع آوری نموده داده اند و تک دیوان خرید و اندوختن
یکی از مالک که چک نمیزد و طیان و چهار صد فلان
کار سازی کرده است اعیان خود پای تحت و پنه طیان
واده اند و اعیان شهر طریست و طیان و پرنس سوارین
که یکی از خوانین بزرگ است یک طیان و تجارت اول
انین تنخواه زیاد بدولت قرض داده و بقرار مقرر
دیوان خرید و اند

اسپانول

از فرار که در روزنامه اسپانول نوشته اند تا پنج چارم
ماه سوال جنگ در مدیترانه بین افواج پادشاه با افواجی که
یاغی شده بودند اتفاق افتاد و درین جنگ قشون پادشاه

غالب آمدند و یاغیان از مدیترانه که پای تخت اسپانول است
بیرون رفتند و در خصوص این گذارش مختصری در روز
هفته گذشته نوشته شد درین روزها که تازه رسیده
نوشته اند که در نزدیکی شهر مدیتره قشون یاغیان با قشون
پادشاه جنگ کردند و از طرفین جنگ سخت نمودند و چنانچه
از پیش بدر فرستید میدان جنگ پراگشته و زخمی بود
لکن بعد از جنگ قشون یاغیان خود را پس کشیدند و قشون
پادشاه شهر را محبت کردند و در بعضی جایهای دیگر پای
نیز که یاغیان سر بر آورده بودند قشون پادشاه با آنها غلبه
کردند و در بعضی جایهای دیگر کار یاغیان در پیش بود چون
سرداران قیوم و مشهور از جمله اسپانیولا و او دین در طرف
یاغیان بودند از خلاصه کار یاغیان پیش رفت بجهت اینکه
هر جا را عایا با قشون یاغیان متفق شده و اعیان شهر هم
طرح داری یاغیان را میگرداند تا پنج کاغذ آخر که ازین ولایت
رسیده شهر سوال بود و در آنوقت پادشاه لا علاج شد
ناچار خودش با غیاث قبول کرده بود و وزرائی را که یاغیان
از آنها کلاه داشتند بیرون کرده این پایترو و سایر را
که بزرگ یاغیان بودند بجای وزرا برقرار شدند و این
قرار ولایت امن و آرام شد

عجمان

در روزنامه اسپانول نوشته اند که تا پنج دوازدهم
دقیقه اعلیحضرت سلطان دختر خود فاطمه سلطان را بجهت
علی غالب پاشا پسر سیوم جناب شید پاشا عقد فرمود
بسته و عروسی میکنند و از عمارت چراغان سلطانی
جهیز و اراکات است بمارت باله لجان که بنای عروسی

در آنجا بود از راه دریا فرستادند و کل انسانی دولت عثمانی
 هر یک بقایق خود نوشته همراه جهاز و تدارکات بجا رفت
 منور فرستاد در روز دیگر نیز غنای منوره را با اسلح
 تمام از عمارت چراغان از راه خشکی بجا رفت بالیک
 برودن کل متوقفین اسلامبول از انسانی دولت و چاکران
 دیوان و خوانین و رعایا و اهل دول خارج درین عرصه
 بلوازم جشن و سرور اقدام نمودند خدمات جناب شهباش
 نسبت بدولت خویش مشهور معلوم است که سالها با کمال
 صداقت و وفاداری و کفایت خدمت بدولت می کند و عرصه
 منور معلوم است بجهت خدمات او است که منوطاً خاطر
 گردیده است

بعل آمد است
 از آنجا که از دمشق نوشته اند امسال کمتری از آنجا بزیارت
 بیت الله حرام فرستاده اند و در آخر ماه شوال عارف پاشا
 میر حاج با قافله حاج از دمشق روانه شد

ایضا در روزنامه اسلامبول نوشته اند که عباس پاشا
 حکمران مملکت مصر درین اوقات وفات یافته است و
 سعید پاشای ابجکمرانی آن مملکت برقرار شده است
 در اسکندریه بود و قتی که خبر فوت عباس پاشا پادرسید
 از آنجا با بعضی چاکران دیوانی و کل قونسولها و قونسول
 جنرالها و صاحب منصبان دول خارج که در اسکندریه بود
 روانه قاهره پای تخت مصر شدند و بتایخ هذی قه
 فریاد فدی از اسلامبول بادستخط شریف سلطانی که
 در باب تفویض حکومت مملکت مصر به سعید پاشا منصوبت او
 بجای مرحوم عباس پاشا حکمرانی آن ولایت صادر شده بود

درین روزها کشتی جنگی پادشاه مانده باصمیر آمد و چند
 در آنجا توقف نموده بعد از آن بولایت خود مراجعت کرد
 چونکه سرمنگ کشتی منور کشتیبانان بسیار خوش سلوکی
 با اهل شهر کرده بودند خصوصاً در خاموش کردن آتش که
 بان شرافت داده بود دست از جان خود کشیده و باید
 خلق آمده بودند بدین سببها اهل شهر از رفتن سینهک
 کشتیبانان منور بسیار متأسف بودند و فرنگیها که توقف
 آنجا بودند همه کاغذ رضامندی نوشته قول گذاشته
 بصاحب منصب کشتی منور دادند

مامور و روانه مصر گردید
 در روزنامه آخر که از اسلامبول رسید در باب تغییر غلام
 باین طور نوشته بودند که سرخ مال اسمعیل کبیله که عیار
 از چهل حقه تا پنجاه و چهل و چهار فروش و کندم فلان

ناخوشی و باد اسلامبول و بعضی جایهای آن سمت برزگر
 و لکن تا بحال چندان شدت ننموده است و در اسمیر شهرت
 داشت که ناخوشی بود و لکن اطباء درین باب دوا فرمودند و
 بعضی معتقد بر و زاین ناخوشی در آن ولایت بودند و بعضی دیگر

انکار این سخن را میکردند و می گفتند ناخوشی درین وایت
ست اما ناخوشی و بابت

راه آهن که مابین اسکندریه و رکن راق و دیگر مقصده سیون
در ساحل بحر الاحمر است کم ماند است که نصف بیشتر تمام شود
انظرف راه که مابین اسکندریه و قاهره مصر است تمام شده
مگر فرسخ و نیم آن باقی است که آنرا هم در کارند که بسازند
حالا هم سیاح در کال که درین راه می نشیند و در آنجا که
راه تمام است از کال که خرج بخار بیرون می آید بجز
واسب سوار میشوند تا با نظافت راه که درست شده است
برسند حالا از اسکندریه تا مصر در دو روز و ساعتی
و همیکه راه تمام ساخته شود روز و دو تر خواهد رفت

بنکی دنیای شمالی

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند گفتگویی
مابین وزیر مختار دولت اسپانیول و نمای این دولت
درین اوقات قریب با صلاح بود چندی پیش ازین کشتی
از اهل بنکی دنیای شمالی در جزیره کوبه که در حیطه تصرف
دولت اسپانیول بود گرفته بودند بهمانه بنکی که آنجا که
درین کشتی نشسته اند بخیر مزبور آمده اند که فتاد و
یا عسکری و میان خلق برپا نمایند حال دولت اسپانیول
راضی باین شده اند که قیمت کشتی و ضرر صاحبان تنخواه کشتی
مزبور را بپردازند اما بعضی از اهل بنکی و بنا چشم باین جزیره
دوخته اند راضی باین حربه شده اند و میخواهند جزیره بوز
به طور که باشد تصرف نموده و اهل مالک بنکی دنیای شمالی را

احوالات متفرقه

در بعضی از ممالک فرنگستان دخترها هستند که از دنیا

کشیده سیاه پوش میشوند و مشغول امورات خیر و ثواب
میکردند ازین دخترها که اکثرشان فرانسستند در مالک
عثمانیه جمعیت پیدا شدند که در معالجه و پرستاری مرضی
بسیار بکار خورده اند خصوصاً درین روزها که ناخوشی و با
در بعضی از شهرهای مالک عثمانیه بروز کرده است این
شب و روز مشغول معالجه و پرستاری غلی هستند و چون شنیده
که در کلیسای نسبت بجایهای دیگر این ناخوشی بیشتر بروز
دارد چند نفر با تنجاریه اند که در بیمار خانهای که دولت
محض معالجه مرضی فقر ابراه انداخته اند مشغول معالجه و پرستاری
بکار ما بشوند و دولت فرانس در نزدیکی اسلابول نیز
بیمارخانه بنجیه کانی که ناخوشی و با سیکیرند برآه انداخته
در آنجا هم ازین دخترها گرفته اند که معالجه و پرستاری و تیمار

نمایند

در روزنامه اسلابول نوشته اند که در شهر خبر بمبلین نش
اقتاده و اسمعیل شاه حاکم آنجا روز و خبردار گردیده آتش را
چنان خاموش کرده بود که بیشتر از یک خانه سوخته بود و بیشتر
نسبت بشهرهای دیگر آن سمت تنجیه خاموش کردن آتش
اگر اتفاق بیفتد بی تدارک است بیشتر از منجیق آب پاشی در
آنجا ندارند و نظام آتش خاموش کن آنجا نیز مانند اسلابول
نظم ندارند این گذارش را در روزنامه چاپ زده اند که
رفع این عامله نمایند و علاج بکنند سه سال پیش ازین که آتش
بناجا افتاده بود چنان شدت کرده بود که گذشته از خانه ها
بسیار که سوخته بود انبارها و دکانها و جود کار و سایر
و غیرهم فراوان سوخت و درختهای زیور نیز بسیار
گرفت و چون گذران اهل آنجا از حاصل زیور است که غن

اورا گرفت میفرودشند خرابی و ضرر بسیار این باب
 با مالی آنجا رسیده که تا سالهای سال تلافی این خسارت
 و بطوریکه پیش ازین آتش گرفتن آباد و باغات زیور خان
 داشت بسیار طول دارد که بان سرخانه بیاورد پس گفت
 آخر دوبلیه بزرگ باین جزیره روی داده است یکی آتش
 که بان تفصیل خرابی فاحش آنجا رساند و یکی هم بعد از
 حرق رستانی در آنجا شدت سرد کرد و بطوریکه هر چه در
 زمین که از آن آتش باقی مانده بود ستر ضایع کرد
 درین روزها از مملکت ستر الیا بولایت انگلیس خبر دهشت
 روز آمده بود که سابقا در پنج ماه پیش با خبر میرسد و این
 از راه پانامه آمده است حساب کرده اند که وقتی که راه آهن
 ما بین دو دریای آنجا ساخته شود سیاح و مکاتب از ولایت
 ستر الیا بولایت انگلیس در پنجاه روز میرسد
 در ولایت پانامه و در موقت مملکت ایتالیا درین اوقات
 جزئی شده بود اما زود موقوف کرد
 و در اینک پیرمه راجه نجیب سینک که سابقا حکمران
 لاہور و پنجاب و کشمیر بود درین روزها بولایت انگلیس
 بعد از وفات ریجید سینک به حکام طفولیت ده لک
 و الهه اورانی نام مملکت رانی میکرد و چند سال هم با او
 انگلیس جنگ میکرد وقتی که انگلیسها پنجاب را تصرف شد
 رانی فرپورده از آنوقت باپیش ده لب سینک و رنده
 بودند و از دولت انگلیس مواجب میگرفتند درین اوقات
 بولایت انگلیس رفته است و در راه که از هندوستان بپیش
 می آمد در هر جا که منزل کرده بود کمال اعزاز و احترام نسبت
 با و بعلی آورده بودند در ماله همان حاکم جزیره مقرر شده بود

و از جبر التارک عموم میگردد تو سلام بجزمت او خالی کرد
 بودند چند نفر از نسیم ولایتی های خود بولایت انگلیس آورده
 و یک اسب عربی بسیار خوب بجهت سواری خود همراه داشت
 شالیه حال این شازده سال است بلند قد و با یک
 خوش اندام است و نسبت با ابراهیم هندوستان چند
 سیاه نیت چهره اش قدری کشیده و دراز است و در
 و گفتگو بسیار معقول و مملو و قهار و نخب و سلاطین کمال
 و قار و طامیت دارد در کشتی که بود شطرنج بازی میکرد
 و بازی شطرنج را خوب میباید زبان انگلیس را خوب
 حکم میکند و در دین عیولیت از مذہب پروتستان
 و منظورش از آمدن بولایت انگلیس این است که چند
 وقت در آنجا توقف بکند که معرفت تمام در زبان و قاف
 و قانون آن ولایت بهم رساند
 اهل شهرهای کناره رودخانه رین بجهت حرمت بولید و
 پروتستیه و رنجه او کتا بچه که ششاد شکل نقاشی خوب
 در آن است که با رنگهای آبی کشیده اند پیشکش کرده اند
 و نوشته این کمال همه کارستانان قابل است و چهار هزار و
 قیمت کرده اند
 در فرات و نه و ولایت انگلیس آنست شمال
 فرنگستان در روزنامه های سوال نوشته اند که میوه
 در آنجا بسیار کم یاب بود و سرمای سخت منستان
 بسیاری از درختهای میوه دار آنجا رانده و ضایع کرده
 و سال بارنداده اند مگر در بعضی جاها که روی درختها را
 پوشانده و از سرما محافظت کرده بودند آن درختها
 خوب داده اند

۱۲۲۵

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ و پنجم شنبه خرم ماه محرم مطابق سال یارسان ۱۲۲۷

نمره صد و نود و یک
قیمت روزنامه
یک نسخه دپا هر یک
هفتاد و چهار نفر



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک خط الا چهار خط یکصد و بیست
بیشتر با هر خطی هر

اخبار دهنده مالک محروم و پادشاه

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت پادشاهی که چند روز در عمارت وادود
تشریف داشتند در روز چهارشنبه عوم ماه محرم
غیبت دارالخلافه مبارکه نمودند چاکران دیوانی عمارت
سلطانی را بجهت ورود موکب هایون زینت و آرایش
دادند و چمنین کوچه و بازارها و جاما بنک محل عبور موکب
فیه دزی کوکب بود آرایش دادند و عموم امانی دارالخلافه

مبارکه که بجهت زیارت وجود فایض الجود بیرون آمده در
بیرون شهر و در داخل شهر همه جا از دهام تمام نمود
و از آنجا که موکب هایون حرکت فرمودند همه جا نظام
نصرت فرجام از توپچی و سرباز و زنبورچی فوج فوج
دسته دسته در دو طرف راه صف کشیده و یک
زنبورک بکرات بقاعده معموله گردیده سواره نظام و
افواج فاعده در کمال آراستگی بشکوه بنظر مبارک
رسیدند و موکب هایون از دروازه شمیران
شهر گردیده چاکران در بارهایون از اعالی وادیا
چون این ایام آیام عاشر است و امنای دولت علیه
و مقربان حضرت کردند و بطب سینه و عموم خلق طوبی
تغیبه داری جناب سید الشهدا صلوات الله علیه
علیه مشغول اند لهذا اعلیحضرت پادشاهی درین روز
کمال امن و امان و عسوم نوکر بابت از نظام غیر
نظام مرخص فرمودند که در کجا یا دجا مانعی که مجلس
داری برپا میشود بلو از تم تغیرت اقدام نمایند و گایا
دولتی و تجاری ای سائر خلق را بطریق معمول ترتیب داد
عموم خلق مشغول تغیریه داری و حصول دعا کوئی دانست

قدس هائون شینا و دین ده روزه افواج قاهره نظام نیز
 حسب الامر هائون شینا متعاند

نظر بلا حقوق خدمات مرحوم مهدیخان و مراتب استعد
 و قابلیت عالیجا به نتیجه اخوان حاجی آقاخان ولد مرحوم
 این روز نامتصب که توالی و قلعہ یکی کری دار السلطنه
 تبریز را بعد از اقرار فرمان مبارک تحویل و تسلیم دولت
 تومان از مواجب مرحوم مزبور برسم انعام مستمری بموجب
 سابق عالیجا هاشم را الیه افزوده و دولت تومان هم

در باره و وفات برادرش حبیب الدخان و مهدیخان
 برقراره حجت فرمودند و امر سررستی حمله ارامنه دار السلطنه
 تبریز و امورات باغ شمال و خلعت پوشان نیز که حاصل
 و یوان اعطای است کافی السابق بعد عالیجا هاشم را الیه
 محول شد و بر طبق مناصب مزبور فرمان قضایان
 هائون صادر گردید

سایر ولایات

اصفهان از قرار یک در ضمن روزنامه اصفهان نوشته
 بودند عالیجا چرخسلخان نایب الحکومه آنجا در رفع
 بی اعتدالی و تعرضات قطاع الطرق و نظم طرق و
 کمال اهتمام دارد و از هر کس برسیل مذرت مالی در
 معرض راه و حیره سرت شود اوقات خود را صرف
 استرداد آن می کند از جمله از قرار یک نوشته بودند
 از اهالی فارس یکبار قلع باصفهان می آورده است
 در خارج دروازه الاغ آن شخص با بارش مفقود شده
 بود مراتب را عالیجا هاشم را الیه حالی نموده است تمام کرد
 مال آن شخص را بعینهایمیده نموده رد کرده بود همچنین

اموالی از چند نفر دیگر سرت شده بود عالیجا هاشم را الیه
 در مقام تفحص و جستجو برآمده رمضان نام مشهور کاپی

که از الواط بوده است گرفته و او بالاخره اموال را برود
 داده عالیجا هاشم را الیه بعضی را بعینهایمیده گرفته و در عمارت
 چلستون تسلیم صاحبان آن کرده و خود رمضان
 نام را حبس کرده که بعد از استرداد بقیه اموال مردم

حکام او بشود خراسان

از قرار یک در ضمن تخریرات در روزنامه خراسان نوشته
 بودند بعد از آنکه قلع کلات مفتوح و تسخیر شده بود استیلا
 شاهزاده و ابلار فریدون میرزا فرمانفرمای مملکت خراسان
 خود بکلات تشریف برده امر آنجا را نظم کامل داده اند
 و بعد ضرورت از افواج حشده و فرمانی در آنجا گذاشته
 طوری نظم داده اند که ساخوی که از دولت در آنجا
 بستند با کمال نظم رفتار نمایند و اصلاحات قاعده نظم

از آنجا نسبت باجید واقع نشود و از جانب اولیای دولت
 علیه اسم بنوآب مغزی الیه حکم و مقرر شد که سیاحت نوکر
 ساخو آنجا را درست بانها برسانند که همیشه آذوقه پنج ششماه
 خود را در آنجا حاضر و آماده داشته باشند و بجهت آذوقه و
 سیاحت تنگی نکند و با کمال نظم و قاعده رفتار
 کنند و ازین جهت امیدواری کامل از انتفاعات
 اولیای دولت علیه برای اهالی کلات حاصل
 شده است و قدر اطاعت و انقیاد و خدمتگذاری
 این دولت قوی مکت علیه را دانسته و بشکرا و دعا

اقدام دارند

کرمان

از قرائیکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 قاضی از خراسان و شیراز و یزد و اردکرمان گردیده و از
 اینست طریق و شوارع رضامندی تمام داشتند و بهم درین
 بعد ریکه از و پانصد نفر زوار با جمیعت کرده بودند که باز
 اقدس روانه شوند امیرالامرا العظام محمدخان سیردا
 حکم ان یزد و کرمان سجای محبیک سرگرد و تفنگچی خجی
 نموده که با استعد تمام از بلوک را و رانها و جمیعت
 تابعیه زوار نیز از اطراف و بلوکات که جمع شدند آنها
 محارست نموده و از منازل خطرناک بگذرانند
 و همچنین رتوارنیا و نیز درین اوقات بعزم زیارت
 عبات عالیات نوشته اند که از کرمان جبع شده
 راه اصفهان عازم شده اند که با جمیعت رزاری که از
 آنجا فراهم می آید روانه قصد شوند

دیگر نوشته بودند که چون برج و باره کرمان تعمیری لازم
 داشت امیرالامرا العظام سردار چند نفر را بخصوص مامور
 کرده و متخواه داده اند که انجبا را تعمیری که لازم دارد
 و بنام عمل مشول تعمیر باشند از قرائیکه نوشته اند درین روز
 مشول تعمیر انجا شده اند و قریب تمام است
 دیگر نوشته اند که در تابستان امسال هوای کرمان چند
 روزی بسیار گرم شده و باد های گرم سخت وزیده است
 زراعت صیفی را آسیب رسانده

و دیگر نوشته اند که نظر بملاحظه رفاه حال رعیت و حصول
 دعا کو فی جهت ذات اقدس بایون از اول سال تا ۱۰
 مبارک رمضان امیرالامرا العظام سردار رعایا را از
 حواله مالیات دیوانی معاف داشته و بعد از ان قدغن
 کردند که مباشرین اول قسط خزان را تدارک نمایند و در
 کار جمع اوری متخواه قسط چباشند و وجهی ازین باب
 تا حال مصوب دو چار تا و در بایون داشته اند
 دیگر نوشته بودند که در باب وجه قسط حسند و قضا به مبارک
 بعد از ورود و عالیشان ولی یک تفنگدار قدغن کرده اند
 که تدارک نمایند و روز بروز بحیط وصول رسیده کن
 خیر احاج حاجی علی سجه حسند و قضا به از وجه مزبور شال خرید
 مناسب

اخبار دول خارجه

درین پنجه چارجه از فرنگستان سید و انجبا که کشت باین روز
 داشته با یک دیرب هم خود اول نوشته اند
 انگلیس کاغذ آخر که از لندن سی ۱۷ دیته بود و در روز مزبور
 پادشاه به شونجه خوانین تشریف آورده بودی تحت حکم انی چنانچه قانون
 برالاست قرار گرفته و پرس البرط و امنای دولت به یک مقام خود
 نزدیک تحت قرار گرفته بود و شاه و کلای عیار انجسور استند آنها نیز
 باین اقامت شونجه و به جامعین حاضر بود پادشاه و پاشا که چون کاغذ
 که امسال با بل شونجه رجوع شده بود سیر انجا نمود و اهل هر دو شونجه که
 خوانین و ویکارایا اینها مرخص غایتند تا قریبکه احضار شده و در شونجه
 اجلاس نمایند و نیز در ضمن فریشت اهلار کمال خاندی از کار گذاری آنها
 نموده بودند که درین چند تا که در شورت نشسته و مشول باه بدون امروز
 بودند نهایت قنطاط و صفت غیر تمندی و کفایت را بعل آورده اند

فرانسه

اعلیحضرت امپراطور فرانسه باز و چه خودش در قصبه
بیاضتر که چشمهای آب گرم مشهور است بودند و از آنجا
بنا داشتند که بشهر بروند که یکی از شهرهای معتبر فرانسه
بروند و اهل بروند در کاترینا و دیچه و رود امپراطور
میدیدند که آنچه لازم است و احترام است در و رود
فرانسه بجل میاورند و بعد از رفتن بشهر بروی پاریس
پای تخت فرانسه مراجعت می کنند بجهت ۵ ماه او و
آن ایام که مطابق ۳۰ دی قمری است و بعد از نماینها
و عیش اعیان و نور امپراطور فرانسه بار دوی سنت
خواهد رفت

سایر ممالک فرنگستان

مملکت اسپانیول که درین ایام اغتشاش تمام داشت
سوافتی خبر آخر که از آنجا آمد قدری آرام گرفته بود ولیکن جنگ
سخت در پای تخت مدو شده بود و در یکطرف یاعیان
بودند و بعضی از قشون که طرف یاعیان را گرفت بودند
و در طرف دیگر علایا و بعضی از صاحب منصبان و خبرها
و در هر جای شهر پای تخت سیه بندی کرده بودند و بعد
پانصد سکر در کوچه ها خسته بودند و جنگ سخت آنها
پای تخت بتاریخ ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ ماه شوال اتفاق
افتاده بود و در اکثر جایها یاعیان غالب آمدند حتی میان
جبهه خانه و مدرسه حربه ریخته و سلاح جنگ از آنجا
بیرون آورده بودند و عمارت سلطانی را تاخت کرده
عمار و وزیران و عمارت نموده بودند یکی از عمارات
هم که در میانش اثاث البیت گرانها داشت آتش زدند و

و اسباب آنجا بعضی اوراق و اوراق درآمده بود و خصوصاً
پردای نقاشی خوب که در سپانیول بهتر از آنها برده
بعد ازین چند روز جنگ سخت طرفین مانند ایکه از حوزری
خسته شده و از جنگ تنگ آمده باشند دست از جنگ
باز داشتند و لکن یاعیان و سته بسته بروی سکر
که ساخته بودند پستیا دی کرده بلکه سکر را سخت تر
و استحکامات را بیشتر میکردند تا اینکه پادشاه سپانیول
نام را خواسته و وزارت را با او تفویض نمود و وزارت
دیگر که هم شور و هم مصلحت بود و دوزارت امور
دیوانی برقرار شدند آنوقت پای تخت و ولایت آرام

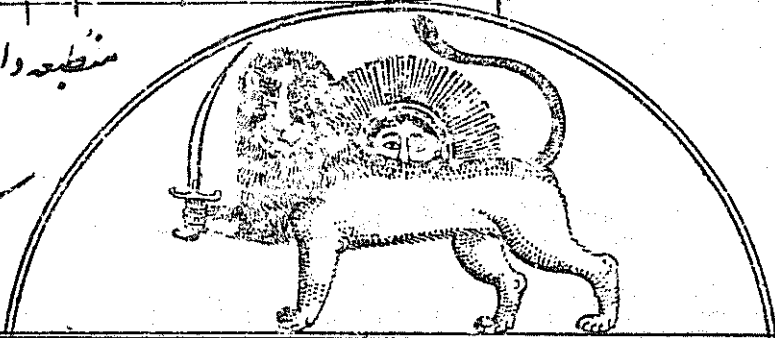
موسوسه که پسر وزیر مختار دولت جمهوریکی دنیای شمالی که
اسم موسوم و مقیم اسپانیول بود بلند آمده است که
با وزیر مختار دولت سنیکی دنیا مقیم لندن دایم امور اسپانیول
مسورت نماید

در یکی از روزنامه های فرانسه که لایطریا نوشته اند که درین فرانسه و
و سایر دول فرنگستان که در سمت خط است و اسپانیکی دنیای جنوبی
ملک داشته باشند هرگز ارضی بطلب نمیشوند که دولت سنیکی دنیای شمالی
ستاره جزیره کوئیب با بلب ایکه جزایر کوئیک آن سمت که در حیطه
دول فرنگستان است جایهای خاص خیر و منفعت است و اگر بنا
باین باشد که هر کس در آن صفحات زویش بیشتر بایستد ازین جزایر
بشود و چیک از پادشاهان که در آنجا ملک دارند خاطر جمع برای
آنها دایم آن اطاعت می ماند و اگر هم دولت اسپانیول بخوابد رضا
خود دست از جزیره کوئیب بکشد و دولت پادشاهان که در آن سمتها جزیره
دارند نمیشوند زیرا که قانون دول در مملکت داری این است

روزنامه قایم انفاقیه سیاحت پویم شنبه وازدویم محرم امطابق سال ۱۲۳۱

نمره صد و نود و دو

قیمت روزنامه
یک نسخه و پنج کبیله
هفتان و چهار هزار



منطبعة دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک خط اول چهار سطر یک سطر
بیشتر شش سطر بخار

اخبار داخله ملک و پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون درین اوقات ایام طشور است و بقرار معمول
هر سال جمیع نگاری ایارک و شه دارالخلافه طهران
بجهت تغیره داری بسته اند از جمله مکیه دولتی ایارک
امسال بحسب حکم جناب جلالت آباء مجد شرف
صدراعظم بسیار خوب و بهتر از سالهای دیگر بسته
و بحسب زینت از سالها و پردای کرانها و بلور آلات
چراغان فراوان کمال زیب و زینت داده اند و
اقس بایون پادشاهی هم همه روزه یک یک نور
در وقت تغیره شریف فرما کرده و چون اسباب
چراغانی فراوان در صفا و طاق ناما از قنادیل کلا
ولاله و مددکی و غیره اوخته اند و شبها چراغانی خوب
و ممتاز میشود اعلیحضرت پادشاهی شتاسو عارام
تشریف فرمای مکیه فرموده کرده و شام را در منزل
جناب محضرت صرف فرمودند

سایر ولایات

اصفهان چندی قبل ازین در منزل مورچه خورث
که متعلق بجاک اصفهانست قافله را در زورده بود مستحقین
حض راه که عالیجاه چراغعلیخان نایب الحکومه اصفهان
مشخص کرده و گذاشته بود و منجر شده متعاقب دزدان
و معلوم کرده بودند که سارقین را بختیار بهای ساکنین
بوده اند عالیجاه چراغعلیخان را اخبار کرده بود و اقام
عالیجاه ایازخان یوزباشی را با چند نفر غلام مأمور کرده
رفته چهار نفر از سارقین را بدست آورده بودند و کثیر
اموالی که از آن قافله دزد برده بود و بعینه از آن سارقین
گرفته تحویل صاحبان مال کرده و خود سارقین را بر حسب
امر ادبیای دولت قاهره روانه دارالخلافه فرمودند
که در دربار بایون حبس الاشاره العنیه برای خود
در وقت تغیره شریف فرما کرده و دیدند از آنجا

و نیز از دربارها بون حکم صادر و محصل مامور گردید که
رفته بقیه مال تجارت را هم که سارقین به کرمان دادند
گرفته رد نماید

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند سبب کرمی
هوای بند عباس و اولاد و مستحقین آنجا تا بیاورد
تخت از حراست آنجا کرده بودند و سید ثوینی بگرام
مسقط با جماعت اعاب اتفاق کرده علی القله به بند عباس
رفته آنجا را تصرف کرده بودند چون بند عباس نسبت
کرمان قرب جوار دارد بعد از آنکه این خبر بامیر العظام
محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان رسید فوراً
مقرب الخاقان عبداللہ خان میرنچ پس خود را که تدارک
دید بود برای عروسی روانه دربار تایلون نماید تعیین نمود
با پنجاه نفر قشون از سرباز و سواره و پیاده و چند عراوه
و قورخانه و استعداد مأمور و روانه بند عباس نمود
و چون در بند عباس بجهت شکلی که میرات فارس
غلبه نمود لهذا امیر العظام شارالیه مقدار دو هزار مرد
عقبه بهرامی مقرب الخاقان عبداللہ خان و آن قشون را
روانہ کرده و بزار خروارسم و ستاد در حال رود با
که متصل به بند عباس است احتیاطاً برای سیویات
قشون آماده و حاضر نماید

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند فوج جمعی
رستم خان در مشق اهتمامی تمام دارند و همه روزه در میدان
دربار که مشغول شتد و چمن چمن توپچان نیز عصرها
در میدان توپخانه همه روزه مشق می کنند و بسیار نظم و

قاعده و معقولیت با مالی آنجا سلوک دارند و از اہتماماتی
که امیر الامراء العظام محمد حسن خان سردار در نظام امیر
انہا دارد قدرت اینکه خلاصی از عموم اہل نظام آنجا
صادر بشود یا احدی از آنہا بکسی تعدی نمایند ندارند و چمن
امور خانه آنجا بسیار مضبوط دارند و حسب حکم امیر العظام
سردار همه روزه مشغول بختن کلوز توپ و سایر لوازمات
تو خانه ستند

و بکرا از وقایع اتفاقیه در ضمن روزنامه این ولایت نوشته
که محمد نامی از بقالان شهر که در میدان کجلی خانی بساط می
زنند و می اورا کریدہ بود و بعضی کریدن زینور فوراً اتفاق
جان تسلیم کرد

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته شده بود
بجناب احمد و فتح افندی سفیر کبیر دولت عثمانی که از راه
کرمانشاهان عازم و روانه دولت خود بودند بواسطه
شاهزاده و الا تجار عماد الدوله امام علی میرزا حکمران کرمانشاهان
از رعایت شرایط احترام نظر بر سوم و داد و لیتن متضای
و فروگذار کرده اند

دیگر نوشته بودند زواریادی در کرمانشاهان جمع شده
میشوند و بواسطه شاهزاده امام علی میرزا برب
حکم و قرار داد اولیای دولت علیه تعدی کرده اند که در
بی نظم و متفرق و جدا جدا شوند بلکه هیئت پانصد نفر یا
کتر را بیشتر با اجماع و اتفاق برونه و بیساحت
کمز از صد نفر نباشند و زواریزین نظم و قاعده
معمول میدارند

اخبار دول خارج

انگلستان ازین ولایت درین هفته اخباری که مستند است
باین روزنامه یادداشت شده است

فرانسه

از مریتر تاریخ ۵ ذی قعدة نوشته اند که ناخوشی و باد
شدت داشت در آن اوقات تحف کتی یافته بود بطوریکه
بنصف آنچه در ایام شدت تلف می شد رسید

ایتالیا

در روزنامه این ولایت نوشته اند در باب اعتشاش
جونی که در پاریس شده بود قشون دولت بیرون آمده
و نایره اعتشاش را فروخته اند و بدین وسیله
که سبب اعتشاش چه بوده و متحرک اشوب هنوز معلوم

نیت کت

سوئیس

در روزنامه مملکت سوئیس نوشته اند که گفتگویی که بین
این دولت با دولت استریتیه بود درین روز با اصلاح
که نوشته است و دولت استریتیه بنا دارند قشونی که در

سرحدات داشتند بردارند

عثمانیه

در روزنامه اصمیر نوشته اند که عید امیر اطور فرانس را
در اینجا با کمال اساس گرفته بودند و قشون خبرال
دولت مقیم اصمیر و همه صاحبان و کل اهل فرانسه که
در اینجا بودند اول بکلیار رفتند و عبادتی که درین ایام
مداومت بعمل آورده و در فرودگشتی جنگی که یکی از دولت
استریتیه و یکی از دولت مالند و در بروی شهر اصمیر

افزایش بود و سحرمت عید امیر اطور فرانس نوپ سلام
خالی کردند و از خصار و سنگر دور شهر نیز سحرمت
عید امیر و شلیک توپ نمودند و کل قشونهای دو
خارج مقیم اصمیر از منازل خود بیرون دولت خود را
بالا کشیدند

و دیگر نوشته اند که کمال افندی درین روز نماز جانب
اعلی حضرت سلطان مأمور بر لیلین پای تخت پرستیده
که در اینجا بنصب الیچی مخصوص و وزیر مختار از جانب
عثمانیه مقیم بر لیلین با و در تاریخ ۲۱ ذی قعدة الیه
وارد اصمیر که از اینجا روانه مقصد شود و الیچی مریتر
و انابان قابل و بسیار با و کات و فطانت و حیا
کفایت در بار سلطنت چند سال پیش ازین در
در مملکت ایران متوقف بودند و بعد از آن همیشه بنحایت
عده از دولت خود مأمور مشغول بودند تا درین اوقات
رسته او را تفریق داده بر تنجه اعلا الیچی که می مخصوص
وزیر مختاری رسیده و سر امپراتور الیه درین سفر
موسسوار است و کی بنصب شیری سفارت و پرتو افتد
بنیابت اول با ذی قعدة بنصب و یکم روانه

و دیگر در روزنامه اصمیر نوشته اند که نزد یک بلایک در
غریب و جور پیدا شده اند و در آن اوقات سه نفر
که یکی چا پار بود و ابراهیم آقا نام و یک نفر از اهل یونان
نیز با یک چو در راه او بودند بدست دزدان افتاد
و دزدان آنها را برهنه کرده بودند و پولی که همراه
داشتند همه را برده بودند و بعد از آن ابراهیم آقا
با آن شخص یونانی رها کرده و جهود را نگاه داشته بودند